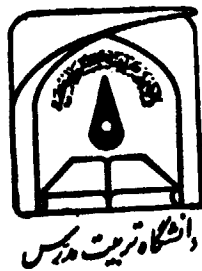
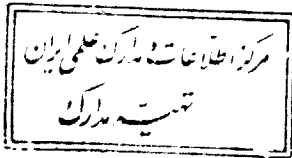


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۷ ۷ ۷ ۷



۱۳۷۴ / ۱۶ / ۲۰

دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد باستانشناسی گرایش
پیش از تاریخ

تدفین در ایران از آغاز تا ۵۰۰۰ پ.م

احمد چایچی امیرخیز

استاد راهنما
دکتر حسن طلایی

استاد مشاور
علی اکبر سرفراز

تابستان ۱۳۷۵


۷۷۷۷


۷۵۶۷۸۴
۱

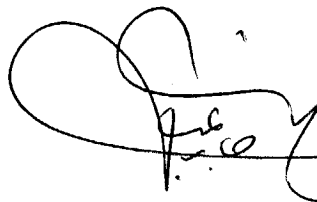
“نمونه فرم تأییدیه اعضای هیأت داوران مندرج در پایان نامه کارشناسی ارشد”


بدینوسیله پایان نامه کارشناسی ارشد ~~محمدنعم~~ آقای احمد جاپچی امیرخیز تحت عنوان
“..... تدفین در ایران، از آغاز تا ۵۰۰۰ هجری قمری.....”
تقدیم می شود. اینجانبان نسخه نهائی این پایان نامه را از نظر فرم و محتوی بررسی و تأیید کرده و پذیرش آنرا
برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنیم.

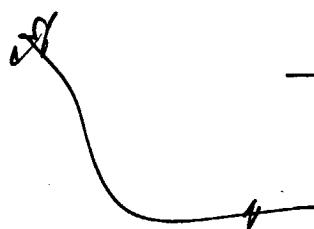
نام و نام خانوادگی و امضاء اعضای هیأت داوران:

استاد راهنما: دکتر حسن طلائی


استاد مشاور: علی اکبر سرفراز


آقای دکتر جابر عناصری


آقای کریم حاجی زاده


مدیر گروه


کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و ... از
پایان نامه کارشناسی ارشد برای دانشگاه تربیت مدرس محفوظ است. نقل
مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تقدیم

این پایان‌نامه را به استاد بزرگوارم که همیشه مدیون راهنمایی‌های دلسوزانه ایشان هستم مرحوم دکتر محمد صالح صالحی که در راه انجام ماموریت باستانشناسی در سال ۱۳۷۴ به دیدار حق شتافت تقدیم می‌کنم.

تشکر و قدردانی

از کلیه اساتید و محققینی که مرا در تحقیق و تهیه این پایان‌نامه یاری کرده‌اند بخصوص از استاد راهنما آقای دکتر حسن طلایی صمیمانه سپاسگذارم از آقای ریاضی سرپرست محترم کتابخانه موزه ملی ایران، ایران باستان سابق بخاطر در اختیار قرار دادن منابع کمیاب پیش از تاریخ و از آقایان رضا مؤمن و رضا رضازاده که مرا در تحقیقات میدانی همراهی کرده‌اند کمال تشکر را دارم. از موسسه باستانشناسی دانشگاه تهران بخاطر مساعدت در تکمیل پایان‌نامه متشکرم و در پایان مراتب قدردانی خود را از مادر مرحومم فیروزه درخشانی که با وجود مرارت‌ها و رنج‌هایی که در راه تحصیل در علم باستانشناسی وجود دارد همواره مشوق اینجانب بوده‌اند، ابراز می‌دارم.

چکیده

این دوران با تدفین گودالی که ساده‌ترین نوع تدفین است و با استقرار موقت آغاز می‌شود. در دوران استقرار در روستاهای اولیه تدفین‌های زیر کف دیده می‌شوند، تدفین‌های خمره‌ای مخصوص نوزادان، کودکان و جنین‌هاست و بیشتر در منطقه فلات مرکزی ایران دیده می‌شوند. تدفین‌های صندوقه‌ای مخصوص تپه حاجی فیروزاند و در هیچ کجای خاورمیانه نمونه‌های آن یافت نشده‌اند همچنین این تدفین‌ها نشان‌دهنده تدفین ثانویه در ایران هستند. مواردی دیگری از تدفین با توجه به شکل ظاهری دیده می‌شوند که تابوت‌های خشتی گنج دره و گورهای خشتی نامنظم تپه زاغه از آن جمله‌اند. وضعیت تدفین در ارتباط با جنس تغییری را نشان نمی‌دهند ولی در رابطه با گروه نابالغین توجه ویژه در تدفین در آنها دیده می‌شود. به طور کلی دفن اجساد در زیر و نزدیکی مناطق مسکونی از ویژگیهای این دوره است. طرز قرارگیری اجساد در آغاز استقرار بیشتر به حالت جمع شده است ولی در دوران روستانشینی اولیه و روستانشینی میانه حالت درازکش و گوناگون نیز دیده می‌شوند. برای نخستین بار تقسیم‌بندی مواد و آثار قبور به صورت زیر ارائه می‌شود:

الف - تزیینات و زینت‌آلات شخصی ب - آثار و اشیای تدفین ج - هدایای قبور، آثار و اشیای تدفین نشان‌دهنده جنبه‌های عملکردی و آئینی در تدفین هستند در حالیکه هدایای قبور تنها جنبه آئینی دارند. تدفین ثانوی بسادگی در تپه حاجی فیروز قابل اثبات است. ناقص بودن استخوانهای اجساد در مکانهای دیگر احتمالاً ناشی از جنبه‌های ساختاری است. جنبه‌های عملکردی در تدفین با استفاده از گل اخرا و شاید مواد معدنی دیگر شناخته می‌شوند. اشکال استقرار در بعضی موارد سبب ضرورت‌های بخصوصی در تدفین هستند. برای اولین بار روش‌های مردم باستانشناسی برای اثبات جنبه‌های عملکردی در تدفین مورد استفاده قرار گرفته‌اند.



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	I - مقدمه
۵	II - سنوال اصلی تحقیق
۵	III - بیان مسئله
۵	IV - مروری بر کارهای انجام شده و آخرین اطلاعات تئوری
۶	V - فرضیه‌ها
۷	VI - روش کار
۷	VII - عملکرد تحقیق و عملی و بیان اهداف تحقیق
	فصل ۱: کلیات و بررسی تدفین در مناطق پیش از تاریخ از آغاز تا ۵۰۰۰ پ.م
۹	۱-۱- غار کمر بند
۱۰	۲-۱- غار هوتو
۱۱	۳-۱- تپه گنج دره
۱۳	۴-۱- آسیاب
۱۵	۵-۱- تپه گوران
۱۶	۶-۱- تپه سیلک
۱۹	۷-۱- تپه زاغه
۳۰	۸-۱- تپه سنگ چخماق
۳۲	۹-۱- تپه اسماعیل‌آباد
۳۵	۱۰-۱- تپه علی‌کش
۴۴	۱۱-۱- تپه چغامیش
۴۶	۱۲-۱- تپه چغاسفید

۴۷ ۱۳-۱- یانیق تپه

۴۸ ۱۴-۱- تپه حاجی فیروز

فصل ۲: انواع تدفین

۷۴ ۱-۲- تدفین گودالی

۷۵ ۲-۲- تدفین های زیرکف

۷۶ ۱-۲-۲- تدفین زیرکف ساده

۷۷ ۲-۲-۲- تدفین زیر خشت فرش

۷۷ ۳-۲-۲- تدفین در زیر کف محوطه مخصوص

۷۸ ۳-۲- تدفین خمرهای

۸۰ ۴-۲- تدفین صندوقه‌ای

۸۱ ۵-۲- تابوت های خشتی

۸۲ ۶-۲- متفرقه

فصل ۳: وضعیت تدفین در ارتباط با سن و جنس

۸۳ ۱-۳- رابطه انواع قبور با سن و جنس

۸۳ ۱-۱-۳- رابطه انواع قبور با نوزادان و خردسالان

۸۵ ۲-۱-۳- رابطه انواع قبور با بزرگسالان

۸۷ ۲-۳- رابطه طرز قرارگیری اجساد با سن و جنس

۸۷ ۱-۲-۳- رابطه طرز قرارگیری اجساد با گروه نابالغین

۸۹ ۲-۲-۳- رابطه طرز قرارگیری اجساد با بزرگسالان

۹۰ ۳-۳- رابطه تزئینات، اشیاء و هدایای قبور با سن و جنس

۹۰ ۱-۳-۳- رابطه تزئینات، اشیاء و هدایای قبور با گروه نابالغین

۹۲ ۲-۳-۳- رابطه تزئینات، اشیاء و هدایای قبور با بزرگسالان

۹۳ ۴-۳- رابطه تدفین اولیه و ثانویه با سن و جنس

۹۳ ۵-۳- رابطه کاربرد گل اخرا با سن و جنس

(ب)

فصل ۴: طرز قرارگیری اجساد از آغاز تا ۵۰۰۰ پ.م

- ۹۴ ۱-۴- دفن اجساد به حالت درازکش
- ۹۵ ۲-۴- دفن اجساد به حالت جمع شده
- ۹۵ ۱-۲-۴- دفن اجساد به حالت جمع شده بر روی پهلو راست
- ۹۶ ۲-۲-۴- دفن اجساد به حالت جمع شده بر روی پهلو چپ
- ۹۶ ۳-۴- دفن اجساد به حالت نشسته
- ۹۷ ۴-۴- دفن اجساد در تپه زاغه به حالت گوناگون
- ۹۷ ۵-۴- رسوم تدفین در طرز قرارگیری اجساد
- ۹۸ ۶-۴- ضرورت‌های خاص در طرز قرارگیری اجساد
- ۱۰۱ ۷-۴- اثر عوامل جغرافیایی در طرز قرارگیری اجساد
- ۱۰۲ ۸-۴- طرز قرارگیری دستها در قبور

فصل ۵: تزئینات شخص، اشیاء و هدایای قبور

- ۱۰۴ ۱-۵- تزئینات و زینت‌آلات شخصی
- ۱۰۶ ۱-۱-۵- مهره‌ها
- ۱۰۹ ۲-۱-۵- آویزها
- ۱۱۰ ۳-۱-۵- دست‌بندها
- ۱۱۰ ۴-۱-۵- تزئینات سر
- ۱۱۱ ۲-۵- اشیاء و آثار تدفین
- ۱۱۱ ۱-۲-۵- آثار اجاق
- ۱۱۲ ۲-۲-۵- سنگهای استوانه‌ای و چهارگوش صیقلی و گرد و نامتقارن
- ۱۱۴ ۳-۲-۵- نشانه‌های گل اخرا
- ۱۱۴ ۴-۲-۵- آثار آسفالت یا قیر طبیعی
- ۱۱۵ ۵-۲-۵- آثار کفن از حصیر، پارچه، پوست
- ۱۱۶ ۶-۲-۵- بزک‌سابها یا هاون‌هایی با اثر رنگ

۱۱۷ ۳-۵ هدایای قبور
۱۱۸ ۱-۳-۵ هدایای فاسد شدنی
۱۱۹ ۲-۳-۵ ابزار استخوانی
۱۲۰ ۳-۳-۵ سفال منقوش
۱۲۱ ۴-۳-۵ سفال غیرمنقوش
۱۲۶ ۵-۳-۵ اشیاء کوچک
۱۲۸ ۶-۳-۵ مصنوعات سنگی

فصل ۶: تدفین اولیه و ثانویه در ایران از آغاز تا ۵۰۰۰ پ.م

۱۲۹ ۱-۶ تدفین اولیه
۱۲۹ ۱-۱-۶ تدفین اولیه منفرد
۱۲۹ ۲-۱-۶ تدفین اولیه جمعی
۱۳۲ ۲-۶ تدفین ثانویه
۱۳۷ ۱-۲-۶ تدفین ثانویه منفرد
۱۳۸ ۲-۲-۶ تدفین ثانویه جمعی یا گروهی

فصل ۷: بررسی جنبه‌های آئینی، عملکردی و ساختاری تدفین

۱۴۰ ۱-۷ بررسی جنبه‌های آئینی تدفین
۱۵۳ ۲-۷ بررسی جنبه‌های عملکردی در تدفین
۱۵۳ ۱-۲-۷ گل اخرا
۱۶۰ ۲-۲-۷ بررسی امکان وجود دیگر مواد معدنی رنگی
۱۶۱ ۳-۷ بررسی جنبه‌های ساختاری در تدفین
۱۶۲ ۴-۷ رابطه جنبه‌های ذکرشده با یکدیگر
۱۶۳ نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۲۰۶ فهرست منابع
۲۱۰ چکیده انگلیسی

فهرست جدولها

- ۱۶۷ ۱-۱- جدول وضعیت تدفین در منطقه شمال ایران از آغاز تا ۵ هزار پیش از میلاد
- ۱۶۸ ۲-۱- جدول وضعیت تدفین در منطقه فلات مرکزی ایران تا ۵ هزار پ . م
- ۱۶۹ ۳-۱- جدول وضعیت تدفین در منطقه شمال غرب ایران
- ۱۷۰ ۴-۱- جدول وضعیت تدفین در منطقه غرب ایران
- ۱۷۱ ۵-۱- جدول وضعیت تدفین در منطقه جنوب غربی ایران
- ۱۷۲ ۶-۱- جدول وضعیت تدفین در تپه سیلک
- ۱۷۳ ۱-۲- جدول وضعیت انواع تدفین در ایران
- ۱۷۴ ۲-۲- جدول انواع تدفین در تپه‌های حاجی فیروز
- ۱۷۵ ۳-۲- جدول خلاصه مشخصات تدفین‌های تپه حاجی فیروز
- ۱۷۷ ۱-۶- جدول قطعات اسکلت‌های انسانی بدست آمده از محل‌ها غیر مسقف از تپه حاجی فیروز
- ۱-۷- جدول بررسی استفاده از گل‌اخرا و نسبت‌های آن در تدفین و در مکان‌های پیش از تاریخی
- ۱۷۸ مورد مطالعه در مورد ایران

فهرست اشکال و تصویر

- ۱۷۹ ۱-۱- نقشه مناطق پنج‌گانه و مکان‌های بیش از تاریخی مورد مطالعه
- ۱۸۰ ۲-۳- تدفین گودالی در تپه گوران
- ۱۸۱ ۳-۲- تدفین خمره‌ای در تپه حاجی فیروز
- ۱۸۲ ۴-۲- تدفین‌های خشتی نامنظم از تپه زاغه
- ۱۸۳ ۵-۲- تدفین صندوقه‌ای F۱۰ تدفین از تپه حاجی فیروز
- ۱۸۴ ۶-۲- تدفین صندوقه‌ای F۱۰ تدفین لایه‌زیرین از تپه حاجی فیروز
- ۱۸۵ ۷-۲- تدفین صندوقه‌ای F۱۱ تدفین ۳ از تپه حاجی فیروز
- ۱۸۶ ۱-۳- طرح حفاری تپه زاغه و موقعیت تدفین‌های خردسالان و بزرگسالان در آن
- ۱۸۷ ۱-۴- وضعیت قرارگیری اجساد در تپه زاغه

- ۱۸۸ ۲-۴- وضعیت طرز قرارگیری اجساد در تپه علی‌کش فاز علی‌کش
- ۱۸۹ ۱-۵- تزئینات شخصی در ارتباط با تپه علی‌کش فاز محمد جعفر
- ۱۹۰ ۲-۵- تزئینات شخص در یکی از قبور گنج دره
- ۱۹۱ ۳-۵- وضعیت قرارگیری سنگهای صیقلی در تپه زاغه
- ۱۹۲ ۴-۵- وضعیت قرارگیری سنگها در تدفین ۲۸ تپه علی‌کش فاز علی‌کش
- ۱۹۳ ۵-۵- وضعیت قرارگیری مصنوعات سنگی در رابطه با قبور فاز بیات در تپه سبز (طرح)
- ۱۹۴ ۶-۵- عکس فاز بیات در تپه سبز وضعیت قرارگیری مصنوعات سنگی
- ۱۹۵ ۷-۵- تصویر سنگ یافته شده در ارتباط با تدفین ۲۶ فاز علی‌کش تپه علی‌کش
- ۱۹۶ ۸-۵- تصویر سفال منقوش یافت شده از یکی از قبور حاجی فیروز
- ۱۹۷ ۹-۵- تصویر سفالهای یافت شده از تدفین‌های تپه زاغه
- ۱۹۸ ۱۰-۵- تصویر آثار اجاق در تپه اسماعیل‌آباد
- ۱۹۹ ۱۱-۵- تصویر آثار اجاق در تپه حاجی فیروز
- ۲۰۰ ۱۲-۵- نمونه‌ای از بزک‌سابها یا هاون‌هایی با اثر رنگ
- ۲۰۱ ۱-۷- تصویر نمای عمومی از روستای زران‌دین علیا
- ۲۰۲ ۲-۷- کاربرد گل اخرای قرمز در یکی از خانه‌های زران‌دین علیا
- ۲۰۳ ۳-۷- یکی از خانه‌های قدیمی روستای زران‌دین علیا
- ۲۰۴ ۴-۷- تصویر کاربرد مواد معدنی رنگی در روستای زران‌دین علیا
- ۲۰۵ ۵-۷- تصویر کاربرد مواد معدنی رنگی در روستای زران‌دین علیا

فصل ۱

کلیات و بررسی تدفین در مناطق پیش از تاریخ

از آغاز تا ۵۰۰۰ پ.م

I. مقدمه

یکی از منابع مهم در پیش از تاریخ مطالعه قبور به منظور شناخت فرهنگ، اعتقادات و عملکردهای جوامع اولیه است. متأسفانه بعلت عدم مطالعه صحیح و روشهای مناسب مسایل و ابعاد تدفین هنوز به درستی شناخته نشده‌اند. علاوه بر این اکثریت مناطق حفاری شده مربوط به این دوران یعنی تا ۵۰۰۰ پیش از میلاد فاقد گزارش حفاری مناسب و کامل است اطلاعات و مواد بدست آمده از این حفاریهای نامناسب توسط کارشناسان علوم دیگر مانند استخوان شناسان، کانی‌شناسان مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

با این حال با بررسی فراگیر و روشهای دیگر تا حدودی می‌توان به موفقیت‌هایی دست یافت. یکی از این روشها استفاده از مردم - باستانشناسی و مراجعه به اطلاعات و مقایسه و تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی آنهاست. تا آنجا که امکان داشته به اطلاعات دست اول و گزارشات حفاری مراجعه شده است.

این دوران از شروع استقرار آغاز و با استقرار کامل در روستاهای اولیه پایان می‌یابد. غارنشینی تنها در دو مکان پیش از تاریخی یعنی غار کمر بند و هوتو دیده می‌شود از بین چهارده مکان پیش از تاریخی انتخاب شده تپه حاجی فیروز و علی‌کش کاملترین گزارشات حفاری را دارا هستند. تپه حاجی فیروز دارای تمام گزارش‌هایی است که ما در این پایان‌نامه به آن نیازمند هستیم بنابراین در کلیه فصول و بخش‌های این پایان‌نامه بر تپه حاجی فیروز به عنوان یک محور اصلی تکیه خواهد شد بقیه مکان‌های پیش از تاریخی یا دارای گزارشات متوسطی هستند و یا دارای گزارشات ناقص و منتشر نشده‌ای هستند که هرگونه مقایسه کلی را با دشواری بسیاری روبرو می‌سازند.

به هر حال آثار و اشکالی که در تدفین دیده می‌شود با موفقیت بسیاری به سه جنبه عملکردی، آئینی و ساختاری تقسیم می‌شوند که کمک بی‌شماری به شناسایی و کشف ماهیت پدیده‌های تدفینی مورد بحث می‌کنند.

آینده ادعای ما را به اثبات خواهد رساند و صحت و سقم روشهای پیشنهادی را روشن خواهد ساخت. به غیر از چهارده مکان مورد بحث به تعدادی مکان‌های دیگر هم در داخل ایران و هم در

خارج آن در صورت لزوم اشاره می‌شود عمدتاً این مکان‌ها عبارتند از تپه سراب و و چشمه علی و چاتال هویوک که در خارج از ایران در منطقه آسیای صغیر قرار دارد. تعداد بسیار زیاد مکان‌های پیش از تاریخی از این دوران می‌شناسیم اما هیچ اشاره‌ای از وجود تدفین در این مناطق تاکنون دیده نشده است. از منطقه فارس بعزت عدم استحکام تاریخگذاری و اینکه به سختی به ۵۰۰۰ پ.م می‌رسند و گزارشات چندانی از تدفین در آنها دیده نمی‌شود بخصوص در تل موشکی و جری عمدتاً صرفنظر شده است.

تقسیم ایران به مناطق پنج‌گانه یعنی به ترتیب منطقه شمال: شامل غار کمر بند و هوتو منطقه

غرب: شامل تپه گنج دره آسیاب و گوران

منطقه فلات مرکزی شامل تپه سیلک، تپه زاغه، تپه سنگ چخماق و تپه اسماعیل‌آباد منطقه

جنوب غربی شامل: تپه علی‌کش، تپه چغامیش و چغاسفید و منطقه شمال غربی در آذربایجان شامل

یانیق تپه و تپه حاجی فیروز به سبب بررسی مناطق محلی و مقایسه گسترش موضوعات بحث شده دارد.

دوره زمانی مورد مطالعه تقریباً از ده‌هزار پیش از میلاد از غار کمر بند و هوتو شروع می‌شود و تا

۵۰۰۰ در فلات مرکزی ادامه می‌یابد.

به سبب عدم هماهنگی روشهای تاریخگذاری کربن ۱۴ و عدم قطعیت آن در این دوره و اختلاف

نظر ما بین حفاران در تاریخگذاری نسبی و مطلق به دوره‌های زمانی تکیه نمی‌شود. به محدوده فلات

مرکزی تاریخی مابین ۵۰۰۰ - ۵۵۰۰ داده می‌شود. در مورد سیلک و اسماعیل‌آباد بیشتر تکیه به

۵۰۰۰ پ.م است این تاریخها پیشنهادی است زیر این دو تپه فاقد هرگونه تاریخگذاری کربن ۱۴

می‌باشند در اسماعیل‌آباد به نظر می‌رسد لایه‌هایی از هزاره پنجم وجود داشته باشد اما احتمالاً

طبقات تحتانی این تپه با تکیه بر سفال معاصر تا اواخر هزاره ششم پ.م می‌باشد در منطقه غرب،

آسیاب یک کمپ در فضای باز و قدمت آن به ۸۰۰۰ پ.م می‌رسد گوران حاوی لایه‌هایی از ۵۵۰۰ -

۶۵۰۰ و گنج دره ۶۵۰۰ پ.م را در بر می‌گیرد. برای چغامیش که معاصر سوزیانای عتیق ۳ است

تاریخ ۵۰۰۰ پ.م پیشنهاد می‌شود برای چغاسفید فاز سرخ و سفید تاریخی مابین ۵۴۰۰ - ۶۰۰۰ و

برای تپه علی‌کش فاز علی‌کش محمدجعفر ۶۳۰۰ - ۷۵۰۰ پ.م در نظر گرفته شده است. فازهای

حاجی فیروز و یانیق تاریخی ما بین ۶۰۰۰ الی ۵۵۰۰ پ.م را دارند.

روش تحقیق میدانی بصورت بررسی محیط و استفاده از روش مشاهده مستقیم و روشهای مردم باستانشناسی بوده است. تحقیقات کتابخانه‌ای بر اساس جدیدترین منابع در دسترس صورت گرفته است. در مورد انواع تدفین برای لفظ bin انگلیسی لغت صندوقه و برای تدفین آن صندوقه‌ای پیشنهاد شده است چون این لغت نامانوس است و در زندگی روزمره ما لفظ صندوق‌خانه را داریم و در معماری بین فضای خالی ساخته مابین دیوارها صندوقه‌سازی می‌گوئیم بنابراین این لغت یعنی Bin لفظ صندوقه گذاشته شده است در انواع تدفین باید توجه شود تدفین با معماری و نوع استقرار و مواد و مصالح آن هماهنگی دارد ولی ویژگیهای محلی نیز دیده می‌شود و چنانکه تدفین خمره‌ای بیشتر در فلات مرکزی دیده شده است.

اولین و ساده‌ترین نوع تدفین که با استقرار موقت و فصلی سازگار است تدفین گودالی است. تدفین‌های زیرکف مربوط به روستانشینی و پیشرفت آن است. تدفین تابوت‌های خشتی فقط از گنج دره گزارش شده است و متفرقه نیز برای تدفین نامنظم خشتی زاغه و احتمالاً تدفین‌های دیگری که یافت شده است پیشنهاد گردیده است. در مورد وضعیت تدفین و طرز قرارگیری اجساد تا آنجا که ممکن بوده به جنبه‌های آئینی و یا دیگر ضرورت‌ها اشاره شده است.

برای اولین بار برای کلیه اشیاء و آثاری که در قبور دیده می‌شود یک تقسیم‌بندی جدید ارائه می‌شود. سه دسته مجزا که برای اشیاء و آثار داده شده است عبارتند از: دسته اول، آثار و اشیاء تدفین که دارای جنبه عملکردی و آئینی در مقوله‌های مورد بحث خود دارند دسته دوم تزئینات و زینت‌آلات شخصی هستند و فرض می‌شود این آثار و اشیاء همراه جسد در داخل قبور وارد می‌شود و دسته آخر یا سوم هدایای قبور هستند که جنبه آئینی دارند و هیچ عملکردی برای آنان نمی‌توان تصور کرد.

تزئینات. تدفین به چهار بخش تقسیم شده‌اند الف- مهرها ب- آویزها ج- دست‌بندها د- زینت‌آلات سر در مورد زینت‌آلات سر آثار چندانی معرفی نمی‌شود تنها زینت لب labret از تپه علی‌کش فاز محمد جعفر معرفی می‌شود، ولی در آینده احتمالاً اشیای دیگری یافت خواهد شد.

در مورد تزئینات و زینت‌آلات شخصی، مهرها براساس یافته‌های تپه علی‌کش تقسیم‌بندی شده‌اند این تقسیم‌بندی براساس جنس و فرم و رنگ است.

در مورد هدایای قبور سفال منقوش و غیرمنقوش در دو دسته جداگانه معرفی شده‌اند تا آنجا

که مقدور بوده در مورد احتمال کاربرد سفال‌های غیرمنقوش بحث شده است به هر حال عمده سفال‌های غیرمنقوش مورد بحث مربوط به تپه حاجی فیروز می‌گردد. تدفین اولیه و ثانویه در فصل ششم مورد بحث قرار گرفته‌اند.

برای اولین بار انواع تدفین‌های اولیه و ثانویه در ایران تصور شده‌اند و نکته اصلی شناسایی تدفین ثانوی و امکان وجودی آن در ایران است. جنبه‌هایی که سبب اشتباه در تشخیص تدفین ثانوی بجای تدفین اولیه شده‌اند مورد بحث قرار گرفته‌اند. این جنبه‌ها جزو جنبه‌های ساختاری هستند یعنی خاصیت استخوانها سبب ایجاد این حالت و ناقص بودن استخوانها می‌شوند بنابراین به تمام این موارد نمی‌توان عنوان تدفین ثانوی اطلاق کرد.

در فصل آخر که در واقع حاوی مجموع مباحث و شناخت کیفی آنهاست به بررسی جنبه‌های آئینی، عملکردی و ساختاری در تدفین پرداخته شده است کلیه جنبه‌های آئینی مورد تصور و نمونه‌های آن در جوامع ابتدایی کنونی و همینطور موارد مرسوم آن در ایران بحث و گفتگو شده است.

علت وجودی بعضی پدیده‌ها براساس چنین تقسیم‌بندی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و به اسطوره بین‌النهرینی گیل گمیش و اسطوره مصری اوزیس و ازیریس به عنوان طرز تلقی انسانها در دوران باستان که بی‌شک ریشه در پیش از تاریخ داشته است در تدفین اولیه و ثانوی تکیه شده است. در بررسی جنبه‌های عملکردی در تدفین گل‌اخرای قرمز اساس کار بوده است.

نمونه‌هایی در ایران و در روستاها برای استفاده‌های حفاظتی و بهداشتی در فصل مربوطه معرفی می‌شوند. استفاده از گل‌اخرا هیچ نوع محدودۀ زمانی و مکانی مشخصی را شامل نمی‌شود و این خاصیت اصلی جنبه‌های عملکردی در تدفین است. یک نمونه از گل‌اخرای قرمز که مستقیماً از تدفین‌های تپه حاجی فیروز بدست آمده است مورد تجزیه و تحلیل شیمیایی قرار گرفته است.

در جنبه‌های ساختاری به دو مورد تنها اشاره می‌شود یک مورد قرمز شدن استخوانها در اثر نفوذ گل‌اخراست و مورد دیگر از بین رفتن استخوانها که بعلت خاصیت ذرات تشکیل‌دهنده استخوانها می‌باشد.

صرفنظر از نتایج و فرضیاتی که دراین پایان‌نامه به آن پرداخته‌ایم. این تحقیق حاوی تقسیم‌بندی و ارائه پیشنهاداتی بطور غیرمستقیم جهت مطالعه و حفاری قبور پیش از تاریخ است.

II - سوال اصلی تحقیق

چگونگی ماهیت پدیده‌ها و مسائل مربوط به تدفین از آغاز تا استقرار کامل در روستاها (۵۰۰۰ پیش از میلاد)

III - بیان مسئله

یکی از منابع اصلی در پیش از تاریخ بررسی قبور به منظور شناخت فرهنگ، اعتقادات و عملکردهای جوامع اولیه می‌باشد در این رابطه و در این دوره زمانی مسایل مجهولات و مبهماتی با در نظر گرفتن کلیه ابعاد آن بررسی می‌شود که عمده آنها عبارتند از فصل‌ها و بخش‌های مربوطه که در فهرست مطالب آورده شده است و به دلیل نظم منطقی به ترتیب قرار گرفته‌اند علاوه بر این در لابه‌لای مطالب موارد زیر مورد بحث قرار گرفته‌اند:

بررسی تغییرات تدفین و تدفین‌های غیرعادی- بررسی تدفین در مناطق پیش از تاریخ به منظور یافت گسترش فرهنگی و همچنین تعمیم مدارک: جنبه‌های محلی و تاثیرپذیری، بررسی غیرمستقیم معماری تدفین وجود گورستان و تدفین در نزدیکی مناطق مسکونی.

IV - مروری بر کارهای انجام شده و آخرین اطلاعات تئوری

اطلاعات بدست آمده از کاوشهای باستانشناسی در ایران که اغلب توسط هیئت‌های خارجی انجام گرفته فراوان و بسیار پراکنده است بعضی از این گزارش‌ها کاملاً بچاپ رسیده و بعضی دیگر به صورت خبرنامه‌های کوتاه در تعدادی از مجلات داخلی یا خارجی منتشر گردیده است.

متأسفانه اکثریت آنها توسط متخصصین علوم دیگر مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. مضاف بر این آئین تدفین بصورتی که فراگیر اکثریت مناطق ایران باشد. یکجا مورد مطالعه قرار نگرفته است تنها تحقیق در ایران توسط هول حفار تپه علی‌کش انجام گرفته است که در این فصل توضیح داده خواهد شد. کامل‌ترین نوع تحقیق از نظر اطلاعات و استفاده از علوم دیگری که به باستانشناسی مربوطند توسط خانم مری‌ویت حفار تپه حاجی فیروز انجام پذیرفته است بعضی تئوری‌ها به صورت محدود توسط بعضی حفاران مطرح گردیده است که ما آنها را رد کرده‌ایم دلایل و نوع این دعاوی و منابع آنها نیز در فصول مربوطه آورده شده است.

V - فرضیه‌ها

این دوره از استقرار موقت در ایران آغاز گشته و تا استقرار دائم در روستاها ادامه می‌یابد. فرهنگ انسان ادامه فرهنگ گذشته می‌باشد و با احتمال تاثیر از مناطق همجوار دارای جنبه‌های محلی و مستقل است، عناصر و پدیده‌هایی که در این دوران در قبور مشاهده می‌شود به صورت و جنبه‌های زیر قابل تقسیم و معرفی است این جنبه‌ها دارای ارتباط با یکدیگرند ولی در هر صورت یکی از آنها بارز و مشخص‌تر می‌باشد.

۱- جنبه آئینی: این جنبه شدیداً تحت تاثیر اعتقاد به زندگی پس از مرگ می‌باشد به نظر می‌رسد آئین مرگ جنبه مستقل از دیگر آئین‌های روزمره زندگی داشته است. قرارگرفتن هدایا و بعضی اشیاء قبور در قبور دارای جنبه آئینی است. در بعضی موارد طرز قرارگیری اندامهای یک جسد را می‌توان تحت تاثیر این جنبه دانست.

۲- جنبه عملکردی یا کارکردی: بعضی از پدیده‌های دیده شده تحت تاثیر عملکرد مواد و اشیاء می‌باشند مهمترین آنها استفاده از گل اخرا قرمز می‌باشد که در اصل به منظور اقدامات حفاظتی و بهداشتی مورد استفاده قرار گرفته است استفاده از مواد معدنی و رنگی دیگر مثل لاجورد املاح مس و انواع دیگر اخرا و غیره را در هر دو جنبه نمی‌توان مردود دانست.

۳- جنبه ساختاری: پدیده‌هایی که از اجساد و یا اجسام همراه آنها ناشی شده‌اند نمی‌توان به جنبه‌های دیگر مربوط ساخت این پدیده‌ها از ساختمان مواد و اجزاء تشکیل‌دهنده آنها ناشی شده‌اند و به عبارت دیگر هیچ عمل هوشمندانه و یا هدفداری در ایجاد آنها از طرف مردمان پیش از تاریخ دخیل نبوده است. فقدان بعضی قسمتهای استخوانی و قرمز شدن استخوانها در اثر نفوذ گل اخرا مربوط به این جنبه است.

۴- جنبه ضروری: عناصر و پدیده‌هایی که علت و جنبه مشخصی ندارند بکله تابع محدودیتها و ضرورت‌های خاصی می‌باشند بعبارت دیگر به عنوان نمونه تحت تاثیر نوع استقرار و معماری و امکانات فضایی آن می‌باشند.

VI - روش کار

تحقیق حاضر با استفاده از مدارک باستانشناسی و مطالعات علمی و تجزیه تحلیل آنها در هر یک از مکانهای مورد مطالعه و مقایسه آنها با یکدیگر و تعمیم آن به سرتاسر ایران تا حصول یک نتیجه منطقی فراهم آمده است. با اینکه روش مطالعاتی در باستانشناسی آزاد است باین حال از روش استقرایی تا آنجا که مقدور بوده اجتناب گردیده است. روش گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. روش کتابخانه‌ای به صورت تهیه فیش از مطالعات صورت گرفته قبل و آخرین گزارشات حفاری در دسترس بوده است.

روش میدانی به صورت مشاهده و تجربه مستقیم بر پایه استفاده از روش مردم باستانشناسی است. این مطالعات بیشتر براساس شناخت علل استفاده از گل اخرا در معماری و گستردگی زمانی و مکانی استفاده از آن بوده است. ابزار گردآوری اطلاعات به صورت تهیه فیش، جدول، طرح، نقشه، عکس و اسلاید بوده است. از قبور حفاری شده در بعضی موارد برداشت آماری شده و برای کمک به نتیجه‌گیری در جدول گنجانده شده است. طبقه‌بندی براساس مستندات علمی و ویژگیهای خاص تدفین بوده است.

ابعاد مسئله و متغیرهای آن در رابطه با تدفین بررسی و استقلال و وابستگی آنها به دوره‌های زمانی و مکانی خاصی مورد بررسی قرار گرفته است.

VII - عملکرد تحقیقی و عملی و بیان اهداف تحقیق

چهارده مکان پیش از تاریخی اصلی حفاری شده مربوط به ایران در این دوران انتخاب شده است این چهارده مکان دارای گزارشات بسیار پراکنده‌ای بوده‌اند گزارشات مربوط به تدفین استخراج و فیش‌برداری شده‌اند. تاریخچه مختصری از هر یک از این مکانها معرفی شده است. این مکانها در رابطه با نقشه جغرافیایی به پنج منطقه شمال - فلات مرکزی - شمال غرب - غرب و جنوب غربی تقسیم شده‌اند. جهت مقایسه و نتیجه‌گیری منطقی اطلاعات به دست آمده در جدولی از مناطق پنج‌گانه گنجانده شده در فصول مربوطه با استفاده از همین اطلاعات موضوعات موردنظر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و سپس انواع تدفین با توجه به شکل ظاهری در رابطه آن با نوع استقرار بررسی و موارد

تشخیص داده شده در سرتاسر ایران مورد بررسی قرار گرفته‌اند. وضعیت تدفین در رابطه با اطلاعات به دست آمده مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گرفته است در سرتاسر این پایان‌نامه عملکرد تحقیق به صورت شناسایی اجزاء و سپس قیاس و رسیدن به یک کل موردنیاز بوده است.

در فصل چهارم طرز قرارگیری اجساد مورد مطالعه قرار گرفته و حالات تشخیص داده شده به تفصیل مورد بحث قرار گرفته‌اند. اثر سایر علوم دیگر بر باستانشناسی پیش از تاریخ از این فصل به بعد مشهود است. طبقه‌بندی این حالات بصورت پیشنهادی بوده است بنابراین برای اولین بار از دیدگاه علوم تجربی نیز بر باستانشناسی پیش از تاریخ توجه شده است. برای آثار و اشیایی که در قبور و در ارتباط با آن یافت می‌شود یک طبقه‌بندی جدید ارائه شده است. از جنبه‌های عملکردی و آئینی به ماهیت مسایل و آثار آن توجه شده است. از این فصل به بعد آثار تحقیقات مردم باستانشناسی دیده می‌شود. این تحقیقات به صورت میدانی و در نهایت کافی تشخیص داده شده است آئین‌ها و رسوم تشخیص داده شده با احتیاط کاملاً تعمیم داده شده و سپس نتیجه‌گیری نهایی از آن به عمل آمده است. طبقه‌بندی سفال غیرمنقوش جهت تیپولوژی و شناسایی عملکرد و یا بررسی آئینی آن بوده است این امر در مورد تپه حاجی فیروز با موفقیت همراه بوده است. در فصل ششم به انواع تدفین‌های اولیه و ثانویه توجه شده است. عمده بحث این بخش در ارتباط با اثبات وجود تدفین ثانوی در ایران و تشخیص آن از دیگر موارد است این امر با نگاهی گذرا به استخوان‌شناسی و سایر رشته‌های دیگر علوم انجام پذیرفته است برای اثبات وجود تدفین ثانوی در ایران مدارک قابل قبولی از آسیای صغیر ارائه شده است بررسی جنبه‌های آئینی ابتدا از دیدگاه انسان نسبت به اجساد شروع شده و سپس نمونه‌های مختلفی از ایران و مناطق دیگر آورده شده است. تحقیقات میدانی به صورت مسافرت علمی و تجربه و مشاهده مستقیم از استانهای مازندران و آذربایجان شرقی بوده است عمده این مسافرت بخاطر جستجو برای کاربرد گل اخرا یا دیگر مواد معدنی در روستاهای قدیمی ایران بوده است. تجزیه تحلیل شیمیایی گل اخرا به دست آمده از تپه حاجی فیروز و دیگر منابع مکتوب که بر آن اشاره شده است کمک بسیاری به اثبات فرضیه‌ها بوده است.

هدف اصلی از این تحقیق بررسی و شناخت اعتقادات و آئین‌ها، رسوم و عملکردهای جوامع

پیش از تاریخ در ایران با توجه به مدارک بدست آمده است از تدفین‌های این دوره بوده است.

۱-۱. غار کمر بند

این غار در نزدیکی بهشهر و ساحل دریای خزر بر روی یک بلندی قرار داشته است. حفاری در این غار برای نخستین بار در سال ۱۹۴۹ میلادی توسط کارلتون اس. کون از دانشگاه پنسلوانیا انجام پذیرفت دومین و آخرین فصل حفاری در این غار از ۲۸ فوریه آغاز و تا ۱۳ ماه مارس ۱۹۵۱ ادامه پیدا کرد.

نزدیک دهانه غار ترانشه A حفاری گردیده سپس ترانشه B در سمت ورودی و چسبیده به ترانشه A در میان آثار نوسنگی حفر گردید.

لایه‌نگاری در این غار به صورت متری انجام گرفت و آثار هر بیست سانتی‌متر بصورت یک لایه مشخص گردید. مجموعاً ۲۶ لایه مشخص گردید که از پایین به بالا آثار میان سنگی تحتانی تا نوسنگی فوقانی را در بر می‌گیرد.

تدفین

مابین لایه‌های ۱۹ تا ۲۱ بر بالای خاک لس در میان آثار میان‌سنگی فوقانی یک مجموعه از یک دختر ۲۱ ساله یافت گردید. پس بقایایی از دست کم دو فرد بزرگسال از مذکر دیگر نیز بدست آمد.^۱

حفار و دکتر لارنس‌انجل معتقدند که این استخوانها نمایانگر مرحله انتقال مابین نئاندرتال و انسان جدید است که تایخی ما بین ۸۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال قبل از میلاد را در بر می‌گیرد.^۲

حفار معتقد است از آنجائیکه بعضی از استخوانها با اخرای قرمز رنگ شده‌اند می‌توان یک تدفین ثانوی را فرض نمود. به نظر می‌رسد استخوانهای طویل مربوط به یک مذکر بزرگسال باشند که در واقع به صورت یک اسکلت جمع شده ظاهر شده است.

در میان بقایا همچنین توده کلوخه‌شده‌ای از استخوان و خاکستر وجود داشت که بعد از پاکسازی به صورت یک قطعه از صورت یک میانسال با یک فرد مذکر کهنسال با آرواره جلو آمده ظاهر شد که دارای پوشش دندانی ضخیم و بزرگ بود که ظاهراً در گودال تدفینی که دارای مذکر با اثرات

1. S. Carleton coon "cave Explorations in Iran 1949" University of pennsylvania 1951 p.79

2. S. Carleton coon "University Museum in Iran, 1949" ARCHAEOLOGY - VOL IV, P. 116

گل اخرای است داخل گردیده است.^۱

در ترانسه B که در بقایای نوسنگی حفر گردید دو تدفین یافت شد آنها بر پهلو قرار گرفته و جمع شده بودند. به اعتقاد حفار بی هیچ شک بعضی اشیاء عالی با آنها قرار داده شده‌اند.

دو فرد مذکر در گودال افراد تنومندی بودند^۲ در دومین فصل حفاری در غار کمریند همچنین بقایای یک خانواده جوان از چهار فرد که مابین نوسنگی بدون سفال و نوسنگی با سفال دفن شده بودند یافت گردید که زیر اسکلت مسن‌تری مونث یک چنگال استخوانی زیبا یافت گردید.^۳

۵ کلوخه از گل افرا مناسب برای رنگ‌آمیزی از طبقات مختلف زمانی بدست آمده است از طبقات میانی دو هاون بدست آمده که هنوز اثراتی از گل‌افرای داشتند.^۴

۲-۱. غار هوتو

این غار در نزدیکی غار کمریند در نزدیکی بهشهر قرار داشته است و پس از بازشدن دهانه آن مابین ۱۴ مارس تا ۲۱ آوریل ۱۹۵۱ توسط هیئت حفاری غار کمریند به سرپرستی پرفسور کارلتون کون حفاری گردید.

اولین ترانسه یعنی ترانسه A به ابعاد ۵x۳ متر در عقب غار تا ارتفاع ۷ متر حفاری گردید ترانسه‌های C, B به ترتیب تا نزدیکی دهانه حفاری گردید.

ترانسه کوچک D مابین ترانسه‌های A, B در لایه‌های پلیستوسن حفاری شد. در لایه چهارم بود که بقایای سه اسکلت کشف گردید.

اسکلت شماره ۱ مربوط به یک فرد بزرگسال مذکر می‌گردید که استخوانهایش بدون تشریفات پس از مرگ در یک مجموعه روبروی دیوار غار نهاده شده بود. بیشترین قطعات شامل دست و پا و صورت بودند.

1. S.C. coon, Ibid, p.31

2. coon Ibid, p.79

3. S. carlton coon "Excavations in Hotu cave, Iran, 1951, Apreliminary Report", proceeding of American philosophical societies, vol, 96, No. 3 1952, p. 231

4. S.C. coon, Ibid, p.117

اسکلت شماره ۲ و ۳ متعلق به دو زن یکی جوان و دیگری مسن بودند یک اجاق کوچک در کنار این دو اسکلت کشف شد.

به اعتقاد حفار هنگام سقوط سنگ از سقف غار این دو نفر جان سپرده و صورت زن مسن در داخل اجاق خرد شده است.

تاریخگذاری کربن ۱۴ تاریخی در حدود ۷۲۴۰ پیش از میلاد برای این اسکلت‌ها بدست می‌دهد.^۱

۳-۱. تپه گنج دره

گنج دره در دره حاصلخیز رود گاماس آب که حدود ۱۴۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد نزدیک دهکده امروزی گیسوند از توابع شهرستان هرسین کرمانشاه واقع است.

گنج دره تپه‌ای است بیضی‌شکل که قطر پایه بزرگتر آن حدود ۴۰ متر است و نوک مخروطی آن حدود ۶ متر از سطح زمینهای اطراف بالاتر قرار گرفته است. ضخامت آثار باستانی این تپه حدود ۸ متر است که تقریباً حدود ۲ متر از آنها زیر سطح زمینهای اطراف قرار گرفته‌اند در سال ۱۹۵۶ میلادی برای اولین بار گمانه‌ای آزمایشی توسط دکتر فلیپ اسمیت استاد دانشگاه مونترال کانادا در این تپه حفر شد و در چهار فصل وسیعتری در این محل ادامه داده شد در اولین لایه بقایای قبور دور اسلامی مشخص شد و زیر آن آثاری متعلق به مراحل مختلف دوره نوسنگی تا استقرار کامل در روستاها. در میان آثار دوره نوسنگی پنج طبقه استقرار تشخیص داده شد (بعدها طبقه ششم هم شناسایی شد) طبقه پنجم که قدیمترین طبقه استقرار بود با حروف E نشان داده شد که آثار آن روی خاک مکرر قرار گرفته بودند. این طبقه فاقد هرگونه آثار معماری مشخصی بود. از بقایای طبقه استقرار چهارم که با حروف D نشان داده می‌شود حدود ۱۴۴ متر مربع از بافت روستا خاکبرداری شد.^۲

1. Carleton S. coon, seven caves, london, 1957, pp. 190-197

۲- صادق ملک شه میرزادی مبانی باستانشناسی ایران بین‌النهرین مصر چاپ اول، تهران، محیا، ۱۳۷۳ ص ۱۴۳

قبور تدفین

برای اولین بار بقایای اسکلت انسانی در فصل سال ۱۹۶۹ (فصل دوم) در گنج دره یافت شد این بقا یا یک اسکلت کامل انسان بزرگسال جمع شده بدون اشیاء قبور است که بر بالای بقایای معماری طبقه D ظاهر گشت و بنابراین جدیدتر می‌باشد.

در دهکده سوخته تعدادی استخوانهای بسیار سوخته از محوطه‌های مسکونی یافت شد که معرف سه کودک و یک بزرگسال بودند. اینها می‌توانند قبوری بوده باشند که بعده توسط آتش کلسینه شدند^۱

تعداد زیادی از قطعات اسکلت‌های انسانی که معرف بزرگسالان، جوانان و خردسالان بودند در سال ۱۹۷۱ در حفاری فصل سوم یافت شدند.

آنها مجموعاً حداقل ۲۶ اسکلت می‌باشند بیشترین آنها از طبقه D یافت شدند که شامل تعدادی قبور خردسالان در اطاقک‌ها یا محفظه‌های زیرکف بودند هم بصورت جمع شده و درازکش دیده می‌شوند و بعضی قبور از نظر حفار احتمالاً ثانویه هستند. در یک مورد سه اسکلت درازکش و (یک بزرگسال، یک نوجوان و یک کودک) با هم یافت شدند آنها داخل یک تابوت ساخته شده از خشت خام و پوشیده از یک نوع سقف گل قرار داشتند.

اجساد روی یک لایه ضخیم از ماده پودرمانند خاکستری‌رنگ قرار گرفته بودند که شاید آهک سوخته باشند. یکی از اجساد یک آویز سنگی صیقلی عالی در قفسه سینه داشت تنها مدرکی که تا سال ۱۹۷۱ از اشیاء قبور در گنج دره یافت شد.

در پاکسازی مقطع برش غربی یک فک زیرین انسان و یک جفت استخوان دست به صورت سالم یافت شد که ظاهراً از بازوان جدا شده بود و کف‌های آنها در مجاورت هم رو به بالا قرار گرفته بودند. حفار با توجه به این نکته که کیفیت حفاظت مواد انسانی متغیر است به طوری که تنها یک مجموعه کامل بطور معقولانه‌ای قابل بازسازی است نسبت‌های تدفین را محتاج به شواهد بیشترین و نمونه‌های فیزیکی بیشتری می‌داند.^۲

1. Philip E.L Smith Ganj Dareh Tepe IRAN, VOL, VIII, 1970, P. 180

2. Philip E.L Smith Ganj Dareh Tepe IRAN, VOLX, 1970 P. 197

۱۴ تدفین انسانی آخرین فصل حفاری در سال ۱۹۷۴ یافت شد که مجموع آنها را در کل به ۴۱ عدد رسانید. لازم به ذکر این نکته است که آمار ارائه شده توسط اسمیت با عدد اخیر متناقض است. محدوده سنی اجساد از تازه متولدین یا جنین‌ها (بعضی اوقات در طاقچه‌ها یا گودی‌های مخصوصاً اندود شده زیر کف‌ها) تا بزرگسالان هستند. بیشتر جدیدترها کاملاً جمع شده هستند. شاید جالب‌ترین آنها یک تدفین نوجوان در طبقه D با یک گردنبند استادانه ساخته شده‌ای از هفتادویک صدف و مهره‌هایی سنگی است.

از میان آنها پنج صدف از نوع گاستروپود است که به نظر می‌رسد منشاء دریایی داشته باشد احتمالاً از خلیج فارس یا به احتمال کمتر از مدیترانه وارد شده‌اند اینها تحقیقاً تنها نشانه‌هایی از مواد وارداتی در گنج دره هستند بطوریکه هیچ ابسیدین-قیر یا فلزات یافت نشده‌اند. شاید همین بیان‌کننده این است که بیشترین اشیاء قبور در گنج دره در رابطه با تدفین کودکان یا نوجوانان باشد^۱ تقریباً یکی از تدفین‌های بزرگسالان اثراتی از پارچه یا منسوج کفن داشت که احتمالاً جسد را در بر گرفته و یا در زیر آن قرار می‌گرفته است.^۲

فیلیپ اسمیت در یک مقاله دیگر منشاء ۵ صدف سوراخ شده موجود در گردنبند ذکر شده در طبقه D را اقیانوس هند در خلیج فارس ذکر کرده است^۳

۴-۱- آسیاب

آسیاب یک اردوگاه یا کمپ در فضای باز است و در ۵ کیلومتری شرق کرمانشاه قرار دارد و این تپه در فصل حفاری ۱۹۵۹-۶۰ توسط هیئت حفاری مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو به سرپرستی پرفسور بریدوود و با همکاری دانشگاه تهران حفاری گردید علائم سطحی در آسیاب نشانگر این است که سایت اصلی تا منطقه‌ای به وسعت تقریبی بیست‌هزارمتر مربع امتداد یافته است.

1. Philip E.L Smith Ganj Dareh tepe, IRAN VOL, XIII 1975 PP. 179 - 180

2. Philip E.L Smith Reflections On Four Sea sons of excavations at Ganj Dareh, the Memorial volume, Oxford, 1976, p. 17.

3. Philip E.L Smith "Ganj Dareh Tepe, IRAN" PALE'ORIENT, VOL-2, 1974, PP. 207-209

گمانه‌های آزمایشی و ترانسه‌ها در قسمت جنوبی منطقه بطور قابل توجهی این نکته را تأیید

می‌کند و احتمال دارد بیشتر بقایای استقرار در این منطقه باشند.

بقایا در این منطقه بیشتر صدف‌های دو کفه‌ای آب شیرین، فضولات، فلینت و دیگر قطعات مصنوعی سنگی و نشانه‌های آتش و خاکستر و گودال‌های خاکروبه است یک تفسیر عمده در رنگ خاک در وسط لایه‌های باقی‌مانده به صورت قسمت فوقانی و خاکستری رنگ و قسمت تحتانی خاکستری متمایل به سبز دیده می‌شود.

بنابراین در طول تاریخ فرهنگی سایت امکان وجود بخش‌های قدیمی و جدید بی‌وقفه‌ای

وجود دارد ولی چنین بخش‌هایی هنوز شناخته نشده است.

همچنین نشانه‌های دیگری از آشفستگی و اضطراب جدیدتر در شکل گودال‌ها خشت‌ها و قطعات سفال (عمدتاً سفالهای چرخساز خشن شامل نمونه‌های مختلف منقوش) وجود دارند. تحتانی‌ترین بقایا در محدوده ۴۸ متر مربع آثار یک حفره بزرگ کم‌عمق بیضی‌شکل کنده شده در خاک دیگر است که نشانگر یک گودال زیاده یا یک ساختار نسیه زیرزمینی ساخته انسان است. با در نظر گرفتن طرح قسمت رویت شده اقطار این گودی احتمالاً ۸ و ۱۰ متر می‌باشند. بخش آشکار شده تقریباً پهلوهای عمودی به عمق ۲۵ الی ۳۰ سانتی‌متر داشت. درست بر بالا ولی پیرامون این شکل دو تدفین در آوار قرار داشت.

یکی از جسد‌ها جمع‌شده و دیگری در یک وضعیت درازکش بود و کاملاً با اخرای قرمز آغشته شده بود. بیشترین بقایای موجود در آسیاب مربوط به نوسنگی بدون سفال است تعدادی نمونه‌های کربن ۱۴ برای مطالعه و تاریخگذاری سایت فراهم شد.

یکی از نمونه‌های کربن ۱۴ بر اساس نمونه زغالی از عمق ۱/۶۵ الی ۷۸۰۵۱/۷۰ پیش از میلاد تاریخگذاری شده است.

سه نمونه دیگر کربن ۱۴ توسط دانشگاه کالیفرنیا در لوس‌آنجلس به ترتیب ۶۷۵۰ و ۶۹۵۰ و ۷۱۰۰ سال پیش از میلاد مسیح تاریخگذاری شده‌اند.

دو تدفین انسانی یکی با گل اخرای قرمز در ارتباط با محوطه گودال بیضی بزرگ به عنوان شاخص استقرار و فعالیت فرهنگی قابل توجه هستند.

از نظر پرفسور بریدوود آسیاب یک کمپ در فضای باز و مرکز استقرار فصلی براساس گردآوری بیشتر از طریق شکار است و در حدود ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد تاریخگذاری شده است.^۱

۵-۱. تپه گوران

تپه گوران در ارتفاع تقریبی ۹۵۰ متر از سطح دریا در حاشیه شمال دشت هلیلان واقع شده است. این دشت بسیار حاصلخیز ما بین کوههای بلند به صورت دره‌ای به طول ۲۰ کیلومتر قرار دارد که رودخانه سیمره در آن به سمت دامنه‌های جنوبی جریان دارد. این تپه در مغرب جازمن رود در شمال محل پیوستن این رود به رودخانه سیمره واقع شده است.

این تپه در سال ۱۹۶۲ طی بررسی‌هایی در لرستان توسط هیئت باستانشناسی دانمارکی شناسایی و باری نخستین بار قسمت نوسنگها آن توسط مورتنسن حفاری گردید. ترانسه G₁ از بلندترین نقطه تپه حفاری و ۲۱ لایه اصلی شناسایی شد که از بالا به پایین از A تا V نامگذاری شد.

طبقات D تا V شامل ۶ الی ۷ متری بقایای باستانشناسی است که معرف استقرارهای بدون وقفه کشاورزی قدیم است. سه طبقه تحتانی معرف نوسنگی بدون سفال است. از نظر حفار استقرار بدون وقفه در طول یک هزاره و در حدود ۵۵۰۰ تا ۶۵۰۰ پیش از میلاد ادامه داشته است.^۲

در زیر تپه در داخل خاک کره بکر یک گودال به عمق یک متر یافت شد که انباشته از استخوانهای انسانی شامل مجموعه‌های چهارفرد بود. از آنجائیکه استخوانها حداقل بطوری جزئی فاقد بند و گوشت هنگام دفن بودند احتمالاً یک تدفین ثانویه را تصدیق می‌کنند.

تعدادی تدفینهای ساده با اسکلت‌هایی در وضعیت جمع‌شده در زیرکف خانه‌ها دفن می‌شوند که از طبقات مختلف بدست آمدند.

در یکی از قبور متعلق به یک کف مسقف احتمالاً چوبی ۴۷-۳۲ سانتی‌متر روی خاک بکر دو میکروولیت بیشتر مانند و تعدادی مهره از دندانهای سوراخ شده جانوران یافت شد که به حالت

1. R. J BRAID WOOD "Prehistoric Archeology along the Zagros Flanks" the oriental in stitute of chicago, 1983 pp. 115-117

2. peder Mortensen "Excavation at tepe Guran, luristan: II, Early Village Farming accupation" ACTA ARCHAEOLOGICA, VOL 34, COPENHAGEN 1964, PP. 110-121

کاملاً جمع شده دفن شده بود.^۱

در یک قبر دیگر که از طبقه R کنده شده بود تنها یک مهره کوچک از جنس صدف قرار داشت^۲
در این تپه یک حیاط باز با کف فلدسپار قرار داده شده در گلی که با گل اخرای قرمز رنگ شده

بود از ترانسه GI طبقه J یافت شد^۲

۱-۶. تپه سیلک

تپه سیلک در ۳ کیلومتری کاشان و در نزدیکی جاده کاشان به فین و در شمال تقریبی دهکده دیزچه قرار داشته است و امروزه به علت گسترش شهر کاشان در چومه آن قرار گرفته است. سیلک از دو تپه که به فاصله ۶۰۰ متری از هم قرار داشتند تشکیل شده است. این تپه توسط رمن‌گرشمین در سالهای ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ و ۱۹۳۷ میلادی مورد کاوش قرار گرفته است. قدیمترین دوره سکونت در سیلک که مربوط به دوره روستانشینی می‌باشد در تپه شمال قرار داشته و تحت نام دوره I نامیده می‌شود. این دوره دارای ۵ لایه است و حفار عقیده دارد در این دوره ساکنین تپه در کلبه‌هایی که از نی یا شاخه‌های درختان ساخته و روی آنها احتمالاً از گل پوشیده می‌شوند، زندگی می‌گردند.^۲

گورها

زیر هر طبقه‌ای از بناها گورها قرار داشتند. مردگان در زیریاما بین خانه‌ها دفن شده بودند اسکلت‌ها آثاری از گل اخرای قرمز رنگ داشتند. در هنگام خاک‌سپاری جنازه را با گل اخرای قرمز رنگ می‌پوشانند که بعد از ناپدید شدن گوشت بدن بر روی استخوانها نفوذ می‌کرده است. مردگان به صورت خوابیده به پهلو و ساق پاها به شدت خم شده دفن شده‌اند. طرز قرارگرفتن بازوها متفاوت است: گاهی دو دست یکی داخل دیگری به طرف صورت باز گردانده شده گاهی بازوی

1. P. Mortensen Ibid, P. 106

2. P. Mortensen Ibid, p. 112

3. P. Mortensen Ibid, P. 111

1. R. GHIRSHMAN FOUILLES DE SIALK PRES DE KASHAN Volume I, PARIS, 1938, P. 10

راست درازکش و دست چپ زیر گونه قرار گرفته و بالاخره گاهی هر دو دست روی شکم قرار داده شده شده‌اند. جهت مردگان معمولاً شرقی - غربی است ولی این موضوع دقیقاً مشاهده نشده است. بعلاوه هیچ قاعده‌ای راجع به پهلوئی که مرده روی آن خوابانیده شده وجود ندارد. بعضی بر روی پهلوئی چپ و بعضی دیگر بر روی پهلوئی راست قرار داده شده بودند. از تمام گورهایی که در این دوره با آنها برخورد شده فقط یکی بعنوان ائاثیه تدفین، یک تبر سنگی تراش داده شده نزدیک دستان و دو آرواره گوسفند هستند که روبروی سر قرار داشتند.

کودکان یا در خاک یا در خمره کوچک دفن شده‌اند.

زیربناهای لایه ۲ گوری شامل دو اسکلت بچه بود که سرهایشان بر روی یک توده شنی نرم‌تری قرار گرفته بودند و استخوانهای آنها آثاری از گل اخرای داشتند زیر کف منازل جدیدترین لایه چهارکور بچه یافت شد:

اولی دارای یک خمره خشن کوچک پر از استخوانهای کودکان کم‌سن و سال بود. آنها با آثاری از سوختگی قرمز رنگ شده بودند. دومی در همان خاک کنده شد، و استخوانها جزئاً سوخته شده بودند و سومی و چهارمی متعلق به تازه مولودانی بودند که هیچگونه آثار آتش و گل اخرای نداشتند و از قطعات بزرگ سفال بدون نقش پوشیده شده بودند.

دوره II (لایه‌های ا تا ۳)

حفار اعتقاد دارد استقرار اواخر دوره یک را باید بعنوان یک لایه گذرین دو دوره در نظر گرفت که تنها دو فاز از یک تمدن را معرفی می‌کند ویژگی این دوره ظهور خشت خام است.

دوره II₃

دیوارها در دوره دوم لایه سوم از خشت‌های دارای اثر فشار انگشت ساخته شده‌اند و سپس با اخرای قرمز رنگ شده‌اند. کف محل مرده شماره ۱ در ترانشه ۲ از خاک کوبیده شده است که بر روی لایه‌ای از خاکستر قرار گرفته و جسد زیر این لایه خاکستر دفن شده بود.^۱

1. Ibid, pp. 24 - 27

گورها

به مانند ادوار پیشین مردگان در زیر اقامتگاهها دفن شده‌اند در سه طبقه سکونت سه نوع قبر مشاهده شده است. جهت قرارگرفتن مرده‌ها به مانند قبل روش مشخص ندارند. مرده‌ها هنوز هم جمع شده هستند و طرز قرارگیری بازوان مختلف می‌باشد استخوانها دارای اثر گل اخرای بوده و هیچگونه اشیاء تدفین دیده نشده است.

گور شماره ۱- در II₁ حفاری ۳ یک مجموعه در خشت فرش موجود است.

گور شماره ۲- در دوره II₂ دیده می‌شود و یک گور دیگر در II₃

گور شماره ۳- نصف یک اتاق منقوش قرمز رنگ در ۲۵ سانتی متری زیرکف کوبیده یک قبر

با دوتا اسکلت قرار دارد.^۱

مشخصات اجساد بزرگسالان

الف - دوره I

دارای شش مجموعه که سه عدد از آنها متعلق به مردان سه عدد دیگر متعلق به زنان می‌باشند که بی‌نهایت آسیب دیده‌اند. بر روی چهار عدد از آنها که سه عدد آنها متعلق به مردان می‌باشد نشانه‌هایی مشخص از گل اخرا وجود دارد. خلاصه مشخصات آنها به شرح زیر می‌باشد.

شماره ۱۰۱، قبر ۱- دوره I₅ مذکر و سن احتمالی ۳۰ الی ۴۰ سال

شماره ۱۰۲، قبر ۲- دوره I₄ مونث سن احتمال ۳۰ سال

شماره ۱۰۳، قبر ۳- دوره I₄ احتمالاً مونث سن احتمال ۴۰ سال در همین قبر طی حفاری

مجموعه فرد احتمالاً مذکر دیگری نیز یافت شد.

شماره ۱۰۴، قبر ۳ (قبر پیشین) دوره I₄ احتمالاً مذکر سن احتمالی ۲۰ الی ۳۰ سال

شماره ۱۰۵، قبر ۴- دوره I₄ مذکر ۳۰ الی ۴۰ سال

شماره ۱۰۶، قبر ۵- دوره I₃ بیشتر مونث زیر ۲۵ سال.^۲

1. Ibid, p. 27

2- R. GHIRSHMAN FOUILLES DE SIALK PRES DE KASHAN VOLUME II PARIS 1939 PP. 113 - 117

ب - دوره II

جمجمه‌ها همانند دوره پیشین نشانه‌هایی از رنگ قرمز دارند این نشانه‌ها کمتر آشکار هستند.

خلاصه مشخصات آنها به شرح زیر است:

شماره ۱۰۷- قبر ۱ حفاری II دوره II₃ - مونث سن ۴۰ تا ۵۰ سال قطعه‌ای از آرواره زیرین

جمجمه‌ای متعلق به فرد دیگری در همین قبر موجود بود

شماره ۱۰۸- حفاری III قبر ۲ دوره II₂ مذکر سن ۲۵ تا ۳۰ سال

شماره ۱۰۹- حفاری III قبر I دوره II₂ مذکر حدود ۵۰ ساله

شماره ۱۱۰- حفاری II قبر II₂ مونث بزرگسال ۱۵ تا ۱۸ ساله

حداکثر شماره ۱۱۱- حفاری II- قبر ۶ دوره II₂ مونث ۲۰ تا ۲۵ ساله^۱

۷-۱- تپه زاغه

بدنبال اجرای اولین پروژه حفاری ایرانی توسط دانشگاه تهران در دشت قزوین تپه زاغه برای

اولین بار ضمن بررسی کوتاهی که در سال ۱۳۴۹ همزمان با جریان حفاری در سگزآباد انجام گرفت،

شناسایی شد. حفاری در این تپه در اواخر تیرماه همان سال زیر نظر دکتر عزت‌الله نگهبان آغاز شد

و حفاری در این تپه تقریباً به مدت ده‌سال بطور مستمر انجام گرفت پس از یک سری وقفه‌های

طولانی و حفاری‌های غیرمنظم حفاری در این تپه به همت والای شادروان دکتر محمدصالح صالحی از

خردادماه سال ۱۳۶۹ آغاز گردید و تا پایان فصل سال ۱۳۷۴ ادامه یافت. متأسفانه در پایان حفاری همین

فصل شادروان دکتر محمد صالح صالحی در جریان انجام ماموریت بررسی باستانشناسی به دیدار حق

شتافت بعضی از دیدگاهها و نظراتی که در این پایان‌نامه ملاحظه می‌شود مدیون راهنمایی‌های

دلسوزانه این عزیز از دست رفته است. متأسفانه از حفاری‌های انجام گرفته در تپه زاغه تنها گزارشات

آقای دکتر نگهبان و دکتر صادق ملک شه میرزادی به چاپ رسیده است.

1. R. GHIRSHMAN Ibid , PP 118-119

موقعیت و مشخصات تپه زاغه

تپه زاغه تپه‌ای است تقریباً مدور که زاس آن امروزه کمتر از یک متر از سطح زمینهای اطراف بالاتر است. این تپه در بلوک زهرا در ۶۰ کیلومتری جنوب شهرستان قزوین و حدود ۸ کیلومتری شمالشرقی دهستان سگزآباد واقع شده است. روستای عصمت‌آباد در شرق و ابراهیم‌آباد در غرب واقع شده‌اند.

گمانه‌پیشروی که توسط آقای دکتر نگهبان برای تعیین طبقات استقراری حفر شد بنا به نظر آقای دکتر نگهبان هفده لایه باستانی را مشخص نمود بعدها آقای دکتر ملک این ترانسه را وسعت داده و دوازده طبقه باستانشناسی را مشخص نمود.^۱

نمونه ذغالی که از عمق ۲/۸۰ متری حفاری‌های آقای دکتر نگهبان بدست آمد و برای آزمایش کربن ۱۴ فرستاده شد تاریخی حدود ۱۵۰+۶۲۶۹ پیش از میلاد را بدست داد.

ترانسه‌های حفر شده در این تپه توسط آقای دکتر نگهبان عبارت بودند از ترانسه FX و FXI و GX در حفاری ترانسه FX سه لایه ساختمانی تا عمق حدوداً هشتاد سانتی‌متری آشکار گردید^۲ بقایای اسکلت بخصوص محل دفن کودکان و استخوان‌های آنها در زیر بعضی از قسمتهای ساختمانی بدست آمد. می‌توان تصور نمود اجساد کودکان در خانه‌ها دفن می‌گردیده است.

این فرضیه که این اقوام شاید کودکان خویش را در منزل مسکونی خود دفن نموده‌اند با آشکار شدن قبرهایی در ترانسه نه فقط تأیید گردید بلکه نشان داد که اجساد بزرگسالان نیز در حیاط و یا اطراف منازل دفن گردیده است.

در ترانسه GX در چند قسمت بقایایی از خشت خام که به طرز نامنظمی بر روی یکدیگر انباشته شده بودند ظاهر گردید در ادامه حفاری در این توده‌های نامنظم خشتها، اسکلت انسان بدست آمد که تقریباً بر روی یک پهلو با پاهای خم‌شده دفن گردیده بود نشانه‌هایی از گل اخرای قرمز بر روی

۱- صادق ملک شه میرزادی، پیشین، ص ۱۶۸

۲- عزت‌الله نگهبان، گزارش مقدماتی دوماهه عملیات حفاری در دشت قزوین منطقه سگزر آباد مارلیک ۱، شماره ۱، ص

۱۶-۲۳، تهران ۱۳۵۱

استخوانها یافت شد^۱

این قبور در پاکسازی اتاقهای چهارمین طبقه معماری بصورت توده‌هایی از خشت‌های نامنظم یافت شدند که در زیر آنها اسکلت‌ها قرار داشتند آنها مربوط به قبور مردمان بعدی بودند که در طبقه قدیمتر حفر شده بودند.

خشت‌های این گونه قبور بسیار طویل بودند. این اجساد در هیچ جهت مشخصی قرار نداشتند. بر بالای هر جمجمه دو سنگ قرار داشت یکی مسطح و دیگری استوانه‌ای بسیار خوب حجاری و صیقل‌شده و امکان دارد این سنگها برای اهداف مذهبی در گور قرار داده شده باشند. این اجساد در اطراف سکونت گاهها دفن شده‌اند.^۲

حفاری ترانسه‌های D-IX-XII, E-IX -XII, C- IX- XII

این ترانسه‌ها توسط دکتر صادق ملک شه‌میرزادی طی چهار فصل از ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۸ جهت آشکارساختن بافت روستای پیش از تاریخ زاغه در طبقه دوم حفاری شده است. با توجه به گاه‌نگاری نسبی و تطبیقی یعنی مدارک مقایسه‌ای از سفالهای نوع چشمه علی که از طبقات استقراری VIII تا I و مشابه و هم افق سیلک I و II متأخر هاتو و کمر بند است و همچنین مدارک مربوط به کربن ۱۴ به نظر می‌رسد که زاغه در هزاره ششم مسکونی بوده و کمی قبل از پایان هزاره ششم متروک شده است به عقیده حفار برخی از ساکنان زاغه اموات خود را در محدوده روستا دفن کرده‌اند و در اکثر موارد جسد کودکان در زیر کف اتاقهای مسکونی دفن شده است. اموات در جهت خاصی دفن نمی‌شده و بر روی آثار استخوانی بدست آمده بدون استثناء اثر محلول گل اخرای دیده می‌شده است در گور همراه اموات گاهی اشیای مختلف قرار داده شده است.

بر اساس آثاری که همراه اموات در گور می‌گذاشته‌اند می‌توان منزلت اجتماعی افراد جامعه

۱- همان. ص ۲۰

2- E. O. NEGHAHBAN "Preliminary report of the Excavation of SAGZABAD" With International congress Iranian Art and Archaeology oxford 1976 p.254

زاعه را مورد مطالعه قرار داد^۱

قبور و مشخصات آنها

از نظر حفار به طور کلی دو گور گور و زاغه مشخص شده است.

الف) گورهای ثابت و دائمی

ب) گورهایی که آشفته و استخوانهای آنها جابجا شده بود. از این گورها قسمتی از اسکلت،

یا تنها جمجمه و یا فقط قسمتی از جمجمه بدست آمد.

گورها (هم الف و هم ب) در زیر کف قسمتی از واحدهای ساختمانی مسکونی و یا کوچه و

میدانهای روستا حفر شده بود. اجساد را در جهت معینی در گور قرار نداده بودند و روش تدفین با

امکانات فضایی هماهنگی داشت.

معمولاً اجساد کودکان و نوزادان را به استثنای یک مورد به حالت کاملاً جمع شده دفن کرده

بودند.

افراد بالغ و مسن را بیشتر به حالت باز و در برخی موارد با خم کردن پاها از ناحیه لگن و زانو

دفن کرده بودند، طرز قرار گرفتن سر و دستها و پاها متفاوت بود و رعایت رسم خاص معمول نبود.

کودکان و نوزادان را بجز سه مورد، در زیرسقف و افراد مسن را در محوطه‌های غیر سقف دفن کرده

بودند. اجساد بدون پوشش و کفن، دفن شده بودند مگر در یک مورد که به نظر می‌رسد کودکی را قبل

از دفن در کفنی چرمین پوشانده بودند.

بدون استثناء اجساد را قبل از دفن با محلولی از گل اخرا می‌پوشانیدند، به طوری که در برخی

موارد رنگ گل اخرا به استخوانها نفوذ کرده بودند.

بقایای اسکلتها در طیفی از نسبتاً سالم تا کاملاً در هم ریخته و پوشیده و پودر شده بود اسکلت

کودکان و نوزادان بیش از سایرین آسیب دیده بود در برخی موارد استخوانهای کوچک بدن بوسیله

جانوران یا ریشه گیاهان جابجا شده بود. به دلیل آسیب فراوان که به استخوانهای مهم تعیین جنسیت

اسکلتها وارد آمده بود تعیین واقعی جنسیت اسکلتها مشکل و در واقع غیرممکن بود. به همین

۱- صادق ملک شه میرزادی "تپه زاغه: تحلیل اجمالی از عملکرد منازل مسکونی مجله باستانشناسی و تاریخ سال ششم شماره

اول و دوم ص. ۱۲-۲ آبان ۱۳۷۱

دلیل جنسیت اسکلت‌هایی که کم و بیش سالم بودند با قید احتیاط تعیین گردیده است.

در چند مورد اشیایی همراه جسد در گور قرار داده شده بود که بیشتر آنها اشیای زینتی شخصی بود. در دو مورد فقط دو گروه اشیا بدست آمد که اسکلتی با آنها نبود و یا چنانچه اسکلتی همراه آنها وجود داشته به کلی از بین رفته است لذا نمی‌توان با قاطعیت این دو گروه اشیا را جزو هدایای گورها به شمار آورد.

گورهای آشفته یا جابجا شده

شماره ۲:

فقط قسمتی از مجموعه این اسکلت که فرد بالغی بوده باقی مانده بود. بقیه قسمتهای اسکلت در نتیجه حفر گودال به منظور استفاده از خاک آن برای تقویت زمینهای زراعتی در هم ریخته و از بین رفته بود.

بالای سر این فرد یک بزک ساب مرمی که هنگام حفاری چانه کوچکی از رنگ لاجوردی در آن باقی بود و همچنین یک ساینده سنگی و یک کاسه سفال قرار داشت.

شماره ۳:

نزدیک بقایای مجموعه اسکلت شماره ۲ قسمت فوقانی مجموعه‌ای متشکل از قسمتی از استخوانی پیشانی و استخوان آهیانه باقی مانده بود بقیه قسمتهای اسکلت در نتیجه حفر گودال از بین رفته بود. روی شکستگی استخوان پیشانی به هنگام حفاری اثر ضربه بیل حفار گودال قابل تشخیص بود. در محل اتصال استخوان آهیانه به پیشانی، چهار عدد مهره زینتی کوچک قرار داشت که دو عدد از آنها از فیروزه و دو عدد دیگر از سنگ لاجورد بود.

مجموعه‌های شماره ۲ و ۳ در زیر بازوی شمال ترانشه DX و در جنوبی‌ترین بخش میدان شمالی روستا و در محل واقع در شرق واحد ساختمانی شماره I و جنوب واحد ساختمانی شماره VI و شمال واحد ساختمانی شماره VII قرار داشتند

شماره ۸:

مجموعه این اسکلت (فرد بالغ) که نسبتاً سالم مانده بود در زیاله‌دانی واقع در خارج دیوار واحد ساختمانی شماره XI در قسمت شمال غربی ساختمان به دست آمد. این مجموعه را بنا به اعتقاد

حفار در هزاره ششم ق.م جابجا کرده بودند. همراه این مجموعه شیئی بدست نیامد.

شماره‌های ۴ و ۵:

بقایای این دو اسکلت که هر دو متعلق به افراد بالغ بودند، حین حفاری بازوی شمالی ترانشه D.X به دست آمد. اسکلت شماره ۵ در فاصله ۴۵ سانتی‌متری و در شرق اسکلت شماره ۴ قرار داده شده بود. حفر گودالی که سبب آشفتن اسکلت‌های شماره ۲ و ۳ شده بود به این دو اسکلت نیز صدماتی وارد آورده بود از اسکلت شماره ۴ قسمت فوقانی بدن از نیمه استخوان لگن به بالا و از اسکلت شماره ۵ از وسط استخوان را به پایین باقی مانده بود. همراه اسکلت شماره ۵ شیئی به دست نیامد ولی "ظرف زاغه" به همراه استخوان سردست گوسفند یا بز در بالای سر اسکلت شماره ۴ قرار داشت.

گورهای کودکان

شماره ۷:

اسکلت کودکی در سنین بین ۵ تا ۱۰ بوده که در زیر کف گوشه شمال غربی حیاط اندرونی واحد ساختمانی شماره X دفن شده بود. همراه این اسکلت شیئی نبود.

شماره‌های ۹، ۱۰، ۱۱:

این سه اسکلت متعلق به کودکان زیر سه سال بود که در زیر کف اتاق اصلی واحد ساختمانی شماره XI دفن شده بود. همراه این اسکلت شیئی نبود.

شماره ۱۲:

این اسکلت متعلق به کودکی بوده که احتمالاً در زمان مرگ حدود ۵ سال داشته است جسد این کودک در زیر کف حیاط اندرونی و در گوشه جنوب شرقی واحد ساختمانی شماره XI دفن شده بود. همراه این اسکلت شیئی نبود.

شماره ۱۶، ۱۷، ۱۸:

این اسکلت‌ها متعلق به سه کودک زیر سه سال بوده است که کنار دیوار و زیر کف اتاق اصلی واحد ساختمانی شماره XVI دفن شده بودند. هنگام دفن اسکلت شماره ۱۷، استخوانهای اسکلت شماره ۱۶ کاملاً جابجا شده بود و قسمتهایی از استخوانها اصلاً نبود. همراه این اسکلت نیز شیئی قرار داده نشده بود.

شماره ۲۰:

این اسکلت متعلق به کودکی در حدود سه سال بوده است که قبل از دفن در پوششی از پوست حیوان پیچیده شده بود. این اسکلت در زیرکف انبارهای واقع در جنوب شرقی واحد ساختمانی شماره XVI که سقف نداشته دفن گردیده بود، همراه این اسکلت شیئی نبود.

شماره ۲۱:

این اسکلت متعلق به کودکی بین ۱۰ تا ۱۵ سال بوده است که به حالت کاملاً جمع شده در زیرکف انباری سقف واحد ساختمانی شماره XIX دفن شده بود. این انباری در منتهی‌الیه شمال شرق ساختمان واقع شده بود. همراه این اسکلت شیئی نگذاشته بودند.

گورهای افراد بالای ۱۵ سال

شماره ۱:

این اسکلت زیر کف میدان وسیع روستا در شمال واحد ساختمانی VI و غرب واحد ساختمانی XI دفن شده بود و با آن یک بزک ساب مرمری، که هنوز بقایای رنگ آبی لاجوردی در داخلش قابل تشخیص بود و چهارظرف سفالی قرار داده شده بود.

شماره ۶:

این اسکلت در زیر کف حیاط اندرونی واحد ساختمانی شماره XIII دفن شده بود. بین استخوان ترقوه راست و استخوان جناق سینه یک مهره کوچک زیتی از جنس سنگ سفید رنگ قرار داده شده بود.

شماره ۱۳:

این اسکلت در زیر محوطه‌ای واقع در جنوب ساج واحد ساختمانی شماره XIII دفن شده بود. همراه این اسکلت شیئی نبود.

شماره ۱۴:

این اسکلت در زیرکف انتهای کوچه بن‌بستی که درهای ورودی واحدهای ساختمانی شماره‌های XV و XVI به آن باز می‌شوند دفن شده بود. نزدیکی مهره گردن این اسکلت یک قطعه

مسی کوچک، که در اصل یک مهره زینتی کوچک بوده است و همچنین یک مهره از جنس سنگ لاجورد بدست آمد که احتمالاً گردنبند شخص مستوفی بوده است.

شماره ۱۵:

این اسکلت در آستانه ورودی واحد ساختمانی شماره XV دفن شده بود. همراه این اسکلت شیئی قرار داده نشده بود.

شماره ۱۹:

این اسکلت در ابتدای کوچه بن‌بستی که شرح آن در قسمت توضیح اسکلت شماره ۱۴ بیان گردید دفن شده بود. نزدیک استخوان شانه راست این اسکلت دو قطعه کوچک مسی اکسید شده بود بدست آمد که به نظر می‌رسد یکی از آنها در اصل یک سرمته مس بوده است و دیگری یک مهره کوچک زینتی این تنها اسکلتی بود که همراه آن ابزار کار قرار داده شده بود.

شماره ۲۲:

این اسکلت در زیرکف محوطه‌ای واقع در شمال شرق واحد ساختمانی شماره XX و غرب واحد ساختمانی شماره XXI که به نظر می‌رسد قبل از مسدودشدن به دلیل امتداد دیوار شمالی واحد ساختمانی شماره XX معبر عام بوده است، دفن شده بود. همراه این اسکلت شیئی گذاشته نشده بود.

شماره ۲۳:

در گمانه پیشرو که برای تعیین طبقات مستقر در زاغه در سال ۱۳۵۱ حفر شده بود در عمق ۴/۵ متری از نقطه ثابت اندازه‌گیری واقع در سطح تپه، کف محوطه‌ای مشخص شد که در آن اجاق سنگی چین‌شده‌ای تعبیه شده بود. این کف هشتمین طبقه استقرار از سطح تپه بود. زیر این کف اسکلتی بدست آمد که نزدیک پیشانی آن یک بزک‌ساب سنگی ساده قرار داشت که هنوز بقایای گل اخراپی که در آن ساییده شده بود، در محل ساییدن رنگ قابل رؤیت بود. زیر این بزک‌ساب دو درفش استخوانی آغشته به گل اخرای خشک شده نیز بدست آمد. علاوه بر این وسایل خصوصی آرایش دو عدد مهره کوچک زینتی از سنگ لاجورد نیز روی مهره گردن قرار داشت^۱

۱- صادق ملک شه‌میرزادی بررسی طبقه اجتماعی در دوران استقرار در روستا براساس روش تدفین در زاغه، باستان‌شناسی و تاریخ سال دوم، شماره دوم ص ۱۰-۶ بهار و تابستان ۱۳۶۷

حفار با استفاده از مدارک بدست آمده چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

- ۱- نوزادان و کودکان زیر سه سال بدون استثناء در داخل محدوده واحدهای ساختمانی و در زیرکف قسمتهای سقف، از قبیل اتاق اصلی و یا انباری، دفن شده بودند.
- ۲- کلیه افراد بالای پانزده سال، در زیر قسمتهای غیرسقف، عده‌ای در داخل محدوده واحدهای ساختمانی و عده‌ای در خارج از محدوده واحدهای ساختمانی دفن شده‌اند.
- ۳- همراه هیچ یک از کودکان و نوزادان هدیه‌ای در گور نمی‌گذاشتند.
- ۴- همراه عده‌ای از بزرگسالان هدایای در گور قرار می‌دادند که می‌توان آنها را به طور کلی به دو دسته:

الف) اشیای زینتی شخصی

ب) اشیای غیر زینتی، تقسیم کرد.

بنابراین به وجهی دیگر از امتیاز براساس نسبت تدفین در زاغه اشاره کرد: کودکان و نوزادان فاقد امتیاز به منظور به همراه بردن اشیاء با خود به جهان دیگر بودند. از طرف دیگر، همه بزرگسالان نیز از چنین امتیازی برخوردار نبودند و فقط تعداد محدودی دارای چنین امتیازی بر دیگران بودند. با توجه به موارد ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که در جامعه روستایی زاغه افرادی که دوران بلوغ را پشت سر گذاشته بودند، دارای این امتیاز بودند که در خارج از محدوده واحدهای ساختمانی روستا دفن شوند و اشیایی را با خود به جهان دیگر به همراه برند.

۵- در میان ممتازان جامعه زاغه براساس نسبت تدفین سه دسته را می‌توان از یکدیگر مشخص کرد الف - عده‌ای که این امتیاز را داشتند که اشیای زینتی شخصی را با خود به جهان دیگر به همراه برند.

ب - افرادی که علاوه بر اشیای زینتی شخصی وسایل و ابزار کار را هم به همراه می‌برند.

ج - عده‌ای که علاوه بر اشیای زینتی شخصی امتیاز به همراه بردن اشیای غیر زینتی شخصی را نیز دارا بودند.

۶- از عده‌ای که فقط این امتیاز را داشتند که اشیای زینتی شخص را به همراه داشته باشند آنچه شواهد نشان می‌دهد فقط یک نفر در میدان روستا دفن شده بود به علت درهم ریختگی بیش از اندازه

اسکلت شماره ۵ درباره این فرد و بقیه، از جمله آنهایی که ابزار کار شخصی نیز همراه داشتند و یادر داخل محدوده ساختمانی و یا در معابر عمومی دفن شده بودند نمی‌توان به یقین مطلبی گفت

۷- عده‌ای که دارای این امتیاز بودند که اشیای غیرزینتی شخص را نیز باخود به جهان دیگر انتقال دهند در میدانهای روستا دفن شده بودند.

بنابراین می‌توان گفت که در جامعه روستایی زاغه تعداد محدودی به سر می‌بردند که دارای این امتیاز بودند که در میدانهای روستا دفن شوند و همراه خود علاوه بر اشیای زینتی شخصی مثل بزک ساب اشیای دیگری که جنبه زینتی نداشت به جهان دیگر ببرند. حال باید به بررسی کیفیت و کمیت اشیای غیرزینتی شخص پردازیم تا شاید به موردی دیگر از امتیازات طبقاتی بتوان اشاره کرد:

همراه اسکلت‌های شماره‌های ۱، ۲، ۴ ظروف سفالی گذاشته بودند که از آنها هیچ گاه استفاده نشده بود، از این ظروف فقط برای قراردادن در گور به عنوان هدیه استفاده شده بوده است.

به طور کلی می‌توان اطلاعاتی را که تاکنون درباره انواع سفالهای زاغه نوشته شده چنین خلاصه کرد. سفالهای زاغه به چهار گروه طبقه‌بندی می‌شود:^(۱)

(۱) آیا می‌توان گفت این فرد از امتیاز مالی خاص برخوردار بوده است؟ می‌توان گفت که این فرد در زمان حیات با امکانات مالی که در اختیار داشته می‌توانسته است چنین هزینه‌ای را متحمل شود و مراسم تدفین خود را از قبل تدارک بیند.

(۲) اگر بخواهیم امتیاز را براساس و تجربه فرض کنیم ترکیب استخوانبندی خلاف این را نشان می‌دهد، زیرا این شخص در میانسال و وفات یافته و در میان اسکلت‌های بدست آمده در زاغه از او مسن‌تر نیز وجود داشته است ممکن است فرض را بر این قرار دهیم که این فرد دارای یکی از دو امتیاز جسمی، تحکمی یا قدرتمندی بوده است. برای مورد اول دلیل قانع کننده وی در دست نیست در مورد امتیاز تحکمی یا همان طور که اشاره شد قدرتمندی، ابتدا به تعریف ساده‌ای که ماکس وبر و رابرت دال از قدرت ارائه داده‌اند اشاره می‌شود تا دریابیم که این شخص چنین امتیازی را داشته است یا نه ماکس وبر قدرت را چنین تعریف کرده، قدرت امکانی است که بدون در نظر داشتن نوع آن عضو یک جامعه

با در اختیار داشتن آن بتواند امیال خود را علی‌رغم هر نوع مقاومت در برابر خود به اجرا در آورد. و تعریف رابرت دال نیز از قدرت چنین است: قدرت زید نسبت به عمرو چنان است که می‌توان عمرو را وادار به انجام دادن فعلی کند که عمرو هیچ‌گاه خود آن عمل را انجام نمی‌داده است. می‌بینیم که فرد شماره ۴ دارای چنین قدرتی بوده است که برای گذاشتن ظرف سفال بزرگ و سنگین در گور خود افرادی را برای آوردن آن به محل ساخت آن روانه کند. یادآوری این نکته ضروری است که مطالعات باستانشناسی در بررسی مسائل ذهنی و غیر ملموس فرهنگی جوامع پیش از تاریخ هنوز مراحل تکوینی خود را می‌گذارند ولی باستانشناسان و انسان‌شناسان نیز علاقه‌مندند در پژوهشهای خود به مدرکی دست یابند و آنها را گردآوری کنند که به این گونه بحثهای استنتاجی یاری برسانند.^(۱)

۸۱ تپه سنگ چخماق

در سال ۱۹۶۹ میلادی پرفسور مسودا در مسیر خود از شاهرود به گرگان دو تپه یافت که آنها را به نام تپه سنگ چخماق نامگذاری کرد. این دو تپه که بر تپه‌های شرقی و غربی معروفند نزدیک بسطام در ۸ کیلومتری شمال شاهرود در انتهای یک دشت آبرفتی و در نزدیکی دامنه‌های جنوبی کوه‌های البرز قرار دارند.

مسودا در سال ۱۹۷۱ و ۱۹۷۳ دو تپه را حفاری کرد تپه شرق و غربی در فلات یکسانی قرار داشتند و فاصله بین هر دو در حدود ۱۵۰ متر بود.^(۱)

هنوز گزارش کامل این حفاریها به چاپ نرسیده است و گزارشات منتشر شده عبارت از مقالات کوتاه چاپ شده در نشریات مختلف می‌باشد. با اینکه تعداد انگشت شمار سفال یعنی سه قطعه در تپه غربی یافت شد با این حال این تپه مربوط به نو سنگی بدون سفال نمی‌باشد و حفار معتقد است که تپه غربی احتمالاً قدیمی‌تر از تپه شرقی است. یک نمونه آزمایش کربن ۱۴ از طبقه دوم یا سوم تپه غربی تاریخ نسبی ۷۸۰۰ سال پیش از عصر کنونی با اختلاف یکصد و پنجاه سال را نشان می‌دهد.

تپه شرقی

تدفین چهار فرد مونث

در سال ۱۹۷۳ کار بر روی بقایای لایه‌های چهارم و پنجم متمرکز گردید زیرا آثار کافی از طبقات اول تا سوم بدست نیامد اما درست زیر خاک سطحی تعدادی استخوانهای انسانی یافت گردید. این بقایا مربوط به چهار فرد مونث و سه خردسال بودند. سه خردسال مربوط به سه فرد مونث از چهار فرد مذکور بودند. محل دفن آنان بسیار نزدیک و در لایه‌ای مشابه بود. حفار تصور می‌کند آنها در یک زمان دفن شده و تفاوت‌هایی در روش تدفین آنها وجود دارند.

مورد جالب توجه وجود سفال بر بالای اسکلت یکی از آنان است. با توجه به این سفال حفار

لایه I را هم افق با سیلک II می‌داند. از نظر معماری در لایه‌های چهارم و پنجم بعضی دیوارها

1- S. Masuda "Excavations at tappe sang-e cag mag" in Proceeding of the IInd Annual symposium on Archaeological Research in Iran P.23, 1974.

به رنگ سیاه و قرمز نقاشی شده بودند.^(۱)

تدفین خردسالان

در مناطق حفاری شده در لایه‌های چهارم و پنجم ۱۴ اسکلت جمع شده خردسالان بدست آمد یکی از آنها در یک ظرف با لبه شکسته بصورت تابوت دفن شده بود در این مناطق هیچ استخوان بزرگسال یافت نگردید. حفار اظهار می‌دارد که بیشتر به نظر می‌رسد دفن اجساد زیر کف محل سکونت در جوامع کشاورزی پیش از تاریخ در غرب آسیا یک سنت رایج بوده است و با توجه به عدم وجود دلایل کافی حداقل می‌توانیم بگوئیم که مردمان پیش از تاریخ خردسالانشان را در محل بسیار نزدیک سکونت خود برخلاف بزرگسالان دفن می‌کردند.

همچنین در تپه غربی بیست و یک اسکلت خردسالان در زیر کف نزدیک دیوار یافت گردید که سنت تدفن در داخل مناطق مسکونی خردسالان را تایید می‌کند. یک نمونه از تدفین عجیب و نادر یک اسکلت بره بود که زیر کف نزدیک دیوار خانه‌ای در طبقه چهارم تپه غربی دفن شده بود. این حیوان خانگی متعلق به دوره‌ای است که در آن پرورش حیوانات اهلی صورت گرفته است.

در پایان حفار نتیجه می‌گیرد که مرحله اولیه کشاورزی در سنگ چخماق در شمالشرقی ایران هم افق با سیلک I و II می‌باشد.^(۲)

کاوشهای سال ۱۹۷۵

مسودا در طی کاوشهایی که در دوره زمانی اگوست تا اکتبر ۱۹۷۵ در منطقه شاهرود انجام داد در تپه‌های سنگ چخماق نیز حفاری نمود. در اولین و دومین فصل طبقات ۳ تا ۵ حفاری شده بودند و در این فصل اولین و دومین و ششمین طبقات حفاری شدند. در اینجا مسودا تدفین‌های طبقه دوم را با تپه شرقی مقایسه نموده است: در تپه غربی اسکلت‌های انسانی که در طبقه دوم تپه غربی دفن شده بودند در حالت جمع شده قرار داشتند در حالیکه در تدفین تپه شرقی اسکلت‌ها بحالت درازکش

1- S.masuda, Ibid, P.25

2- S.masuda, Ibid, P.26

و بر پهلوی راست بودند.^(۱)

۹-۱. تپه اسماعیل آباد

تپه پیش از تاریخ اسماعیل آباد یا موشه‌لان تپه در منطقه ساوجبلاغ در حدود ۶۲ کیلومتری غرب تهران قرار دارد. این تپه در نزدیکی دهکده متروک کنونی اسماعیل آباد واقع شده و نام خود را از آن گرفته است. مردم محل این تپه را به نام موشه‌لان تپه می‌شناسند. این منطقه تقریباً ۱۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و حدود یک و نیم هکتار مساحت بقایای باستانی در این تپه می‌باشد که ۴ متر از سطح فعلی دشت بلندتر است. ضخامت بقایای باستانی در این تپه بیش از ۶/۷۰ متر است.^(۲) برای نخستین بار در سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ در طی دو فصل حفاری سه ماهه آثار و اشیاء متنوعی در این تپه در دو طبقه بنامهای الف و ب کشف گردید.^(۳) اسماعیل حاکمی حفار این تپه یک ترانشه باریک به طول ۱۰۰ متر که از مرکز تپه می‌گذشت باز کرد و در طی این دو فصل در حدود ۱۵۰ ظرف کامل کشف کرد تمام مواد بدست آمده در این حفاری در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود. نتایج حفاری تنها در سه صفحه گزارش است که تاکنون منتشر نشده است. بعدها در سال ۱۳۵۵ ف. نوایی اجازه یافت تا یک کاوش در محل انجام دهد وی پس از جابه‌جایی لایه‌های مضطرب و آماده‌سازی محل غیر مضطرب در سال ۱۳۵۶ حفاری مجددی در تپه به منظور لایه‌نگاری تپه انجام داد. از نظر چینه‌شناسی و گاه‌نگاری سفال اسماعیل آباد مربوط به یک سبک غالب و مشخص از سفال قرمز با نقوش سیاه‌رنگی شود که با سیلک II قره تپه چشمه‌علی و تپه‌زاغه در فلات مرکزی ایران موازی و مطابقت دارد.

1- SEI ICHI MASUDA "report of the Archaeological investigations at SAHRUD, 1975" PROCEEDINGS of the IV the Annual symposium on Archaeological research in Iran, P. 64, 1976.

2- HASAN TALA'I "Stratigraphical sequence and Architectural remains at ismailabad", AMI BAND 16,P. 58, 1983

۳- پرویز ورجاوند سرزمین قزوین سابقه تاریخی و بناهای تاریخی سرزمین قزوین تهران انجمن آثار ملی ۱۳۴۹ ص ۱۴-۱۵

این کاوش در محدوده ترانسه‌های A, B, C, D و E به مساحت ۴۴۵ مترمربع توسط مرکز باستانشناسی ایران انجام پذیرفته است. تا ۶/۷۰ متری بقایای حفاری شده در محل ده طبقه استقرار یا معماری دیده می‌شود^(۱)

حاکمی اشیای طبقه اول و دوم را متفاوت ذکر می‌کند در طی اولین حفاری حاکمی غالب اشیاء از داخل قبور بدست آمدند. حاکمی اشیای طبقه اول و دوم را متفاوت ذکر می‌کند و منظور او از اشیاء ظروف سفالی است در طبقه اول سفال علاوه بر نقوش هندسی تصاویر انسان و حیوانات مختلف را نیز داراست و در طبقه عمیق‌تر ظروف و اشیاء سفالی فقط با نقوش هندسی و خطوط ساده تزئین یافته و از جهت ضخامت و سبک ساخت با اشیاء طبقه بالا تفاوت فاحش دارند.^(۲)

از طرز تدفین اطلاع دقیقی در دست نیست اما بنا به گزارش آقای حاکمی گویا جسد را به پهلو راست یا چپ در قبر قرار داده و دست‌ها را روی سینه قرار داده و پاها را جمع می‌نمودند و بر بالای سر آن ظروف مختلف قرار می‌دادند و چنانچه از بعضی تصاویر معلوم است این ظروف متعدد و بعضی منقوش هستند یک تصویر نیز از قراردادن نوزادان در داخل خمره وجود دارد.^(۳)

همپنین غالب اشیاء کشف شده از مقابر در جدار یا از داخل بنا بدست آمده است^(۴) در بین بناهای مکشوفی اطاقی بدست آمده که کف آن با ماده قرمز رنگی پوشیده شده بود که به نظر می‌رسد از همان ترکیب اکسید آهن و اخری که برای رنگ کردن روی ظروف بکار می‌رفته استفاده شده است در وسط اطاق مزبور آتشدانی به شکل ستاره چهار پر با حفره کوچکی در وسط بدست آمد. دیوارهای اطاقی را با خشتهای مشتهای ساخته و روی آنرا با اندود قرمز رنگ پوشانیده بودند.^(۵)

1- HASAN TALA, I, Ibid, P.59

۲- اسماعیل حاکمی، حفاری در تپه موشه‌لان اسماعیل آباد ساوجبلاغ آثار و اشیاء چهار هزار سال قبل از میلاد سالنامه کشور ایران، سال چهاردهم ص ۲۰۴-۲۰۵/۱۳۳۸

۳- همان، ص ۲۰۴-۲۰۵

۴- پرویز ورجاوند پیشین، ص ۱۵

۵- پرویز ورجاوند پیشین، ص ۱۹-۱۷

در حفاری‌های اخیر تپه اسماعیل آباد در طبقه IX در عمق ۶/۳۰ متری از نقطه صفر هیچ دیواری یافت شد اما یک کف کاهگل همراه با یک تدفین در زیر آن یافت شد که این تدفین در وقفه مابین X و IX ظاهر می‌شود.

طبقه X در ۶/۷۰ متری از نقطه صفر واقع شده است مانند طبقاتی قبل در ردیف خشت‌های مشته‌ای و یک کف کاهگل قرار می‌گیرد. یک شکل در مقطع با یک کف سخت سوخته توسط خشت‌های پخته شده قرار گرفته روی این کف احاطه می‌شود که بسیار شبیه یک اجاق است.^(۱)

1- HASSAN TALAI, Ibid, P.62

۱-۱۰- تپه علی کش

تپه علی کش در منطقه دهلران و در کنار رود مهمه واقع شده است تپه‌ای است به قطر تقریبی ۱۳۵ متر و هنگام حفاری بلندترین نقطه آن حدود ۴ متر از سطح زمینهای اطراف بالاتر قرار داشته است. ضخامت آثار باستانی در این تپه از راس آن حدود ۷ متر است. این تپه ظاهراً برای اولین بار توسط گاتیه و لامبر از اعضاء هیئت باستانشناسی فرانسوی در ایران در سال ۱۹۰۳ بررسی شده و احتمالاً در همان سال حفاری آزمایش به ابعاد ۷X۷ انجام پذیرفت. گاتیه و لامبر این تپه را محمد جعفر نامیدند. امروزه روستائیان موسیان این تپه را بزمرده و ساکنین دهلران آنرا علی کش می‌نامند که تمامی این نامها برای نامگذاری فازهای مختلف استقرار انتخاب شده است. در سال ۱۹۶۱ گمانه آزمایشی به ابعاد ۵X۳ متر توسط هیئت حفاری به سرپرستی فرانک هول حفاری گردید. حفاری در سال ۱۹۶۳ ادامه داده شد و خاک بکر مشخص گردید و سه دوره بزمرده، علی کش و محمد جعفر به ترتیب از روی خاک بکر مشخص گردید این دو دوره هر کدام دارای دو دوره کوتاهتر بودند.^(۱)

استفاده از سفال در تپه علی کش از دوره محمدجعفر آغاز گردید و این دوره مرحله استقرار دائم در روستاها در منطقه دهلران است.

تدفین

تنها تدفین نامطمئن در لایه‌های فاز بزمرده در تپه علی کش یک تدفین ثانوی بود که حاوی استخوانهای اعضای حداقل سه فرد بزرگسال می‌گردید. توده استخوانهای طویل در خاک سیاه بر بالای منطقه C₁ قرار داشتند علاوه بر این مهره‌های متعددی از سنگ سفید و سه زینت از فیروزه بودند و تمام تدفین با اخری قرمز آغشته شده بود. این تدفین احتمالاً از منطقه B₂ (فاز علی کش) وارد شده است. اما هیچ گودالی در خاک سیاه قابل ردیابی نبود.

1- F. Hole, Kent V. Flannery and J. A. Neely "Ecology of the Deh luran Plain And Early village sequences From Khuzistan, Iran" Memoire of the Museum of Anthropoloyg, unirersity of Michigan No. 1, Ann Arbor, 1969 PP 29-32

فاز علی‌کش

سیزده تدفین اولیه و یک تدفین ثانوی زیر کف‌های ساختمانی در منطقه B₂ در تپه علی‌کش یافت شدند. تدفین اولیه شامل نه بزرگسال، دو کودک یا نوزاد و دو نوزاد بسیار کم سن و سال یا جنین بودند. سه بزرگسال احتمالاً همگی مونث دفرمه شدن عمدی جمجمه‌ها را نشان می‌دادند. امکان چنین مسئله‌ای در دیگر اسکلتها نیز وجود دارد. بجز یک استثنا جمجمه‌ها معمولاً به طور ضعیفی حفاظت شده بودند و بسختی شکسته بودند. بزرگسالان به طور نشسته در حالت کاملاً جمع شده بودند و نشانه‌هایی از جسم سیلیسی یا نوعی حصیر را می‌توان در دور برحداقل چهار تن از آنها جستجو کرد. بیشتر احتمال دارد که تدفینهای بقچه‌ای باشند که افراد را کاملاً جمع کرده و در حصیر دوخته و با طومار کرده باشند پیش از آنکه آنها را زیر کف خانه‌ها دفن کنند تزئینات شخصی گردنبندهایی از مهره‌های سنگی سیاه و سفید یا برحسب تصادف دست‌بندهایی از صدف‌های دریایی بودند.

تدفین ثانوی تدفین دوباره استخوانهای اعضای حداقل سه فرد بودند همراه با آنها یک مهره فیروزه یک مهره سنگ سبز و یک آویز از صدف بودند که شباهت به تدفین ثانوی استخوانهای اعضا یافت شده در منطقه C₁ داشت.^(۱)

تدفین ۲۶

محل: زیر کف خانه در مربع ۵۹ و ۶۹ عمق ۳۸۵ تا ۴۰۰ سانتیمتر منطقه B₂

جهت: نشسته، کاملاً جمع شده

آمارهای انسانی: بزرگسال جنس نامعین

اشکال: پیچیده در حصیر بافته شده دو تا رو دو تا زیر

زینت آلات: گردنبندی از مهره‌های سنگی سیاه و سفید دور گردن و احتمالاً در رابطه با این تدفین

دستبندی در همان نزدیکی از صدف‌های دریایی قرمز و سفید

هدایا: گلوله سنگی شیاردار نزدیک زانوی چپ

حفاظت: ضعیف، بیشتر استخوانها شکسته - دستها و پاها مفقود

1- F. Hole, et al, Ibid, P. 248

تدفین ۲۷

محل: زیر کف خانه در مربع ۷۷، عمق ۴۱۰ تا ۴۳۰ سانتیمتر منطقه B₂

جهت: شمال جنوب، پاها و لگن خاصره در جهت شمال جنوب

آمارهای انسانی: بزرگسال جنس نامعین

اشکال: هیچ

زینت آلات: هیچ

هدایا: هیچ

حفاظت: ضعیف قسمت فوقانی بدن مفقود ومضطرب

تدفین ۲۸

محل: زیر کف خانه در مربع ۹۶ عمق ۴۳۵ تا ۴۶۵ سانتیمتر منطقه B₂

جهت: تاق باز شمالی جنوب، سرشمال

آمارهای انسانی: کودک، دندانهای آسیاب کوچک و دندانهای پیشین دائمی وجود دارند اما از آرواره

بیرون نیامده‌اند، ۷ تا ۱۰ ساله؟

اشکال: هیچ

زینت آلات: مهره صدف دریایی نزدیک ماستوئید راست

هدایا: سنگ بیضی صیقل شده زیر شانه راست

حفاظت: ضعیف

تدفین ۲۹

محل: زیر کف خانه در مربع ۷۷، عمق ۴۱۰ تا ۴۳۰ سانتیمتر منطقه B₂

آمارهای انسانی: خردسال

اشکال: پیچیده در حصیر بافته شده دو تا رو دو تا زیر

زینت آلات: هیچ

هدایا: هیچ

حفاظت: متوسط

تدفین ۳۰

محل: زیر کف خانه در مربع ۶۷ و ۷۶ عمق ۴۱۰ تا ۴۳۰ سانتیمتر منطقه B₂

جهت: تاق باز شمالشرقی جنوب غربی،

آمارهای انسانی: بزرگسال جنس نامعین

اشکال: هیچ

زینت‌آلات: هیچ

هدایا: هیچ

حفاظت: متوسط، آشفته: بازوی چپ - آرواره تحتانی، هر دو تیبیا و رادیوس راست و اولنا مفقود

تدفین ۳۱

محل: زیر کف خانه در مربع ۷۰ عمق ۴۳۵ تا ۴۶۵ سانتیمتر منطقه B₂

جهت: ظاهراً نشسته، کاملاً جمع شده، پاها بطور غیر معمولی افتاده

آمارهای انسانی: بزرگسال جنس نامعین

اشکال: هیچ

زینت‌آلات: هیچ

هدایا: هیچ

حفاظت: خوب

تدفین ۳۲

محل: زیر کف خانه در مربع ۶۸ عمق ۴۱۰ تا ۴۳۰ سانتیمتر منطقه B₁

جهت: نشسته، کاملاً جمع شده

آمارهای انسانی: بزرگسال، جنس نامعین

اشکال: پیچیده در حصیر بافته شده دو تا رو دو تا زیر

زینت‌آلات: هیچ

هدایا: هیچ

حفاظت: ضعیف، استخوانها به طور بدی شکسته

تدفین ۳۳

محل: زیر کف خانه در مربع ۸۰ عمق ۴۲۸ تا ۴۵۰ سانتیمتر منطقه B₂

جهت: نشسته، جمع شده

آمارهای انسانی: بزرگسال شاید مونث

اشکال: پیچیده در حصیر بافته شده دو تا رو دو تا زیر، دفرمه شدن جمجمه

زینت‌آلات: هیچ

هدایا: هیچ

حفاظت: ضعیف

تدفین ۳۴ و نوزاد

محل: زیر کف خانه در مربع ۹۷ عمق ۴۳۸ تا ۴۶۵ سانتیمتر منطقه B₂

جهت: شسته، جمع شده

آمارهای انسانی: بزرگسال مونث

اشکال: نوزاد تازه متولد شده یا جنین در آغوش، دفرمه شدن جمجمه

زینت‌آلات: هیچ

هدایا: هیچ

حفاظت: ضعیف

تدفین ۳۴ الف

محل: زیر کف خانه در مربع ۹۶ عمق ۴۶۵ تا ۴۷۵ سانتیمتر منطقه B₂

جهت: نامشخص به صورتیکه تنها جمجمه در منطقه حفاری قرار داشت

آمارهای انسانی: بزرگسال احتمالاً مونث

اشکال: دفرمه شدن جمجمه

تدفین ۳۵ و جنین

محل: زیر کف خانه در مربع ۹۶ عمق ۴۴۰ تا ۴۷۴ سانتیمتر منطقه B₂

جهت: نشسته کاملاً جمع شده

آمارهای انسانی: بزرگسال احتمالاً مونث
اشکال: پیچیده در حصیر بافته شده دو تا زیر دو تا رو جنین مستقیماً بالای آن یافت شد.

زینت آلات: هیچ

هدایا: هیچ

حفاظت: ضعیف، تعدادی از اعضاء مفقود

تدفین ثانوی

محل: زیر کف در مربع ۹۷ عمق ۴۳۵ تا ۴۶۵ سانتیمتر منطقه B₂
جهت: استخوانهای طویل روی هم در امتداد شرق غرب انباشته شده بودند
آمارهای انسانی: حداقل ۳ بزرگسال مشخص شدند

اشکال: هیچ

زینت آلات: یک مهره فیروزه، یک مهره سنگ سبز، یک آویز از صدف دو کفه‌ای

هدایا: هیچ

حفاظت: ضعیف شامل پنج فمور - چهار تیبیا - ۱ هوموروس ۲ رادیوس

۲ اولنا^(۱)

یک قبر منفرد درگمانه آزمایشی سال ۱۹۶۱ در علی‌کش یافت شد که زیر کف یک خانه در ارتباط با دیوار شماره ۱ به عمق ۳۰۰ سانتیمتر قرار گرفته بود تدفین به صورت کاملاً جمع شده و تنها قسمتی از آن داخل گمانه آزمایشی بود در رابطه با آن یک آویز زنگی شکل سنگی شبیه به آنچه در تدفینهای دوره بعد یعنی محمد جعفر وجود داشت و چهار گلوله سوراخ شده سنگی که کمی بیش از سه سانتیمتر قطر داشتند نزدیک پاها یافت شدند.

فاز محمد جعفر

پنج تدفین اولیه در محل شرق دیوار دارای پی سنگی در منطقه A₁ در علی‌کش کشف شد تمام آنها شمالی جنوبی بودند با سر به طرف جنوب و همگی بر پهلوئی چپ قرار گرفته بودند. جهت روبروی

1- F. Hole, etal, Ibid, PP. 248-253

غرب و پاهایی که تا حدودی جمع شده بودند. هیچ مدرکی از پوشش حصیری ردیابی شد. زینت‌آلات شامل تزئینات مو، دست‌بندهای صدف و آویزهای گلی یا سنگی مابین ران‌ها بودند.

دو تدفین دارای زینت‌آلات فیروزه، بودند و یکی از آنها سبد آغشته به قیر طبیعی نزدیک کمر داشت. هیچکدام دارای مجموعه‌های دفرمه نبودند.

آراسته‌ترین تدفین شماره ۸، یک مرد میانسال بود. دو مهره فیروزه و احتمالاً یک تزئین فیروزه بین مجموعه و شانه قرار داشت. ساعد راست یک دستبند از مهره‌های صدفی سفید داشت. یک توده از گل اخری قرمز زمین را نزدیک شانه راست رنگی کرده بود. احتمالاً نشاندهنده این نکته که بعضی هدایای فاسدشدنی تجزیه شده‌اند. او لنگ یا پوششی دور کمر داشت که ظاهراً مهره‌های عدسی شکل کوچکی بر آن دوخته شده بودند و تعدادی از ردیف‌ها یا ریشه‌هایی از مهره‌های عدسی شکل سیاه از هر دو پا و کمر او آویزان بود.

مقابل استخوان پویس و مابین دوران او یک آویز زنگی شکل از سنگ صیقلی بود^(۱)

تدفین ۸

محل: مربعهای ۲۸ و ۳۸ عمق ۵۰ تا ۸۰ سانتیمتر منطقه A₂

جهت: نیمه جمع‌شدن بر پهلوئی چپ شمال جنوبی و سر به طرف جنوب

آمارهای انسانی: مذکر میانسال

اشکال: لکه اخری قرمز، ۸x۴ سانتیمتر نزدیک شانه چپ

زینت‌آلات: آویز سنگی زنگی شکل مابین ران‌ها، دست‌بندی از مهره‌های سنگی سفید روی ساعد

راست، مهره‌های فیروزه در گردن، زیور سر یا گوش بند افتاده ما بین کتف رشته‌هایی از مهره‌های

عدسی در کفل

حفاظت: ضعیف پایین پا مضطرب شده با گمانه بعدی یا گودال جدیدتر

تدفین ۹

محل: مربع ۲۷ عمق ۶۰ تا ۷۳ سانتیمتر منطقه A₁

جهت: نیمه جمع شدن بر پهلوی چپ سر به طرف جنوب

آمارهای انسانی: بزرگسال جنس نامعین

زینت آلات: رشته‌هایی از مهره‌های سفید دور کمر

هدایا (۹): سبد بافته آغشته به آسفالت نزدیک لگن خاصره

حفاظت: ضعیف، مضطرب نیمه فوقانی بدن مفقود.

تدفین ۱۰

محل: مربعهای ۲۰ و ۳۰ عمق ۵۵ تا ۸۰ سانتیمتر منطقه A₁

جهت: نیمه جمع شده بر پهلوی چپ شمال جنوب سر به طرف جنوب

آمارهای انسانی: مذکر میانسال

زینت آلات: آویز زنگی گلی بین رانها - تزئین قیر کار گذاشته شده بر دندانهای پیشین پائینی و جلوی

فک زیرین، تزئین نزدیک کمر ممکن است مرتبط با تدفین باشد.

تدفین ۱۸

محل: مربعهای ۱۸ و ۱۹ عمق ۲۵ تا ۴۰ سانتیمتر منطقه A₁ (تپه علی‌کش)

جهت: نیمه جمع شدن بر روی پهلوی چپ شمال جنوبی و سر به طرف جنوب

آمارهای انسانی: بزرگسال جنس نامعین

زینت آلات: یک مهره استخوانی نزدیک پا احتمالاً مربوط به تدفین (۹)

حفاظت: ضعیف، چند انگشت و دنده مفقود شده

تدفین ۲۵

محل: مربعهای ۱۶ و ۲۶ عمق ۸۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر منطقه A₁

جهت: نیمه جمع شده روی پهلوی چپ - شمال جنوبی به طرف جنوب

آمارهای انسانی: میان سال؟، بزرگسال جنس نامعین، احتمالاً مذکر

زینت آلات: یک آویز فیروزه در نزدیکی و بالای جناق سینه

یک مهره فیروزه بین شانه چپ و صورت، یک آویز زنگی گلی شکسته در نزدیک محل پیدا شد شاید

مربوط به منطقه لگن خاصره باشد و توسط گودال جدید که تدفین را مضطرب کرد، جابجا شده باشد.

حفاظت: ضعیف، مضطرب توسط یک گودال که مقطع میانی را تا پایین باز و خارج ساخته است.

از دوره‌های سبز، خزینه و مهمه در بررسی‌های انجام شده هیچ تدفین یافت نشد.^(۱)

1- F. Hole, etal Ibid, P. 255

۱۱-۱- چغامیش

تپه چغامیش در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی دزفول در طرف شرقی رودخانه آب دز و در نزدیکی کوهستان قرار دارد و یکی از بزرگترین مکان‌های باستان موجود بر پهنه دشت خوزستان می‌باشد. این تپه ابتداء توسط حفاران فرانسوی شناسایی ولی حفاری شد. دکتر روبرت م. آدامس در ۱۹۶۰ به قطعات سفال آغاز ادبیات و پیش از تاریخ منقوش در این تپه توجه نمود.

برای اولین بار حفاری در مقیاس کوچک در ششم نوامبر تا ۱۸ دسامبر ۱۹۶۱ انجام پذیرفت و سپس مدتها ادامه یافت در تمام این حفاری‌ها هلن. ج. کتور و آقای دلوگاز حضور داشتند. سایت بزحمت چهار ضلعی و تقریباً از شمال به جنوب در طول امتداد یافته است بقایای قدیمی بلافاصله زیر خاک سطحی در یک منطقه ۳۰۰ متر پهنا و ۶۰۰ متر دراز قرار دارند و از نظر توپوگرافی شامل دو قسمت‌اند: قسمت شمال تپه اصلی و یک پنجم مساحت کل را داراست و شامل یک سری برآمدگی‌های شیب‌دار و مجاری با بیشترین ارتفاع ۲۵ متر از سطح دشت می‌باشد. قسمت جنوبی به صورت قابل ملاحظه‌ای بزرگتر است و این منطقه به نام تراس شناخته می‌شود^(۱)

حفاریهای ۱۹۷۳-۱۹۷۴

در طی حفاریهای این سالها هیئت حفاری چغامیش مرکب از مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو و دانشگاه کالیفرنیا در لوس‌آنجلس به سرپرستی پرفسور دلوگاز و خانم کتور چهار ناحیه را که تمامی آنها در قسمت شمالی تراش واقع بودند حفاری کردند. یکی از این مناطق ترانسه XXI منطقه XXXII می‌باشد در فصول قبل حفاران ترانسه باریک XXI را وسعت دادند که شامل لایه‌های معماری از دوره‌های سوزیانا میانه، قدیم و عتیق بود.

پایین‌تر در سرایشینی تراس، ترانسه کوچک حفاری شده قبلی XXXII وجود داشت که در آن دیواره‌های عتیق کشیده شده به سمت ترانسه XXI یافت شد.

1- P.P. Delougaz "chogha Mish", IRAN, Vol. V, PP. 147-149, 1967

حفاران امیدوار بودند که در این فصل ردپای این دیوارها را به منظور دستیابی به نقشه کامل‌تر دنبال کنند به همین سبب فضای مابین ترانسه‌های XXI و XXXII حفاری گردید. هیچ نوع دیوارخانه‌ها نزدیک سطح قرار نداشت اما پنج تدفین مرتبط با دوره سوزیانه‌های عتیق ۳ کشف گردید. اسکلت‌ها بدون اشیاء قبور بودند بجز یکی از آنها که یک آویز بیضی شکل سنگی در دهان داشت. علاوه بر این ۲ سرگرز خوب شکل داده شده سنگی در نزدیکی آنها کشف گردید. زیر این تدفین‌ها ردپای دیوارهای دوره آرکائیگ وجود دارد که بعضی تنها با یک یا دو ردیف خشتی حفظ شده‌اند. به عقیده حفاران جهت روشن ساختن ابهامات موجود در مورد این بقایا به حفاری بیشتر نیاز است.^(۱)

1- P.P. DELOUGAZ, H. J. KANTOR "The 1973 - 1976 Excavations at GO QAMIS"

Proceedings of the 11th the ANNUAL symposium on Archae Logical research in Iran teheran, 1975.

pp.93-94

۱۲-۱. چغاسفید

چغاسفید توسط فرانک هول حفاری گردید قبور آغاز روستانشینی در این تپه مربوط به فاز سفید

و سرخ می‌باشند.

در فاز سفید قبور سه فرد بزرگسال و کودک به حالت درازکش یافت شده است این قبور بحالت

آشفته و در حصیر آشفته قرار داشتند.

هیچ اشیای قبور بدست نیامد این قبور حاوی گل اخری بودند. در فاز سرخ جسد یک کودک

به حالت آشفته یافت شد که دارای اثراتی از گل اخری بود.^(۱)

1- F. Hole, studies in the Archaeological History of the Deh luran Plain: the Excavation of chogha sefid - Memoire No.9 University of Michigan Ann Arbor 1977 PP 91-93

۱۳-۱- یانیق تپه

یانیق تپه در بیست مایلی جنوب غربی تبریز و دو مایلی غرب شهر کوچک خسروشاه قرار دارد. یانیق تپه در طی بررسی‌های چارلز برخی در سال ۱۹۵۸-۵۹ یافت شد^(۱) و در چندین فصل حفاری گردید.

در سومین فصل حفاری در سال ۱۹۶۲ در یک تپه کوتاه چند صدمتری شرق تپه اصلی و زیر بقایای عصر آهن و هزاره دوم آثار مربوط به نوسنگی جدید در ترانشه P یافت گردید. این ترانشه در عمق ۵/۵ متری به خاک بکر رسید قسمت اعظم این ضخامت معرف استقرار در دوران نوسنگی جدید می‌باشد. در این دوره تعدادی تدفین داخل مناطق مسکونی یافت گردید و از این جهت قابل توجه است که این شکل تدفین در طبقات کالوئیک و برنز قدیم بدست نیامده است. به هیچ وجه اشیای قبور یافت شد و این اجساد در داخل گودال‌های بسیار کم عمق قرار داشتند.

بر اساس آزمایش کربن ۱۴ و مدارک هم افق، دوره نئولیتیک در یانیق تپه نیمه اول هزاره ششم تاریخگذاری شده است.

همچنین نشانه‌هایی از وجود رنگدانه‌های قرمز کف یک خانه وجود داشت.^(۲)

1- C. A. Burney "Excavations at yaniktepe, Northwest Iran", IRAQ, Vol. XXIII, P. 138, 1961

2- C. A. Burney "the Excavations at yanik tepe, Azer baijan, 1962", IRAQ vol. XXVI PP 54-61 1964

۴-۱- تپه حاجی فیروز

تپه حاجی فیروز در شمال شرقی دره سلدوز و حدوداً ۲ کیلومتری تپه حسنلو واقع است. تپه‌ای است بیضی‌شکل به ابعاد ۱۴۵×۲۰۰ متر با ارتفاعی حدوداً ۱۰/۳ متر از سطح و در زمان حفاری دهکده‌ای در جوار آن واقع بوده و تپه به عنوان چراگاه و قبرستان مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته است اولین بار در سال ۱۹۵۸ سونداژ کوچکی توسط چارلی، برنی یکی از اعضای هیات پروژه حسنلو در سطح تپه باز شد. در فصول بعد حفاری در این محل را دکتر کایلریانگ و دکتر مری‌ویت دو تن از اعضای هیات حفاری حسنلو به سرپرستی دایسون ادامه دادند. در حفاریات مقدماتی چهارطبقه استقرار و قسمتی از طبقه پنجم مشخص شد.

در این حفاریات بقایای معماری متعلق به هزاره ششم قبل از میلاد در حدود یک متری سطح تپه بدست آمد. بعلاوه بالابودن سطح آبهای زیرزمینی ادامه حفاری در طبقه پنجم با مشکلات فراوانی روبرو شد. زیر این طبقه یک طبقه استقرار دیگری یعنی طبقه ششم نیز مشخص شد.^(۱)

تدفین

بقایای اسکلت‌های انسانی با ده ساختمان حفاری شده در ارتباط بودند. تعداد اجساد بدست آمده و پراکندگی آنان تدفین داخل مناطق مسکونی را مطرح می‌سازد که در خلال آخرین استقرار نئولیتیک از فاز A تا F جریان داشت، تنها در ساختمانهایی که بطور ناقص حفاری شده بودند قبوری بدست نیامد. این ساختمانها عبارتند از: I₁, I₂, VIII, IX و ساختمان کمتر حفاظت شده V و ساختمان کوچک و غیرمسکونی VII.

تعداد کمتری تدفین منفرد از ساختمانهای فازهای قدیمی‌تر بدست آمده و ممکن است:

۱- استخوانها در یک گودال ساخته شده قرار گرفته بودند تا در بقایای آوار ساختمانی.

1- Mary M. Vogit, Haji Firuz Tepe, Iran: The Neolithic settlement; HASSANLU Excavation reports volume I, University of Pennsylvania, 1983 pp2-20

۲- این قبور به دوره استقرار ساختمانها و شاید به دوره بلافاصله بعد از ترک روستا مربوطند.

۳- افراد قبور در طی مدت زمان طولانی داخل این صندوقها گذارده شده‌اند در ارتباط با تمام

یا قسمتی از فازهای G, F.

این استخوان دانه‌ها هنوز مسایل زیادی را در بر دارند. نخستین آن گاهنگاری پراکنده‌شان می‌باشد. قبور نامنظم جمعی از طبقات تحتانی تپه بدست نیامده‌اند. ساختمانهای نسبتاً سالم مانده در دور فازهایی H تا J خاکبرداری شدند.

اما تنها قبور مرتبط با اینساختمانها، تدفین در خاک در گودالهای کم‌عمق در زیر کف قسمت جنوب غربی ساختمان‌های XII و XV₂ بود. داده‌های در دسترس به چندین طریق قابل تفسیر می‌باشند نخست می‌توان فرض نمود که الگوی تدفینی که از حفاری بدست آمده است نماینده گاهنگاری واقعی و توزیع خاص فرمهای متناوب تدفین در تپه باشند. سپس می‌توان استنتاج نمود که ورود اعضای جامعه در قبور خانگی الگوی رفتاری بود که طی فاز G (یا کمی قبل‌تر) آغاز گردید.

تعداد خیلی از قبور افرادی که از دوره‌های قدیمی استقرار در حاجی فیروز بدست آمد دال بر تدفین در داخل منازل بود که جایگزین بعضی اشکال تدفین یا قرارگیری استخوان در مناطق خارج از سکونت گردید. سرتاسر دوره استقرار، تعداد نسبتاً قلیل ولی ثابتی از افراد در گودالها در زیر خانه‌های روستا به خاک سپرده می‌شدند. ثانیاً، ما می‌توانیم روی مناطق محدود استقرار مورد کاوش تاکید نموده، خاصه در مورد فازهای قدیمی که تا حدود زیادی قابل تعمیم‌دهی نمی‌باشند.

به عنوان مثال، ما می‌توانیم تفاسیر ارائه شده را اصلاح نموده و بطور محتاطانه‌تری نتیجه‌گیری نمائیم که تدفین در استخوان‌دان یک حالت نادر ولی قابل قبول در طی فازهای H تا L بود و در فاز G کاملاً رایج گردید: این فرایند می‌بایست یک توجیه در مورد میزان محبوبیت فرمهای متناوب رفتاری تا پذیرش فرمی جدید باشد. ثالثاً می‌توان فرض نمود که در نمونه‌برداری درصد خطا وجود داشته و تغییرات ملاحظه شده در سنت تدفین را به چاره‌ای در موقعیت تدفین در روستا تا هرگونه تفسیری در میزان محبوبیت یا تکرار منسوب ساخت.

امکان دارد بیشتر اعضای جامعه در سنت تدفین استخوان‌دان در بخش خاص از روستا یا یک بخش مربوط به مردگان به خاک سپرده می‌شدند و موقعیت این محل در فاز G تغییر نموده است.

دو تفسیر نخستین به نظر می‌رسند موجه‌تر باشند اما امکان محل ویژه مردگان بدون خفریات بیشتر نمی‌بایست رد گردد.

دومین مسئله کلی شرایط اجساد در زمان ورود به این استخوان‌دانها می‌باشد. بعضی از این تدفینها بدون شبهه جنبه ثانوی داشتند. همانطورکه از وضعیت و موقعیت استخوانها و میزان استخوانهای ناقص قابل نتیجه‌گیری‌اند.

در این مورد می‌توان به F_{12} قبر 2 و H_{12} قبور 3 و 4 ک در آن اجساد می‌بایست پیش از دفن تبدیل به استخوان شده باشند مراجعه کرد.

تدفین‌های صندوقه‌ای هرچند پیچیده‌تر به نظر می‌رسد و بیشتر استخوانها در این حالت تدفین در هم و بر هم و آشفته بودند. اعضاء زیرین و پاها بعضاً مضطرب بودند. بعلاوه در بهترین نمونه‌های گزارش شده یعنی F_{10} قبر 1 و F_{12} قبر 3 اسکلت دو فرد بزرگسال در هر صندوقه بجز کاسه سرشن در هم و برهم بودند. این بزرگسالان می‌توانستند تدفین اولیه داشته باشند و یا در صورت تدفین ثانوی بندها و اعضاء از هم مجزا نگشتند.

در هر دو مورد کاسه‌های سر می‌بایست با احتیاط جابجا شده باشند و در این صندوقه‌ها قرار گرفته باشند. هیچ یک از استخوانهای بدست آمده علائم جداشدگی در بخش فوقانی و بیشتر در ستون فقرات نداشتند.

این امر جای شگفتی نیست و بیانگر وضعیت نامناسب حفظ استخوانها می‌باشد. سه تا از اسکلت‌های کامل، فرد 1 در قبر 1- F_{12} و دو بزرگسال در F_{11} قبر 3 به نظر می‌رسد آخرین اجساد اند که به خاک سپرده شده‌اند. احتمال اینکه آخرین اجساد تدفین اولیه داشته باشند به این استنتاج ختم می‌گردد که تمامی اجساد در هنگام خاکسپاری سالم بوده‌اند و وضعیت آشفته‌گی آنها هنگامی رخ نمود که فضا برای دفن اجساد دیگر مهیا می‌گشت. بهترین مدرک ناقص این فرضیه از قبر 1- F_{10} بدست می‌آید. در کف این قبر یک اسکلت کامل فرد 2 قرار می‌گیرد. دنده‌های کامل و ستون فقرات این فرد با توده استخوانهای ناقص رو و جدار این اسکلت مغایرت شدیدی داشت.

این تضاد این مسئله را پیش می‌کشد که آشفته‌گی استخوانها نمی‌تواند تنها به فرایند جاسازی اسکلت‌های بعدی مربوط بوده باشد. شرایط بعضی استخوانها نیز دال بر تدفین ثانوی می‌باشد. در چندین

مورد در F_{10} قبر 1 جمجمه سرشکسته و در یک مورد استخوانهای جمجمه در داخل هم قرار گرفته‌اند. این گونه خسارات نمی‌توانسته تنها از طریق تدفین دوباره یا فشار ناشی از ورود جسد دیگر در قبر حادث شده باشد. و دست آخر، تنوع میزان اسکلت‌های کامل در F_{10} قبر 1 دال بر این است که بیشترین روش‌های قراردعی و جای‌گذاری می‌بایست بصورت ثانوی بوده باشد بجز در مورد آخرین تدفین که احتمالاً تدفین اولیه را به خود دیده است. از آنجا که بیشتر افراد، ۸۵٪ یا بیشتر نمونه‌های بدست آمده از حفاری در داخل روستا بعد از پاک‌شدن گوشتشان دفن شده‌اند یک محل محل مردگان شاید به اندازه کافی از محل روستا بیشتر به جهات بهداشتی تا زیبایی فاصله داشته باشد.

ظاهراً فقدان بعضی از اجزاء اسکلتها نیز می‌بایست در این منطقه رخ داده باشد. این اسکلت‌های آشفته از جهت میزان از هم پاشیدگی متفاوت‌اند به عنوان مثال جوانان در F_{10} قبر 1 تا حدی از هم پاشیده شده بودند در حالیکه اجساد F_{12} قبر 2 علی‌الظاهر سالم بودند. تفاوت در شرایط حفاظتی می‌توانست به جهت تنوع قبور باشد هر چند تفاوت مشخصی بین افراد یک قبر نیز وجود دارد دو عامل احتمال کمبود یا فقدان اجساد در محل مردگان بدین صورت می‌تواند بیان شود: فعالیت نظافت‌گران یا حیوانات لاشه‌خوار در صورتیکه در معرض آنها قرار داده شوند و تمایل بر نادیده انگاشتن اجزاء کوچک در هنگام جمع‌آوری و تدفین دوباره در صندوقه. تدفین در صندوقه مسئله سومی را نیز در پی دارد. آیا این مخازن در طی اسکان واحدهای ساختمانی روباز بودند یا بسته؟ تمام تدفین‌های صندوقه‌ای با لایه‌های از خاک رس در هنگام به دست‌آمدن پوشیده و بسته شده بودند. صندوقه‌ها در ساختمان II F_{10} قبر 1 و F_{11} قبر 3 می‌توانست در زمان پیش از تخریب دیوارهای ساختمان بسته شده باشند.

هر چند توالی صندوقه‌های ساختمان X_2-3 ، حفاری قبر 3 بوضع حاکی از قرار داده شدن و پوشش بارس در طی استقرار این ساختمان می‌باشد.

همچنین مدارک نشان می‌دهند که تمامی استخوانها در تدفین صندوقها قبل از مسدود شدن مخزن قرار می‌گرفتند.

استخوانهای بزرگترین استخوان دان‌ها F_{10} قبر 1 حفاری IV قبر 2 و حفاری V قبر ۳ بصورت فشرده با مقدار ناچیزی خاک فی‌مابین و یا حتی بدون وجود ذره‌ای خاک جای می‌گرفتند.

بعلاوه استخوانهای دقیقاً مطالعه شده استخوان دان‌های ساختمان III گونه‌ای خسارت را که انتظار می‌رفت پوشش کلی کنار زده شده هر دوره جهت تدفین دوباره به بار آورد، مجسم می‌سازد. اگر فرض نمائیم که افراد قرار گرفته در تدفین صندوقه‌ای خاص اعضاء گروه مرتبط با خانه محل تدفین بودند، با توجه به زمان تولد و سکونت، بنابراین هر یک از این استخوان‌دان‌ها می‌بایست افرادی را در برداشته باشند که مدت زمانی در طول سالها مرده باشند در اینجا سئوالی پیش می‌آید که در کجا استخوانها انبار می‌شدند هنگامیکه استخوان‌دان مهور می‌گشت. مدارک می‌توانند در شرایط و در ویژگی رفتاری متناوب تعبیر و تفسیر گردند یا این توالی رفتاری با انتقال فرد تازه در گذشته به منطقه مردگان آغاز می‌گردید. این استخوانها شاید در این منطقه خارج از سکونت گردآمده تا هنگامیکه همگی جمع‌آوری شده به صندوقه واقع در داخل خانه انتقال یافته، درب آن بسته می‌شد شق دوم، این استخوانهای اعضاء گروه به صورت دوره‌ای از منطقه مردگان جمع شده شاید در هنگامیکه تصور می‌گشت آنقدر پاک شده‌اند که در صندوقه روبازی در ساختمان جای گیرند و هنگامیکه این صندوقه پرشد شاید با آخرین تدفین مهور می‌گردید.

گل اخرای قرمز روی استخوانهای هر یک از تدفین‌های صندوقه‌ای یافت شدند بجز و 1 قبر I که توسط یک گودال دوره اسلامی بطور عمده‌ای مضطرب گشته بود. گل اخری در داخل قبور بطور یکنواخت پخش نشده بود بطور مثال در ساختمان II استخوان دان‌ها و بعضی مناطق دارای صندوقه‌ها آثار ناچیزی از این ماده معدنی را نشان می‌داد در حالیکه در مناطق دیگر آنها کاملاً آغشته شده بودند گل اخری بطور آزاد بیشتر بر روی جمجمه و بعضی قسمتهای فوقانی اسکلتها پاشیده می‌شد که در این نوع اخیر می‌توان از قبور فرد 1 در F_{10} و فرد 1 در F_{11} قبر 3 که هر دو زن بودند نام برد⁽¹⁾

استخوان‌دان‌هایی در کف و گودالی

سه ساختمان بقایای اسکلت‌های ناقص و درهم داشتند که بر روی کف ساختمانهای مزبور پراکنده شده بودند، دو تا از این استخوان‌دان‌های کف با لایه کف ساختمانی بعد مستور گشته بودند.

1- Ibid, PP 70-72

اینها قبرهای 3 و 4 F₁₂ بودند در حالیکه سومی برکف سوخته‌ای قرار می‌گرفت که قبر 6 از گمانه V بود. تفاوت بین تدفین صندوقه‌ای و کف نه تنها منوط به فرم قبر، وجود یا عدم وجود مخزن صندوقه بلکه همچنین در روش تدفین و چگونگی خاک سپاری است دو تدفین کف حفاری شده هر کدام روشهای مختلفی از رفتار را معرفی می‌سازند. یک توده از استخوانهای انسانی و حیوانی نسبتاً سالم در محدوده گوشه جنوبشرقی ساختمان VI₂، H₁₂ قبر 3 یافت شدند. بقایای اسکلت انسانی با اینکه حداقل شامل چهار فرد می‌گردید با این حال بطور غیر عادی ناقص بود. این بقایای داخل محفظه‌ای به اندازه جعبه یک کفش قابل جای‌گیری بود. این نقصان را نمی‌توان حمل بر بی‌دقتی در جمع‌آوری استخوانها از منطقه مردگان یا فعالیت لاشخورها کرد.

بیشترین استخوانها یافت شده کوچک بودند. تنها یک استخوان طویل موجود بود و هیچ استخوان مجموعه‌ای وجود نداشت یک الگوی منطقی در گونه استخوانها وجود داشت.

بعضی جنبه‌های H₁₂ قبر 3 با فرض اینکه استخوانهای دفن شده گویای تدفین ناقص باشد توصیف گشته و استخوانهای دیگر افراد، 3 و 4، در جای دیگر بعنوان مثال در قبور صندوقه‌ای به خاک سپرده شوند.

یک تعبیر دیگر با وجود مقدار متناهی استخوان حیوانی در جوار بقایای انسانی در ساختمان VI₂ پیشنهاد می‌گردد. دخول استخوان حیوان در قبور انسانی می‌تواند تصادفی، نتیجه نظارت غیر صحیحی یا در مناطق مردگان یا در خانه قلمداد گردد. در شق دوم استخوانهای حیوان ممکن است تعمداً به عنوان هدیه یا غذای متوفی در قبور قرار گرفته باشد اما در هر دو حالت، مقدار استخوانهای ناچیز بودند.

تعداد ناچیزی استخوان حیوان در هر یک از صور تدفین صندوقه‌ای بدست آمد و اندازه آنان حکایت از این دارد که آنها معرف هدایای قبور هستند. استخوانهای حیوانی یافت شده در H₁₂ قبر 3 بسیار متعدد هستند و گونه‌های آشکارا غیر انسانی هستند - گوزن قرمز، شاخ‌های بز و استخوانهای پرنده و ماهی - که گونه‌ای تصادف می‌تواند تلقی گردد.

همینطور غیر محتمل است که مقدار گوشت این استخوانها جهت مردگان اختصاص یافته باشد. پس اجازه دهید فرض نمائیم که استخوانهای حیوانات در ساختمان VI₂ پس مانده غذایی است و این لایه گونه‌ای توده زائد است یا زباله است.

وجود استخوان انسان در این محل به دو طریق قابل توجیه است این استخوانها ممکن است از محل مردگان یا از یک صندوقه باز جمع‌آوری شده باشد و به ساختمان VI₂ جهت استفاده یا ذخیره برده شده باشد. عملکرد آنها نشان می‌دهد که علی‌الظاهر آنها دور انداخته شده‌اند به عبارت دیگر استخوانهای حیوانی و انسانی امکان یک فعالیت آئینی (۹) را مجسم می‌سازند.

حفر احتمال آدمخواری آئینی و غیره را با استفاده از این بقایا و بقایا ساختمان III می‌دهد. یانگ قطعات استخوان سوخته و سالمی را در لایه خاک سوخته‌ای در این ساختمان، قبر، گمانه V یافت. حداقل تعدادی از استخوانهای متعلق به انسان بود اما تعداد دقیق افراد مشخص نگردید. وجود ظروف سفالی کوچک و این واقعیت که استخوانها ظاهراً در جای دیگر سوخته و سپس در ساختمان III قرار گرفته احتمالاً می‌تواند جهت بحث در مورد اینکه این تدفین در کف شبیه تدفین صندوقه‌ای بود با الحاق یک مرحله قبل از ورود جسد یعنی سوزاندن مورد استفاده قرار گیرد.^(۱)

جهت

اسکلت‌هایی که کامل بودند در وضعیت جمع‌شده و معمولاً بر پهلوئی چپ قرار می‌گرفتند با یک مورد استثناء فرد 1 در F₁₀ قبر 1، افراد با اسکلت نسبتاً کامل در امتداد دو دیوارهای غربی ساختمانها قرار گرفته، بدنها بسختی شمالی و جنوبی و سرها به جانب شمال بودند. این ترجیح دهی در مورد محور شمال جنوب با موقعیت بیشتر تدفینهای صندوقه‌ای در امتداد دیوارهای غربی خانه‌ها و با توجه به موقعیت استخوانهای بزرگ در تدفین خمره‌ای در F₁₂ قبر 2 مشخص می‌گردد. جهت شرق و غرب در مورد فرد 1 در F₁₀ قبر 1 و برای تدفین صندوقه‌ای در ساختمان X2-3 و شاید در مورد تدفین در کف در ساختمان VI₂ استفاده گردید.^(۲)

اشیاء و هدایای قبور

اشیاء و هدایای قبور تنها در تدفینهای جمعی بزرگ قرار گرفته که در بیشتر موارد شامل ظروف سفالی کوچک و دوک‌های گلی و بعضاً ابزار بودند.

1- Ibid, PP 72-74

2- Ibid, P. 74

پنج مخروط گلی در ارتباط با قبر H₁₂-3 بود. هر چند مخروط‌های اضافی و هندسی در حول و حوش و ساختمان VI یافت گردید با این وجود احتمال دارد که ارتباط اولیه بین این مخروط‌ها و ساختمان باشد تا اینکه بین مخروط‌ها و بقایای انسانی و به طور واضح‌تر این مخروط‌ها ممکن است در یک گودال زیاله‌ای ریخته شده‌اند که این گودال حاوی بقایای اسکلت انسان و حیوان بود. از جانب دیگر یک مخروط گلی در F₁₁ قبر 3 بدست آمد که کاربرد این گونه ابزار را به عنوان اشیاء و هدایای قبور حداقل در یک مورد کاملاً میرهن و مسنجل می‌سازد^(۱)

مقایسه با دیگر محوطه‌های باستانی

تدفین‌های صندوقه‌ای حاجی فیروز در حال حاضر در جمع محوطه‌های روستاهای اولیه در بین‌النهرین بزرگ بی‌مانند می‌باشند. هر چند ممکن است تا حدودی به تدفین در سکو در چاتال هویوک مرتبط گردند. تدفین در هم و بر هم که در گودال یا برکف زمین قرار گرفته‌اند معمول‌تر است در بین‌النهرین این روش در دوره حسونا رخ می‌نماید. بقایای اعضای از هم جدا شده یک خردسال درون خمره دهان گشاد قرار داشت و در زیر کف و درتل اسوت^(۲) دفن شده بود درتل حسونا دو لایه استخوان انسانی در گوشه‌های خانه‌ای در طبقه IV قرار گرفته بود. دربانیک تپه I تدفین در کف شامل یک یا چند بقایای اسکلت درهم و برهم افرادی از طبقات XII تا VII یافت شدند در دهلران تدفین در هم جمعی از دو تپه علی‌کش و چغاسفید بدست آمد در علی‌کش توده‌های استخوانهای انسانی در لایه‌های فاز علی‌کش یافت گردید. اکثریت تدفینهای پیش از تاریخ چغاسفید بطور درهم و برهم یا نیمه آشفته می‌باشند اینان به دوره سفید و سرخ مربوط بوده و کراراً با استخوان حیوانات در آمیخته‌اند در یک مورد بقایای استخوانی مربوط به فاز سرخ جدید در چغاسفید بر کف خانه مسکونی یافت گردید. آن لایه شامل استخوان حیوانات و قطعات بریده و سوخته استخوان جمجمه انسان می‌گشت: و در جوار استخوانها قطعات چندین ظرف سفالی وجود داشت. این تدفین بسیار هم افق حفاری V قبر ۶ بوده که تقریباً همزمان هستند همچنین در محدوده زمانی هزاره ششم بقایای اسکلت دو کودک جزاً سوخته در خمره‌های زیر کف خانه‌های سیلک I5 بدست آمد. تا هنگام دوره حلف در بین‌النهرین، سوزاندن یک سنت عادی برای تدفین نخبه‌گان در یاریم تپه بود.^(۳)

1- Ibid, P. 74

2- essotto

3- Ibid, P. 75

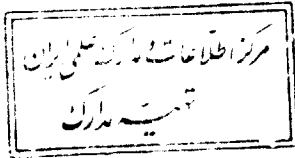
بعضی از مشخصات تدفین‌ها

F₁₀ قبر 1 تدفین 1

فاز: A₃

محل: ساختمان II₁ داخل صندوقه 1

تصاویر: 15b-16 اشکال 65-62



استخوانها در یک صندوقه قرار داشتند که در انتهای غربی (اطاق 1) اطاق ساختمان II₁ ساخته شده بود. دیوار روبروی صندوقه، دیوار H-J یک ورودی کوچک با یک نمای سالم مانده در هر طرف داشت. یک خط نامنظم کلوخه‌های گلی اختصاصی به صورت دیوار K صندوقه 1 را از صندوقه 2 جدا می‌ساخت که محتوی F₁₁ قبر 3 بود. رویه بیرونی دیوارهای H و J لایه‌هی متعددی اندود گلی بخود دیده بود و جدیدترین لایه حفظ شده این اندود معاصر با کف گل اخری در اطاق 1 بود.

تمام دیوارهای درونی صندوقه بجز دیوار K آغشته به یک لایه نازک اندود و آهکی سفید عالی بود. نشانه‌هایی از رنگدانه‌های سیاه روی سطح اندود آهک نشان می‌داد که محل می‌بایست رنگ شده باشد، اندود تزئینی تا نمای دیوار خانه پشت صندوقه ادامه یافته بود. قبر تقریباً 20٪ متر عمق داشته بطور متراکمی از استخوان انباشته شده بود. هم استخوان و هم دیوارهای صندوقه با یک لایه از خاک تمیز پوشیده شده بود. گرچه ارتباط گاهنکاری دقیق بین بسته شدن صندوقه و ترک‌خانه نمی‌تواند مشخص شود نسبتاً قطعی است که این لایه خاک از زمانی که ایجاد شده بدون دست‌خوردگی رها شده است.

از آنجا که این لایه یک سطح مسطح نسبتاً سخت داشت می‌توانست به صورت نیمکت یا سکو در صورت مسکونی باقی ماندن خانه پس از رها شدن صندوقه استفاده شود پایین صندوقه از سطح خاکی نامنظمی تشکیل شده بود. این خاک حاوی رگه‌هایی از مواد سوخته بعضاً به صورت قطعات زغال شده غلات بود.

این بقایا فقط در یک منطقه بسیار کوچک به عمق 10٪ متر آزمایش شد. علیرغم وجود مواد زغال شده، خاک کف استخوان دان بطور قابل ملاحظه‌ای تمیزتر از بیشتر کف‌های خانه‌ها بود. این پاکیزگی مانند محل کف صندوقه و روی طبقه قدیمیترین کف ساختمان II کاربرد کف صندوقه به عنوان

پوشش خاک یک استخوان دیگر در پایین و دوباره‌سازی یک الگوی مشاهده شده در ساختمان X2-3 را بیان می‌دارد - حفاری V قبر 3

شکل تدفین

دسته جمعی، حداقل یازده تا سیزده فرد، ثانویه، با امکان استثناء افراد 1 و 2 فرد 1، تصویر 15b اشکال 62-64، بجز در مجموعه بیشتر یا کمتر کامل بود بعضی مدارک، پیوستگی در سن و جنس، وجود دارد که این اسکلت را با مجموعه واقع به طرف جنوبشرق ارتباط می‌دهد. فرد 1 بر بالای استخوان‌دان قرار می‌گیرد و احتمالاً آخرین جسدی بوده که وارد شده است. درست زیر این اسکلت و در زیر استخوان دان یک اسکلت بد مانده اما جزاً کامل فرد 2 قرار گرفته است.

علیرغم ظهور بعضی اندامهای کامل تحتانی طبیعت ثانوی قرار گیری تدفین از جهت ارتباط استخوانها روشن است.

وضعیت اجساد

وضعیت در اسکلت کامل به صورت زیر بود:

فرد 1- کاملاً جمع شده - روی پهلو چپ، قفسه سینه پایین: بازوی چپ کاملاً جمع شده در یک طرف بازوی راست تقریباً صاف و پایین بدن فرد 2 کاملاً جمع شده (9) روی پهلو چپ، قفسه سینه پایین بازوها بالا یا روی سر. توزیع استخوانهای ناقص تصادفی نبود. محل قرارگیری مجموعه‌ها الگوی مشخص را دنبال می‌کرد که قابل توجه‌تر است اگر این تدفین در اتصال با صندوقه مجاور ملاحظه شود مجموعه‌های 1 و 2 و 7 در رابطه با F₁₁ قبر 3 مجموعه‌های 1 و 2 تقریباً در گوشه‌های صندوقه قرار داشتند.

مجموعه‌های 3 و 4 نزدیک نقطه وسط دیوارهای طویل صندوقه قرار گرفته بودند و در یک ردیف نسبت به یکدیگر قرار داشتند. مجموعه 6 در وقفه بین دیوارهای H, J قرار داشت در حالیکه مجموعه 5 و 8 و 11 و 9 دورتر از ورودی به طرف مرکز صندوقه قرار گرفته بودند. تمام مجموعه‌های خردسالان، 4 و 5 و 6 و 10 و 11، در نزدیکی ورودی واقع شده بود.

بیشترین استخوانها نارس کاسه‌سری در قسمتهای مرکزی و جنوبی صندوقه یافت شدند. اما این گروه‌بندی احتمالاً منعکس کننده یک جدایی استخوان از نظر اندازه تا از نظر سن است. بیشتر

استخوانهای کوچک بزرگسالان مثل دنده‌ها ستون فقرات و استخوانهای دست و پا و ترقوه بصورت انباشته با استخوانهای نوجوانان به سمت جنوب یافت شدند در مقابل استخوانهای طویل بزرگسالان و استخوانهای خاصه که در مرکز و قسمت‌های شمال قبر قرار گرفته بودند.

جهت

فرد ۱- شرقی غربی سر به طرف شرق

فرد ۲- شمالشرقی جنوب غربی سر به طرف شمالشرق

حفاظت

بسیار ضعیف

آمارهای انسانی

بیشترین اطلاعات کامل در مورد سن و جنس از جمجمه‌هایی بدست آمده که استخوانهای لگن خاصه آنها بهتر حفظ شده‌اند.

هنگامیکه استخوانهای خاصه بطور معقول با جمجمه‌ها مطابقت داده می‌شود اطلاعات بدست از آنها اضافه شده است. یازده جمجمه یافت شده استخوانهای کاسه‌سر بیان می‌دارد که دو بزرگسال دیگر می‌تواند موجود باشد.

جمجمه ۱- بزرگسال، مسن‌تر بر مبنای پوشش دندانی به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن استخوانهای خاصه دارای سن تخمینی ۳۰ یا بیشتر باشد. مذکر جمجمه ۲- بزرگسال بیش از ۲۰ سال احتمالاً در ارتباط با استخوان کاسه‌سر فرد ۲ که سن آن ۲۳ یا مسن‌تر بود بنابراین یک تخمین ۲۰ الی ۲۵ سال به نظر صحیح می‌رسد. مونث

جمجمه ۳- بزرگسال مسن‌ترین فرد گروه بر مبنای پوشش دندانی بطور قراردادی سن ۴۰ یا بیشتر، مذکر

جمجمه ۴- خردسال تقریباً ۴ سال براساس بررسی دندانی

جمجمه ۵- خردسال ۷ الی ۸ سال براساس بررسی دندانی

جمجمه ۶- نوزاد ۱۹ الی ۱۸ ماهه براساس بررسی دندانی و باز بودن شکاف پیشانی

جمجمه ۷- بزرگسال زیر ۲۰ براساس فقدان پوشش دندانی مونث

جمجمه ۸- بزرگسال بیش از ۲۶ براساس جوش خوردگی شکاف سر- مذکر

جمجمه ۹- بزرگسال بیش از ۳۰ سال براساس جوش خوردگی شکاف سر - مذکر

جمجمه ۱۰- نوزاد، احتمالاً جنین

جمجمه ۱۱- خردسال از نظر اندازه احتمالاً پیش از سن بلوغ

اشیاء قبر

مکانهای یافت دقیق بعضی از ابزارهای سنگی مربوط به این تدفین شناخته نشده است این ابزار بر بالای استخوان‌دان قرار داشت. قسمتی در پوشش گل جای گرفته بود و آنها قبل از آنکه طبیعت تدفین بقایا شناسایی شوند، جابجا شدند و تنها مکان کلی آنها گزارش شد برای محل سنگ ساب و سینی و ظروف سفالی به اشکال ۶۴ و ۶۵ نگاه شود^(۱)

علائم دیگر

گل اخرای قرمز بیشترین استخوانها را آغشته کرده بود اما بیشتر غشاء بر روی جمجمه‌ها و فرد ۱ بود و سه قطعه استخوان حیوانی، یک فک زیرین بز یا گوسفند دندان خوک و قطعه شناخته نشده همراه با استخوان انسان یافت شدند^(۲)

F₁₁ تدفین 3

فاز: A₃

محل: ساختمان II₁ داخل صندوقه ۲

تصاویر: Pl.16 و شکل 66

نوع قبر: استخوان‌دان - استخوانها داخل یک صندوقه کم عمق قرار داشتند ۱۰٪ متر عمق و در گوشه غربی ساختمان II₁ ساخته شده بودند.

مجاور صندوقه قدیمتر ۱ و F₁₀ تدفین ۱، دیوارهای صندوقه ۲ هم از خشت خام نامنظم یا گل فشرده ساخته شده بود. دیوار روبروی صندوقه، دیوار E یک نمای بسیاری منظم داشت و هیچ اثری از اندود گلی را نشان نمی‌داد.

1-

2- Ibid, PP. 79-83

سطوح داخلی صندوقه نیز بدون اندود بود با احتمال استثناء دیوار C که نشانه‌های اندود در این دیوار خانه یافت شدند. اما این پوشش الزاماً درارتباط با تدفین صندوقه‌ای نیست که پس از سکونت در خانه برای مدتی ساخته شده بود. صندوقه از یک لایه خاک تمیز ساخته شده بود.

شکل تدفین

دسته جمعی، حداقل از چهار فرد - دو فرد دارای تدفین ثانوی، دو فرد دیگر احتمالاً اولیه دو بچه در این تدفین، افراد ۳ و ۴ دارای اسکلت ناقص بودند و در پشت صندوقه مابین فرد ۲ و دیوار قرار داشتند. فرد ۳ نسبتاً کامل بود اما فرد ۴ تنها با استخوان سالم مانده پیشانی معرفی می‌شود. دو بزرگسال افراد ۱ و ۲ بیشتر با کمتر ناقص بودند. بجز مجموعه‌هایشان که در امتداد دیوار شمالی صندوقه قرار داشتند مجموعه فرد ۱ حقیقتاً در داخل دیوارهای K و L قرار داشت. اعضای فوقانی فرد ۱ - همچنین جایجا شده بود - شاید نشانه‌ای اینک سر از اسکلت جدا شده بود و فقط توسط رباط‌ها به هم پیوسته بود تا گوشت.

وضعیت اجساد

فرد ۱- جمع شده بر روی پهلوی چپ - دستهای روبروی قفسه سینه

فرد ۲- جمع شده بر روی پهلوی چپ دستها روبروی صورت

جهت

هر دو فرد ۱ و ۲ شمالشرقی جنوبغربی بودند با سرهایی به طرف شمالشرق مجموعه‌های آنها روبروی جنوبشرقی بطرف داخل خانه قرار داشتند.

حفاظت: متوسط

آمارهای انسانی

هیچ مشکلی در مواجهه با تطابق مجموعه‌ها و لگن‌های خاصه بزرگسالان وجود ندارد تعیین سن و جنس براساس جفت استخوانهای خاصه با نزدیکترین مجموعه مطابقت می‌کند.

فرد ۱- بزرگسال سن ۳۸-۳۹ براساس جوش خوردگی و پیوستگی پویس دندانهای آسیاب پوشش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد که بیان کننده یکی از مسن‌ترین اعضای جمعیت بود بنابراین، سن ۳۰ سال یا بیشتر تخمین زده می‌شود. مذکر

فرد ۲- بزرگسال سن تخمینی ۲۴-۲۰ از پیوستگی استخوان پویس بهرحال ورم لبچه وجود داشت و دندانها نسبتاً پوشش داشتند، مونث
اشیاء قبر

یک دوک و یک مخروط گلی بین افراد ۱ و ۲ یافت شدند. یک مهر مسطح سنگی، بقایای دوک‌ها، گلوله سنگی و سنگ ریگی صیقلی پراکنده، پایین صندوقه، زیر استخوانها یافت شدند محل تمام مصنوعات دیگر در ارتباط با این تدفین در شکل ۶۶ نشان داده شده است.

علائم دیگر

بعضی استخوانها آغشته به گل اخرای قرمز بوده و کلوخه‌های این ماده معدنی در داخل قبر یافت شدند.

توزیع اخری روی جمجمه‌ها می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که هیچیک از جمجمه‌های خردسالان هیچ اثری از گل اخری (رنگ قرمز) نشان نمی‌دهد اما جمجمه مجاور یعنی فرد ۲ شدیداً آغشته به اخری بود. هشت قطعه از استخوانهای حیوانی با استخوان انسان مخلوط شده بودند شامل سه قطعه از فک زیرین خوک، ستون فقرات خوک، یک کتف خوک - هوموروس بز، یک گوسفند - بز متاتارسال^(۱) و تیبیا^(۲) که با آزمایش به صورت بز وحشی شناسایی شد^(۳)

F₁₂ تدفین ۲

فاز: A₃

محل: استخوانهای دو غیر بزرگسال در داخل یک خمره که در یک گودال کنده شده در بقایای نخاله مربوط با ساختمان I₂ بود، قرار داشت این منطقه F₁₂ در دوره بعد از نئولیتیک آشفته شده بود و لبه اصلی گودال تدفین طی حفاری تعیین شد.

1- Metatarsal

2- tibia

3- Ibid, PP. 83-84

اطلاعات گاهنگاری در دستری بیان کننده اینست که تدفین، پس از تاریخ سکونت I_2 است. به هر حال روشن نیست که آیا استخوان‌دان در طی ویرانی ساختمان I_2 و یا در طی سکونت و پیشرفت ساختمان I_1 فاز A_3 و فاز B قرار داده شده است یک تاریخ در ارتباط با فاز A_3 به خاطر دلایل زیر مطلوب است:

(۱) وضعیت (محل و عمق) استخوان‌دان تقریباً مشابه دو خمره بزرگ ذخیره است که همزمان با استقرار ساختمان I_1 تاریخگذاری شده است.

(۲) گرچه بعضی از قبور در ساختمانها در طی دوره زمانی پس از متروک شدنشان قرار داده شده‌اند اما هیچیک با اطمینان مربوط به دوره زمانی که یک ساختمان شروع به ویران شدن می‌کرد تاریخگذاری نشده‌اند.

(۳) تدفینهای دیگر زیر کف یافت شده‌اند.

تصاویر: PL.22d و شکل 67

نوع قبر: استخوانها در قسمت تحتانی یک خمره ذخیره^(۱) قرار داده شده‌اند.

کناره‌های شکسته این ظرف بصورت لبه همواره صاف پرداخت شده‌اند.

شکل تدفین: جمعی، دو فرد ثانوی

وضعیت اجساد: محتویات استخوان دان به سبک منظمی سازمان یافته بود با مجموعه‌هایی که تقریباً در لبه‌های شمالی و جنوبی خمره قرار داشتند، استخوانهای طویل در ردیف شمالغربی - جنوبشرقی قرار گرفته بودند و بقایا استخوانها در پایین خمره پخش گردیده بود.

آمارهای انسانی: فرد ۱- خرسال ۳ یا ۴ سال سن براساس بررسی دندان‌های حفاری V تدفین ۳

فاز: E-F1

محل: ساختمان X2-3 در صندوقه ۱ و ۲ و ۳ در انتهای غربی اطاق ۱

تصاویر: 18C و 17a و PLS .11a-b شکل 69

نوع قبر: استخوان‌دان.

حفاری ۷ تدفین ۳ حقیقتاً شامل سه لایه جداگانه استخوان می‌شد. هر کدام در صندوقه ساخته شده از خاک کوبیده قرار گرفته بودند. در سطح داخلی این صندوقه‌ها اندودی کاهگل‌دار تقریباً به ضخامت ۵ سانتیمتر کشیده شده بود و هر استخوان‌دان صندوقه با یک لایه خاک مهر و موم شده بود. حداقل دو و احتمالاً سه دوره گاهنگاری مشخص قابل تشخیص است. صندوقه‌های ۲ و ۳ در کف اصلی بنا یا ساختمان X_3 ساخته شدند. وضعیت صندوقه ۲، قسمتی مسدود در درگاه بین دو اطاق ساختمان X_3 و این عامل که بقیه تدفین‌های صندوقه‌ای حفاری شده، به توالی ساخته شدند، صندوقه‌های ۱ و ۲ در ساختمان II_1 بیان‌کننده احتمال ساخت صندوقه ج بعد از صندوقه ۳ است اگر این چنین باشد امکان دارد که بقایای استخوان نیز به توالی باشد. یک یا هر دو این تدفین صندوقه با خاک پوشیده شده بود هنگامیکه ساختمان نوسازی و کف جدید، ساختمان X_2 قرار گرفت. استخوان بیشتری مستقیماً روی صندوقه ۳ قرار گرفته و احتمالاً توسط گل قبل از متروک شدن ساختمان مهر و موم شد.

شکل تدفین: جمعی - مجموعه‌های دو فرد در صندوقه ۳، تدفین 3C، یافت شدند. این استخوان دان شامل یک تعداد قابل توجه از افراد بود از آنجائیکه یک قسمت از آن خارج از منطقه حفاری شده قرار داشت.

هیچ مجموعه‌ای در صندوقه ۲، تدفین 3b، یافت نشد. اما یانگ تعداد افراد حاضر را چهارتن تخمین زد.

حداقل آمار جهت صندوقه ۱، تدفین 3a نمی‌توانست فراهم شود بیشتر این استخوان دان در خارج از منطقه حفاری شده قرار داشت و آن قسمت که در حفاری V واقع می‌شد قبل از اینکه تدفین شناسایی شود توسط ترانسه آزمایشی بریده شده بود.

تدفین‌ها ثانوی بودند. تعدادی از استخوانهای کامل بودند و هیچ الگوی استواری از توزیع آنها موجود نبود. فقدان مجموعه‌ها در بهترین صندوقه سالم ماند، صندوقه ۲ بیان‌کننده این نکته است که این تدفینها احتمالاً جزئی از تدفین‌های استخوان‌دان صندوقه‌ای معمول است.

جهت: هیچ الگویی درباره استخوان تشخیص داده نشد. جهت تدفین صندوقه‌ای غیر معمولی بود به امتداد شرق و غرب تا شمال به جنوب.

حفاظت: خیلی ضعیف

آمارهای انسانی: براساس گفته‌های یانگ صندوقه ۲ حاوی سه بزرگسال و یک بچه بود سن افراد در صندوقه ۳ گزارش نشده است.

اشیاء قبر: همگی بجز یک مورد مصنوعات یافت شده در صندوقه ۳ کشف گردید یک کاسه منقوش با تدفین 3B در صندوقه ۲ یافت شد.

علائم دیگر

تمام استخوانها در صندوقه ۲ و ۳ با گل اخری و رنگ شدگی قرمز تند پوشیده شده بودند سه استخوان طویل از یک حیوان بزرگ و آرواره زیرین یک خوک در صندوقه ۲ یافت شدند^(۱)

حفاری ۷ تدفین ۴

فاز: H₁

محل: ساختمان XII زیر کف در اطاق ۱ در گوشه دیوارهای K₁ و L

تصاویر: شکل 70a

نوع قبر: گودالی

شکل تدفین منفرد، اولیه

وضعیت اجساد: کاملاً جمع شده بر روی پهلو راست دست‌ها زیر سر

جهت: شمالی - جنوبی سر به طرف جنوب روبروی شمال

1- Ibid, PP. 90-91

حفاظت: خوب

آمارهای انسانی: بچه تخمیناً ۶-۸ ساله براساس بررسی دندان اشیاء قبر: هیچ مصنوعی در رابطه با اسکلت وجود نداشت. بهرحال ظروف سفالی از نوعی که متناوباً در تدفین‌های صندوقه‌ای یافت می‌شوند. در کف خانه نزدیک این تدفین و حفاری V تدفین 5 امکان بعضی ارتباطات مابین این مصنوعات و قبور وجود دارد.

علائم دیگر: یک استخوان بزرگ مسطح روی پای کودک قرار داده شده بود. این استخوان بصورت گونه بخصوص شناسایی نشد.

حفاری V تدفین 5

فاز: H₁

محل: ساختمان XII زیرکف در اتاق 1 در گوشه دیوارهای K₁ و L یک لایه نازک خاک جدا شده بود.

تصاویر: pl, 18b, شکل 706

نوع قبر: گودالی

شکل تدفین: منفرد اولیه

وضعیت اجساد: کاملاً جمع شده روی پهلوئی چپ دست‌ها زیر سر

جهت: شمال جنوب سر به طرف شمال روبروی جنوب شرق

حفاظت: ضعیف

آمارهای انسانی: کودک - تخمیناً ۵-۶ ساله براساس بررسی دندانی

اشیاء قبر: هیچ در ارتباط با اسکلت^(۱)

حفای V تدفین 6

فاز: A₃

محل: ساختمان III روی کف در انتهای غربی اتاق ۱

1. Ibid, p. 91

تصویر: شکل 71

نوع قبر: تدفین در کف - یک لایه خاک سوخته و خاکستر بر روی کف ساختمان III مجاور دیوار A یافت شد. این لایه ۲۱٪ متر ضخامت در بعضی نقاط داشت توسط یانگ پر از قطعات خشت و استخوان توصیف شده بود.

بیشتر استخوانها شدیداً سوخته بودند و بعضی از آنها می‌تواند به صورت استخوان انسان شناسایی شود. پراکنده در لایه سوخته و خوابیده در کف خانه یا بالای آن یازده ظرف کوچک و کامل سفالی بود.

این ظروف طاق‌باز بعضی اوقات روی پهلوها یا لبه‌ها قرار داشتند. دو ظروف هرکدام حاوی استخوانهای سوخته استخوان پای انسان بود. نزدیک لبه منطقه سوخته یک کاسه تقریباً کامل و بزرگ بود که بر روی کلوخه‌های خاک تمیز قرار داشت.

تشخیص یانگ مبنی بر منشاء انسانی استخوانها مشکلی را بر می‌انگیزد، وجود یا عدم موجود فعالیت‌هایی که باعث تولید این بقایا شد و توصیف صحیح تدفین آیا استخوانهای انسانی تماماً در داخل ساختمان III وارد شدند یا آیا تصادفاً در خاک داخل شده و سوخته؟ با اینکه منطقه سوخته بزرگ و تا حدی نامنظم است.

کاملاً مشخص است این آتش نمی‌توانسته نتیجه آتش‌سوزی بزرگ یا آتش خانه باشد. استخوانهای انسانی در سطوح خارجی روستا یافت شدند و می‌توانستند با خاک برای اهداف معمار جمع‌آوری شوند در نتیجه داخل شدن در کف اجاق، کمیت استخوانهای گزارش شده و وجود ظروف متعدد کامل امکان آنکه بقایا در ساختمان III یک اجاق خانگی معمولی بود ظاهر می‌سازد. در حقیقت ظروف سفالی مدارک نسبتاً محکمی در حمایت این تعبیر که بقایای سوخته یک تدفین باشد فراهم می‌سازد. کاسه‌های کامل و خمره‌ها از نظر ریخت‌شناسی مشابه آنهایی که غالب در بقایای سوخته هستند می‌باشند و تقریباً به طور منحصر به فردی از تدفینها کشف شدند و هیچ وقت در هیچ کمیتی بجز در استخوان‌دانه‌ها یافت نشدند.

بعلاوه محل بقایا، روبروی دیوار غربی ساختمان خانگی معمولاً برای تدفینهای استخوان‌دان برگزیده می‌شود.

اشیاء قبر: هیچ^(۱)

H₁₂ تدفین 2

فاز: B

محل: این تدفین در یک گودال که در تمامی کف قسمت شمال غربی ساختمان IV کنده شده بود، قرار داشت. یک اجاق به سمت بالای گودال و کف مجاور آن امتداد می‌یافت. بنابراین تدفین باید به دوره‌ای بلافاصله قبل از متروک شدن این ساختمان تاریخگذاری شود.

نوع قبر: آلودگی

شکل تدفین: ناشناخته

این تدفین حفاری نشد و در آخر فصل ۱۹۶۸ یافت شد که در مرز H₁₂ و مربع حفاری نشده J₁₂

قرار داشت. تنها بالای یک جمجمه قابل مشاهده بود.

وضعیت این جمجمه و گودال بیانگر احتمال وجود یک تدفین اولیه می‌باشد.^(۲)

H₁₂ تدفین 3

فاز: D

محل: ساختمان VI₂، در امتداد دیوار جنوبی C₁ در منطقه 2

تصاویر: شکل ۶۸

نوع قبر: تدفین در کف. استخوانهای انسانی بطور مخلوط با استخوانهای حیوانات در بقایای

بسیار نرم قرار داشت که همچنین حاوی قطعاتی از گل حرارت دیده و زغال بود.

تدفین برکت اصلی ساختمان VI قرار گرفته و بوسیله کف دوم مهر و موم شده بود یک دیواره

کوتاه ساخته شده بر روی کف دوم منطقه بالای قبر را از بقیه ساختمان جدا می‌کرد.

شکل تدفین: جمعی، حداقل چهارفرد. ثانویه و بصورت قطعات. هیچ جمجمه در این قبر یافت

1. Ibid, pp. 84-85

2. Ibid, pp. 85

نشد و بعضی افراد فقط با معدودی از استخوان کاسه سر معرفی می‌شوند.
از طبیعت منتج از بقایا این امکان ملاحظه باید گردد که استخوانهای مفقود از بعضی یا تمام این افراد در جای دیگری شاید در استخوان‌دانه‌های خانگی وارد شده است.

وضعیت اجساد و جهت

استخوانها کاملاً ناقص بودند - بهرحال استخوانهای طویل و بقایای دیگر در محور شرق - غربی قرار داشتند.

حفاظت: خوب

آمارهای انسانی

فهرست: نسبتاً کامل استخوانهای کشف شده به منظور نمایش اساس تعیین سن و جنس و فراهم نمودن اطلاعاتی از نوع استخوانهایی که در قبر قرار داشتند در زیر معرفی می‌شوند:

فردا - بزرگسال بین ۱۴ و ۲۱ اما احتمالاً درانتهای سنی این محدوده براساس پیوستگی برجستگی استخوانهای طویل هموروس چپ^(۱) - رادیوس^(۲) و اولنا^(۳) موجود در تدفین همچنین شامل هر دو ترقوه، کسکو نئا^(۴) و قطعات متعدد ستون فقرات و بعضی استخوانهای کوچک پا.

فرد بعلت سوراخ قسمتی از استخوان هموروس^(۵) احتمالاً مونث می‌باشد.

فرد ۲- نوجوان بین ۱۲ و ۱۴ براساس بررسی دندان و ناقص بودن ترکیب و امتزاج فالانژها^(۶).

فرد تنها توسط معدودی دندان یک ترقوه و کمتر از ده فالانژ معرفی می‌شود

فرد ۳- کودک بین ۷ تا ۸ براساس اندام^(۷) همومی یک دندان آسیاب با ریشه‌های ناقص همچنین

این کودک با استخوانهای لگن فاصره چند ستون فقرات یک ترقوه وانتهای دستیال^(۷) یک همور^(۸) معرفی می‌شود.

فرد ۴- کودک شاید ۲ تا ۴ سال براساس اندازه استخوان هیچ دندان را نمی‌اوان به این فرد

اختصاص داد و فرد توسط یک ترقوه اجزاء هر دو لگن فاصره و دستیال این فیزهای (۹) یک همور معرفی می‌شود.

1. Left homoros

2. Radivs

3. Olena

4. Calcanea

5. Olecranon fossa

6. Falonges

7. Disttal

8. Femur

استخوان حیوان

این تدفین حاوی یکی از بزرگترین تجمع‌های استخوانی حیوانی یافت شده در سایت است. قطعات مجمله رایج بودند و شامل یک شاخ افتاده گوزی سرخ - فرونتال‌ها^(۱) و شاخ‌های یک بز نر و اوکسپت بز فرونتال‌های یک گوسفند بز و دو شاخ به مانده که گوسفند بز تعیین شده^(۲) - دو دندان خوک هم‌منظور استخوانهای پس‌سری گوسفند و بز و غیره یافت شدند.

اشیاء قبر

بر بالای بقایا درست بر روی استخوانهای انسان و حیوان ۵ فروط گلی وجود داشت همگی است تمام فهرست اشیاء یافت شده بر حسب تصادف در ارتباط با این مفهوم باشد که اینها دور انداخته شده‌اند و بقایا در یک اصل کلی یک توده زباله است اگر چنین باشد فقدان مواد کلی که بطور عادی در لایه‌های زباله خانگی در سایت یافت شده‌اند مانند قطعات آبخور، ابزار سنگی تراشیده و بقایای آن نشان‌دهنده این است که بقایا گونه‌بخصوصی از توده زباله است^(۳)

فاز: B

H₁₂ تدفین 4

محل: ساختمان IV و در گوشه جنوب غربی بنا این منطقه حفاری نشد و تدفین تنها در مقطع مشاهده شد. این تدفین به دوره جدید سکونت بینا تاریخگذاری می‌شود.

نوع قبر: تدفین در کف استخوانها در لابه به ضخامت ۵ سانتی‌متر بین دوکف خاکی تمیز قرار گرفته بودند.

شکل تدفین: تعداد افراد ناشناخته است. ثانوی براساس وضعیت نسبی استخوانها نامشخص و

محل تدفین مابین دوکف

حفاظت: ضعیف

آمارهای انسانی: حداقل یک بزرگسال حضور دارد از آنجا که یک فک تحتانی بزرگسال در فرسایش تدفین

طی یک دیدار از تپه در سال ۱۹۷۰ یافت شد^(۱)

1. Frontal

2. Occipit

3. Ibid, pp 86 -87

4. Ibid, pp 87-88

۹J تدفین 1

فاز: C

محل: در گوشه شمال غربی ساختمان حفاری شده که در مربع و J۹ قرار داشت یک تدفین هنگام پاکسازی و هموارسازی ویرانه‌های دیواره شرقی حفاری III یافت و گزارش و جابجا شد اما هیچ حفاری بعدی در این قسمت سایت انجام نپذیرفت.

نوع قبر: استخوان‌دان - یک گودال اسلامی در این محل بقایای نوسنگی را بریده و بیشتر تدفین را نابود ساخته بود بهرحال مدارک باقیمانده نشانگر وجود یک صندوقه تا یک تدفین کف است.

شکل تدفین: جمعی، حداقل دارای ۵ فرد.

از میزان آشفته‌بودن قبر کاملاً این حدس زده می‌شود که این تعداد بسیار کمتر است، ثانوی اما بعضی از استخوانهای دست و پا در زیر استخوان ران کامل بودند وضعیت اجساد: هیچ‌الگویی در مورد استخوان پراکنده دیده نشد.

حفاظت: ضعیف

آمارهای انسانی: حداقل ۵ فرد قابل شناسایی بود. چهارتن از اینان بزرگسال و یک تن نوجوان ۱۲-۱۵ ساله بود براساس بررسی دندان‌ی و یک تعداد استخوانهای درهم طویل یک همورس بزرگسال یک گشادگی یا سوراخ در سپتال^(۱) در حفره زائده آرنجی وجود داشت که بیان‌کننده مونث‌بودن این فرد است.

اشیاء قبور: دو جام سفالی با یک توده استخوانی یافت شدند. شاید در ارتباط با تدفین در زیر استخوانها یک سنگ ساب بود^(۲)

حفاری IV قبر ۲

فازها: F-G

محل: ساختمان XI₁₋₂ در داخل یک صندوقه در انتهای غربی اطاق 1

تصویر: OL. 17b

1. Septal

2. Ibid, p. 88

نوع قبر: استخوان‌دان. استخوانها در یک صندوقه ساخته شده در کف اول ساختمان XI قرار گرفته بودند و ظاهراً تا زمان متروک شدن خانه استفاده می‌شدند.

شکل تدفین: جمعی، یانگ حداقل تعداد افراد را ده یا یازده تخمین زد براساس تعداد مجموعه‌های قابل مشاهده پس از اینکه تدفین پاکسازی شد. به نظر می‌رسد این تعداد بسیار کمتر از تعداد واقعی است بخاطر دو دلیل: اول، فقط یک زیر بزرگسال برای این قبر گزارش شده است. بهرحال استخوان‌دان‌های گزارش شده و بهتر حفاری شده در ۱۹۶۸ قطعات متعددی از کودکان را به دست دادند که تقریباً در تعداد مساوی با بزرگسالان یافت گردیدند. بنابراین به احتمال زیاد اشتباه در تخمین تعداد کودکان برای حفاری IV تدفین ۲ وجود دارد.

دوم: تدفین صندوقه‌ای که این تدفین دارا بود یک حجم تقریبی $1/18$ متر مکعب یا ۲ در ۷۴٪

در $0/8$ متر داشت و به صورت پر و فشرده از استخوان با خاک کمی مابین آن توصیف شده است.

صندوقه استفاده شده برای F_{12} تدفین 1 گنجایش تقریبی $0/23$ متر مکعب و سازمان مشابهی از استخوان داشت. حتی چنانچه ما در نظر بگیریم گنجایش از ظروف کوچک سفال مثل اشیاء قبور حفاری IV قبر 2 پر شده باشد به نظر خواهد رسید این قبر می‌بایستی تعداد بیشتری از اجساد را در بر می‌گرفت تا ۱۳ عددی که در F_{10} تدفین 1 یافت شده است.

از آنجائیکه هیچ راهی جهت تخمین مقدار اشتباه وارد شده نیست آمارهای میدانی برای انواع

محاسبه جمعیت‌شناسی استفاده شده است.

تدفین‌های ثانویه بودند. هیچ اسکلت کامل یافت نشد بهرحال به نظر می‌رسد یک فرد در مرکز تدفین در قسمت دنده‌های تحتانی کامل باشد. همچنین بعضی از اعضای تحتانی در انتهای جنوبی قبر کامل باقی مانده بودند.

وضعیت اجساد

افرادی که قسمتی از اجزایشان کامل بود خمیده بر روی پهلوئی چپ قرار داشتند جهت: اسکلت‌های جزاً کامل شمال شرق - جنوب غربی قرار داشتند با سرهایی به طرف شمال شرق. در کل به نظر می‌رسد یک تمرکز از مجموعه‌ها، دنده‌ها و ستون فقرات در انتهای شمال قبر و ساق‌ها و پاها در انتهای جنوبی به هر حال فمورهای متعددی همچنین در شمال قابل مشاهده هستند.

حفاظت: متوسط تا ضعیف

آمارهای انسانی: ده بزرگسال و یک کودک تخمیناً ۶ تا ۷ ساله توسط یانگ براساس مجموعه‌ها یافت شدند. هیچ تعیین جنس انجام نپذیرفت.

اشیاء قبر: مصنوعات در میان استخوان‌ها پخش بودند اما یانگ گزارش می‌کند ظروف سفالی در انتهای شمال قبر متراکم‌تر بودند.

علائم دیگر: تمام منطقه قبر آغشته با گل اخرای قرمز بود. علاوه بر استخوانهای انسانی قبور همچنین حاوی استخوانهای طویل از حیوانات بزرگ بود که با آزمایش توسط یانگ به صورت بز تشخیص داده شد^(۱)

حفاری IV تدفین 3

فاز: J

محل: ساختمان XV₂ زیرکف اتاق 1 در گوشه دیوارهای M , L

تصاویر: pls /4b, 18a / شکل 70C

نوع قبر: گودالی

شکل تدفین: منفرد، ثانوی؟ یانگ استخوانهای طویل قرار گرفته به صورت بازوان مشخص کرد با اینکه پاها در حفاری از دست رفته بودند یک امکان از نظر وضعیت استخوان و رطوبت خاک است، اما استخوان طویل مرئی در عکسها بسیار تنومندتر از هومورس به نظر می‌رسند و شکل استخوان بسیار شبیه تیبیا یا فمور است. وضعیت شانه چپ و ستون فقرات به نظر می‌رسد برای یک تدفین اولیه بسیار جایجا شده باشد بنابراین احتمال وجود تدفین ثانوی زیاد است

وضعیت بدن: بر روی طرف راست؟

جهت: شمال شرق - جنوب غربی سر به طرف شمال شرق روبروی جنوب غربی.

حفاظت: ضعیف

آمارهای انسانی: بزرگسال

اشیاء قبر: هیچ^(۲)

1. Ibid, pp 88-89

2. Ibid, pp 89-90

از قرارگیری استخوانهای انسانی و ظروف سفال در ارتباط با ساختمان III نتیجه گرفته شد یک تنوع از الگوهای رفتاری در رابطه با صندوقه و تدفینهای دیگر در کف بود.

شکل تدفین:

تعدادی افراد، ناشناخته، ثانویه

فقدان مدارکی از آتش، سرخ‌شدگی روی دیوارهای ساختمان III با قوت بیان‌کننده این است که استخوانها در جای دیگری سوخته‌اند.

بقایا سوخته می‌تواند بقایای یک یا چند فرد که به طور تصادفی سوخته بودند معرفی کند به عنوان مثال در یک آتش‌سوزی خانه که در منطقه حفاری نشده روستا ظاهر شد به طور متناوب بقایای انسانی عمداً روزانه یا سرخ شده باشد.

و بعد از سوختن استخوانها ظاهراً با خاک مربوطه جمع و به ساختمان III آورده شده باشد. رنگ سطح ظروف سفالی خاکستری، قهوه‌ای تا تاریخی و ترتیب آنها در کف بیان‌کننده این است که آنها در این موقع به بقایا افزوده شده‌اند تا اینکه قبل از آتش گرفتن، وجود کاسه‌های بزرگ می‌تواند نشانگر آن باشد که منطقه متعاقباً برای فعالیت‌های معمولی خانگی استفاده شد.

تعداد زیادی جام سفالی و آبخور کوچک و بقایای تیغه سنگی جزو اشیاء قبر می‌باشد^(۱) یک صرف میناتوری جزو ظروف سفالی بود.

فصل ٢

انواع تدفین

۱-۲. تدفین گودالی

منظور تدفینی است که به صورت بسیار ساده در خاک بکر یا بقایای استقرار به طور تقریباً نامنظم و مدور کنده شده است.

کف، سقف و سطوح جانبی این نوع تدفین بدون معماری مشخص می‌باشد و از نظر نوع ساختمان ابتدائی‌ترین نوع تدفین در تمام ادوار است.

در دوره فرآپارینه سنگی و نوسنگی بدون سفال تا شروع استقرار تدفین‌ها نادر هستند و بنابراین برای بررسی شکل تطور ساختمان تدفین اطلاع کافی در دسترس نیست با این حال می‌توان احتمال داد که تدفین در این دوره و دوره‌های بعدی با الگوهای استقراری سازگاری دارد.

شروع استقرار به صورت استقرار فصلی یا استقرار در کمپ یا اردوگاه در فضای باز بوده است و تدفین گودالی در این دوره بسیار شبیه به الگوی استقراری است که همان گودال‌های مدور نیمه زیرزمینی هستند.

در حدود هزاره دهم پیش از میلاد و قبل از آن هیچ مدرکی در داخل فلات مرکزی یافت نشده است. اما خارج از منطقه ایران، در لوانت در دوره ناتوفیان هیچ مدرکی مبنی بر وجود خشت یا چینه بدست نیامده است. در عین ملاحظه در طبقه III تعدادی از گودال‌های ذخیره مجدداً جهت تدفین استفاده شده‌اند.

در همین طبقه تعدادی قبور معروف به قبور رئیسان قبیله^(۱) در داخل خانه‌ها یا استقرارها بدست آمده‌اند. این استقرارها از مواد کم دوام تشکیل شده‌اند که داخل سرپناه‌های مدور یا بیضی‌شکل که کف آن به صورت گودال مدور یا بیضی‌شکل است قرار می‌گیرند.^(۲)

در منطقه غرب ایران دو تدفین پیرامون یک گودال بزرگ مدور نیمه زیرزمینی از تپه آسیاب یافت شده است این دو تدفین به صورت ساده و از نوع تدفین گودالی است این دوره از استقرار از نظر حفار

1. Chieftains tomb

2. JAMES MELLAART, the Neolithic of the Neareast London, 1975, pp.35

۸۰۰۰ پ.م تاریخگذاری شده است و از آنجائیکه این سایت از نوع استقرار موقت و فصلی است این تدفین‌ها را یکی از قدیمترین نمونه‌ها از این نوع می‌توان به حساب آورد. (۱)

این تدفین همان تدفین ساده می‌باشد و در تقریباً تمامی سایت‌ها مورد مطالعه دیده می‌شوند. به قدیمترین نمونه‌هایی که می‌توان اشاره کرد غار کمر بند و هوتو در منطقه شمال ایران هستند. تعدادی از این تدفینهای گودالی در رابطه با تدفین‌های ثانوی مطرح هستند. از گنج دره که بگذریم به علی‌کش (۲) و تپه گوران می‌توان اشاره کرد.

یک نمونه از این دست در داخل خاک بکر در تپه گوران کنده شده است که حاوی استخوانهای چهار فرد است (۳) وضعیت تدفین با شکل گودال به اجبار دارای تناسب است بنابراین می‌توان به بعضی از تدفین‌ها جنبه‌ها ضروری داد:

تدفین‌های گودالی یا ساده را باید از تدفینهای زیرکف روستا یا مناطق مسکونی جدا ساخت تدفین‌های گودالی گاهی در دوره متروک شدن ساختمانها در درون بقایای ساختمانی تیز کنده می‌شوند.

۲-۲. تدفین‌های زیرکف

منظور تدفین‌هایی است که در طول فعالیت روستا در زیر مناطق مسکونی و یا غیرمسکونی کنده می‌شوند. این نوع تدفین از نظر سطوح جانبی و تحتانی به صورت ساده هستند و یا احتمالاً فقط اندود می‌شوند بنابراین معماری بخصوصی ندارند.

فضا یا حجم کنده شده در این تدفین برخلاف تدفین گودالی حالت یا شکل مشخص دارد و از صورت مدور به چهار ضلعی تبدیل شده است بنابراین جسد در این تدفین از نظر وضعیت قرارگیری جسد بیشتر آداب تدفین را ظاهر می‌سازد. در داخل این نوع قبور مصالح کار شده وجود ندارند و یا دیده نمی‌شوند. تدفین‌های زیرکف در اکثریت سایت‌های دوره‌های استقرار دیده می‌شوند و در تپه

1. BRAID WOOD, Ibid, 1983, P. 117

2. Hole, Ibid, 1969, 248

3. Mortensen, Ibid p. 166

سیلک، سنگ چخماق - گوران گنج دره D زاغه - اسماعیل‌آباد حاجی فیروز و یانیق تپه دیده می‌شوند. این تدفین از نظر محوطه و سطح فوقانی به سه دسته تقسیم‌بندی می‌شود.

۱-۲-۲. تدفین زیرکف ساده

ساده‌ترین نوع تدفین‌های زیرکف که در زیر محوطه عمومی روستا یا مناطق سرپوشیده قرار دارند، بیشتر این تدفین‌ها در زیر خاک کوبیده قرار دارند ولی از کاهگل نیز استفاده شده است. شاید قرار گرفتن این نوع تدفین زیر این مصالح کار شده استفاده‌های گوناگونی است که از محوطه در طول حیات روستا انجام می‌گرفته است در دوره II₃ در سیلک اسکلت شماره ۱ در حفاری ۲ در زیرکفی از خاک کوبیده و لایه‌ای از خاکستر قرار دارد. ^(۱) در تپه زاغه گورهای ثابت و دائمی در زیرکف قسمتی از واحدهای ساختمانی مسکونی و یا کوچه و میدانهای روستا حفر شده است ^(۲) در تپه زاغه گورهای کودکان در زیرکف اندرونی، در زیرکف اتاق اصلی، در کنار دیوار، در زیر کف اتاق اصلی و یا زیرکف انباری دفن شده‌اند. ^(۳) در تپه غربی سنگ چخماق بیست و یک اسکلت خردسالان در زیرکف نزدیکی دیوار یافت شده که مبین سنت تدفین در داخل مناطق مسکونی است ^(۴) در کاوشهای جدید اسماعیل‌آباد یک تدفین در رابطه با یک کف کاهگل یافت گردیده است ^(۵) در علی‌کش نیز با اینکه تدفینهای بقچه‌ای دیده می‌شود ولی در فاز علی‌کش تدفین زیر کف خانه دیده می‌شود. ^(۶)

به همین صورت تدفین‌هایی در مابقی سایت‌ها حتی تا دوران کالکولتیک دیده می‌شود تعداد قلیلی از قبور انفرادی که از دوره قدیمی استقرار در حاجی فیروز بدست آمده است دال بر تدفین در زیرکف منازل است و به صورت گودال‌هایی است که در زیر خانه در روستا دفن می‌شوند و احتمالاً نشاندهنده نوعی تدفین زیرکف است که با تدفین گودالی در ارتباط می‌باشد ^(۷)

1. GHIRSHMAN Ibid, a: p. 27

۳- صادق ملک شه‌میرزادی، پیشین، ص ۸

۲- صادق ملک شه‌میرزادی، پیشین، ص ۶

4. Masuda Ibid, p. 26

5. TALA'I Ibid p.62

6. Hole, et al, Ibid, p.248

7. Voigt Ibid, p. 70

۲.۲.۲. تدفین زیرخشت فرش

این تدفین تقریباً دارای خصوصیات کلی تدفین‌های زیرکف است بجز اینکه سطح فوقانی این تدفین در زیرفرش از خشت‌های منظم یا نامنظم قرار دارد با اینکه از این نوع تدفین آثار زیادی بدست می‌آید اما توجه به این نوع تدفین مهم است. این تدفین با تدفین نوع سوم یعنی تدفین زیرکف محوطه‌های بخصوصی در ارتباط است زیرا خود فرش خشتی نشاندهنده اهمیت کاربرد محوطه مربوطه است با این حال از نظر تازگی می‌توان در گروه جداگانه‌ای طبقه‌بندی نمود.

در سیلک در II₁ حفاری ۳ یک مجموعه در خشت فرش یافت شده است^(۱) در تپه زاغه در ترانسه DXII یک محوطه تحت عنوان دیوار افتاده معرفی شده است که از ردیف خشت‌ها تشکیل شده‌اند از آنجائیکه این محوطه در چهارده ترانسه حفاری شده بافت روستا دیده نمی‌شود می‌توان نتیجه گرفت که این محوطه دیوار افتاده نیست بلکه خشت فرش است احتمالاً زیر این خشت فرش تدفین یافت می‌شود این مطلب به اثبات نرسیده است ولی حفاری‌های آینده این مسئله را روشن خواهد نمود^(۲) این نکات بررسی کامل مسئله تابوت‌های خشتی و تجدیدنظر در تدفین‌های زیرکف را الزامی می‌سازد.

۳.۲.۲. تدفین در زیر کف محوطه مخصوص

منظور از محوطه مخصوص محوطه ویژه تدفین یا ساختمانهایی با عملکردهای مخصوص و یا ساختمانهای عمومی است. تمام مدارک یافت شده در خاورمیانه نشانگر وجود تدفین در زیر و یا نزدیکی مناطق مسکونی است. به این دلیل وجود قبرستان در این دوره با شک و تردید همراه است و هنوز هیچ مدرک روشنی در این باره بدست نیامده است اما امکان دارد در داخل محوطه روستا مناطق با تدفین بیشتر موجود باشد به این ترتیب که به آن منطقه عملکرد ویژه‌ای بدهد و نوعی آرامگاه خانوادگی یا خصوصی یا محدود بوجود آورد.

1. GHIRSHMAN, Ibid, 1938, P. 27

۲- صادق ملک شه‌میرزادی، پیشین، ص ۶

در سیلک II₃ در داخل یک اطاق منقوش قرمز رنگ در بیست و پنج سانتی متری زیر کف کوبیده یک قبر با دو اسکلت قرار دارد با توجه به عملکرد گل اخرا وجود چنین اطاق شاید در ارتباط با این تدفین باشد^(۱) به هر حال این محوطه‌ها را در بعضی سایت‌ها می‌توان رویابی کرد پرداختن به این موضوع نیاز به مدارک بیشتری دارد.

در خارج از منطقه ایران در جای‌اونو در آسیای صغیر یکی از این محوطه‌های عجیب یافت گردیده است. این محوطه ساختمانی است که به ساختمان جمجمه شهرت یافته است. این ساختمان دارای یک اطاق بزرگ و سه اطاق کوچکتر در یک انتهاست پلان و محتویات ساختمان جمجمه نشانگر این نکته است که این ساختمان به عنوان خانه یا مکان خصوصی مورد استفاده قرار نگرفته است. اطاقهای کوچک با سنگ فرش شده است دور آن توده استخوانهای حداقل ۵۰ فرد قرار داده شده است. بعضی استخوانهای جمجمه جزاً سوخته و نشانه‌های شکستگی و جداسدگی داشتند.

در اطاق بزرگ یک تخته سنگ عظیم مسطح قرار داشت که ظاهراً از محل دیگری به سایت آورده شده است. تپه‌ی جای اونو پروژه مشترک هیئت‌های حفاری آمریکایی - آلمانی و ترکی برای اولین بار در سال ۱۹۶۳ حفاری شد و حفاری آن تا حال ادامه دارد.

این مکان پیش از تاریخی از ۷۲۵۰ تا ۶۷۰۰ پیش از میلاد توسط کشاورزان اشغال شده است. مردمان جای اونو هنوز برای استفاده از سفال سازگاری نداشتند آنها ابزار سنگی از افسیدین می‌ساختند و بسیار شگفت‌آور آنکه ابزار مسی و مهره‌های مسی در این مکان توسط چکش کاری گرم ساخته شده‌اند^(۲)

۳-۲. تدفین‌های خمره‌ای

تدفین‌های خمره‌ای در این دوره را نباید با تدفین‌های خمره‌ای از نوعی که در دوران تاریخی مرسوم بوده‌اند اشتباه گرفت. این تدفین‌ها به طور تصادفی و در دوره‌های مختلف پیش از

1. GHIRSHMAN, a 1938, P. 27

2. Robertj. Braidwood "the origin and Growth of a researeh, Focus: Agricultural Beginnings" EXPEDITION, Volume 28, P.6,1986

تاریخی به تعداد انگشت‌شمار شناسایی شده‌اند.

این نوع تدفین برای دفن جنین، نوزادان یا نابالغین بکار برده می‌شود. به نظر می‌رسد استفاده از خمره جنبه عملکردی داشته و جهت جلوگیری از پراکنده‌شدن استخوانهای ظریف خردسالان استفاده گردیده است.

در بعضی از روستاهای ایران مانند روستاهای منطقه ارونق و انزاب آذربایجان شرقی این عمل بدون هیچ دلیل آئینی خاصی انجام می‌شود. و تازه مولودانی که از دنیا رخت بر می‌بندند و یا نوزادانی که مرده متولد می‌شوند داخل خمره کوچکی به خاک سپرده می‌شوند. این عمل شایع نبوده و بر حسب تصادف صورت می‌پذیرد.

برای پیش از تاریخ و هزاره ششم پیش از میلاد هیچ هدف مشخصی آئینی را نمی‌توان برای بکاربردن ظروف سفالی بزرگ با خمره برای دفن این اجساد فرض نمود.

تنها شاید دفن نوزادان جهت تداعی رحم مادر برای باروری و حیات دوباره در جهان دیگر باشد.

در تپه حاجی فیروز فاز A_3 و تدفین 2 در منطقه F_{12} استخوانهای دو غیر بزرگسال در قسمت تحتانی یک خمره بزرگ ذخیره جایگذاری شده‌اند این تدفین ثانوی و جمعی است و بدون هیچگونه اشیاء و هدایای قبور می‌باشد.

کناره‌های شکسته این ظرف بصورت لبه هموار و صاف پرداخت شده است⁽¹⁾ این امر نشان‌دهنده آن است که از یک خمره بزرگ که لبه‌های آن شکسته و احتمالاً فاقد عملکرد و متروک بوده برای دفن اجساد استفاده کرده‌اند.

شاید در هنگام دفن اجساد خمره‌ای متروک در دسترس بوده است و بنا به موقعیت پیش آمده از آن در تدفین سود جسته‌اند. به هر حال تعداد انگشت‌شمار این تدفین گویای نبودن عملکرد آئینی برای این نوع تدفین است مگر آنکه مدارک جدیدی در این رابطه بدست آید.

در تپه سیلک در دوره I زیرکف منازل یک خمره خشن کوچک پر از استخوانهای کودکان

1. Mary M. Voigt, Ibid, p.84

کمسن و سال یافت شد که با آثاری از سوختگی قرمز رنگ شده بودند همچنین دو تازه مولود هم از قطعات بزرگ سفال بدون نقش پوشیده شده بود.^(۱)

پس از ۵۰۰۰ پ.م نیز این نوع تدفین در نقاط مختلف دیده می‌شود تا اینکه در دوران تاریخی کاملاً رایج می‌گردد و به عنوان نمونه از کوزه گران، دالما، تپه سه‌گابی B و گیان می‌توان نام برد^(۲) یک نمونه از تپه اسماعیل‌آباد بطور ناقص گزارش شده است که احتمالاً شاید مربوط هزاره ششم پیش از میلاد باشد اسماعیل حاکمی دفن نوزادان در داخل ظروف سفالی را به طور ناقص گزارش کرده است^(۳)

در تپه شرقی سنگ چخماق و در مناطق حفاری شده در لایه‌های چهارم و پنجم ۱۴ اسکلت جمع شده خردسالان بدست آمد، یکی از آنها در یک ظرف با لبه شکسته بصورت تابوت دفن شده بود^(۴) عقیده بر این است که در فلات مرکزی خردسالان را در داخل ظروف سفالی دفن می‌کردند. احتمالاً در چشمه علی نیز اینکار صورت گرفته است به هر حال این سنت در داخل فلات مرکزی بیش از هر نقطه دیگری بوده است^(۵)

۴-۲- تدفین صندوقه‌ای

صندوقه ترجمه آزاد کلمه BIN انگلیسی است. شاید بتوان به این نوع تدفین نامهای دیگری مانند تدفین انباره‌ای داد ولی از آنجائیکه لفظ صندوقه هم در ذهن محل نگهداری شیئی را تداعی می‌کند و هم در معماری کاربرد دارد برای ترجمه این لفظ انتخاب شده است. صندوقه در معماری به فضا سازی داخل دیوارها اطلاق می‌شود.

این قبور در حقیقت استخوان‌دان‌هایی در داخل محوطه صندوقی شکل در خانه‌های

1. GHIRSHMAN, Ibid, p. 11

2. F. Hole, the ARCHEOLOGY of western Iran, WASHINGTON, D.C 1987, P. 102

۳- پیشین، اسماعیل حاکمی، ص ۲۰۵، فقط به صورت زیرنویس عکس

4. S. Masuda, Ibid, 1974, p.25

5. Tim Matney "Re- excavating cheshmeh Ali" EXPEDITION, Volume 37, No.2, pennsyl Vania, p-28, 1995

مشخصه فازهای A تا F تپه حاجی فیروز هستند.

این تدفین‌ها ثانویه و بصورت جمعی هستند. این صندوق‌ها همیشه در منتهی‌الیه غرب اتاق‌های نشیمن جای داشتند و معمولاً در گوشه سمت جنوب غربی ساختمان بودند. ابتدا یانگ این تدفین‌ها را گودالی و دسته جمعی معرفی کرد که نتیجه یک مصیبت بزرگ بودند اما حفاریات بعدی و بررسی‌های بیشتر ثابت کرد این استخوان‌دان‌ها ساخته شده‌اند و در بقایای ساختمانی کنده نشده‌اند. افراد در طی مدت زمان طولانی در قسمتی یا تمام فازهای F تا G داخل این صندوق‌ها قرار گرفته‌اند. بیشتر افرادی که در این صندوق‌ها دفن شده‌اند پس از پاک‌شدن گوشت بدنشان در یک محوطه دیگر در این صندوقه قرار داده شده‌اند و بنابراین تدفین‌ها از نوع ثانوی هستند.

فقدان بعضی از اجزاء و طرز قرارگرفتن استخوانها همچنین وجود مقدار ناچیز خاک مابین استخوانها مؤید این امر است. این صندوق‌ها در طی مدت زمان طولانی برای افرادی که احتمالاً ارتباط خاصی با هم داشتند استفاده گردیده است گل‌اخرای قرمز رنگ روی استخوانهای هر یک از تدفینهای صندوق‌های بجز یک مورد یافت شده‌اند این تدفین دارای مشابهت‌های فراوانی با تدفین در سکوست که از نقاط دیگری از آسیای جنوب غربی بدست آمده است.

این صندوق‌ها به تعداد ۷ عدد در حاجی فیروز دیده می‌شوند و نمونه این نوع قبور در هیچ نقطه دیگری از ایران شناسایی نگردیده است.

۵-۲. تابوت‌های خشتی

توصیفی است که از طرف حفاران به اینگونه قبور داده شده است. بدنه این قبور از خشت خام تشکیل شده و در واقع معماری شده است. نمونه قابل ذکر این نوع قبور مربوط به لایه D گنج دره است. در این لایه یک تابوت خشتی یافت شده است. این تابوت یک قبر مجتمع شامل یک بزرگسال یک نوجوان و یک کودک به صورت درازکش است و از خشت خام ساخته شده و از یک نوع سقف گلی پوشیده شده است. اجساد روی یک لایه ضخیم از ماده پودرمانند خاکستری رنگ قرار گرفته بود که از طرف حفار عنوان شده است که شاید آهک سوخته باشد. یکی از اجساد یک آویز سنگی صیقلی عالی در قفسه سینه داشت. این تابوت خشتی تنها نمونه است که تا به حال از این دوره بدست آمده است به نظر می‌رسد این تابوت در حکم یک نمونه اولیه از مقابر جمعی است و با اینکه هیچ هدیه و اشیای

تدفینی بجز یک آویز از آن بدست نیامده با این حال آنرا می‌توان یک نمونه از مقبره احتمالاً خانوادگی دانست که در ارتباط با زندگی روزمره از آن استفاده شده است.

از آنجائیکه تاریخگذاری بدست آمده از رادیوکربن هزاره هشتم قبل از میلاد را برای طبقه D بدست می‌دهد^(۱) می‌توان چنین استنباط کرد که همزمان با بکاربردن خشت برای نخستین بار و ایجاد اولین استقرارها و اولین نمونه‌های خشت به صورت پلانوکائوکس در گنج دره از الگوی استقراری به عنوان الگویی برای تدفین استفاده شده است. وجود جداکننده‌ها و همچنین مقابر خردسالان در محفظه‌های بعضاً اندودشده زیرکف نیز مؤید این امر است.

۲-۶. متفرقه

منظور از متفرقه انواع تدفین‌هایی است که در این طبقه‌بندی قرار نمی‌گیرد و حالت ویژه هر محل یا سایت بخصوص را در بر می‌گیرد بعلت عدم بررسی کافی نوع تدفین و دقت به این مبحث اطلاعاتی کافی در دسترس نمی‌باشد.

یک نمونه قابل ذکر عبارت است از اولین حفاری تپه زاغه که توسط آقای نگهبان انجام شده است. در ترانشه GX در چند قسمت بقایایی از خشت خام که بر طرز نامنظمی بر روی یکدیگر انباشته شده بودند ظاهر گردید. در ادامه حفاری در زیر این توده‌های نامنظم خشته‌ها، اسکلت انسانی بدست آمد که تقریباً بر روی یک پهلو با پاهای خم شده دفن گردیده بود. سطح جسد با پوششی از گل‌اخرا پوشیده شده بود و بر بالای آن یک قطعه سنگ چهارگوش مسطح و یک قطعه دیگر که به شکل استوانه و کاملاً صیقل‌ه‌جاری شده بود قرار داشت.^(۲)

1. MELLARD, Ibid, 1975, P. 77

۲- نگهبان، پیشین، ص ۲۰

فصل ۳

وضعیت تدفین در ارتباط با سن و جنس

وضعیت تدفین در ارتباط با سن و جنس

با توجه به بررسی‌های بعمل آمده می‌توان تا حدودی به یک ارتباط نسبی بین شیوه خاکسپاری اجساد و سنین و جنسیت آنان پی‌برد. بلحاظ سن، اجساد به دو گروه کلی نابالغین و بالغین تقسیم می‌شوند.

نابالغین شامل جنین یا نوزاد تازه متولد شده خردسالان و نوجوانان و بالغین شامل جوانان، میانسالان و افراد سالخورده می‌گردند. این تقسیم‌بندی بنا به سلیقه حفاران متفاوت است و بطور دقیق نمی‌توان نسبت به طرز تلقی آنان از گروه‌های سنی پی‌برد. در رابطه با جنسیت الگوهای رفتاری فراگیر دیده نمی‌شود اما در رابطه با سن بخصوص برای گروه نابالغین در ایران الگوهای رفتاری مشابهی در تدفین دیده می‌شود. آنچه در حیطه بحث ما می‌باشد مسائلی است که در این فصل آورده خواهد شد. البته پرداختن بر این مبحث خود موضوعی بسیار گسترده و مستلزم صرف وقت فراوانی است که جهت جلوگیری از اطاله کلام از آن صرف‌نظر کرده و به همان مقدار مورد نیاز بسنده خواهد شد.

۱-۳- رابطه انواع قبور با سن و جنس

۱-۱-۳- رابطه انواع قبور با نوزادان و خردسالان

در این دوره نوزادان و خردسالان این امتیاز ویژه را داشتند که در نزدیکی محل سکونت بخاک سپرده شوند و در آماده‌سازی قبور برای سالم ماندن اجسادشان دقت بیشتری بعمل آید. بی‌شک در تدفین‌هایی گودالی که ساده‌ترین نوع تدفین است هر دو گروه بالغین و نابالغین دیده می‌شوند.

در تدفین‌های خمره‌ای فقط نوزادان و خردسالان و در موارد استثنایی نوجوانان دیده می‌شوند. این تدفین‌ها در سیلک، اسماعیل‌آباد، سنگ چخماق، تپه حاجی‌فیروز و احتمالاً در تپه زاغه دیده شده‌اند. این تدفین‌ها بطور منفرد هستند بجز در تپه حاجی‌فیروز و تپه سیلک که در اولی دو فرد در داخل یک خمره بخاک سپرده شده‌اند. فرد اول، خردسال بین سه یا چهار سال سن دارد و فرد دوم نوجوانی با ۱۲ الی ۱۵ سال سن است این خمره فاقد هر گونه اشیاء قبور است.^(۱) در تپه

1- Mary M. Voigt, I bid, P. 84

سیلک یک خمره خشن پر از استخوانهای کودکان کم سن در طبقه I لایه ۵ یافت شد^(۱)

در انواع تدفینهای زیر کف وجود قبور مربوط به خردسالان مشهود است در حفاریهای مربوط به فلات مرکزی وجود این گونه قبور زیر کف منازل مسکونی مشهود است در تپه زاغه به نظر می‌رسد نوزادان و کودکان زیر سه سال بیرون استثنا در داخل محدوده واحدهای ساختمانی و در زیر کف قسمتهای مسقف، از قبیل اتاق اصلی و یا انبارها دفن شده بودند.^(۲) در مناطق حفاری شده در لایه‌های چهارم و پنجم ۱۴ اسکلت جمع شده خردسالان بدست آمد حفار اظهار می‌دارد که اغلب به نظر می‌رسد دفن اجساد زیر کف محل سکونت در جوامع کشاورزی پیش از تاریخ در غرب آسیا یک سنت بوده است و با توجه به عدم وجود دلایل کافی حداقل می‌توانیم بگوئیم که مردمان پیش از تاریخ خردسالانشان را در محل بسیار نزدیک سکونت خود برخلاف بزرگسالان دفن می‌کردند در تپه غربی بیست و یک اسکلت خردسالان در زیر کف نزدیک دیوار یافت گردید که سنت تدفین در داخل مناطق مسکونی خردسالان را تایید می‌کند^(۳)

چهارده تدفین انسانی در آخرین فصل حفاری در سال ۱۹۷۴ یافت شد که محدوده سنی آنان از جنین تا بزرگسال می‌گردید. خردسالان بعضی اوقات در طاقچه‌ها یا گودی‌های اندود شده زیر کف دفن شده بودند.^(۴) مجموعاً در تپه حاجی‌فیروز حدود ۱۷ کودک یافت شده است. که در تدفینهای زیر کف ۳ کودک در تدفینهای خمره‌ای ۲ کودک در تدفینهای صندوقه‌ای ۱۰ کودک و در تدفینهای گودالی ۲ کودک حضور دارند. بالا بودن میزان دفن کودکان در صندوقه‌ها نشاندهنده توجه بخصوص به دفن در این صندوقه‌هاست به این نحو که اهمیت صندوقه‌ها از تدفینهای زیرکف در این تپه برای دفن کودکان بیشتر است. و این نشاندهنده تمایل دفن کودکان به طور جمعی با احتمالاً اعضای خانواده‌هاست.^(۵)

1- R. GHRSHMAN, Ibid, P. 76

۲- صادق ملک شهیرزادی، پیشین، ص ۱۰

3- S. Masuda, Ibid, P. 26

4- Philipe. E. L, SMITH, Ibid, P.17

5- Mary M voigt, Ibid, P. 75

حضور خردسالان در انواع تدفینها نشانه توجیه ویژه به دفن آنهاست تقریباً در تمامی انواع تدفینها خردسالان حضور دارند فقط در تدفینهای که به عنوان متفرقه ذکر شده است و یک نمونه در حال حاضر آن تدفینهای زیر توده‌های نامنظم خشتی در تپه زاغه است، تدفین خردسالان هنوز مشخص نشده است جالب توجه وجود خردسالان در تدفین جمعی به صورت تابوت خشتی در گنج دره است.^(۱)

۲-۱-۳. رابطه قبور با بزرگسالان

همانطور که گفته شد در تدفین خمره‌ای هیچ بزرگسالی یافت نشده است شاید گنجایش بقایای خمره‌ها اجازه چنین کاری نمی‌داده ولی در هر صورت در تدفین ثانوی نیز چنین امری مشاهده نشده است در تدفین‌های گودالی جنازه بزرگسالان دیده می‌شود. و در تدفین‌های زیر کف با ملاحظاتی زیر بافت روستا دیده می‌شود در سیلک اجساد در طبقه I یا زیر بناها و یا مابین خانه‌ها دفن شده بودند در این تدفین‌ها هر دو جنس زن و مرد به یک اندازه دیده می‌شود همانطور که در قبور مشترک یک زن و مرد با هم دیده می‌شود.^(۲)

هیچ الگوی مشخص از این بابت میان محل دفن زنان و محل دفن مردان و همینطور سن آنها مشاهده نمی‌شود.

در تپه زاغه بنا به عقیده حفار کلیه افراد پانزده سال، در زیر قسمتهای غیر مسقف عده‌ای در داخل محدوده واحدهای ساختمانی و عده‌ای در خارج از محدوده واحدهای ساختمانی دفن شده‌اند^(۳) از جنسیت این افراد هیچ اطلاعی در دسترس نمی‌باشد در تپه علی‌کش فاز علی‌کش سیزده تدفین اولیه و یک تدفین ثانوی زیر کف‌های ساختمانی در منطقه B₂ یافت شدند تدفین اولیه شامل نه بزرگسال دو کودک یا نوزاد و دو نوزاد بسیار کم سن یا جنین بودند جنس این بزرگسالان نامعین گزارش شده بجز احتمال وجود سه مونث که بیشترشان همراه نوزادان بودند^(۴) در فاز محمد جعفر پنج تدفین اولیه وجود

1- Philip E.L SMITH, IBID, P. 167

2- R. GHIRSHMAN, Ibid, P.27

۳- صادق ملک شه‌میرزادی، پیشین، ص ۱۰

4- F. Hole, etal Ibid, PP 248-253

داشت که دوتای آنها مذکر تشخیص داده شده‌اند و این تدفینها خارج از محدوده سکونت در محل شرق دیوار دارای پی‌سنگ در منطقه A_1 بدست آمده است.^(۱)

در تپه حاجی فیروز احتمالاً یک بزرگسال در تدفین گودالی حضور داشته است. ۳۷ الی ۳۸ نفر در تدفین صندوقه به‌مراه خردسالان و یک نفر که سن آن قابل شناسایی نبود حضور داشتند.^(۲) در F_{10} تدفین ۸ از یازده مجموعه مورد بررسی قرار گرفته از خردسالان که بگذریم چهار فرد مذکر و دو فرد مونث حضور داشته است که نشانه تناوب از هر دو جنس مونث و مذکر است. این تدفین از نوع صندوقه‌ای است.

در F_{11} تدفین ۳ بجز دو فرد نوجوان یک مذکر حدوداً سی ساله و یک مونث بیست ساله حضور دارد. در F_{12} تدفین ۲ که یک تدفین خمره‌ای است هیچ فرد بزرگسالی حضور ندارد. در H_{12} تدفین ۲ که یک نوع تدفین گودالی است تنها یک اسکلت مرئی بود و هیچ بررسی و شناسایی صورت نگرفته است.

در H_{12} تدفین ۳ که یک تدفین در زیر کف است حداقل چهار فرد حضور داشتند. فرد اول چهارده الی بیست و یک ساله و احتمالاً مسن‌تر و مونث جنسیت فرد دوم قابل شناسایی نبوده است او بزرگسال است افراد ۳ و ۴ هر دو کودک بودند. قابل توجه اینکه این تدفین شامل یکی از بزرگترین مجتمع استخوانهای حیوانی در این مکان پیش از تاریخی می‌گردید.

در H_{12} تدفین ۴ که یک نوع تدفین در زیر کف است حداقل یک بزرگسال حضور داشته است که از جنسیت آن گزارشی وجود ندارد.

در J_4 تدفین 1 که احتمال دارد یک صندوقه تا یک تدفین زیر کف باشد حداقل پنج فرد حضور داشته است یک نوجوان و چهار بزرگسال که جنسیت یکی از آنها مذکر است.

در حفاری IV تدفین ۲ که یک صندوقه است ده بزرگسال یک کودک حدوداً ۱۶ الی ۷ ساله شناسایی شده است هیچ تعیین جنسیت صورت نگرفته است در حفاری IV تدفین ۳ که یک تدفین گودالی

1- F. Hole, etal Ibid, PP 253-255

2- Mary M. Voigt, Ibid, P. 75

است یک بزرگسال حضور دارد. در حفاری ۷ تدفین ۳ که چند صندوقه است سه لایه استخوانی وجود داشته است در ۳C حداقل دو فرد حضور داشته است در ۳b حضور ۴ فرد تخمین زده شده برای ۳a هیچ بررسی قابل حصول نبوده است چرا که این محوطه قبلاً توسط ترانسه شناسایی بریده شده بود. آمارهای کامل موجود نیست در صندوقه ۲ یک خردسال و سه بزرگسال وجود دارند و از سن افراد صندوقه ۳ گزارشی در دست نیست.

در حفاری ۷ تدفین ۴ که یک تدفین گودالی است تنها یک کودک مابین ۶ الی ۸ ساله موجود است.

در حفاری ۷ تدفین ۵ که یک تدفین گودالی است تنها یک کودک ۵ الی ۶ ساله وجود دارد. در حفاری ۷ تدفین ۶ که یک استخوان‌دان زیر کف است بقایای استخوانهای انسانی یافت شده است و گزارشی از سن و جنس آنها موجود نیست. این تدفین در منطقه سوخته قرار دارد.^(۱) همانطور که ملاحظه می‌شد در تدفین‌های حاجی فیروز حضور بزرگسالان از هر دو جنس مذکر و مونث و خردسالان در گروههای سنی مختلف دیده می‌شود لازم به ذکر این نکته است که تپه حاجی فیروز دارای بهترین استخوان‌شناسی از میان مکان‌های پیش از تایخی حفاری شده تا ۵۰۰۰ پ.م در ایران است و این مسئله سبب اعتبار خاص بررسی‌ها می‌شود. به نظر می‌رسد تدفین‌های گروهی در تپه حاجی فیروز به صورت خانوادگی بوده و درآداب تدفین آن‌دوره هیچ تمایزی در نوع تدفین میان مونث و مذکر و خردسال و بزرگسال وجود نداشته است.

۲-۳- رابطه طرز قرارگیری اجساد با سن و جنس

۱-۲-۳- رابطه طرز قرارگیری اجساد با گروه نابالغین

ذکر گروه نابالغین در اینجا بخاطر آن است که فرض می‌شود جنین‌ها و نوزادان کم‌سن و سال بعلت شرایط ویژه بدنی و بزرگی سر نسبت به جثه حالت جنینی دارند و به پهلو قرار می‌گیرند. و طرز قرارگیری آنها نمی‌تواند متنوع باشد. طرز قرارگیری اجساد از نظر ما از گروه خردسالان تا

1- Mary M. voigt, Ibid, PP 248-253

نوجوانان موثر و مشهود است البته باید توجه داشت که مدارک ما در این مورد مختصر و تنها منحصر به نمونه‌هایی چند است.

غار کمر بند: در غار کمر بند تعدادی تدفین یافت شد که از میان آنها یک مذکر جمع شده قرار داشت که در میان آثار سنگی فوقانی یافت گردید.^(۱)

در غار کمر بند و هوتو هیچ خردسالی مشخصی نشده است. در تابوت خشتی تپه گنج دره اجساد یک بزرگسال یک نوجوان و خردسال به حالت درازکش دیده می‌شوند در گنج دره اجساد خردسال احتمالاً بیشتر به حالت جمع شده قرار داشتند.^(۲) در تپه سیلک گزارشی از وضعیت نابالغین دیده نمی‌شود.

در تپه زاغه که دارای وضعیت‌های تدفینی گوناگون است معمولاً اجساد کودکان و نوزادان را به استثنای یک مورد کاملاً جمع شده دفن کرده‌اند^(۳) در سنگ چخماق سه خردسال همراه سه فرد مونث در تپه شرق دفن شده بودند در تپه غربی بیست و یک اسکلت خردسالان در زیر کف نزدیک دیوار یافت گردید در تپه شرق همچنین در لایه‌های چهارم و پنجم ۱۴ اسکلت جمع شده خردسالان یافت گردید^(۴) مسودا اعتقاد دارد تدفین‌های طبقه دوم که تپه غربی دفن شده بودند در حالت جمع شده قرار داشتند^(۵) بنابراین می‌توان گفت که تدفین‌های خردسالان در حالت کمی جمع شده، قرار داشته‌اند و چون گزارش‌های حفاری سنگ چخماق ناقص است نمی‌توان با صراحت اظهار نظر کرد.

در تپه علی‌کش فاز علی‌کش تدفین شماره ۲۹ متعلق به یک خردسال و به صورت تاق باز دفن شده و در حصیر بافته شده دو تا رو دو تا زیر پیچیده شده است تدفین شماره ۲۸ متعلق به کودکی احتمالاً ۷ تا ۱۰ ساله است که به صورت تاق باز دفن شده است.^(۶)

1- S. Calton coon, Ibid, P.31

2- Philip E. L SMITH, Ibid, P,180

۳- صادق ملک شهیرزادی، پیشین، ص ۶

4- S. Masuda, Ibid, PP 25-26

5- S. Masuda, Ibid, P.64

6- F. Hole, etal Ibid, PP 248-250

در تپه علی‌کش فاز محمد جعفر تدفین خردسال دیده نمی‌شود.

در فاز سفید چغا سفید جسد سه فرد بزرگسال و کودک یافت گردیده که به حالت درازکش و در حصیر و بطور آشفته قرار داشته‌اند^(۱) در تپه حاجی‌فیروز تدفین‌های که می‌توان آنها را تشخیص داد به حالت جمع شده قرار داشتند اصولاً تدفین در حاجی‌فیروز تابع شرایط معینی است.^(۲)

۲.۲.۳. رابطه طرز قرارگیری اجساد با بزرگسالان

اجساد بزرگسالان را بوضوح بیشتری در این باره می‌توان مطالعه کرد، در این دوره اجساد هم به حالت درازکش و هم به حالت جمع شده دفن شده‌اند.

به نظر می‌رسد از نظر سن و جنس هیچ تفاوتی در کل نسبت به طرز قرارگیری اجساد موجود نباشد اگر هم تفاوت‌هایی دیده شود مربوط به محیط و شرایط محدود است.

در غار کمر بند تعدادی اسکلت و بقایای انسانی یافت گردید که یکی از آنها بصورت یک تدفین مذکر جمع شده دارای احتمالاً اثراتی از گل اخرا می‌باشد این تدفین در میان آثار میان سنگی فوقانی یافت گردید.^(۳)

در تراشه B که در بقایای نوسنگی حفر گردید دو تدفین یافت شد آنها دو فرد مذکر بودند که بر پهلو قرار گرفته و به صورت جمع شده بودند.^(۴) در غار هوتو که در نزدیکی همین غار واقع شده بود اسکلت یک فرد بزرگسال مذکر به صورت یک مجموعه در هم و دو مونث یکی جوان و دیگری به حالت غیرعادی با صورتی خرد شده درون یک اجاق یافت گردید. حفار معتقد است آنها دفعتاً کشته شده‌اند.^(۵)

در گنج دره که اجساد هم به حالت درازکش و جمع شده قرار دارند گزارشی از تعیین جنسیت دیده نشد.

1- F. Hole, I bid, PP 21-93

2- Mary M- voigt, Ibid, P.73

3- S. Carlton coon, Ibid, P.31

4- S. Carlton coon, Ibid, P.79

5- S. Carlton coon, Ibid, P.179

ظاهراً در تپه گوران هم اجساد به صورت جمع شده بودند در آسیاب که یک کمپ در فضای باز است دو تدفین یکی درازکش و یکی جمع شده است ولی تعیین جنسیت دیده نمی‌شود در تپه سیلک دفن اجساد به صورت جمع شده گزارش گردیده از هر دو جنس مذکر و مونث تقریباً به صورت مساوی دیده می‌شود هیچ رابطه‌ای از فاصله آنها با بناها دیده نمی‌شود در دوره II₁ یک جمجمه در زیر خشت فرش یافت شده است که بی‌شک مونث است.^(۱)

در تپه علی‌کش فاز علی‌کش تعدادی تدفین با نوزاد یا بدون نوزاد احتمالاً مونث در منطقه B₂ یافت شده است.

بیشتر این تدفین‌ها بصورت نشسته و کاملاً جمع شده هستند و بعضی از آنها پیچیده در حصیر بافته شده دو تا رو دو تا زیر قرار داشتند این تدفینها زیر کف‌های ساختمان یافت شدند^(۲)

پنج تدفین اولیه کشف شده در تپه علی‌کش فاز محمد جعفر بیشتر مذکر حدوداً میانسال بودند بقیه بزرگسال و جنس نامعین دارند تمام این تدفینها نیمه جمع شده بر پهلوئی چپ قرار داشتند و سر آنها بطرف جنوب قرار گرفته بود.^(۳) در تپه حاجی‌فیروز که تعدادی از تدفین‌های مشخص شده به صورت جمع‌شده هستند از هر دو جنس مذکر و مونث و در سنین مختلف دیده می‌شود و بدین ترتیب هیچ تمایز مشخصی را نمی‌توان تشخیص داد.

۳-۳. رابطه تزئینات، اشیاء و هدایای قبور با سن و جنس

۱-۳-۳. رابطه تزئینات، اشیاء و هدایای قبور با گروه نابالغین

کمترین میزان این اشیاء در رابطه با گروه نابالغین دیده می‌شود نوزادان و جنین‌ها به نظر می‌رسد که فاقد هدایا و تزئینات مشخص باشند در گروه کودکان و نوجوانان با استثنائاتی تزئینات شخص و هدایا دیده نمی‌شود. اصولاً با بالا رفتن سن میزان این آثار افزایش پیدا می‌کند. از نظر اشیاء تدفین گروه نابالغین دارای این اشیاء می‌باشد منتهی تنوع و مقدار آن کمتر از گروه بالغین

1- R. GHIRSHMAN, Ibid, P. 27

2- F. Hole, etal, Ibid, P. 253

3- F. Hole, etal, Ibid, PP 253-255

می‌باشد. شاید افزایش این اشیاء و هدایا و تزئینات بخاطر این است که نوزادان به این اشیاء احتیاج ندارند و در واقع با نزدیک شدن به سن بلوغ است که نیاز انسان به کاربرد این اشیاء در زندگی و در آخرت آغاز می‌شود. وجه دیگر این موضوع این است که تزئینات شخصی در زندگانی همراه با کودکان و نوجوانان است و پس از مرگ همراه آنان داخل گور می‌شود و بنابراین به هیچ وجه آنرا نباید جزو هدایا در نظر گرفت این موضوع به نظر صحیح‌تر می‌رسد بهرحال مقدار این وسایل و اشیاء نسبت به کل قبور ناچیز است و این موضوع در همه حال باید در نظر گرفته شود:

در تپه سیلک هیچگونه اشیاء و هدایا برای کودکان گزارش نشده است در تپه زاغه همراه هیچ یک از کودکان و نوزادان هدیه‌ای در گور نمی‌گذاشتند و کودکان و نوزادان فاقد امتیاز به منظور به همراه بردن اشیاء با خود به جهان و دیگر بودند.^(۱)

در گنج دره یک تدفین نوجوان در طبقه D یافت شد که دارای گردنبندی از هفتاد و یک صدف و مهره‌هایی سنگی است.^(۲)

تدفین ۲۸ در تپه علی‌کش فاز علی‌کش احتمالاً متعلق کودکی ۷ تا ۱۰ ساله است یک مهره صدف دریایی نزدیک ماستوئید راست کشف شده است به علاوه یک سنگ بیضی صیقل شده زیر شانه راست قرار داشت این سنگ جزو اشیاء قبور و نه هدایا طبقه‌بندی می‌شود که در فصل مربوط توضیح داده خواهد شد بقیه خردسالان در این تپه فاقد اشیاء و وسایل قبور می‌باشند.^(۳) در تپه حاجی‌فیروز در تدفین صندوقه‌ای F₁₀ تدفین ۱ که در فاز A₃ ساختمان II₁ قرار دارد حداقل یازده الی سیزده فرد نابالغ از صفر تا ۱۵ سال وجود دارد در این صندوقه ۲ عدد هدایا سفالی ۶ عدد سنگی و استخوان حیوان وجود دارد در صندوقه F₁₁ تدفین ۳ از همین فاز و ساختمان حداقل چهار فرد از گروه نابالغ وجود دارد هدایا و اشیاء سفالی شامل ۲ عدد سفال ۱۰ عدد دوک و ۵ هدایای سنگی و ۲ متفرقه و استخوان حیوان موجود است و به همین ترتیب در صندوقه‌ها و تدفین‌های دیگر نیز کم و بیش هدایایی دیده می‌شود.

۱- صادق ملک شهیرزادی، پیشین، ص ۱۰

2- Philip. EL SMITH, Ibid, P.17

3- Mary M. voigt, Ibid, P.73

در دو تدفین گودالی حفاری V تدفین ۵ و حفاری IV تدفین ۳ که در اولی یک فرد ۵ تا ۶ ساله وجود دارد هیچ اشیای تدفین دیده نمی‌شود. در حفاری V تدفین ۴ نیز فقط یک استخوان مسطح روی پای کودک قرار داده شده است همانطور که ملاحظه می‌شود و قبلاً نیز تاکید شده بود مقدار اشیاء و هدایا برای گروه نابالغین ناچیز و اندک است در تپه حاجی‌فیروز در مقایسه با مکانهای پیش از تاریخ دیگر اهمیت به قراردادن اشیاء همراه کودکان قابل توجه است.

۲.۳.۳ رابطه تزئینات، اشیاء و هدایای قبور با بزرگسالان

بدیهی است بیشترین رابطه این اشیاء با گروههای سنی بزرگسال است در مورد اشیاء قبور به نظر می‌رسد فرق بین مونث و مذکر وجود ندارد اما مورد جالب توجه چشمگیر بودن میزان هدایا و تزئینات شخصی در قبور افراد مونث می‌باشد که نمونه‌هایی از آن بدین شرح است: در دومین فصل حفاری در غار کمر بند بقایای یک خانواده جوان از چهار فرد مابین نوسنگی بدون سفال و نوسنگی یافت شد که زیر اسکلت مسن‌ترین مونث یک چنگال استخوان زیبا یافت گردید^(۱) تنها گوری که در سیلک I دارای اشیاء بود مربوط به یک فرد مونث جمع شده در لایه ۳ بود که تبر سنگی تراش خورده از جنس اردواز و دو آرواره گوسفند رو بروی سر داشت.^(۲)

در تپه سنگ چخماق شرق زیر خاک سطحی چهار فرد مونث دفن شده بودند که بر بالای یکی از آنان یک سفال وجود داشت.^(۳)

در فاز محمد جعفر تدفین شماره ۸ که متعلق به یک مرد میانسال بود دو مهره، فیروزه و احتمالاً یک تزئین فیروزه بین جمجمه و شانه قرار داشت ساعد راست یک دستبند از مهره‌های صدفی سفید داشت یک توده از گل اخرا زمین را نزدیک شانه راست رنگی کرده بود. احتمالاً نشاندهنده این نکته که بعضی هدایای فاسد شدنی تجزیه شده‌اند. او لنگ که مهره‌های عدسی شکل کوچکی ظاهراً بر آن

1- Mary M. voigt, Ibid, P. 91

2- S. Carlton coon, Ibid, P. 231

3- S. GHIRSHMAN, Ibid, P.118

4- S. Masuda, Ibid, P.25

5- F. Hole, etal, Ibid, PP 253-256

دوخته شده بود برتن داشت و تعدادی ردیف یا ریشه‌هایی از مهره‌های عدسی شکل سیاه از هر دو پا و کمر او آویزان بود مقابل استخوان پویس و ما بین دوران پا یک آویز زنگی شکل از سنگ صیقلی بود. تدفین‌های ۱۸ و ۲۵ نیز دارای تزئینات بود و به نظر می‌رسد مذکر میانسالی باشند^(۱) در تپه حاجی‌فیروز در تدفین‌های که استخوان‌دان است و ما آنها را صندوقه نامیده‌ایم به نظر می‌رسد هدایا و اشیاء برای هر دو جنس به یک میزان است.

۴.۳. رابطه تدفین اولیه و ثانویه با سن و جنس

آنچه تدفین اولیه نامیده می‌شود تدفین بسیار شایع و مشخص این دوره است و رابطه آن بدیهی و آشکار است و برای هر سن و جنس یکسان است اما در رابطه با تدفین ثانویه باید گفت که آنچه در گنج دره و گوران دیده می‌شود فاقد اصالت و توضیح است.

در تپه علی‌کش در منطقه B₂ فاز علی‌کش احتمالاً یک تدفین ثانوی قرار داشت که شامل حداقل ۳ بزرگسال می‌گردید^(۱) در حاجی‌فیروز تدفین‌های ثانویه بسیار قابل مشخص است این تدفینها از انواع مختلف و شامل مذکر و مونث و بزرگسال و خردسال می‌گردد. کلاً من حیث المجموع با توجه به تدفین‌های گودالی خردسالان که توضیح داده شد تدفین‌های ثانویه بزرگسالان باید بیشتر از خردسالان می‌باشد.

۵.۳. رابطه کاربرد گل اخرا با سن و جنس

به نظر می‌رسد نوزادان و جنین‌ها فاقد گل اخرا باشند از بقیه سنین و جنس‌ها باید به یک میزان دارای گل اخرا باشد با توجه به فراگیر بودن استفاده از گل اخرا و درصد بالای آن رفتارهای دیده شده را می‌توان چشم پوشی کرد.

1- F. Hole, etal, Ibid, PP. 253-254

2- F. Hole, etal Ibid, P. 253

فصل ۴

طرز قرارگیری اجساد

از آغاز تا ۵۰۰۰ پ.م

طرز قرارگیری اجساد از آغاز تا ۵۰۰۰ پ.م

هیچ الگوی یکنواختی از طرز قرارگیری اجساد در ایران در طول دوره مورد مطالعه دیده نمی‌شود با اینحال دفن اجساد به صورت جمع شده اکثریت تدفین را شامل می‌شود. در بعضی موارد در یک مکان پیش از تاریخی هر دو صورت تدفین همزمان دیده می‌شود کلاً اجساد در دو حالت درازکش و جمع شده مشاهده می‌شوند هر کدام از حالات کلی نیز به موارد دیگری قابل تقسیم‌بندی هستند.

۱.۴. دفن اجساد به حالت درازکش

با اینکه هیچ الگوی مشخص در این مورد وجود ندارد اما دفن اجساد به این حالت از زمان استقرار کامل در روستاها بیشتر مشاهده می‌شود و مدارک موجود نشان می‌دهد این طرز دفن هم به امکانات فضایی و هم به رسومات تدفین مربوطند منظور از حالت درازکش دفن اجساد به صورت تاق باز است با اینحال در کیفیت عمل نیز بین محققین اختلاف نظر موجود است.

در آسیاب که یک اردوگاه در فضای باز و مربوط به دوره نوسنگی بدون سفال می‌باشند دو جسد یافت شده است که یکی از آنها درازکش و با اثراتی از گل‌اخراست^(۱) در گنج دره طبقه D اجساد در دو حالت درازکش و جمع‌شده دیده می‌شوند در این طبقه یک گور جمعی کشف گردید، که دارای سه اسکلت درازکش در یک تابوت خستی می‌باشند^(۲)

در چغاسفید اجساد بزرگسالان به حالت درازکش و آشفته دیده می‌شوند^(۳) به نظر می‌رسد در چغامیش دفن بعضی از اجساد به حالت درازکش باشد^(۴) در تپه علی‌کش بعضی از اجساد در حالت درازکش دیده می‌شوند در این تپه اجساد در بعضی مواقع دارای فضای کافی برای دفن بوده‌اند و به نظر می‌رسد این فضای کافی موثر در طرز قرارگیری بوده است.^(۵)

1- R. BRAIDWOOD , Ibid, P. 116

2- Philip E.L SMITH, Ibid, P. 167

3- F. Hole, Ibid, 1977, PP,1-93

4- P.P. DELOUGAZ and H. J KANTOR, Ibid, P. 94

5- F. Hole etal, Ibid, P.250

با توجه به یافته‌ها و مدارک موجود به نظر می‌رسد دفن اجساد به حالت درازکش بیشتر به منطقه غرب و جنوب‌غربی ایران مربوط باشد.

باید توجه داشت که از مسایل اجساد یافت شده در این دوران درصد بسیار کمی مربوط به اجساد درازکش می‌باشد و اجساد یافت شده در تپه زاغه در حالات گوناگون و درازکش بخصوصی است که بعداً به آن خواهد پرداخت. به عقیده حفار اجساد کودکان و نوزادان در زاغه به استثنای یک مورد به صورت جمع شده دفن شده‌اند.^(۱)

۲-۴. دفن اجساد به حالت جمع شده

اکثریت نسبی تدفین‌های دیده شده در این دوران را تدفین‌های جمع شده تشکیل می‌دهند. این نوع تدفین در تمام مکانهای پیش از تاریخ مورد مطالعه دیده می‌شود بجز در چغاسفید فاز سفید تدفین بزرگسالان که به صورت آشفته می‌باشند از نظر گزارشات منتشر شده حالت جمع شده نیز به سه حالت کمی جمع شده، نیمه جمع شده و کاملاً جمع شده تقسیم‌بندی می‌شود. این حالت در مورد اسکلت‌های کامل تپه حاجی‌فیروز نیز مشاهده می‌شود.^(۲) دفن اجساد به حالت جمع شده تقریباً بر روی یکی از دو پهلوئی بدن انجام می‌شود فقط در مورد تدفین خاص که به صورت نشسته است و در تپه علی‌کش دیده می‌شود موارد دیگری حاکم است.

۱-۲-۴. دفن اجساد به حالت جمع شده بر روی پهلوئی راست

شاید جهت جغرافیایی سبب دفن اجساد به حالت جمع شده بر روی پهلوئی راست یا چپ می‌شود و شاید رسوم تدفین مسبب این امر است به هر حال پهلوئی که جسد بر روی آن قرار می‌گیرد بعضاً از طرف حفار مورد تاکید قرار گرفته است در تپه حاجی‌فیروز با اینکه وضعیت اجساد بعضاً مشخص نیست ولی در حفاری V تدفین ۴ یک جسد بر روی پهلوئی راست قرار داده شده است.^(۳) در تپه سیلک اجساد را بر هر دو پهلوئی چپ و راست دفن می‌کردند.^(۴)

۱- صادق ملک شهیرزادی، پیشین، ص ۶

2- Mary M. Voigt, Ibid, P. 73

3- Mary M. voigt, Ibid, P. 91

4- R. GHIRSHMAN, Ibid, P. 10

در تدفین‌های تپه شرقی سنگ چخماق اسکلت‌ها بحالت درازکش و برپهلوی راست بودند^(۱) چون گزارش حفاری تپه سنگ چخماق ناقص است احتمالاً این اسکلت‌ها به حالت کمی جمع شده قرار داشته‌اند.

از نظر آقای حاکمی حفر اسماعیل‌آباد اجساد را به پهلوی راست یا چپ در قبر قرار داده و دست‌ها را روی سینه قرار داده و پاها را جمع می‌نمودند.^(۲)

۲-۲-۴ دفن اجساد به حالت جمع‌شده بر روی پهلوی چپ

به نظر می‌رسد دفن اجساد بر روی پهلوی چپ بیشتر باشد ولی این یک قاعده معین نیست و هیچ گزارشی دال بر این موضع نیست گرچه مثلاً در تپه حاجی‌فیروز بیشتر اجساد کامل بر روی پهلوی چپ قرار داده شده‌اند در این حالت سر بیشتر به شمال قرار داده شده است.^(۳)

همانطور که قبلاً توضیح داده شد در سیلک و اسماعیل‌آباد اجساد بر روی هر دو پهلو دفن شده‌اند. در تپه علی‌کش فاز محمد جعفر همگی پنج تدفین اولیه یافت شده بر روی پهلوی چپ روبروی غرب قرار داشتند. جهات تمامی آنها شمال جنوبی با سر به طرف جنوب، بودند.^(۴)

۳-۴ دفن اجساد به حالت نشسته

این حالت تنها در تپه علی‌کش فاز علی‌کش دیده می‌شود. بزرگسالان به طور نشسته و در حالت کاملاً جمع شده به خاک سپرده شده بودند. در رو و زیر چهارتن از آنان اثراتی از نوعی حصیر وجود دارد به عبارت دیگر احتمال دارد که افراد قبل از دفن کاملاً جمع شده و در حصیر دوخته یا طومار می‌شدند. افراد فوق الذکر در کف خانه‌ها دفن می‌شوند.^(۵)

1- S. Masuda, Ibid, P. 64

۲- اسماعیل حاکمی، پیشین، ص ۲۰۴-۲۰۵

3- Mary M. Voigt, Ibid, P. 73

4- F. Hole etal, Ibid, P. 255

5- F. Hole etal, Ibid, P. 248

۴-۴. دفن اجساد در تپه زاغه به حالات گوناگون

در تپه زاغه دفن اجساد به حالات گوناگون دیده می‌شود و در این تپه هم حالات درازکش و جمع شده قابل تشخیص و هم حالات درهم و برهم به نظر می‌رسد دفن در این تپه تابع امکانات فضایی و زمانی بوده است به عبارت دیگر برطبق شرایط پیش آمده و با توجه به فضای موجود جسد را بخاک می‌سپردند و رعایت رسمی خاص معمول نبوده است همانطور که گفته شد اجساد کودکان در این تپه به حالت تقریباً جمع شده بخاک سپرده می‌شده است.

افراد بالغ و مسن بیشتر به حالت بازو در برخی موارد با خم کردن پاها از ناحیه لگن و زانو دفن کرده بودند. در حفاری‌های اولیه تپه زاغه اجساد بر روی یک پهلو با پاهای خم شده دفن شده بودند.^(۱)

دفن این اجساد تقریباً در تمام جهات جغرافیایی دیده می‌شود^(۲) به نظر می‌رسد بعد از مرگ جسد را بدون رعایت رسمی در داخل قبر رها می‌کردند فقط در مواردی رعایت رسمی خاص شده است در اینجا باید تذکر و دهیم ارائه نظری در مورد تپه زاغه احتیاج به شواهد منتشر شده دارد و ما در اینجا فقط به طبقه‌بندی زاغه به عنوان حالات گوناگون اکتفا کرده‌ایم.

در اینجا به بحث در مورد عوامل موثر در طرز قرارگیری اجساد وارد می‌شویم همانطور که قبلاً طبقه‌بندی نمودیم چهار مورد مشخص ما تنها در صورت روشن شدن عوامل موثر در طرز قرارگیری اجساد قابل توجیه است:

۵-۴. رسوم تدفین در طرز قرارگیری اجساد

اصلی‌ترین عاملی که در طرز قرارگیری اجساد در داخل قبور موثر بوده است بی‌شک رسوم تدفین است اگر این رسم فراگیر و به صورت یک سنت تدفین جلوه‌گر شده باشد ما باید قبوری را ببینیم که در یک دوره مکانی و زمانی خاص حالت تدفین یکسانی را نشان بدهند. هنوز برای بررسی آئین‌های خاص در آغاز استقرار راه بسیار زیادی را در پیش داریم با این حال تعیین وجود یا عدم وجود

۱- عزت‌الله نگهبان، پیشین، ص ۲۰

۲- صادق ملک شه‌میرزادی، پیشین، ص ۹

رسمی برای تدفین صرفنظر از چگونگی آن برای ما بسیار اهمیت دارد. دو صورت کلی در طرز قرارگیری اجساد در قبور یعنی درازکش و جمع شده را چگونه می‌توانیم با رسوم تدفین توجیه نماییم؟ برای رسیدن به یک نتیجه‌گیری معقول‌تر استفاده از آمار یک امر ضروری به نظر می‌رسد اما از آنجا که گزارشات حفاری ناقص است و حفاران از این مسائل به سادگی گذاشته‌اند پناه‌بردن به آمار نیز ثمربخش نخواهد بود. حالت جمع شده در اجساد در این دوره شاید یادآور حالت جنینی در انسان است و شاید به علت دنیای زاد و مرگ که در پیش از تاریخ به دنبال هم می‌آیند اجساد را به یک پهلو و با پاهای جمع شده قرار می‌دهند و گور خود حالت زهدان و رحم برای آفرینش دیگر را به عهده دارد. شاید این امر صرفاً حالت سمبولیک دارد. این طرز تلقی از انسان پیش از تاریخ ضرورت حفظ اجساد و راحتی آنان در گور پس از مرگ را بیشتر نمایان می‌سازد. در مورد اجساد به حالت درازکش و نشسته و دیگر حالات اینطور می‌بایست فرض شود که تنها حفظ جسد برای دنیای دیگر اهمیت دارد. در هر صورت خواه چنین رسمی وجود داشته و خواه وجود نداشته باشد هر دو صورت از نظر مطالعاتی بسیار اهمیت دارد.

۶-۴. ضرورت‌های خاص در طرز قرارگیری اجساد

آن دسته از ضرورت‌هایی هستند که باعث شکل‌گیری اجساد در قبور می‌شوند کمبود فضای تدفین خود یکی از علل توجیه‌کننده تدفین جمع شده می‌تواند باشد. یا مدت زمان لازم برای حفر یک گور و سختی ایجاد فضا برای تدفین جسد می‌تواند عاملی برای قرارگیری اجساد به یک پهلو با حالت جمع شده باشد. شاید این مسئله را بتوان به تدفین ثانوی تعمیم داد. می‌توان فرض نمود که در تدفین ثانوی ضرورت‌های مکانی و بهداشتی دخیل است به عنوان مثال بافت معماری روستای اولیه‌ای مثل زاغه‌ها با جهت جغرافیایی اجساد مطابقت می‌کند و این مسئله نشان‌دهنده تأثیرگذاری معماری بر طرز قرارگیری اجساد می‌باشد یکی دیگر از عوامل موثر در طرز قرارگیری اجساد یا ضرورت خاص که نمی‌توان آنرا مورد تردید قرار دارد مرگ و پدیده‌های پس از آن می‌باشد. مرگ‌های ناگهانی و غیر عادی مثل فروریختن آوار و آتش‌سوزی و زلزله سبب در هم ریختگی وضعیت تدفین می‌گردد شاید گوناگون علل مرگ و گوناگونی حالات و زمانهای مختلف برای دفن تا حدی در طرز قرارگیری اجساد

در داخل قبور موثر باشد بنابراین مرگ و پدیده‌های پس از آن به طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

تعاریف گوناگون فلسفی، بیولوژیک و غیره برای مرگ در نظر گرفته شده است از نظر فیزیولوژیک مرگ بر دو قسمت مرگ ظاهری و مرگ قطعی تقسیم شده است و مرگ قطعی مرگی است که اعمال قلبی عروقی و تنفسی و حسی و حرکتی به طور کامل و برگشت‌ناپذیر از بین رفته سلولهای مغزی به طور حتم مرده باشد.^(۱)

حالات مرگ عادی: مرگ عادی دارای حالاتی است که به آن نخواهم پرداخت بجز اختلال در شنوایی و بینایی که فرد در حال اختصار سعی می‌نماید اطرافیان را متقاعد کند تا درها را بکشایند و یا چراغ برافروزند. شاید روشن کردن شمع و چراغ که در بعضی از ادیان در این مواقع دیده می‌شود بهمین علت بوده باشد. شاید در هنگام اختصار و پس از آن آتش افروخته میشده است و وجود اجاق در نزدیکی تدفین‌های اولیه بهمین علت باشد به هر حال علت اینکه مابیش از این به حالات مرگ عادی نمی‌پردازیم به این علت است که این مسئله احتیاج به کارشناسی بسیار وسیع دارد که از توان و حوصله بحث ما خارج است.

پدیده‌های نعشی: که همان آثار ناشی از مرگ است بعد از مرگ یک سری پدیده‌هایی به اسم پدیده‌های نعشی به وجود می‌آید که وجود آنها نه تنها قطعیت مرگ را نشان می‌دهد، بلکه سرنوشت جسد خالی از روح را نیز روشن می‌سازد این پدیده‌ها عبارتند از:

الف - سرد شدن جسد: بعد از مرگ حرارت بدن تابع حرارت محیط شده و در نتیجه به تدریج سرد می‌شود، سرعت سرد شدن جسد از عوامل چندی پیروی می‌کند از قبیل: درجه حرارت محیط، کیفیت حفاظت بدن، لباس یا پوشش‌های دیگر، نسبت وزن به سطح به طوریکه جسد طفل سریعتر سرد می‌شود، مقدار حرارت موجود در بدن به طور مرتب پایین می‌آید تا به حال تعادل به حرارت محیط برسد و با آن یکسان گردد. معمولاً سرد شدن بدن از انتهاها شروع شده و به زیر بغل کشیده می‌شود. احساس سردی که در صورت دست‌زدن به یک جسد به شخص دست می‌دهد، به علت تبخیر خفیفی

۱- صمد قضایی، پزشکی قانونی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، ص ۳۱

است که وجود دارد. بعضیها اندازه سرد شدن جسد را به طور متوسط هر ساعت نیم درجه در تابستان و یک درجه در زمستان ذکر می‌کنند ولی به طوری که فوقاً گفته شد در حقیقت این امر با عوامل متعددی مربوط می‌شود و نمی‌توان ارقام دقیق و ثابتی برای آن تعیین کرد.

ب: سخت شدن جسد یا جمود نعشی: بعد از مرگ عضلات سخت شده و به جسد حالت سفت و یکپارچه‌ای می‌دهد که در اصطلاح به آن سختی جسد می‌گویند برخلاف عقیده سابق سخت شدن عضلات به تدریج از صورت شروع نمی‌شود بلکه تمامی عضلات را با هم فرا می‌گیرد. معمولاً در این حالت اندامهای فوقانی در حالت خمیده با دستهای مشت شده، انگشت شست نیمه خم زیر انگشتان دیگر، و اندامهای پایین کشیده می‌باشد گردن و تنه کشیده و فکها به هم فشرده شده است. اگر سختی جسد را با حرکت دادن عضوی به زور در یک مفصل از بین ببریم و این امر بعد از ساعت دوازدهم باشد، سختی جسد مجدداً درست نمی‌شود. ولی اگر در ساعات اولیه باشد درست شدن مجدد امکانپذیر است که این دفعه سختی اولی نخواهد بود. سخت شدن جسد به طور متوسط ۲ تا ۹ ساعت بعد از مرگ شروع می‌شود و در ساعت ۱۲ به حداکثر می‌رسد و ۲-۳ روز بعد با شروع پوتر فاکسیون^(۱) از بین می‌رود، چه عضلات دیگر متلاشی می‌شوند علت این امر از بین رفتن آت.پ^(۲) در بدن است که سبب نرمی عضلات می‌شود در صورتی که شخص قبل از مرگ فعالیت عضلانی شدید داشته باشد. کمبود آت.پ و گلیکوزن و اکسیژن خواهد داشت و در نتیجه سخت شدن جسد بعد از مرگ سریعتر خواهد بود همچنین این امر پدیده جمع‌شدگی و گرفتگی جسد را نیز توجیه می‌کند که در آن یک گروه عضلات که فعالیت شدیدی داشته آت.پ خود را تمام کرده، بعد از مرگ، بلافاصله به حال سختی در آمده و حالت قبل از مرگ خود را حفظ می‌کند این کاهش آت.پ بعد از مرگ در صورت تبهای شدید نیز وجود خواهد داشت.^(۳) دو عامل دیگر که سبب جمع شدن جسد می‌گردد ماندن جسد در مدت طولانی در حرارت صفر درجه و سوختن و زغال شدن جسد است که آنها نیز باعث جمع‌شدگی جسد می‌گردند.^(۴)

1- Putrification

2- A.T.P

۴- همان، ص ۳۷

۳- همان، ص ۳۵-۳۷

ج - کبودی جسد: بعد از مرگ خون به تبعیت از قوه ثقل به پایینترین قسمتهای بدن کشیده می‌شود و مویرگها را در آن قسمتها پرو متورم می‌کند. به علاوه، با توجه به اینکه بعد از مرگ جدار عروق مقاومت طبیعی خود را از دست داده و نفوذپذیر می‌شوند سرم خون که به علت همولیز بعد از مرگ رنگی نیز شده است از جدار عروق خارج شده نسجهای مربوطه را آلوده کرده و پوست را رنگی می‌کند. محل کبودی با توجه به توضیحات بالا در پایینترین قسمتهای بدن خواهد بود. واضح است در نقاط اتکاء یا جاهایی که فشار باشد، مثل کمر، تولید نخواهد شد. بدین ترتیب مثلاً در جسدی که به پشت افتاده باشد. در پشت گردن، کمر، پشت رانها به وجود خواهد آمد و در شخص به دارآویخته در دستها و پاها و زیر شکم درست خواهد شد کبودی بعد از ساعت سی‌ام دیگر به هیچ وجه تغییر محل نداده و مجدداً درست نمی‌شود.^(۱)

د - خشک شده جسد: بعد از مرگ جسد آب خود را از دست داده و خشک می‌شود. این پدیده با عوامل چندی از قبیل درجه حرارت محیط، رطوبت محیط وضع جسد قبل از مرگ بالاخره، مدت مرگ رابطه دارد در درجه حرارت شدید و خشکی هوا ممکن است از دست رفتن آب جسد خیلی شدید بوده و باعث خشک شدن کامل و مومیایی شدن جسد گردد.^(۲)

بنابر آنچه گفته شد کمک به نگهداری جسد و جمود نعشی و عوامل بهداشتی و ساعات مرگ و فصل مرگ و پدیده‌های پس از مرگ ممکن است در طرز قرارگیری اجساد در داخل قبور موثر باشند.

۷-۴- اثر عوامل جغرافیایی در طرز قرارگیری اجساد

این عوامل مربوط به عوامل محیطی و بیرونی هستند و اثر آنها کمتر شناخته شده است تنها نمونه قابل ذکر مربوط به قرارگیری اجساد رویرو و به سمت خورشید است اشمیدت حفار چشمه علی و تپه حصار معتقد است که اجساد بجز چند استثناء بر پهلو راست با پاهای جمع شدن قرار می‌گیرند از نظر اشمیدت جهت اجساد رویروی طلوع یا غروب آفتاب می‌باشد.^(۳) مکان‌های پیش از تاریخ مثل

۱- همان، ص ۳۸

۲- همان ص ۳۹

3- Tim Motney, Ibid, P.28

زاغه نقیض این نظریه هستند و جهت اجساد چه آنهایی که با فاصله زمانی دفن شده‌اند و چه آنهایی که به نظر می‌رسد همزمان دفن شده‌اند در جهات مختلف می‌باشد و هماهنگی خاصی نشان نمی‌دهند با این وجود صحت این نظریه باز هم محتاج شواهد بیشتری است ولی آنچه معلوم و مشخص است این رسم در صورت وجود رسم معمول و شایعی نبوده است.

۸۴ طرز قرارگیری دستها در قبور

به طور کلی دستها در حالات گوناگون دیده می‌شوند ولی از آنجائیکه طرز قرارگیری دستها امکان وجود آئینی را بیان می‌کند یا اینکه نفوذ طرز فکر خاصی را در میان مردمان پیش از تاریخ را روشن می‌سازد به بیان حالات مختلف آن در مکانهای مورد مطالعه می‌پردازیم لازم به تذکر این نکته است که احتمال اینکه در دست‌ها اشیایی قرار داده می‌شده و یا نزدیک این دستان هدایای قرار می‌گرفته وجود دارد شاید هم در مواردی حالت احترام و ادای احترام نسبت به موجودات نامشخص مانند الهه مرگ سبب بعضی حالات در دستان گردیده است. بدون اینکه هیچ اظهار نظر خاصی در این مورد داشته باشیم مستقیماً به ذکر این حالات می‌پردازیم:

چشمه علی: در چشمه علی همانطور که ذکر شده اجساد برپهلوی راست با پاهای جمع شده قرار می‌گرفتند. دستان در این مکان نزدیک کمر اجساد قرار می‌گرفته است.

سیلک: طرز قرارگرفتن بازوان متفاوت است در طبقه I گاهی دو دست یکی داخل دیگری به طرف صورت باز گردانده شده گاهی بازوی راست درازکش و دست چپ زیر گونه قرار گرفته و بالاخره گاهی هر دو دست روی شکم قرار داده شده‌اند.^(۱)

تپه زاغه: در این تپه به علت اینکه استخوانهای خردسالان متفرق شده است شناسایی طرز قرار گرفتن دستها مقدور نیست اما دستان بزرگسالان در حالات مختلف دیده می‌شود. از این حالات دو دسته قابل توجه‌اند. در یکی دو دست یکی داخل در دیگری به طرف صورت برگردانده شده و حالت متقاطع به خود گرفته‌اند. در حالت دیگر دستها بر روی شکم قرار گرفته‌اند و از این جهت شباهتهایی

1- R. GHIRSHMAN, Ibid, P.10

بین سیلک و زاغه دیده می‌شود.^(۱)

بنا به گزارش آقای اسماعیل حاکمی در تپه اسماعیل آباد دست‌های اجساد روی سینه قرار

می‌گیرد.^(۲)

در تپه علی‌کش فاز علی‌کش و فاز محمد جعفر دست‌ها آزاد و یا در کنار بدن قرار دارند

و هیچ فرم خاصی را نشان نمی‌دهند.

از توضیح تپه حاجی‌فیروز به علت فرم خاصی که تدفین در این مکان نشان می‌دهد خودداری

می‌شود.

۱- صادق ملک شهیرزادی، پیشین، ص ۹

۲- اسماعیل حاکمی، پیشین، ص ۲۰۴-۲۰۵.

فصل ۵

تزئینات شخص، اشیاء و هدایای قبور

تزئینات شخصی، اشیاء و هدایای قبور

آثاری که از قبور بدست می‌آید بنا به سلیقه‌های مختلف تقسیم‌بندی می‌شوند در یک تقسیم‌بندی که توسط هول در حفاری تپه علی‌کش ارائه شده است این آثار به دو دسته تزئینات شخصی و هدایای قبور تقسیم‌بندی شده‌اند.^(۱)

در تقسیم‌بندی دیگری که توسط خانم مری ویت ارائه شده است تنها اثاث و لوازم قبر مدنظر قرار گرفته‌اند و همچنین گل اخرا تحت نام نشانه‌های دیگر مورد بررسی بوده است.^(۲) کم و بیش بر همین اساس حفاران دیگر اقدام به آثار بدست آمده از قبور نموده‌اند. براساس نحوه عملکرد اشیاء و شناسایی آداب تدفین و همچنین ماهیت این اشیاء می‌توان تقسیم‌بندی زیر را برای نخستین بار ارائه داد:

الف - تزئینات و زینت آلات شخصی

ب - آثار و اشیای تدفین

ج - هدایای قبور

کلاً آثار و اشیاء و هدایایی که در رابطه با تدفین‌ها دیده یا ملاحظه می‌شود در همین سه دسته کلی قابل طبقه‌بندی است. معمولاً از طرف حفاران تپه‌ها اشیاء و هدایای قبور تحت یک نام طبقه‌بندی می‌شوند این امر ناشی از ندانستن عملکردها، ساختار و رسوم تدفین است به همین مناسبت پس از مطالعات بسیار تعاریفی برای هر یک از این سه دسته ارائه می‌شود:

۱-۵. تزئینات و زینت‌آلات شخصی

وسایل و تزئینات شخصی به اشیایی گفته می‌شود که گرانبها بوده و فرض می‌شود در طول زندگی شخصی همراه او بوده و به عمد یا غیر عمد در داخل قبور وارد می‌شده است یا اینکه جزء مایملک و دارایی‌های او محسوب می‌شده است و جهت استفاده در زندگی مجدد با وی در داخل قبر قرار می‌گرفته است و یا اینکه منع استفاده آن برای دیگران وجود داشته و حتماً می‌بایست در داخل قبر گذاشته می‌شده است.

1- F. Hole, etal, Ibid, PP 248 - 257

2- Mary M. Voigt, Ibid, PP 79-94

جهت مطالعه تزئینات شخصی می‌بایست از پوشش مردمان این دوره اطلاعاتی فراهم کرد. کلاً از پوشش این مردمان اطلاع دقیق و درست نیست ولی به نظر می‌رسد زینت‌آلات و تزئینات به دو صورت مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

الف - مستقیماً در محل قرار می‌گرفته یا باندومشابه آن آویخته می‌شده است.

ب - تزئیناتی که بر لباس دوخته یا متصل می‌شده است.

بعضی از این تزئینات نشاندهنده استفاده از لنگ در این دوره است. به عنوان مثال یک دسته

سیلکس استخوانی به صورت انسان در تپه سیلک یافت شده و مشخصات آن به شرح زیر است:

دسته چاقوی سیلکسی استخوان یافت شده در دوره I به طول ۱۲۸ میلیمتر که در اصل ۱۸۰

میلیمتر ارتفاع داشته است این دسته معرف یک شخصیت ایستاده است ران‌ها به طور ساده به وسیله یک

طرح سبک مشخص شده و پاها به سختی قابل درک هستند و به صورت یک حاشیه محدود شده به

شکاف سیلکس از نیمرخ قابل رؤیت است لباس شامل یک پوشش سر و یک لنگ است. پوشش

سرنوعی عرقچین یا شب کلاه مخروطی است. لنگ از یک دامن پارچه‌ای یا پوستی چهارگوش که

قسمت پایین بدن را می‌پوشانده تشکیل شده است.

پوششهای همودی کوچک به تعداد ۱۴ عدد در قسمتی که توسط اصطکاک کمتر فرسوده شده

و تقریباً به واقع پللی‌های پارچه یا پوستی را نشان می‌دهد که روی یکدیگر پیچیده شده و نوعی

کمر بند را تشکیل می‌دهد.^(۱)

علاوه بر این تزئینات شخصی به علت اینکه دارای ارزش افزوده بسیار بالایی بوده‌اند یعنی هم

از جهت کمیابی و هم از جهت اینکه کار مداوم و طاقت‌فرسایی برای ایجاد آنها با وسایل ابتدایی مورد

احتیاج بوده نشانه ذخیره ارزش یا در واقع ثروت است و اگر فرض کنیم شخصی در زندگی روزمره

دارای ارزش و موقعیت اجتماعی خاصی بوده است بنابراین به همراه داشتن این تزئینات نشانه تلاش فرد

برای حفظ برتری در زندگی اخروی بوده است.

و در آخر این تزئینات نشانه ارتباطات سایت‌های مختلف نوسنگی با هم و مناطق جغرافیایی

1- R. GHIRSHMAN, Ibid, 1938, P.17

متفاوت است به عنوان نمونه از لاجورد، فیروزه و صدف آب شور می‌توان نام برد.

این تزئینات از نظر جنس، اندازه، شکل و گسترش، نحوه استفاده و عملکرد در مکان‌های مختلف قابل مطالعه و بررسی است.

این تزئینات و زینت‌آلات شخصی در چهار گروه عمده قابل طبقه‌بندی هستند و آنها عبارتند

از:

الف - مهره‌ها

ب - آویزها

ج - دست‌بندها

د - زینت‌آلات سر

۱-۱۵- مهره‌ها

به تعداد فراوان از بعضی سایت‌ها و به تعداد انگشت شمار از دیگر سایت‌ها بدست می‌آیند و به اشکال و جنس‌های مختلف دیده می‌شوند. آنها در داخل رشته می‌شوند و از نظر اندازه مابین آنها احتمالاً مهره‌هایی از جنس یا اندازه دیگر قرار می‌گیرند و آنها را دسته‌بندی می‌کنند. شاید این عمل در اصل جهت سهولت در مبادلات واسطه‌ای بوده است همچنان که امروزه مهره‌هایی از جنس صدف در جزایر اقیانوسیه به همین ترتیب استفاده می‌شوند. این مهره‌ها در نزدیکی سر، شانه، سینه و کمر بدست می‌آیند بیشترین گزارشات مربوط به یافت مهره‌ها در قبور مربوط است به تپه علی‌کش در این تپه در هر سه فاز بزمرد به علی‌کش و محمد جعفر مهره‌ها یافت شده‌اند. ولی اکثریت آنها از قبور بدست می‌آیند تعدادی از مهره‌ها می‌بایست به طور تصادفی توسط کسانی که از آنها استفاده می‌کرده‌اند گم شده باشند.

مهره‌ها از مواد متنوعی از محدوده قیر طبیعی - صدف و سنگ و غیره تشکیل یافته‌اند اینها از مواد خام محلی یا وارداتی هستند به نظر می‌رسد روستائیان علی‌کش از مهره‌ها بیشتر در گردنبندها - دست‌بندهای - ریشه‌ها یا حاشیه‌های پوشاکی که دور کمر قرار می‌گرفتند استفاده می‌کردند مشخصات تعدادی از این مهره‌ها بشرح زیر است.

- مهره‌های عدسی شکل مسطح سیاه

- جنس: سنگ سیاه نرم یا قیرطبیعی

در حدود ۳ تا ۷ میلیمتر قطر دارند و از ضخامت کاغذ تا ۲/۵ میلیمتر ضخامت دارند. اندازه‌های بزرگ نادر هستند. این مهره‌ها هم بصورت حائل مابین مهره‌هایی سفید و هم به صورت منفرد در رشته‌های کمر بند یا در حاشیه استفاده شده‌اند گسترش آن از بزمرده تا محمد جعفر بوده است. گسترش جغرافیایی: مهره‌های مشابهی در کمرهای تدفین‌های تپه سراب استفاده شده‌اند همچنین این مهره‌ها در تپه گوران هم دیده شده‌اند.

- مهره‌های عدسی شکل مسطح سفید

در اندازه همانند مهره‌های سیاه با این تذکر که اکثراً از فاز بزمرده تا محمد جعفر استفاده شده‌اند. گسترش جغرافیایی: زاوی شمی شانیدر و تپه گوران استفاده شده اند.^(۱)

- مهره‌های سفید استوانه‌ای

جنس: سنگ سفید نرم

قطر از ۶ تا ۷ میلیمتر و ضخامت ۳ تا ۷ میلیمتر

سوراخها به طور مستقیم بریده شده و ۲ تا ۳ میلیمتر قطر دارند. این مهره‌ها هم بصورت منفرد و هم با مهره عدسی شفاف به همین قطر استفاده شده‌اند گسترش جغرافیایی شناخته نشده است.

- مهره‌های تیویی شکل

جنس: سنگ سفید نرم

توصیف: در حدود ۱۵ میلیمتر طول و ۳ میلیمتر قطر دارند

احتمال داده شده که این مهره‌ها به عنوان حایل در گردنبندها استفاده شده‌اند گرچه هیچ ارتباطی با رشته‌ها یافت نشده است از بزمرده تا محمد جعفر استفاده شده است.

- مهره‌های عدسی شکل قرمز

دو عدد از این مهره‌ها در لایه‌های میانی بزمرده و محمد جعفر یافت شده‌اند جنس این

عدسی‌ها مشخص نشده‌اند اما به نظر می‌رسد تعداد دیگری از این مهره‌ها در محل‌های دیگری

1- F. Hole, etal, Ibid, P. 243

نیز یافت شده‌اند که تا بحال گزارشی از آنها منتشر نشده است.

- مهره‌هایی از جنس صدف دریایی

نمونه‌ها در تپه علی‌کش عبارتند از یک دست‌بند از ۵ صدف در تدفین ۲۶ و دو رشته مهره توصیف: ردیف‌هایی از صدف‌های دریایی سفید و قرمز که به طور متوسط ۱/۵ سانتیمتر درازا دارند.

صدفها توسط یک یا دو سوراخ شده‌اند در بعضی مواقع سوراخ طبیعی به عنوان سوراخ دوم استفاده شده است.

احتمالاً دست بند اصالتاً در ارتباط با تدفین ۲۶ در علی‌کش است که آشفته شده بود گستردگی جغرافیایی ناشناخته است.

مهره‌های صدفی از نوع مهره‌های صدفی سفید کوچک و نوعی مهره صدفی نیز دیده می‌شوند.

- مهره‌هایی از جنس فیروزه

کمترین یکپارچگی در این گروه نسبت به سایر گروههای دیگر مهره‌ها دیده می‌شود فقدان استاندارد نشان دهنده این است که به فیروزه به عنوان یک ماده کمیاب و گرانبها نگریسته می‌شده است. قدیمیترین گروه مهرها با توده دوباره دفن شده انسانی بر روی منطقه C₁ در تپه علی‌کش یافت شده است.

سه مهره تیوبی شکل صیقلی اساساً شبیه همتهای سفیدشان و یک مهره بزرگ، ۲ تا ۱/۵ سانتیمتر، زمخت همراه این استخوانها یافت شدند و تمامی آنها از محور طولی سوراخ شده بودند. همچنین زیر خانه‌های فاز علی‌کش احتمالاً در ارتباط با تدفین‌ها سه مهره زمخت دیگر و نسبتاً بزرگ مهره‌های فیروزه‌ای به اندازه‌های ۲/۵ تا ۱/۲، ۱/۴ تا ۱ و ۱/۹ تا ۰/۶ سانتیمتر جالب‌ترین گروه از مهره‌های فیروزه‌ای در ارتباط با تدفین ۸ در فاز محمد جعفر بدست آمده‌اند، دو مهره و یک زیور سر بودند. مهره‌های بسیار صیقلی نزدیک گردن ظاهر شدند و زیور سرنزدیک استخوان سینه یافت شد و احتمال دارد از ناحیه لب پس از فساد جسد به آن ناحیه افتاده باشد.

یک جفت از تزئینات فیروزه‌ای در ارتباط با تدفین ۲۵ محمدجعفر بودند. یک مهره تیوبی شکل

مابین کف چپ و صورت قرار داشت و یک آویز بر بالای جناغ سینه وجود داشت.

سه مهره تیوبی شکل مجزا از میانه فاز محمد جعفر به اندازه‌های زیر بود ۰/۸ تا ۰/۶، ۱/۲ تا ۰/۶ و ۰/۸ تا ۰/۴ سانتیمتر

گسترده‌گی جغرافیایی: از این دوران هیچ مهره فیروزه‌ای در جای دیگر شناخته نشده است اما فیروزه با تدفین کمی بعد در تل السوان ظاهر می‌شود.

- مهره مسی

به عنوان نمونه از تپه علی‌کش منطقه B₂ فاز علی‌کش

جنس: مس طبیعی

یک مهره تیوبی شکل ساخته شده از ورق چکش کاری شده از مس طبیعی بدست آمده است که لوله و به شکل تیوپ در آمده است.^(۱)

نمونه‌های مختلفی از مهره‌ها در نقاط دیگر بدست آمده است که مهمترین آنها تپه علی‌کش ذکر گردید نمونه‌های دیگر بشرح زیر است.

تقریباً سیصد مهره عدسی شکل سیاه دور کمر تدفین‌های بقایای اولیه تپه سراب یافت شده است^(۲) از حفاری‌های گزارش شده در تپه زاغه مهره‌هایی از جنس و اندازه و فرمهای مختلف در ارتباط با تدفین یافت شده است اینها مهره‌هایی از سنگ سفید - مس طبیعی و لاجورد است.^(۳)

۲-۱-۵. آویزها

آویزها برخلاف مهره‌ها بزرگتر و از نظر تعداد کم و یا منفرد هستند. از نظر شکل برخلاف مهره‌ها متقارن نیستند. آویزها هم همانند مهره‌ها کم و بیش در مکان‌های پیش از تاریخی یافت می‌شوند و از نظر جنس تنوع بسیار دارند و به عنوان نمونه در مکان‌های زیر یافت می‌شوند.

گنج دره: تنها مدرکی که از اشیاء و قبور در گنج دره یافت شده است عبارت است از: یک

1- F. Hole, etal, Ibid, P. 244

2- Mary M. voigt, Ibid, P. 260

۳- صادق ملک‌شهمیرزادی، پیشین، ص ۸

آویز سنگی صیقلی که در قفسه سینه یکی از اجساد تابوت خشتی یافت شد^(۱) در تپه زاغه در کنار اسکت شماره ۱۴ یک قطعه کوچک مسی یافت شد که به علت تعداد کم مهره‌ها احتمالاً یک آویز است^(۲) در کنار تدفین ثانوی زیر کف در مربع ۹۷ منطقه B₂ تپه علی‌کش یک مهره فیروزه، یک مهره سنگ سبز، یک آویز از صدف دو کفه‌ای یافت شد^(۳) در فاز محمد جعفر آویزهای استثنایی به شکل زنگ دیده می‌شود که از مابین ران‌ها آویزان بوده است. این آویزها از جنس سنگ یا گل است.^(۴) چغامیش: در ارتباط با ۵ تدفین مرتبط دوره سوزیانای عتیق III یک آویز بیضی شکل سنگی یافت شد که در نزدیکی دهان یکی از اسکلت‌ها قرار داشت.^(۵)

۳-۱-۵. دست‌بندها

دست‌بندها معمولاً به شکل رشته‌هایی از مهره‌های سنگی هستند اما دست‌بندهای یکپارچه‌ای از جنس‌های مختلف نیز وجود دارند. دست بندهای سنگی در این دوران از جنس سنگ نرم و صیقلی دیده می‌شود و به شکل حلقه‌های گرد ساده یا مختلط دیده می‌شود در مقطع گرد یا پلانو کانوکس بیشترین آنها از فاز محمد جعفر بدست آمده قطعاتی از آنها به عنوانی آویز استفاده شده‌اند در تپه سراب، کریم شهیر، جارمو، سیلک I بدست آمده‌اند هنوز از قبور این دوران گزارشی نداریم.^(۶)

۴-۱-۵. تزئینات سر

از تزئینات سر، چیزی آن چنان که باید کشف نشده است. زینت احتمالاً کلاه یا سرپند، گوشواره و زینت لب جزو این گروه هستند تنها زینت لب است که از نظر حفاران علی‌کش شناسایی شده است. به نظر حفاران در طول زمانی بین ۶۰۰۰ تا ۵۰۰۰ پ. م. در خوزستان، غرب و بین‌النهرین

1- Philip E. L SMITH, Ibid, 1972, P. 167

۲- صادق ملک شهیرزاده، پیشین، ص ۹

3- F. Hole, etal, Ibid, P. 253

4- F. Hole, etal, Ibid, P. 254

5- P.P. DELOUGAZ, H. J KANTOR, Ibid, P, 94

6- F. Hole, Ibid, P. 237

اشیای کوچکی از قیر طبیعی یا آسفالت یافت می‌شد که از نظر مردم نگاری استفاده آن نامعلوم بود. بعضی از این اشیاء از گل پخته بودند. در حفاری‌های ۱۹۶۳ درفاز محمدجعفر درعلی‌کش در تدفین ۱۰ در منطقه A₁ ظاهراً یک مذکر بزرگسال در قسمت فک زیرین زینت لب داشت. این زینت از طریق سوراخ ایجاد شده در لب پایین بین لب و دندان پیشین قرار می‌گرفت و به شکل دکمه سردست بوده است.^(۱)

۲-۵. اشیاء و آثار تدفین

منظور از اشیاء و آثار تدفین اشیاء و آثاری است که جهت انجام امور تدفین به کار می‌رود. اعم از اینکه در داخل قبور گذاشته شوند و یا اینکه این اشیاء و آثار جهت امور آئینی که کیفیت آن برای ما روشن نیست استفاده شده باشند این اشیاء اغلب همراه هدایا در داخل قبور گذاشته می‌شوند و کیفیت آنکه معلوم شود جزء کدام دسته‌اند احتیاج به بررسی و تفکر بیشتری دارد اما شواهد نشان می‌دهند که بین این دو دسته تفاوت بسیار وجود دارند. مثلاً وجود سنگهای مدور صیقلی در قبور به هیچ عنوان نمی‌تواند به صورت هدایا در نظر گرفته شود تعدادی از این اشیاء و آثار به شرح زیر است.

۱-۲-۵. آثار اجاق

در نزدیکی تدفین‌ها در بعضی سایت‌ها آثاری از اجاق دیده می‌شود. هنوز هیچ هدایای سوخته و اجاق که مربوط به تدفین باشد شناسایی نشده است.

یک مسئله دیگر که در این مبحث مهم است وجود استخوانهای حرارت دیده و سوخته است که تا به حال توضیح منطقی برای آن یافت نشده است. آیا این اجاقها مربوط به مراسم آئینی است و آیا این مراسم در زمانهای مشخص انجام می‌گرفته و آیا این مراسم برای جلب رضایت و شادی اموات انجام می‌گرفته؟ آیا ترس از ارواح سبب انجام این مراسم می‌شده است؟ بهر حال رابطه اجاق با تدفین انکار ناپذیر است. یک نمونه از این اجاق‌ها در نزدیکی تدفین یافت شده از طبقه X اسماعیل‌آباد قرار دارد. این اجاق به صورت یک شکل با کف سخت سوخته است که توسط خشت‌های پخته شده قرار گرفته روی کف سوخته احاطه می‌شود.^(۲)

1- F. Hole etal, Ibid, PP 235-236

2- HASAN TALA'I, Ibid, P.68

در جدیدترین ساختمان II₁ در تپه حاجی فیروز اکثراً دو اجاق در دو اطاق جداگانه و در سمت مشرق صندوقه‌ها حضور دارند.

این اجاقها در ساختمانها X₂ و X₃ حضور دارند.^(۱)

در حفاری‌های غار هوتو در کنار اسکلت‌های شماره ۲ و ۳ که متعلق به دو زن یک جوان و دیگری مسن بودند یک اجاق کوچک کشف شد صورت زن مسن در داخل اجاق قرار داشت.^(۲) در تپه زاغه بقایای طبقه اول منحصر به اجاق‌هایی به صورت دایره ناقص و پاره‌ای از دیوارها و قسمت‌های تحتانی خمره‌های بزرگ ذخیره آب و آذوقه بود.^(۳)

در یک بقایا استخوانی مربوط به فاز سرخ جدید در چغاسفید برکف خانه استخوان حیوانات و قطعات بریده سوخته استخوان جمجمه سر انسان و در جوار آنها قطعات چندین ظرف یافت شدند. و در سیلک بقایای اسکلت دو کودک جزاً سوخته در خمره‌های زیر کف خانه‌های سیلک I5 بدست آمد به نظر می‌رسد درباریم تپه مدارکی از سوزاندن نخبگان بدست آمده باشد چنانچه حفار تا دوره حلف در بین‌النهرین سوزاندن را یک سنت عادی معرفی کرده است.^(۴)

در منطقه A₁ در تپه علی‌کش فاز محمد جعفر در کنار پنج تدفین منطقه بزرگی از خاکستر و زغال دیده می‌شود.^(۵)

۲-۲-۵. سنگهای استوانه‌ای و چهارگوش صیقلی و گرد و نامتقارن

این سنگها در مناطق مختلف داخل قبر و احتمالاً روی قبر یافت می‌شوند هیچ نوع عملکردی تابحال برای این سنگها تصور نشده است. احتمالاً وجود این سنگها جنبه آئینی دارد. در مشاهدات مستقیم و مطالعات مردم باستانشناسی در روستاهای بافت کرمان روستاهای طرنک، کوشک و پیرطوایفی

1- Mary M. Voigt, Ibid, PP 41-53

2- Carlton S. coon, Ibid, 1957, P. 197

۳- صادق ملک شهیرزادی، پیشین، ص ۱۷۰

4- Mary M. Voigt, Ibid, P. 75

5- F. Hole, etal Ibid, P. 48

زندگی می‌کنند که بر پشت و یا کنار گردن و کمر اجساد شبیه چنین سنگهایی را قرار می‌دهند هدف اینان از قراردادن چنین سنگهایی جلوگیری از حرکت مرده به سمت راست و چپ است این طوایف که شمسی و کوشکی نام دارند معتقدند هرگاه مرده به سمت راست یا چپ برگردد خویشاوندان خود را یکی بعد از دیگری از این دنیا می‌برد در این مناطق به این سنگها، سنگهای تعادل یا طراز می‌گویند. اعتقاداتی شبیه در بسیاری از مناطق روستایی ایران وجود دارد مثلاً در روستاهای منطقه چهار دانگه نکا برای احتراز از حرکت مرده را به پهلو در داخل قبر قرار می‌دهند و پشته‌ای از خاک که به نام نیم مدینه نامیده می‌شود بر پشت او می‌سازند. یک نمونه دیگر با کمی تفاوت مربوط به روستاهای منطقه ولویی سوادکوه مازندران است این روستاها شامل کریکلا - شیردره - کلاریجان - پارسی - اراکه بن - زنگیان - کارمزد - مثنی و غیره هستند. در این منطقه رسم بر اینست که دهان مرده را می‌بندند که کفن در دهان مرده نرود. اگر کفن در دهان مرده‌ای برود خویشاوندان خود را نیز با خود می‌برد. این سنگها در نقاط مختلف دارای اسامی مختلف است.

در حفاری‌های اولیه در تپه زلفه چند نمونه از این سنگها یافت شدند.

در ادامه حفاری زیر بقایای از خشت خام که به طرز نامنظمی بر روی یکدیگر انباشته بود اسکلت انسان بدست آمد. سطح جسد با پوششی از گل اخرا پوشیده شده بود بر بالای سر آن یک قطعه سنگ چهار گوش مسطح و یک قطعه دیگر که به شکل استوانه و کاملاً صیقلی حجاری شده بود قرارداداشت.^(۱) یک گلوله سنگی مدور که در وسط دارای شیار است در کنار زانوی چپ تدفین ۲۶ در فاز علی‌کش تپه علی‌کش به عنوان هدایا معرفی شده است که امکان دارد به عنوان سنگ تعادل یا تراز استفاده شده باشد. شیار وسط احتمالاً شاید جهت پیچیدن ریسمانی مورد استفاده بوده است.^(۲)

در کنار شانه راست تدفین ۲۸ در فاز علی‌کش یک سنگ صیقلی تقریباً بیضی شکل قرار داده شده است احتمال دارد این سنگ مماس و زیر شانه قرار داشته است.^(۳) در همین تپه در فاز بیات که

۱- عزت‌الله نگهبان، پیشن، ص ۲۰

2- F. Hole, etoe, Ibid, P. 245

3- F. Hole, etoe, Ibid, P. 250

در محدوده شهرنشینی البته آغاز آن داخل می‌شود و به هزارهٔ چهارم نزدیک می‌گردد در تدفین ۳ و ۲ کاملاً مشخص است که دو سنگ نامتقارن بزرگ که دست‌افزار بوده، در پشت جسد به عنوان بالا بردن ایستایی جسد قرار داده‌اند که نشانهٔ تداوم و ادامه این سنت است.^(۱)

در تپه حاجی‌فیروز ابزار سنگی بعلاوه یک گلوله سنگی در تدفین ۳ و صندوقه F₁₁ در زیر استخوانها یافت شدند که شاید دارای چنین عملکردی باشند.^(۲)

تعداد دیگری دست‌افزار بر روی F₁₀ تدفین ۱ یافت شدند که روی صندوقه قرار داشتند شاید دارای چنین عملکردی باشند.^(۳) بهمین ترتیب می‌توان با کندو کاو تعداد دیگری نمونه یافت بنابراین ابزار و اشیاء سنگی را نباید فقط در گروه هدایا طبقه‌بندی کرد.

۳-۲-۵. نشانه‌های گل اخرا

علاوه بر نشانه‌های گل اخرای قرمز که بر روی اسکلتها دیده می‌شود و عمدتاً دارای جنبهٔ عملکردی است. اثرات گل اخرا کم و بیش در کنار تدفین‌ها نیز دیده می‌شود. در کنار تدفین ۸ در فاز محمدجعفر تپه علی‌کش که متعلق به یک مذکر میان سال است و در نزدیکی شانهٔ چپ اثراتی از اخرای قرمز دیده می‌شود این شخص دارای تزئینات شخص فراوانی بوده است.^(۴) همچنین رویای گل اخرا در بزرگ سابها یافت شده که در مبحث مربوط به آن اشاره خواهد شد. حفاران علی‌کش در مورد نشانه‌های گل اخرا در کنار تدفین ۸ تپه علی‌کش را مسئله هدایای فاسد شدنی ذکر می‌کنند بنابراین احتمال وجود هدایای فاسد شدن را به علت وجود بعضی مدارک نمی‌توان نادیده گرفت. از نظر ارتباط معماری با تدفین علائم رنگ‌شدگی باید مورد توجه قرار بگیرد.

۴-۲-۵. آثار آسفالت یا قیر طبیعی

این آثار به تپه علی‌کش مربوط است. و هنوز آثار این ماده در جایی دیگری شناسایی نشده

-
- 1- F. Hole etal, Ibid, P. 257
 - 2- Mary M. Voigt, Ibid, P. 84
 - 3- Mary M. Voigt, Ibid, P. 83
 - 4- F. Hole, etal, Ibid, P. 255

است. شاید انحصار آثار آسفالت در تپه علی‌کش مربوط به دسترس بودن این ماده در ناحیه جنوب غربی ایران باشد که منابع نفت بسیار فراوانی در آن وجود دارد و بعضی از این مواد به صورت قیر طبیعی، آسفالت در نزدیکی سطح زمین یافت میشود و بدین ترتیب سهولت دسترسی به این ماده و کشف آثار نگهداری این مواد سبب استفاده از آن در قبور گردیده است. در فاز محمد جعفر در تپه علی‌کش در نزدیکی کمرتدفین شماره ۹ یک سبداغشته به قیر طبیعی یا آسفالت وجود داشته که بقایای آن یافت گردید.^(۱)

۵۲۵. آثار کفن از حصیر، پارچه و پوست

بعلت عدم مقاومت مواد نامبرده هنوز هیچ اطلاعاتی از فراگیر بودن استفاده از این مواد در این دوره و در مکانهای مورد نظر نداریم.

به نظر می‌رسد استفاده از مواد فوق در این دوران بیشتر به جهت حفظ و بقای جسد بوده است به هر حال هیچ اطلاعاتی از آداب تدفین در ارتباط با پوشش یا کفنی برای اجساد نداریم و مدارک یافت شده در این مورد انگشت شمار می‌باشد:

نشانه‌هایی از اثر نی یا نوعی بوریا در اطراف حداقل چهار تدفین که در حالت نشسته و جمع شده بودند در فاز علی‌کش یافت گردیده است. به نظر می‌رسد این تدفینها به حالت بقچه بودند که افراد قبل از دفن کاملاً جمع شده و در حصیر دوخته یا طومار می‌شدند.^(۲) به نظر حفار زاغه اسکلت شماره ۲۰ متعلق به کودکی حدوداً سه ساله بوده است که قبل از دفن در پوششی از پوست حیوان پیچیده شده بود.^(۳)

در آخرین فصل حفاری در گنج دره در سال ۱۹۷۴-۱۴ تدفین انسانی یافت شد که از نظر حفار تقریباً یکی از تدفین‌های بزرگسالان اثراتی از پارچه یا منسوج کفن داشت که احتمالاً جسد را در برمی‌گرفته و یا در زیر آن قرار می‌گرفته است.^(۴)

1- F. Hole, etal, Ibid, P. 255

2- F. Hole, etal, Ibid, P. 248

۳- صادق ملک‌شهمیرزادی، پیشین، ص ۸

4- Philip E. L SMITH, Ibid, P. 17

۶-۲-۵ بزک سابها یا هاون هایی با اثر رنگ

بزک سابها در بعضی موارد جزء هدایا طبقه‌بندی شده‌اند ولی در اصل جزو اشیای تدفین هستند یعنی اشیایی که در جریان تدفین استفاده می‌کردند اعم از اینکه در داخل قبور گذاشته شوند یا اینکه در محوطه‌هایی خارج از قبور یافت شوند:

این بزک‌سابها در اصل هاون‌هایی هستند که مواد رنگی یا کلوخه‌های معدنی در آنها به پودر تبدیل می‌شوند. درجه سختی کلوخه‌ها متفاوت هستند. اکثراً در این بزک‌سابها گل اخرای قرمز تبدیل به رنگ قابل رنگ‌آمیزی می‌شود و در حقیقت این بزک‌سابها هم کار هاون و هم کار ظرف رنگ را انجام می‌دهند. مدارکی که نشان دهنده این واقعیت باشند بعضاً یافت می‌شوند و مشکل کمبود مدرک در حقیقت به عدم دقت حفار در امر حفاری بر می‌گردد. به همین سبب توصیف مورد نیاز از آنها بدست نمی‌آید. بزک‌سابها یاهاون هایی که اثر رنگهای معدنی در آنها وجود دارد از تپه‌هایی مانند تپه‌های زیر بدست می‌آیند.

تپه زاغه:

بر بالای سر اسکلت شماره ۲ یک بزک‌ساب مرمری که هنگام حفاری چانه کوچکی از رنگ لاجورد در آن باقی بود و همچنین یک سابنده سنگی و یک کاسه سفالی قرار داشت.^(۱)

اسکلت شماره ۱ زیر کف میدان وسیع روستا در شمال واحد ساختمانی VI و غرب واحد ساختمانی XI دفن شده بود و با آن یک بزک‌ساب مرمری که هنوز بقایای رنگ آب لاجوردی در داخلش قابل تشخیص بود و چهار ظرف سفالی قرار داده شده بود.^(۲)

در گمانه پیشرو در تپه زاغه که برای تعیین طبقات مستقر در زاغه در سال ۱۳۵۱ حفر شده بود، در عمق ۴/۵ متری از نقطه ثابت اندازه‌گیری واقع در سطح تپه، کف محوطه‌ای مشخص شد که در آن اجاق سنگ چین شده‌ای تعبیه شده بود. این کف هشتمین طبقه استقرار از سطح تپه بود. زیرا این کف اسکلتی بدست آمد که نزدیک پیشانی آن یک بزک‌ساب سنگی ساده قرار داشت که هنوز بقایایی

۱- صادق ملک شه‌میرزادی، پیشین، ص ۷

۲- همان، ص ۹

از گل اخرايي که در آن ساييده شده بود در محل سايیدن رنگ قابل رؤیت بود. زیر این بزک ساب دو در نقش استخوانی آغشته به گل اخراي خشک شده نیز به دست آمد.^(۱)

غار کمر بند: از طبقات میانی این غار دو هاون بدست آمد که هنوز اثراتی از گل اخرا داشتند.^(۲)
تپه سیلک: تعدادی هاونهای کوچک سنگی برنکهای خاکستری یا سیاه و همچنین از گل پخته بدست آمد که از نظر حفار در آنها بزک را به وسیله دسته‌هایی از گل پخته میکوبیدند. بیرون‌زدگی ته هاونها از نظر حفار موجب ثابت مانده شده آنها ایستایی بوده است چنانچه با فشار انگشت بتوان آنها گرفت.^(۳)

تپه علی‌کش:

در این تپه یک نمونه بزک ساب با اثراتی از گل اخرا از فازهای محمد جعفر یا علی‌کش یافت شده است.^(۴)

بدست نیامدن اشیاء تدفین در مابقی مکان‌های پیش از تاریخی را نباید ناشی از عدم وجود آنها دانست باید توجه شود که عدم حفاری در مقیاس بزرگ، عدم توجه حفار، فاصله زمانی بسیار و از بین رفتن آثار و چاپ نشدن گزارشات حفاری سبب در دسترس نبودن منابع مورد نیاز است.
همین فاصله زمانی بسیار سبب تغییر شکل مواد شده و بر همین اساس است که در این دوران کشف ماهیت و اصالت پدیده‌های یافت شده اهمیت دارد. باید توجه داشت، وجود اشیاء و آثار تدفین و آداب تدفین به هم وابستگی دارند و بدون توجه بر این آثار هیچ آداب و رسومی را نمی‌توان فرض کرد.

۳-۵. هدایای قبور

هدایای قبور عبارت از اشیایی است که به مرده تقدیم می‌شود و در داخل یا کنار قبور گذاشته میشود. قراردادن هدایا در داخل قبور را می‌توان با احتمالات زیر توجیه کرد:

1- coon, Ibid, P. 117

2- R. GHIRSHMAN, Ibid, P. 21

3- F. Hole, etal Ibid, P. 176

الف - قراردادن هدایا در داخل قبور به طور سمبلیک و ادامه سستی در گذشته می‌باشد. این سنت در گذشته دارای مفاهیمی بوده ولی در این مورد صرفاً به عنوان یک رسم مورد تکرار قرار گرفته است.

ب - قراردادن هدایا جهت استفاده شخصی در گذشته در جهان دیگر و شاید جهت حفظ برتری شخصیت وی در جهان دیگر بوده است.

ج - قراردادن هدایا صرفاً جهت جلب رضایت ارواح و دفع شر و یا اعتقادات ناشناخته دیگری بوده است.

بهرحال قراردادن هدایا در قبور به هر علتی بوده باشد جنبه آئینی آن محرز می‌باشد.

۱-۳۵. هدایای فاسد شدنی

احتمالاً این هدایا بسیار متنوع و محدوده وسیعی را شامل می‌شده است اما بعلمت بعد زمانی همه آنها فاسد و تجزیه شده‌اند و هیچ اثری از آنها بجز اندکی باقی نمانده است. این هدایا ممکن است شامل چوب و بوریا یا مصنوعات بی‌دوام دیگر و انواع مواد غذایی بوده باشد. هدایای که دارای استخوان بوده‌اند کم و بیش بر جای مانده‌اند. البته باید توجه داشت بعضی هدایا مثل سر حیوانات در اصل ممکن است فاقد گوشت و پوست بوده و به طور سمبولیک در قبر قرار داده شده باشند هدایایی که دارای استخوان بوده بعضاً در محوطه‌های مختلف در درون قبور یافت می‌شوند که به عنوان نمونه بشرح زیر می‌باشند:

الف - سیلک: قبر شماره ۵ در دوره I لایه ۳ دارای جسدی بود که دو آرواره گوسفند روبروی

سرداشت.^(۱)

ب - زاغه: بر بالای سر اسکلت شماره ۵ یک استخوان سردست گوسفند یا بز قرار داشت. به

همراه این استخوان ظرف معروف زاغه قرار داشت.^(۲)

ج - سنگ چخماق: یک نمونه از تدفین عجیب و نادر در این تپه یافت شد که تنها نمونه گزارش

1- R. GHIRSHMAN, Ibid, P.11

۲- صادق ملک شهمیرزادی، پیشین، ص ۷

شده از این دوران است با اینکه هیچ رابطه‌ای از این تدفین با قبور دیگر گزارش نشده است ولی با اینحال دارای اهمیت خاصی است. این تدفین یک اسکلت بره است که زیر کف نزدیک دیوار خانه‌ای در طبقه چهارم تپه غربی دفن شده بود.^(۱)

د - تپه حاجی فیروز: تدفین H₁₂ شماره ۳ در فاز D یک تدفین در کف است. در این تدفین استخوانهای انسانی بطور مخلوط با استخوانهای حیوانات در بقایای بسیار نرم قرار داشت. این تدفین حاوی یکی از بزرگترین مجتمع استخوانی حیوانی یافت شده در این مکان است. شاخ افتاده گوزن و شاخ یک بز نر هم جزو این استخوانهاست.^(۲)

در حفاری IV تدفین ۲ فازهای F-G استخوانها طویلی احتمالاً از بز یافت شد^(۳) به همین ترتیب امکان دارد مثالهای دیگری را نیز یافت.

ه - در فاز محمد جعفر تپه علی‌کش و در نزدیکی کمر تدفین شماره ۹ بقایای یک سبد آغشته به قیر یافت شد.^(۴)

۲.۳-۵. ابزار استخوانی

ابزار استخوانی از استخوان حیوانات جدا و تهیه شده و لبه‌های آن پرداخت شده بعضاً به صورت درفش دیده میشود. این ابزار با کاربردهای مشخصی و نامشخص در بعضی قبور دیده می‌شوند. تعداد این ابزار بسیار محدود است و در چند مورد محدود خلاصه می‌شوند. علاوه بر این تزئینات استخوانی نیز وجود دارند که در محدوده تزئینات شخصی قرار می‌گیرند.

غار کمر بند: در دومین فصل حفاری در غار کمر بند بقایای چهار فرد مابین نوسنگی بدون سفال و با سفال یافت گردید که زیر اسکلت مسن‌ترین مونث یک چنگال استخوان زیبا یافت گردید. معلوم نیست این چنگال جزو هدایای قبور یا جزو وسایل شخصی باشد.^(۵)

1- S. Masuda, Ibid, P.26

2- Mary M. voigt, Ibid, P. 86

3- Mary M. Voigt, Ibid, P. 89

4- F. Hole etal, Ibid, P. 255

5- coon, Ibid, P. 231

تپه زاغه: در زیر یک بزک ساب سنگی که دارای بقایای گل اخرا بود و نزدیک پیشانی اسکلت شماره ۲۳ قرار داشت دو درفش استخوانی آغشته به گل اخرا خشک شده یافت شد.^(۱)

تپه حاجی فیروز: یک خراشیده از استخوان کتف در F₁₁ تدفین ۳ در فاز A₃ یافت گردیده است.^(۲)

۲-۳-۵. سفال منقوش

سفال منقوشی به صورت محدود از بعضی قبور این دوران بدست می‌آید به علت کمی مدارک تقسیم‌بندی این نوع سفال مقدور نیست.

در حاجی فیروز در حفاری V تدفین ۳ یک ظرف منقوش بدست آمد نقش در سطح خارجی ظرف و برنگ قرمز و صیقل شده است نقش عبارت از خطوط جناغی بر گرداگرد ظرف و مثلث‌های هاشور خورده در لبه و خطوط موازی با لبه است. این نقش در زمره نقش‌های هندسی قرار می‌گیرد سطح داخل بدون صیقل و سطح خارج صیقلی شده است قطر لبه ۲۰ سانتیمتر و ارتفاع آن ۲۰/۵ سانتیمتر است. این ظرف از نوع کاسه‌های باز متوسط است. ظاهراً این تنها نمونه یافت شده منقوش بطور مستقیم در قبور حاجی فیروز است.^(۳)

در تپه زاغه تعداد بیشتری ظرف منقوشی یافت شد:

در کنار اسکلت شماره ۲ یک ظرف کوچک از نوع سفال چشمه علی بدست آمد داخل این ظرف با خطوط ۷ جناغی شکل تا کف در نه ردیف تزئین شده بود در کنار اسکلت شماره ۱ چهار ظرف سفالی بود که دو تای آنها ساده و دو تا منقوش بودند. یک ظرف کوچک از نوع سفالی ویژه زاغه و یک ظرف از نوع تقلید شده از سفال چشمه علی یک ظرف از نوع سفال وارداتی از چشمه علی و منقوش و یک ظرف سفالی پایه‌دار از نوع سفال وارداتی از چشمه علی منقوش بودند. ظرف زاغه که به این نام معروف شده است از کنار اسکلت شماره ۴ بدست آمد. این ظرف سفالی پایه‌دار و از نوع سفال

۱- صادق ملک شه میرزادی، پیشین، ص ۱۰

2- Mary M. Voigt, Ibid, P. 83

3- Mary M. Voigt, Ibid, P. 146

وارداتی چشمه علی به وزن ۱۲/۶۰۰ کیلوگرم و ارتفاع ۵۵ سانتیمتر با قطر دهانه ۵۵ سانتیمتر بود. نقوشی از نوع چشمه علی و شامل خطوط مورب که داخل آن هاشور خورده در دو قسمت است داخل پایه سوراخهایی تعبیه شده که به نظر می‌رسد جنبه کارکردی داشته است^(۱) در تپه شرقی سنگ چخماق زیر خاک سطحی تعدادی استخوانهای انسان یافت گردید این بقایا مربوط به چهار فرد مونث و سه خردسال مربوط به آنها بودند و محل دفن آنها در لایه مشابه بود. مورد جالب توجه وجود سفال بر بالای یکی از آنان است که حفار با توجه به این سفال لایه یک را هم افق با سیلک II می‌داند این سفال عبارت است از یک ظرف منقوش با دهانه بسته و کف مسطح در حد کاسه‌های بزرگ که سطح خارجی آن منقوش است. و نقش آن عبارت است از خالهای بزرگ و خط پهن در پایین ظرف^(۲)

در حفاری‌های اولیه تپه اسماعیل‌آباد که توسط حاکمی انجام پذیرفته است تعداد بسیار زیادی سفال در داخل قبور بدست آمد در طبقه عمیق‌تر که بنظر می‌رسد مقارن با دوره مورد مطالعه ما باشد ظروف سفالی با نقوش هندسی و خطوط ساده تزئین یافته است براساس گزارش حاکمی بر بالای سر اجساد ظروف مختلف قرار می‌دادند که با مراجعه به تصاویر منقوش به نظر می‌رسند.^(۳)

۴.۳.۵. سفال غیر منقوش

سفال غیر منقوش حاجی‌فیروز: این سفالها به تعداد تقریباً زیاد در قبور و یا در ارتباط با قبور حاجی‌فیروز بدست آمده‌اند و در کلاسه‌های متفاوت و متنوع هستند جزئیات این سفالها به شرح زیر است:

الف - کلاسه ۱: ظروف در اندازه‌های مینیاتور گنجایش ۰/۰۰۲۲ لیتر قطر متوسط لبه ۳/۵ سانتیمتر در فاز A₃ در حفاری V تدفین ۳ و ساختمان III یافت شده است^(۴) هیچ رابطه‌ای با رنگ ظرف کلاسه‌ها و فرمها نشان نمی‌دهند. سطح خارجی دارای صیقل و سطح داخلی بدون صیقل و

۱- صادق ملک شه میرزادی، پیشین، ص ۱۱

2- S. Masuda, Ibid, P. 31

۳- اسماعیل حاکمی، پیشین، ص ۲۰۵

4- Mary M. Voigt, Ibid, P 106

دهانه $5/8\text{cm}$ در ارتفاع $5/5$ سانتیمتر می‌باشد این کلاسه از کاسه‌هایی با اندازه دهانه زیر 8 سانتیمتر تشکیل شده که بیشتر دیواره ضخیم دارنده این ظروف مینیاتور در بقایای زباله‌ای یافت شده‌اند. یک نمونه دیگر در حفاری 7 تدفین 6 در بقایای سوخته یافت شده است.^(۱)

ب - کلاسه 2 : تمام کاسه‌های به قطر دهانه کم و بیش ده سانتیمتر و همین قدر عمق را شامل می‌شوند. اینها کاسه‌های بسیار کوچک یا فنجان‌ها هستند که از فازهای مختلف به تعداد بسیار زیاد بدست می‌آیند سطح داخلی این نوع ظروف هم با صیقل و هم بدون صیقل است.^(۲) قبور از این حیث غنی هستند فرمهای کلاسه 2 با مشخصات زیر از قبور بدست می‌آیند.

- حفاری V قبر 6 ساختمان III فاز A_3 : نمونه اول، سطح داخلی و خارجی بدون صیقل دهانه دارای 8 سانتیمتر قطر و ارتفاع ظرف 9 سانتیمتر.

نمونه دوم، سطح داخلی و خارجی بدون صیقل دهانه $8/6$ سانتیمتر قطر ارتفاع 9 سانتیمتر .
نمونه سوم، سطح خارجی پرداخت شده و داخلی بدون صیقل قطر دهانه 6 سانتیمتر ارتفاع $6/6$ سانتیمتر.

نمونه چهارم، سطح خارجی با روش مرطوب پرداخت شده - داخلی مات دهانه $8/5$ سانتیمتر ارتفاع $7/9$ سانتیمتر.

- حفاری IV تدفین 2 ساختمان $XI_{1,2}$ فاز F_1-G :

نمونه اول، سطح خارجی مات یا بدون صیقل همینطور سطح داخلی، سطح خارجی قرمز شسته؟ قطر دهانه $8/5$ سانتیمتر ارتفاع 8 سانتیمتر.

نمونه دوم، صیقل در سطح خارجی و مات در سطح داخلی قطر دهانه $6/4$ سانتیمتر ارتفاع $5/5$ سانتیمتر.

نمونه سوم، سطح داخلی و خارجی مات قطر دهانه $8/6$ و ارتفاع $8/4$ سانتیمتر.

نمونه چهارم، سطح خارجی صیقل سطح داخلی مات قطر دهانه 8 و ارتفاع $7/5$ سانتیمتر.

نمونه پنجم، سطح خارجی پرداخت شده و سطح داخلی مات قطر دهانه $9/8$ و ارتفاع $7/6$ سانتیمتر. نمونه ششم سطح داخلی و خارجی پرداخت شده، دهانه $8/2$ و ارتفاع $8/5$ سانتیمتر نمونه هفتم، سطح خارجی صیقل داخلی مات دهانه 8 سانتیمتر ارتفاع $7/5$ سانتیمتر.

- F_{10} تدفین ۱ ساختمان II: یک نمونه، سطح خارجی دارای نقصان یعنی احتمالاً دارای حفرات و سطح داخلی پرداخت شده شاید شسته قطر دهانه $8/5$ سانتیمتر ارتفاع $7/9$ سانتیمتر.

- F_{11} تدفین ۳ ساختمان II فاز A_3 : یک نمونه، سطح خارجی صیقل و سطح داخلی مات قطر

دهانه 8 سانتیمتر و ارتفاع 9 سانتیمتر

- حفاری ۷ تدفین 3_c ساختمان X_3 فاز F_1 : نمونه اول، سطح خارجی پرداخت مرطوب، سطح

داخلی مات قطر دهانه 6 سانتیمتر ارتفاع 7 سانتیمتر

- نمونه دوم سطح خارجی پرداخت مرطوب، سطح داخلی مات ارتفاع 8 سانتیمتر ارتفاع 8

سانتیمتر.

نمونه سوم، سطح داخلی و خارجی مات قطر دهانه 8 سانتیمتر ارتفاع 8 سانتیمتر.

نمونه چهارم، سطح خارجی صیقل و قرمز شسته و سطح داخلی قرمز شسته قطر دهانه $8/2$

سانتیمتر و ارتفاع $10/5$ سانتیمتر.^(۱)

بیشتر این فنجان‌ها که در سال ۱۹۶۱ یافت شدند در کف خانه‌ها و یا در قبور بودند. اینها

۸۹٪ را شامل می‌شدند. تعداد کمی از بقایای زیاله خارجی بدست آمدند. نمونه سال ۱۹۶۸ کوچکتر

و آشفته‌تر بودند: دو فنجان در تدفین‌های صندوقه‌ای، و قطعات شش عدد دیگر از بقایای زیاله‌ای

یافت شدند علیرغم اختلاف متدهای حفاری در دو فصل و نتایج بدست آمده از مجموعه بزرگی از

ظروف شکسته و کامل در نمونه‌های سال ۱۹۶۱ احتمال قوی وجود دارد که فنجان‌ها در

مجموعه‌های تدفین و غیر تدفینی به یک اندازه شایع و مرسومند.^(۲)

ج - کلاسه ۸: کاسه‌هایی بزرگ باز و گود با جداره‌های مستقیم و نازک هستند. بین ۲۵ الی

1- Mary M. Voigt, Ibid, P. 108

2- Mary M. Voigt, Ibid, P. 104

۳۵ سانتیمتر قطر دارند و نسبتاً با پایه‌های مسطح و کوچک در دو نمونه کامل $13/5$ و 14 سانتیمتر قطر و حداکثر ضخامت دیواره از $0/9$ تا $1/2$ سانتیمتر هستند. یک کاسه کامل سر بریدگی کامل داشت. تمام هشت ظرف در دو طرف صیقل شده بوده‌اند و تعدادی تزیین شده بودند با احرای قرمز با متد شسته در سطح داخلی یا خارج^(۱)

از حفاری ۷ ساختمان III کاسه کامل دارای سه بریدگی بدست آمده است و مربوط به فاز A_۳ می‌باشد قطر دهانه $29/5$ سانتیمتر و ارتفاع 15 سانتیمتر می‌باشد.

د - کلاسه‌های دهانه بسته با اندازه‌های متفاوت کلاسه ۲ و 13 تنوع در اندازه و شکل کلاسه ۲: نمونه اول، قرمز شسته و صیقل در سطح خارجی و در سطح داخلی مات قطر دهانه $9/5$ سانتیمتر ارتفاع $8/5$ سانتیمتر، تمام نمونه‌ها از حفاری IV تدفین ۲ ساختمان XI_{1,2} نمونه دوم، نقاشی قرمز و صیقلی در سطح خارج، طرح فرسوده شده است. مات در داخل دهانه $9/5$ سانتیمتر ارتفاع $9/5$.

نمونه سوم، داخل مات و خارج همینطور قطر دهانه $8/2$ سانتیمتر ارتفاع $6/5$ سانتیمتر کلاسه ۱۳: بدست آمده از حفاری IV تدفین ۲ ساختمان XI-2 بمانند نمونه‌های قبلی از فاز F₁-G، سطح خارجی صیقل سطح داخلی مات قطر دهانه $11/4$ سانتیمتر ارتفاع $8/5$ سانتیمتر^(۲)
ه - ظروف خمره‌ای شکل بسیار کوچک و یقه‌دار بسیار کوچک کلاسه‌های ۱۶ و ۱۷
۱۶: این ظروف قطر دهانه کمتر از ۸ سانتیمتر دارند و نسبتاً طویل و نازک هستند یا دارای گردن محسوسی می‌باشند.^(۳)

۱۷: ظروف خمره‌ای شکل کوچک یقه‌دار هستند و قطر دهانه‌ای از ۸ تا ۱۲ سانتیمتر دارند کلاسه ۱۶، محل یافت حفاری IV تدفین ۲ ساختمان XI_{1,2} فاز F₁G:
نمونه اول، سطح خارجی صیقل سطح داخلی مات قطر دهانه $5/8$ سانتیمتر ارتفاع ۷ سانتیمتر

1- Mary M. Voigt, Ibid, P. 107

2- Mary M. Voigt, Ibid, P. 124

3- Mary M. Voigt, Ibid, P. 120

نمونه دوم، سطح خارجی و داخل مات قطر دهانه $5/6$ سانتیمتر ارتفاع $8/7$ سانتیمتر
نمونه سوم، سطح خارجی صیقل، سطح داخل مات قطر دهانه $6/2$ سانتیمتر و ارتفاع $7/8$

سانتیمتر

کلاس ۱۶، محل یافت F_{11} تدفین C ساختمان II_1 فاز A_3 : یک نمونه سطح خارجی صیقل و

داخل مات، قطر دهانه $7/2$ سانتیمتر ارتفاع ۱۱ سانتیمتر

نمونه دوم، سطح خارجی صیقل، سطح داخل مات قطر دهانه $5/8$ سانتیمتر ارتفاع $7/5$ سانتیمتر

کلاس ۱۷، محل یافت حفاری V تدفین ۶ ساختمان III: یک نمونه سطح خارجی صیقل. سطح

داخلی مات قطر دهانه ۸ سانتیمتر ارتفاع $12/5$ سانتیمتر.

کلاس ۱۶ محل یافت F_{10} تدفین ۱ ساختمان II_1 فاز A_3 : سطح خارجی صیقل سطح داخلی

مات قطر دهانه $6/6$ سانتیمتر ارتفاع $9/2$ سانتیمتر.

کلاس ۱۶ حفاری V تدفین 3C ساختمان X_3 فاز F_1 : یک نمونه سطح داخلی و خارجی مات قطر

دهانه $7/5$ سانتیمتر ارتفاع ۹ سانتیمتر^(۱)

و - قطعه‌ای از دهانه خمیره‌ها

یک نمونه از ساختمان I_1 و تدفین ۲ و F_{12} فاز A_3 بدست آمده است که قطر دهانه آن ۳۰

سانتیمتر میشده است داخل و خارج آن توسط روش مرطوب پرداخت شده است^(۲)

ز- قطعاتی از پایه ظروف سفالی

تعدادی پایه ظروف سفالی از تدفین‌ها بدست آمده‌اند که از فازهای F_1 -G هستند این پایه‌ها

مربوط به حفاری IV و تدفین ۲ می‌باشند:

نمونه اول، پایه حلقه بزرگ داخل و خارج پرداخت مرطوب و قطر پایه $6/8$ سانتیمتر

نمونه دوم، صیقل و شیشه قرمز خارج و سطح داخل مات پایه به قطر ۵ سانتیمتر پایه دوباره

استفاده شده است.

1- Mary M. Voigt, Ibid, P. 130

2- Mary M. Voigt, Ibid, P. 141

نمونه سوم: داخل و خارج صیقل پایه به قطر ۶/۵ سانتیمتر پایه دوباره استفاده شده است با لبه
ایکه توسط تراشیدن ایجاد شده است^(۱) وجود پایه‌ها استفاده شده، ایجاد شده در این تدفین‌ها ایجاد
نظریه را که از ظروف بخصوص در امر تدفین استفاده می‌شود و این ظروف ذخیره و استفاده نمی‌شوند
را رد می‌کند. بنابراین یک اشتراک در ظروف سفالی بین اشیاء و هدایای قبور دیده می‌شود که محتاج
تحقیق و بررسی بیشتری است.

همراه اسکلت شماره ۱ در زاغه چهار ظروف سفالی بود که احتمالاً دو عدد از آنها بدون نقش
و ساده بودند. یکی از این ظروفها، سفال ویژه زاغه یا اصطلاحاً سفال تگری بود که از نظر تقسیم‌بندی
جزو سفالهای خشن قرار می‌گیرد.^(۲) باید توجه داشت که اواخر هزاره ششم به نظر می‌رسد که ابتدای
استفاده از ظروف سفالی در قبور است به عنوان نمونه این ظروف در حفاری‌های چشمه علی گزارش
شده است. در کل تدفین‌ها شامل یک جسد داخل گودالهای ساده که اغلب زیر کف خانه‌ها و حیاطها
کنده می‌شوند و سفال و تزئینات متنوع شخصی می‌شوند.^(۳)

۵.۳.۵. یافته‌های کوچک^(۴)

منظور از یافته‌های کوچک اشیاء کوچکی است که در حفاری‌ها به همین نام طبقه‌بندی
می‌شود و در تقسیمات دیگر این فصل ذکر نمی‌شوند. از بعضی جهات شباهت‌ها و تفاوت‌هایی
با تزئینات شخص دارند و شاید بعضی از آنها دارای ارزش نیز بوده است، مخروط‌های گلی، دوک و
مهر و سایر مصنوعات کوچک دیگر بجز مهره‌ها و تزئینات ذکر شده جزو این طبقه‌بندی محسوب
می‌شوند این اشیاء چون با امکان استثناء از تپه حاجی‌فیروز یافت شده‌اند به ذکر آنها می‌پردازیم:

الف - دوک: یک دوک و یک مخروط گلی بین فرد ۱ و ۲ در F₁₁ تدفین ۳ یافت شده است
همچنین بقایای چند دوک در پایین صندوقه زیر استخوانها یافت شده‌اند. در حفاری IV تدفین ۲ نیز
عدد ۲ عدد دوک در میان استخوانها یافت شدند.^(۵)

۴- صادق ملک شهیرزادی، پیشین، ص ۱۱

3 - Tim Matney, Ibid, P. 28

1- Mary M. Voigt, Ibid, P. 85

4- Small Finds

5- Mary M. Voigt, Ibid, P. 89

ب: مخروط گلی: مخروط گلی جزو اشیایی است که برای تعیین هویت آن اختلاف نظر است، مخروط گلی و دیگر اشیاء هندسی مشابه را گروهی اسباب‌بازی و گروهی اشیاء حساب یا شمارش و عده‌ای وسیله ذخیره ارزش برشمرده‌اند. تا به حال هیچ گزارشی از یافت مخروطها بجز از حاجی‌فیروز دیده نشده است. منظور یافت مخروطها مستقیماً از تدفین است و این شاید به این دلیل بوده است که هنوز گزارشات حفاری کاملاً منتشر نگردیده است. گل خالص یا گل با محتویات گیاهی اندک برای ساخت این مخروطهای کوچک استفاده شده است. آنها حرارت کمی دیده و رنگشان از محدوده خاکستری تا قهوه‌ای در نوسان است. سطح آنها پرداخت شده اما براق نیست ارتفاع مخروطها ۱/۵ تا ۳ سانتیمتر و قطر قاعده‌شان ۱/۵ الی ۲/۲ سانتیمتر است بعضی از این مخروطها صدمه دیده یا خراش دیده‌اند.^(۱)

بر روی بقایا درست بر روی استخوانهای انسان و حیوان در H₁₂ تدفین 3، 5 مخروط گلی یافت شده است.^(۲)

مشخصات دو نمونه از این مخروطها بشرح زیر است:

نمونه اول، قهوه‌ای روشن متمایل به خاکستری، پرداخت شده، بدون محتویات مرئی ارتفاع ۲/۸ سانتیمتر.

نمونه دوم قهوه‌ای روشن متمایل به خاکستر، پرداخت شده، بدون محتویات مرئی ارتفاع ۱/۹ سانتیمتر.^(۳)

مخروط گلی دیگری نیز در F₁₁ تدفین ۳ یافت گردید که در قسمت دوک به آن اشاره شد.

ج - مهر مسطح: یک نمونه از این مهرها در F₁₁ تدفین ۳ یافت گردیده است از استفاده این مهر

اطلاعی در دست نیست.^(۳)

1- Mary M. Voigt, Ibid, P. 180

2- Mary M. Voigt, Ibid, P. 87

3- Mary M. Voigt, Ibid, P. 182

۶.۳.۵ مصنوعات سنگی

مصنوعات سنگی طیف وسیعی از ابزار و ادوات سنگی ساخته شده، سلاح و غیره را در بر می‌گیرد و برمبنای استفاده، جنس و رنگ می‌توان آنها را طبقه‌بندی کرد باید توجه کرد تعدادی از این اشیاء تحت عنوان اشیاء تدفین استفاده شده‌اند بنابراین نبایستی آنها را جزو هدایا طبقه‌بندی نمود نمونه‌هایی از این اشیاء برمبنای محل یافت بشرح زیر است:

ته حاجی‌فیروز: از F_{10} تدفین ۱

یک عدد دست افزار بیضی شکل، ابزار صیقلی از سنگ ریگی، تیغ یا قطعه تراشنده، سنگ ساب و پالت یا تخته سنگی^(۱)

از F_{11} تدفین 3: یک سلت یا شیار گرسنگی - ابزار از سنگ ریگی صیقلی^(۲) احتمالاً در ارتباط

با J9 تدفین یک سنگ ساب گرد^(۳)

از حفاری IV تدفین ۲ یک سلت یا شیار گرسنگی^(۴)

از حفاری V تدفین ۶ بقایای یک تیغ سنگی^(۵)

چغامیش: ۲ سرگرز خوب شکل داده شده سنگی در نزدیکی پنج تدفین مرتبط با سوزیانای عتیق ۳ کشف شد^(۶)

سیلک: از تمام قبور سیلک تنها قبر شماره ۹ در دوره I و لایه ۳ دارای هدایای قبور بود یکی

از آنها یک تبر سنگی تراش داده شده بود که نزدیک دستان جسد قرار داده شده بود.^(۷)

1- Mary M. Voigt, Ibid, P. 83

2- Ibid, P. 85

3- Ibid, P. 88

4- Ibid, P. 89

5- Ibid, P. 93

6- P. P. DELOGAZ, H. J KANTOR, Ibid, P. 93

7- R. GHIRSHMAN, Ibid, P. 11

فصل ۶

تدفین اولیه و ثانویه در ایران

از آغاز تا ۵۰۰۰ پ.م

فصل ششم: تدفین اولیه و ثانوی در ایران از آغاز تا ۵۰۰۰ پ.م

۱-۶. تدفین اولیه

تدفین اولیه به تدفین عادی گفته می‌شود که جسد در مدت کوتاهی پس از مرگ در داخل قبر قرار داده شده باشد و محل دفن با قرارگیری جسد تغییری نکرده و از اعضاء و مفصل‌های بدن چیزی کسر نشده باشد. در این نوع تدفین جسد دارای گوشت و بافت در قبر نهاده می‌شود. از مراحل این تدفین از زمان مرگ تا دفن و تغییرات و اتفاقات رخ داده برای جسد اطلاع دقیقی در دست نیست. این تدفین دارای رواج کامل و از نظر نسبت در تمام طول تاریخ بشری اکثریت کامل داشته است. تدفین اولیه از نظر تعداد افراد قرار گرفته در یک قبر به دو گروه تدفین اولیه منفرد و تدفین اولیه جمعی یا گورهای جمعی قابل تقسیم است.

۱-۱-۶. تدفین اولیه منفرد

تدفین اولیه منفرد در تمام مکان‌های مورد مطالعه ملاحظه می‌شود. تدفین مذکور در انواع قبور بجز قبور صندوقه‌ای که خاص تپه حاجی فیروز می‌باشد قابل مشاهده است. این تدفین در تمام دوره‌های زندگی بشری رایج بوده است و می‌توان گفت تدفین‌های نوع دیگر در مقایسه با این تدفین پدیده خاص به شمار می‌روند. این تدفین تمام گروه‌های سنی را شامل می‌شود. بجز در تدفین‌های نوع خمره‌ای که در این دوره مختص نوزادان، کودکان و نوجوانان می‌باشد.

۲-۱-۶. تدفین اولیه جمعی

تدفین اولیه جمعی یا گورهای جمعی به تدفین اولیه‌ای گفته می‌شود که در هر قبر بیش از یک نفر به خاک سپرده شده باشند. تدفین‌های اولیه جمعی در این دوران به صورت موارد نادر وجود دارند با این حال نمی‌توان منکر رواج تدفین‌های اولیه جمعی در ایران شد تدفین‌های اولیه جمعی از نظر سن و جنس به دو دسته تقسیم می‌شوند.

الف - تدفین‌هایی که در آنها یک فرد مونث بزرگسال و یک جنین یا نوزاد یا کودک حضور دارند.

احتمالاً رابطه مادری فرزندی در بین او دو فرد برقرار است.

فرض بر این است که همزمانی مرگ سبب ایجاد چنین تدفین‌هایی می‌گردد مثالهای دیده شده

بدین قرارند:

تدفین مادر با نوزاد و مادر با جنین از تپه علی‌کش فاز علی‌کش یافت می‌شود و عبارت است از تدفین ۳۴ و نوزاد به صورت نشسته و جمع شده که نوزاد تازه متولد شده در آغوش یک فرد بزرگسال مونث قرار گرفته است این تدفین بدون هیچ هدایا و تزئینات شخصی بدست آمده است. تدفین دیگر مربوط است به تدفین ۳۵ و جنین که این تدفین به شکل پیچیده در حصیر قرار دارد.

و فرد مونث بزرگسالی به صورت نشسته و کاملاً جمع شده است جنین مستقیماً بالای این فرد یافت شده است. فرد مونث فاقد هر نوع تزئینات شخصی یا هدایای می‌باشد.^(۱)

تپه شرقی سنگ چخماق: در سال ۱۹۷۳ در زیر خاک سطحی تعدادی استخوانهای انسان یافت گردید این بقایا مربوط به چهار فرد مونث و سه خردسال بودند که سه خردسال یافت شده هر کدام مربوط به یکی از سه فرد مونث می‌گردیدند. بر بالای یکی از آنها یک سفال نیز یافت گردید.^(۲)

ب - تدفینهایی که در آنها دو یا چند فرد بزرگسال یا کوچکسال بخاک سپرده شده‌اند در این تدفین نیز احتمال وجود روابط خانوادگی وجود دارد از نظر سن و جنس تفاوت هایی در این تدفین دیده می‌شود. نمونه‌هایی از این تدفین از مکان‌های پیش از تاریخی مختلف به شرح زیر است.

سیلک: زیربناهای لایه ۲ دوره I یک گور شامل اسکلت دو کودک کشف گردید که سرهایشان بر روی یک توده شنی نرم‌تر قرار گرفته بودند و استخوانهای آنها دارای اثراتی از گل اخرای قرمز بود^(۳) در II₃ در ۲۵ سانتی متری کف کوبیده مرتبط با نصف یک اطاق منقوش یک قبر با دو اسکلت قرار داشت^(۴)

در I₄ یک قبر با دو اسکلت یافت شد که فرد اول احتمالاً مونث ۴ ساله و جمجمه نفر دوم فرد مذکر ۲۰ الی ۳۰ ساله بود^(۵)

1. F. Hole et al, Ibid, P.253

2. Masuda, Ibid, P. 26

3. R. GHIRSHMAN, Ibid, P. 11

4. R. GHIRSHMAN, Ibid, p. 27

5. R. GHIRSHMAN, Ibid, 1939, P. 117

در تپه زاغه گورهای کودکان به شماره‌های ۱۱۰/۹ و ۱۱ به تعداد سه عدد در نزدیکی هم یافت گردید که متعلق به کودکان زیر سه سال بودند در زیرکف اتاق اصلی واحد ساختمانی شماره ۱۱۱ شده بودند. همراه این سه اسکلت شینی نبود. این سه قبر در نزدیکی هم بودند و شاید به هم ارتباط داشتند اما ارتباط شماره‌های ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ مسجل است این اسکلتها متعلق به سه کودک زیر سه ساله بود کنار دیوار و اسکلت زیرکف اتاق اصلی واحد ساختمانی شماره XVI دفن شده بودند. هنگام دفن اسکلت شماره ۱۷، استخوانهای اسکلت شماره ۱۶ کاملاً جابجا شده بود و قسمتهایی از استخوانها اصلاً نبود. همراه این سه اسکلت نیز شینی قرار داده نشده بود. هنوز در تپه زاغه به آنصورت که لازم است قبور جمعی دیده نشده است.^(۱)

گنج دره: در یک مورد منحصر به فرد در گنج دره سه اسکلت درازکش یعنی یک بزرگسال، یک نوجوان و یک کودک با هم یافت شدند آنها داخل یک تابوت ساخته شده از خشت خام و پوشیده از یک نوع سقف گلی قرار داشتند.^(۲)

حاجی فیروز: بیشترین تدفین‌های جمعی یافت شده از تپه حاجی فیروز بوده است انواع تدفین جمعی چه از نوع اولیه و چه از نوع ثانویه از این تپه گزارش شده است حداقل تعداد تدفین‌های اولیه داخل صندوقه‌ها که اکثراً دارای تدفین ثانویه هستند سه الی چهار مورد می‌باشد.^(۳)

از نظر زمانی اولیه جمعی را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود: الف - تدفین‌های جمعی که همزمان بخاک سپرده شده‌اند که در این نوع تدفین که بیشتر شامل جنین و خردسال همراه با فرد مونث احتمالاً مادر می‌باشد. یا احتمالاً دو فرد یا چند فرد از یک خانواده همزمانی مرگ سبب ایجاد تدفین اولیه جمعی می‌گردد و از یک طرف دیگر افرادی که مثلاً در یک مصیبت طبیعی بخاک سپرده می‌شدند. با اینکه تفکر وجود چنین تدفینی دشوار بنظر می‌رسد و در اطراف آن بسیار بحث می‌شود ولی از آنجائیکه گاهی توسط حفاران عنوان می‌شود نباید احتمال وجود آن به طور کامل رد شود:

۱- صادق ملک شه میرزادی، پیشین، ص ۸

2. Philip E. L Smith, Ibid, 1972, P. 167

3. Mary M. Voigt, Ibid, P. 75

به عنوان مثال گرشمین در لایه ۵ سیلک III در اطاق شماره ۵ اشاره به وجود سه اسکلت، احتمالاً یک زن و دو خردسال می‌کند و از طرز قرارگیری اجساد به طور غیرعادی نتیجه می‌گیرد که آنها قربانی زلزله هستند و بطور همزمان در گذشته‌اند.^(۱)

در تپه حاجی فیروز نیز ابتدا یانگ اینطور نتیجه گرفته بود که تدفین صندوقه‌ای تدفین گودالی است که افراد درون آن بطور همزمان بخاک سپرده شده‌اند. و آنها قربانیان یک مصیبت بزرگ مثل جنگ در طول حیات روستا بوده‌اند ولی بعداً این تفسیر به کنار گزارده شد.^(۲)

ب - تدفین‌های اولیه جمعی که اجساد در طول دوره‌های مختلف زمانی بخاک سپرده می‌شوند در این نوع تدفین قبر باز شده و افراد در طول زمانهای مختلف به خاک سپرده می‌شوند گاهی بر اثر فشار برای ایجاد فضا برای دفن اجساد جدید قبلی دچار آشفتگی می‌شوند بنابراین این اجساد را نباید به عنوان تدفین ثانوی مطرح کرد. این نوع تدفین در ایران بیشتر برای تپه حاجی فیروز مطرح است ولی احتمال وجودی آن در مکان‌های دیگر را نباید رد کرد.

همانطور که قبلاً ذکر شد در مورد تپه زاغه دفن اسکلت شماره ۱۷ سبب آشفتگی و جابجایی اسکلت شماره ۱۶ شده است.

در حاجی فیروز تدفین 1 و در F_{10} فرد ۱۰ بر بالای صندوقه احتمالاً آخرین جسدی بوده که وارد شده است.^(۳)

احتمال وجود چنین تدفینی برای سایر مکانهای پیش از تاریخی در این دوران هنوز به اثبات نرسیده است اما چون مناطق حفاری شده در این سایت‌ها اغلب اندک بوده است هنوز راهی برای اثبات وجود برنامه‌ای برای اینکار در مناطق دیگر فراهم نیست.

۲-۶. تدفین ثانویه

تدفین ثانویه یکی از پیچیده‌ترین و مشکل‌ترین مباحث مربوط به تدفین در دوره پیش از تاریخ

1. R. GHIRSHMAN, Ibid, P.44

2. Mary M. Voigt, Ibid, P. 70

3. Mary M. Voigt, Ibid, P.80

بخصوص برای ایران است و قبل از ارائه تعریفی برای آن لازم است ابتدا تعاریف دیگری برای بعضی اصطلاحات مربوطه مطرح شود.

الف - قبر مضطرب یا آشفته: به قبوری گفته می‌شود که در اثر عوامل مختلف قطعات استخوانی در آن مفقود یا جابجا شده باشد.

این اصطلاح به طور کلی با تدفین تپه زاغه شناخته می‌شود. طبق تعریف حفار گورهای آشفته یا مضطرب گورهایی است که قسمتی از اسکلت یا تنها جمجمه و یا فقط قسمتی از جمجمه در آنها بدست آمده است.^(۱)

گورهای آشفته یا جابجاشده در این تپه عبارتند از:

شماره ۲: که فقط قسمتی از جمجمه این اسکلت که فرد بالغی بوده باقی مانده است. بقیه قسمتهای اسکلت در نتیجه حفر گودال به منظور استفاده از خاک آن برای تقویت زمینهای زراعی در هم ریخته و از بین رفته است.

شماره ۳: نزدیک بقایای جمجمه اسکلت شماره ۲ قسمت فوقانی جمجمه‌ای متشکل از قسمتی از استخوان پیشانی و استخوان آهیانه باقی مانده بود و بقیه قسمتهای اسکلت در نتیجه حفر گودال از بین رفته بود. روی شکستگی استخوان پیشانی به هنگام حفاری اثر ضربه حفار گودال قابل تشخیص بود.

شماره ۸: جمجمه اسکلت یک فرد بالغ که نسبت سالم مانده بود و در زباله‌دانی واقع در خارج دیوار واحد ساختمانی شماره XI در قسمت شمال غربی ساختمان بدست آمد.

بنا به اعتقاد حفار این جمجمه را در هزاره ششم ق.م جابجا کرده بودند.

شماره‌های ۵ و ۴: بقایای این دو اسکلت، که هر دو متعلق به افراد بالغ بودند، حین حفاری بازوی شمالی ترانسه D.X به دست آمد. حفر گودال که سبب آشفتن اسکلت‌های شماره ۲ و ۳ شده بود به این دو اسکلت نیز صدماتی وارد آورده بود از اسکلت شماره ۴ قسمت فوقانی بدن از نیمه استخوان لگن به بالا و از اسکلت شماره ۵ از وسط استخوان ران به پایین باقی مانده بود.^(۲)

۱- صادق ملک شه میرزادی پیشین، ص ۶

۱- صادق ملک شه میرزادی پیشین، ص ۷

برای آشفته‌گی و اضطراب قبور علل و عواملی می‌توان در نظر گرفت که اهم آن بشرح زیر است:

الف - اثر شرایط جوی - برای اسکلت‌هایی که در طبقات سطحی قرار دارند اثر این شرایط بیشتر است. همچنین برای قبوری که معماری آن از مصالح رسی کامل انجام گرفته باشد اثر این شرایط در حداقل ممکن است و باید توجه داشت در اثر عوامل فرسایشی هنگامی که هوا به درون قبری راه یابد تلاشی استخوانها شدت می‌یابد.

ب - ترکیب شیمیایی مواد و خاک همراه اسکلت‌ها که در بقایا انهدام اسکلت‌ها نقش اساسی دارد.

ج - ریشه درختان و گیاهان

د - وجود جونندگان و حشرات موذی که در تخریب و جابجایی استخوانها موثرند

ه - خاکبرداری زلزله‌عین در زمانهای مختلف

و - وجود جابجایی و تخریب در زمان حیات هر مکان پیش از تاریخی

ز - آبیاری زمینهای کشت‌شده اطراف تپه که سبب حرکت نمکها و تغییرات فیزیکی و شیمیایی در خاک می‌گردد.

باید توجه داشت فقدان قطعاتی از استخوانها به هیچ وجه نشانه تدفین ثانوی نمی‌باشد. و اصولاً بیشتر موارد این فقدان به ساختار استخوانهای تشکیل‌دهنده یک اسکلت مربوط می‌شود یعنی ساختمان تشکیل‌دهنده استخوانهای بدن به گونه‌ایست که پس از سالها تنها مواد معدنی آن باقی می‌ماند که آنها در برابر شرایط بیرونی آسیب‌پذیر است بنابراین در اکثر موارد فقدان قطعات استخوانی و ناقص بودن یک اسکلت جنبه ساختاری دارد و نه آئینی بصورتیکه در تدفین ثانوی دیده می‌شود.

ب - حفاظت و درجات آن: حفاظت به سالم ماندگی و کامل بودن استخوانها گفته می‌شود. تخریب استخوانها در طول مرور زمان و بر اثر شرایط خارجی ایجاد می‌گردد و درجه وضعیت حفاظت آنها در تشخیص تدفین ثانوی کاملاً موثر است به این ترتیب که فقدان قسمتهایی از استخوانها در حفاظت خوب امکان تدفین ثانوی را بسیار تقویت می‌کند. تاکنون تقسیم‌بندی استاندارد جهت حفاظت تدوین نشده است و متأسفانه تنها در حفاری‌های تپه علی‌کش و تپه حاجی فیروز به این درجات اشاره شده است. تپه حاجی فیروز از این نظر بهترین نوع تقسیم‌بندی را دارد. تقسیم‌بندی نسبی که برای تپه علی‌کش

ارائه شده بشرح زیر است:

ضعیف - متوسط - متوسط و آشفته - خوب

این تقسیم‌بندی برای تپه حاجی فیروز بشرح زیر است:

بسیار ضعیف - ضعیف - ضعیف تا متوسط - متوسط - خوب

تعریف تدفین ثانوی

تدفین ثانوی به طور خلاصه به تدفینی گفته می‌شود که جسد قبل از قرار داده‌شدن در داخل قبر قبلاً در محوطه دیگری از گوشت و بافت پاک شده باشد. تدفین ثانوی در حقیقت دفن بقایای جسد بدون گوشت و بعضی قسمت‌های استخوانی است که احتمال دارد در محوطه مفقود شده باشد. در ارتباط با پاک‌شدن و نحوه استحاله گوشت و بافت نظرات مختلفی وجود دارد یکی از این نظرات مبتنی بر خورده‌شدن گوشت اجساد توسط لاشخورها و دیگر درندگان است باید توجه شود که تدفین ثانوی یک سنت غربی است و بیشتر در آسیای صغیر و لوانت مشاهده می‌شود و در ایران تنها برای تپه حاجی فیروز اثبات شده است و برای ماقابل قبول است.

از آنجا که مدارک مستند مربوط به تدفین ثانوی از چاتال هویوک با قدمتی در حدود ۶۲۰۰ ق.م تا هزاره ششم بدست آمده است در اینجا تنها به قسمت‌هایی از آن اشاره می‌شود: مکان پیش از تاریخی چاتال هویوک در آسیای صغیر واقع شده است این سایت به طرز شگفت‌آوری سالم مانده است و حاوی مدارکی درباره نوعی تدفین غیرعادی است. مردم چاتال هویوک مردگان خود را زیر سکوه‌های خواب در خانه‌ها و در معابد و به ندرت زیر قسمت‌های دیگری از کف دفن می‌کردند. کاملاً روشن است که تدفین ثانوی در این سایت اعمال شده است.

در این نوع تدفین جسد در معرض لاشخوارها و حشرات قرار می‌گیرد و جسد پس از جداشدن گوشت از استخوان در پارچه بوری و سبد برای بچه‌ها پیچیده و سپس دفن می‌شود. در بیشتر نمونه‌ها مغز هنوز در داخل جمجمه موجود بوده است. بجز یک نمونه که مغز خارج شده و بجای آن گلوله‌ای از یک پارچه عالی جایگزین گردیده بود.^(۱)

1. James Mellaart Qatal Huyck, a Neolithic town in Anatolia, London, 1967 pp. 204-205

مدارک مستند مربوط به تدفین ثانوی نقاش‌های دیواری معابد است که در دنیا بی‌نظیر است و تاکنون از مراسم تدفین یا آئین تدفین در نوسنگی به غیر از این سایت از هیچ جای دیگری یافت نگردیده است و نظر خورده‌شدن اجساد قبل از دفن از این مکان به نقاط دیگر تعمیم داده شده است.

در نقاشی‌های دیواری معبد VII_g در طرف شمالی و شرقی دیوار پرندۀ لاشخور نشان داده شده است که در برابر شش انسان بدون سر نمایانده شده است.

لاشخورها سرها را به همراه ندارند و به نظر می‌رسد بدنهای بدون سر تنها نمایاننده اجساد مرده است و تدفین‌هایی که در زیر نقاشی‌ها یافت شده‌اند هیچ کدام مجموعه‌هایشان را از دست نداده‌اند. اجساد در این نقاشی‌ها بهمان صورتی است که در ۶۲۰۰ پ.م دفن شده‌اند آنها به صورت خوابیده به پهلو چپ یا درازکش هستند. پنج کرکس بزرگ در دیوار شمالی نشان داده شده‌اند و به طرف دیوار شرقی امتداد یافته‌اند. این صحنه‌ها مدرک مستقیمی از وجود خورده‌شدن گوشت اجساد توسط پرندگان لاشه‌خوار است به صورتیکه هیچ اثری بر استخوانها یا مغز باقی نگزارده‌اند و فقط گوشت جسد را خورده‌اند ممکن است یک پدیدهٔ آئینی توسط این نقاشی‌ها توضیح داده می‌شود که مربوط به نوعی معاد است اما با این حال این موضوع هیچ اهمیتی از اصل موضوع نمی‌کاهد یک دیوار نگاره‌رنگی از معبد VIB₁ یافت شده است که یک ساختار تدفینی را نشان می‌دهد در زیر نقش دیگری از مجموعه‌ها و استخوانها نشان داده شده است. نقش عبارت است از یک نمای معماری است یک ساختمان با چهار دیوارک که با پنج ستون با نقش‌های به رنگ قرمز و سفید روی زمینه نخودی از هم متمایز گشته‌اند. توده‌های جمع‌شده استخوانی و بقایای وحشتناک بدنهای انسانی آشکار را در درون ساختمان دیده می‌شوند که احتمالاً معرف خانه مردگان است محلی که مرده قبل از تدفین توسط درندگان از گوشت پاک می‌شود.^(۱) در یک ساختمان دیگر از معبد EIV₁ یک صحنهٔ دیگر از مراسم تدفین و یک فرد مرده به نمایش گذارده شده است.^(۲)

تعدادی مجموعه‌های انسانی در زیرکف معابد VII₂₁ باز اشاره به آیین‌های مبنی بر تدفینهای

2. James Mellart, Ibid, P. 65

3. James Mellart, Ibid, PP 169

ثانوی می‌کند این معبد نیز دومین معبد لاشخورهاست و دیوارنگاری از خرده‌شدن بدن توسط کرکس‌ها حکایت دارد.^(۱)

یک تدفین گل اخرای قرمز از طبقه VII بدست آمد که باریکه‌های بزرگی از صدف در کاسه چشمان جسد قرار داده بودند همانند تل‌روماد و جریکو که معاصر چاتال‌هویوک هستند^(۲) این مدرک غیرقابل انکاری از وجود تدفین ثانوی در این سایت است جهت مشخص نمودن تدفین ثانویه سه عامل مهم مورد توجه هستند این سه عامل عبارتند از:

الف - طرز قرارگیری استخوانها

ب - فقدان بعضی اعضاء یا قسمتهای اتصالی استخوانها و بندها

ج - وضعیت محل قرارگیری اجساد از نظر استحکام و دست‌نخوردگی و همچنین در تدفین ثانوی جمعی میزان تراکم و انباشتگی استخوانها.

به هر حال برای جلوگیری از اطاله موضوع و از جهت اینکه تدفین ثانوی موضوع غیرقابل انکاری است انواع تقسیم‌بندی تدفین ثانوی از نظر کمیت توضیح داده خواهد شد از این نظر تدفین ثانوی بر دو دسته قابل تقسیم است. تدفین ثانویه منفرد و تدفین ثانویه جمعی یا گروهی.

۱-۲۶- تدفین ثانویه منفرد

این نوع تدفین کمتر در ایران مطرح است زیرا مدرک وجود آن مستدل و محکم نمی‌باشد. ولی وجود آن به سبب تعدادی گزارش نادیده گرفته نمی‌شود. فرض براین است که آشفستگی و اضطراب قبور سبب چنین برداشتی شده است.

قبلاً در غار کمریند حفار اظهار داشته بود چون بقایای یک فرد مذکر بزرگسال اثرات گل اخرا دارد بنابراین یک تدفین ثانویه موجود است^(۳)

1. James Mellart, Ibid, PP 82-83

2. James Mellart, Ibid, 1975. P. 104

3. S. Carlton coon, Ibid, P. 31

در حالیکه این استدلال صحیح نیست. گنج دره: در این تپه در سال ۱۹۷۱ در مقطع برش غربی یک فک زیرین یک انسان و یک جفت استخوان دست یافت شد که ظاهراً از بازوان جدا شده بود همچنین به بعضی قبور احتمال ثانویه بودن داده شد خود حفار هم به متغیر بودن کیفیت حفاظت مواد انسانی معترف است^(۱)

در تپه علی‌کش فاز علی‌کش یک تدفین ثانوی زیرکف ساختمانی منطقه B₂ معرفی شده است. همچنین در لایه‌های فازبر مرده یک تدفین نامطمئن ثانوی معرفی شده که البته جمعی است^(۲)

۲-۲-۶. تدفین ثانویه جمعی یا گروهی

مهمترین محل پیدایش این نوع تدفین در ایران مربوط به تپه حاجی فیروز می‌باشد همانطور که اشاره شد در تپه علی‌کش یک تدفین نامطمئن بدست آمد که حاوی استخوانهای اعضای حداقل سه فرد بزرگسال می‌گردید این تدفین به عنوان یک تدفین ثانویه معرفی شده است در تپه گوران و در زیر تپه در داخل خاک بکریک گودال به عمق یک متر یافت شد که انباشته از استخوانهای انسانی شامل مجموعه‌های چهار فرد بود که حفار بعلت فاقد بودن استخوانها از بند و گوشت آنرا ثانوی قلمداد کرده است^(۳)

تپه حاجی فیروز: انواعی از تدفینهای ثانوی جمعی در این تپه یافت شده است که عبارتند از:

- تدفین صندوقه‌ای F₁₀ تدفین 1، جمعی

- تدفین صندوقه F₁₁ تدفین 3 دو فرد حداقل اولیه و دو فرد حداقل ثانویه

- تدفین خمره‌ای ثانوی F₁₂ تدفین 2، جمعی

- تدفین زیرکف ثانوی H₁₂ تدفین 4، جمعی

- تدفین استخوان‌دان احتمالاً صندوقه و J تدفین 1

- تدفین استخوان‌دان صندوقه‌ای حفاری IV قبر 2

1. Philip E.L smith, Ibid, 1972, P. 167

2. Hole, Ibid, P. 248

3. Peder Mortensen, Ibid, P. 106

- تدفین در کف حفاری V تدفین 6

- تدفین صندوقه‌ای حفاری V تدفین 3 که شامل سه لایه جداگانه استخوان

می‌شد^(۱)

در پایان باید پذیرفت که تدفین ثانوی با امکان استثناء حاجی فیروز در ایران معمول نبوده است و مدارک موجود نشان می‌دهد که تدفین ثانوی هرگز به داخل فلات ایران نفوذ نکرده است و آنچه در مکانی مثل چاتال هویوک دیده می‌شود در ایران دیده نمی‌شود بنابراین می‌توان احتمال داد که تدفین ثانوی یک سنت غربی است مناطق جغرافیایی مثل گنج دره و گوران و علی‌کش که همگی در غرب و جنوب غربی ایران هستند احتمالاً در هزارهٔ هفتم پذیرای چنین سستی بوده‌اند بهر حال کمبود مدارک سبب می‌شود هیچ نتیجهٔ قطعی حاصل نشود.

فصل ۷

بررسی جنبه‌های آئینی، عملکردی

و ساختاری تدفین

فصل هفتم: بررسی جنبه‌های آئینی، عملکردی

و ساختاری تدفین

۱-۷. بررسی جنبه‌های آئینی تدفین

اعتقادات آئینی جوامع پیش از تاریخ بخصوص درباره آداب تدفین برای ما شناخته شده نیست و اطلاعات ما منحصر به یافته‌های محدود باستانشناسی است. شباهت‌هایی درباره طرز تلقی انسان نسبت به مرگ و زندگی و آئین‌های آن در جوامع ابتدایی وجود دارد و مطالعات محققین نشان می‌دهد که این شباهت‌ها گسترده و به دور از زمان و مکان مشخص می‌باشد و بنابراین از این مطالعات محققین می‌توان برای بررسی یافته‌های باستانشناسی استفاده کرد و نیز از مشاهده و تجربه مستقیم برای تکمیل آن سود برد.

یکی از شاخه‌های علم باستانشناسی که از این روش سود می‌برد مردم باستانشناسی است^(۱)

بطور کلی آداب تدفین در پیش از تاریخ و تشریفات آن تابع نوع برخورد زندگان با مردگان است

به همین سبب در تدفین مردگان همواره تقابل دو جریان وجود داشته است از یک طرف آئین پرستش

مردگان و از طرف دیگر ترس از ارواح و شیاطین.

1. Marym. Voigt, Ibid, pp 79-94

2. ETHNO - ARCHAEOLOGY

فروید در کتاب خود به نام توتم و تابو در بحث مربوط به طلب آرامشی، قیود استغفار و تطهیر

در مورد مرگ دشمنان به دو عامل اساسی اشاره می‌کند

۱- بسط تابوی مرده در رابطه با هر شی که تماس داشته است.

۲- ترس از روح مرده^(۱)

فروید چند نمونه دیگر از افراد قبایل مائوری ذکر می‌کند که پس از استفاده از اشیای تابو جان

سپرده‌اند^(۲) و^(۳)

در میان مائوری‌ها همه کسانی که به مرده دست زده‌اند یا در مراسم تدفین شرکت جسته‌اند نجس می‌شوند و از هر نوع معاشرت با هم‌نوعان محروم می‌مانند و بعبارت دیگر آنها را بایکوت می‌کنند. کسی که در اثر تماس با میت آلوده شده است، اگر بخانه‌ای وارد شود یا به شخص یا چیزی دست بزند آنها را نجس می‌کند. او حتی نباید با دستهای خود که بعلت نجس شدن دیگر قابل استفاده نیستند غذا را لمس کند. خوراک را جلوی او روی زمین می‌گذرانند و وی در حالیکه دستها را در پشت سر بر روی هم گذاشته با لب و دندان باید از عهده کار برآید. برخی اوقات اجازه می‌دهند که کس دیگری به او غذا بخوراند. این شخص باید کارش را به نحوی انجام دهد که با آن تیره بخت تماس پیدا نکند.^(۴)

آنگاه که دوران عزلت به پایان رسید و مرد نجس توانست دوباره با هم‌نوعان مراوده داشته باشد کلیه ظروفي که در طی آن دوره خطرناک مورد استفاده قرار داده است معدوم می‌گردد و لباسهایی که بر تن داشته است به دور افکنده می‌شود.^(۵)

کلاین پاول کوشیده است به کمک بازمانده معتقدات آئیمسیتی یعنی اعتقاد به تاثیر ارواح در

۱- زیگمونه فروید توتم و تابو ترجمه دکتر محمدعلی خنجی چاپ دوم طهوری تهران ۱۳۵۱ ص ۵۹

۲- همان، ص ۶۰

۳- همان، ص ۶۱

۴- همان، ص ۷۴

۵- همان، ص ۷۵

میان اقوام متمدن مناسبات بین مردگان و بازماندگان را در میان اقوام بدوی توضیح بدهد، زنده خود را از انتقام مرده مصون نمی‌یافت مگر وقتی که یک مجرای آب میان آندو حائل می‌شد. به این دلیل است که ترجیح میداده‌اند مردگان را در جزیره‌ها یا در کرانه دیگر رودخانه به خاک بسپارند اصطلاحات انیسوآنسو منشاء دیگری جز این نباید داشته باشد. در اثر تعدیلی که بعداً روی داد. شرارت به جای آنکه به همه مردگان نسبت داده شود فقط صفت کسانی شناخته شد که می‌توانستند دلیل برای خشم و کین آنها بیابند، از قبیل مقتولین که مبدل به ارواح شریر می‌شده‌اند و پیوسته قاتلان خود را تعقیب می‌کرده‌اند. (۱)

به نظر فروید تابوی مردگان دارای حدت و صولتی خاص است و این هم از نظر عواقبی است که تماس با اموات به بار می‌آورد و هم از لحاظ طرز رفتار با بازماندگان یک متوفی است (۲) از نظر فروید آداب و رسوم تابویی در مورد شرکت در مراسم تدفین و تماس با میت به اقسام زیر است:

- منع دست زدن به اشخاص و اشیاء و خوراکی‌ها برای بستگان و تماس گیرندگان با میت
- زندگی انفرادی و عزلت برای بستگان متوفی
- منع استفاده از لوازم متوفی
- آئین‌ها و رسومات برای دور نگهداشتن روح متوفی
- منع تلفظ نام متوفی که در میان اقوام متعدد و بسیار متفاوت دیده می‌شود.
- بعضی از مشخصات ایری‌ها که از نظر سبک زندگی در دوران سنگ زندگی می‌کنند و در جنوب شرقی استرالیا در حوالی دریاچه آیر سکونت دارند در رابطه با تدفین چنین است:
- می‌پندارند که مرگ بر اثر کارهای جادویی یا با توطئه ارواح خبیث است
- اگر مردگان به خواب بازماندگان آیند، باید برای قبر آنان غذا بگذارند تا دچار غضب ارواح نشوند.

۱- همان، ص ۸۴

۲- همان، ص ۷۴

- در زمستان روی گور مردگان آتش روشن می‌کنند تا سرما نخورند

- در مراسم خاکسپاری مرده، پیرمردی از بستگان او به درون گور می‌رود، از چهره، ران‌ها، بازوها، و شکم مرده، می‌برد یا جدا می‌کند و به اهل عزا که در آنجا سوگواری و حلقه زده‌اند می‌دهد تا بخورند زیرا گمان دارند که چربی مرده خواص سحرآمیز و نیروبخش دارد، ولی پدر و فرزند نباید از پیه (چربی) بکدیگر بخورند^(۱)

با در نظر گرفتن شدت وحدت دو جریان بحث شده شاید بتوان گفت قراردادن بعضی از اشیاء در قبور در دوره‌های پیش از تاریخ به سبب تابو و ممنوعیت استفاده از این اشیاء برای دیگران بوده است و بنابراین در هر دو صورت یعنی قراردادن اشیاء را در قبور برای منع استفاده دیگران و یا به عنوان هدایا جهت استفاده مردگان در حیات دیگر، وجود جنبه آئینی کاملاً به چشم می‌خورد.

بعضی از اقسام آئین‌های روزمره نیز به نوعی به تدفین مربوط می‌شود این دیدگاه مربوط به آن دسته از اقوام ابتدایی می‌شود که به نوعی معاد یا حیات اخروی یا حیات از نوع دیگر اعتقاد دارند در میان این اقوام وارد شدن از یک مرحله به مرحله دیگر دارای آداب و رسومی است که به آن تشریف یا آشناسازی می‌گوئیم:

در قسمت مراسم پاگشایی برای زنان در بعضی از قبایل رسم بر این است که دختر مورد نظر را در زنبیل می‌گذارند تا مبادا در تماس با زمین باردار شوند این قبایل مربوط به آسیای جنوب شرقی هستند، گاهی آنان را خوراک سفید می‌خورانند و به لباس سفید ملبس می‌کنند و در جای دیگر با گل اخرای رنگ می‌کنند این کارها همه زیربنایش رفع واهمه بشر از سرخی خون است که در این رابطه وجود دارد حتی در بعضی از قبایل، اولین بارداری و اولین زایمان که باز چون با دیدن خون همزمانی دارد، مشمول چنان مراسمی است.^(۲)

در یک نمونه دیگر برای پاگشایی یا تشریف یا آشناسازی جوانان در نواحی سفلی کشور کنگو در حوالی آبشارهای آن و در یک جمعیت موسوم به نکیمبا هنگام بلوغ جوانان برای انجام تشریفات سری

۱- همان، ص ۷۸ - ۷۴

۲- جمشید آزادگان، ادیان ابتدایی، تحقیق در توتسیم انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۷۲، ص ۲۸-۲۹

آنان، تشکیل می‌دهد که توسط سالمندانی برگزار می‌شود که جادوگر قبیله بر می‌گزینند. مراسم آن در جنگل و دور از چشم‌رس دیگران برگزار می‌شود و در آن جوانان از چند ماه تا چندسال می‌مانند.

بر پیکرهای جوانان رنگ سفید (گل سفید) می‌مالند. در استرالیا کلان‌هایی وجود دارند که هنگام دفن مردگان خود نقش توتم را بر اجساد می‌نهند^(۱)

گل اخرا در معنی آئینی خود به معنی پیوند با رحم مادر و پیوند با مرگ و زائل کردن ترس و در معنی دیگر علامت تشرف برای ورود به عالم دیگر است بی‌شک تجارب بشر در ارتباط با طبیعت و تکرار رویش و زایش و زادن و باز زادن در طبیعت در اندیشه او نسبت به پدیده مرگ تاثیر داشته است غیر از این تجربه مسئله دیگری که در تجربه مرگ برای او اهمیت دارد پدیده خواب است که اثر آن بر تابو و آئین پرستش مردگان متصور است هر تکرار آئینی پیدایی عالم وجود با سیر قهقرایی بسوی هیولا همراه است.

برای آفرینش جهان جدید نخست جهان کهن باید نابود گردد آئین‌های متفاوتی که در ارتباط با سال جدید اجرا شده می‌توان به دو دسته تقسیم کرد یک دسته بر بازگشت به هیولا دلالت دارد مثلاً خاموش کردن آتش، دفع شر و گناهان، ترک رفتار معمولی، می‌گساری، بازگشت مرگ دسته دوم که نماد پیدایی عالم وجود هستند مانند برافروختن آتش جدید گریز از مرگ، تکرار اعمالی که توسط آنها خدایان جهان را آفریدند، پیشگویی رسمی و درست هوا برای سال بعد در نمایشنامه آئین‌های آشناسازی مرگ معادل بازگشت موقتی به هیولاست، از این رو مرگ بیان مثالی پایان وضع بودن است.^(۲)

این دو دسته دارای نمونه‌های مختلف است بطوریکه هرکدام ممکن است دارای مراحل متعددی باشد. آئین‌های مرگ مرحله نخستین طولانی‌تر و پیچیده‌تر شده بحدی که بعضی اوقات به

۱- همان، ص ۲۷

۲- میرچه الیاد، آئین‌ها و نمادهای آشناسازی، رازهای زادن و دوباره‌زادن نصرالله زنگویی، تهران مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۶۸

ص ۱۶-۱۵

نمایشنامه‌های برجسته واقعی بدل می‌شوند. در کنگو و در ساحل لوآنگو به پسران میان ده تا دوازده ساله دارد دارویی می‌نوشانند که آنان را از خود به خود می‌سازد. سپس آنها را به جنگل برده و ختنه می‌کنند. باستپال گزارش می‌دهد که این پسران را در بت‌خانه مدفون می‌کنند و زمانی که از خواب بر می‌خیزند چنان می‌نماید که حیات گذشته خود را فراموش کرده‌اند. بهنگام انزوا در جنگل به رنگ سفید رنگ‌آمیزی می‌شوند، به نشانه اینکه به صورت ارواح آمده‌اند، به آنان اجازه داده می‌شود که دزدی کنند و ستهای قبیله‌ای را بیاموزند و زبان جدیدی را فرا گیرند^(۱)

در آئین‌های مرگ مرحله نخستین و بازگشت به زندگی جدید نوعی مرگ نمادین به نمایش گذاشته می‌شود که نوعی تدفین نمادین را بعضاً در بر دارد.

نوجوانان طی مراحل می‌میرند و دوباره به صورت دیگری در حیاتی جدید داخل و زنده می‌شوند. این آئین‌زادن و باز زادن نشان‌دهنده اعتقاد جوامع ابتدایی به زندگی پس از مرگ و بطور کلی به عنوان مراحل عبوری این جریان است قرارداد هدایا در داخل قبور چه اعتقاد حقیقی به زندگی پس از مرگ باشد چه عملی نمادین نشان‌دهنده اعتقاد بشر به زندگی پس از مرگ است.

در نمونه‌های مختلف برای مرگ نمادین کم و بیش الگوی زیر دیده می‌شود:

- ازدست دادن خودآگاهی

- ختنه و آزمون

- تدفین

- فراموشی گذشته

- شباهت نوآموزان به ارواح

- آموختن زبان جدید

در مرحله مرگ نمادین چنین پنداشته می‌شود که نوآموز توسط هیولا بلعیده می‌شود هیولا در واقع تعبیری عامیانه و سمبلیک از پدیده مرگ است پس از آن هیولا نوآموز را که حالا تغییر شکل یافته و شخص دیگری است باز پس می‌دهد آموختن زبان جدید اشاره‌ای سمبلیک به این وضع است.

۱- همان، ص ۷۴

بعضی اوقات ورود به بدن هیولا مستلزم وجود اشیایی که کاملاً استادانه ساخته شده می‌باشد. مرگ نوآموز به معنای بازگشت به وضع جنینی است. نه تنها زیست‌شناسی انسان صرفاً در درک این مطلب موثر است بلکه واژگان جهان‌شناسی نیز تاثیر دارند این مطلب نیز تنها تکرار نخستین آبتنی و نخستین زادن جسمانی از مادر است بلکه بازگشتی موقتی به کیفیت معنوی و پیش کیهانی نیز که شب و ظلمت نماد آن است، می‌باشد که پس از آن دوباره زادن را در پی دارد و می‌توان آن را به آفرینش جهان مانند نمود^(۱)

در هند جنوبی و برنتو مادر بزرگ را مکرراً به شکل ظرف نشان می‌دهند. ظرف همیشه برای هندی‌ها نماد زهدان است و این یادگاری است که از اعتقاد به تولد معجزه‌آسای آگاستیا و واسیشتای دانا از درون ظروف بجای مانده است. در جای دیگر جهان چون تدفین بحالت جنینی در ظرف صورت می‌گیرد ظرف نماد زهدان پنداشته شده است^(۲)

به احتمال زیاد، تدفین به شکل جنینی تعبیری از تسلسل میان مرگ، آشناسازی و بازگشت به رحم است در بعضی از فرهنگها این ارتباط نزدیک مرگ با آشناسازی یکسان انگاشته شده یعنی انسان مرده انسانی است که آشناسازی در موردش اجرا شده اما تدفین به شکل جنینی بر امید به آغاز حیاتی جدید تاکید می‌ورزد. موضوعاتی افسانه‌ای از بلع قهرمانان در افسانه‌های اقوام دیده می‌شود در این افسانه‌ها قهرمان توسط اژدها یا یک مار بلعیده می‌شود و سپس از دهان مرگ بطور سالم بیرون می‌آید^(۳)

در تمام این موارد در نهایت شکل ظاهری فرد تغییر نمی‌یابد که تکیه بر تدفین اولیه است ولی آئین‌هایی هم وجود دارند که بر تدفین ثانوی دلالت می‌کنند. یکی از این آئین‌ها آزمون سخت مربوط به سنت جادوگران سیبری است در این آزمون مرگ نمادین به صورت پاک کردن استخوانها از گوشت و در آوردن چشم از کاسه‌ها و بریدن سر و مثله کردن بدن می‌باشد پس از آن استخوانها از گوشت

۱- همان، ص ۱۱۵-۱۰۵

۲- همان، ص ۱۱۸

۳- همان، ص ۱۲۹-۱۲۸

تازه پوشیده می‌شود و در بدن خون تازه جریان می‌یابد. در نمونه‌هایی از این قبیل بیماریهای مرحله نخستین دقیقاً انگاره اساسی تمام آشناسازی هستند. نخست، شکنجه با دستان شیاطین یا ارواح که نقش آموزش‌دهندگان آشناسازی را بازی می‌کنند. دوم، مرگ آئینی که توسط بیمار بصورت نزول در جهنم یا عروج به آسمان تجربه می‌شود.^(۱)

سوم، رستاخیز در وضع جدید حیات، یعنی وضع انسان تقدیس نشده یعنی انسانی که شخصاً می‌تواند به خدایان، شیاطین و ارواح ارتباط برقرار کند این نوع انگاره‌های تجزیه غالباً در هر جا وجود دارد.^(۲)

یکی از خصوصیات ویژه آشناسازیهای جادوگری، تعبیر از تجزیه داوطلب یعنی تبدیل او به یک کالبد یا اسکلت است^(۳)

در اینجا با عقیده مذهبی کهنی روبرو هستیم که متعلق به دوره فرهنگ شکار است. استخوان نشانگر ریشه حیات حیوان است.

یعنی استخوان قالبی است که گوشت پیوسته از آن حاصل می‌شود از استخوان است که انسان و حیوانات دوباره زاده می‌شوند. برای مدتی انسان و حیوانات بصورت گوشت به حیات خویش ادامه می‌دهند سپس می‌میرند و حیات آنها به صورت جوهری متمرکز در کالبد در می‌آید و دوباره از کالبد متولد می‌شوند.^(۴)

شاید بتوان گفت از نظر جنبه آئینی، تدفین ثانوی برای تطهیر جسم در حیات دوباره است.

مراحل مهم آشناسازی جادوگری به طور کلی به ترتیب زیر است:

۱- شکنجه و تجزیه جسم

۲- زدودن گوشت از جسم و تبدیل آن به کالبد

۱- همان، ص ۱۸۰-۱۷۷

۲- همان، ص ۱۸۰

۳- همان، ص ۱۸۱

۴- همان، ص ۱۸۲

۳- جاری ساختن خون تازه در جسم

۴- گذراندن دوره‌ای در جهنم و آموزش از ارواح و شیاطین

۵- عروج به آسمان تا توسط خدای آسمان تقدیس شوند^(۱)

برای فهم و درک بهتر موضوع بهتر است به اسطوره اوزیریس در مصر باستان توجه شود از این اسطوره است که آئین اوزیریس نتیجه گرفته می‌شود اشاره به اسطوره اوزیریس بخاطر قدمت و اصالت آن و همچنین اعتقاد بشر به حیات دوباره در تدفین ثانوی است:

پس از آن اوزیریس در اثر توطئه ست کشته شد ایزیس کالبد وی را به گوشه‌ای برده مخفی ساخت ایزیس که از وی حامله بود هوروس را در شهر بوتو زاد و در آنجا در میان مردابها و نزارها دور از دامها و توطئه‌های اهریمنی شیرش داد و پرورد بزرگش کرد با این همه ست- تیفون که در فروغ ماه به شکار رفته بود صندوق را در جای دورافتاده‌ای که ایزیس پنهان کرده بود دید

و در آن را گشود و جسد اوزیریس را در آن یافت و در دم آن را در پندو چهارده پاره کرد و هر پاره‌ای را به سویی انداخت تا اثری از جنایت در آنجا نماند. ایزیس تیره اختر بزودی از این جنایت آگاه گشت و بار دیگر سفر دردانگیز خود را در جستجوی پاره‌های گوشت اوزیریس از سر گرفت و آنها را بجز یک پاره که در رود افتاده بود و نهنگ آن را بلعیده بود، یکی پس از دیگری پیدا کرد.

هر پاره‌ای از جسد اوزیریس در جایی پیدا کرد در گوری که در آنجا ساخت، نهاد و به کاهنان چهارده قربانگاه چنین وانمود کرد که جسد کامل اوزیریس را در معبد او دفن کرده است و این گورها نشان‌دهنده منازل و مراحل دردانگیز سفری بود که آنرا تکاپوی ایزیس می‌نامند. ایزیس از گردآوردن بقایای اوزیریس، خواهر خود نفتیس و فرزند دلبدش هوروس و تحوت لک‌لک و آنوبیس شغال را به یاری خود خواند تا به پاره‌های جسد اوزیریس جان بخشند ایزیس بقایای جسد اوزیریس را در یک جانها دو با نفتیس و هوروموس و تحوت و آنوبیس داوری جاودانگی آن مالید و آن را به صورت مومیایی نپوسیدنی و فاسدنشده در آورد که می‌توانست تا ابد روان خدا را در خود نگاه دارد و این نخستین کالبد مومیایی شده بود. ایزیس هربار که پاره‌ای از کالبد دریده و پاره‌پاره اوزیریس پیدا

می‌کرد آن را جان دوباره می‌بخشد. او آن اندامها را در قالبی از موم و عطر و خاک آمیخته به گندم به بخور و گوهرهای گرانبها که به بزرگی اوزیریس و همانند او ساخته بود، جانی داد. سپس کارهای جادویی و سحرآمیزی با آن پیکر کرد پس از آن که تندیس از پیکر اوزیریس فراهم شد آنرا با کتانی بسیار لطیف پوشاندند آنگاه ایزیس و نفتیس تکه جامه سوگ را در برداشتند گیسویشان کفدند و مشت بر سینه کوفتند و به زاری آوازی خواندند و از روان اوزیریس به التماس در خواستند تا به پیکره بازیافته خود برگردد. بجز پیکر اوزیریس، پیکره‌ای همانند چهره دوران زندگی اوزیریس ساختند و آنرا بسیار آراستند. پیکره یا مانده اوزیریس در پی دعاها و جادوها زندگی از سر یافت و از نانها و گوشتها و نوشابه‌هایی که برای همیشه خطر گرسنگی رایکسره از او دور کرد خورد و زندگی جاوید یافت و پس از زندگی در میان مردابها به آسمان راه شیری میان شمال و مشرق، بیشتر در سمت شمال، رفت. قلمرو آسمانی او که دارای کاخی بسیار با شکوه است.

بر روی رعایای قدیمی و وفادار او باز است و کسانی که پیرو هوروس هستند و به نیکوکاری زیسته‌اند و تعلیمات مقدس او را دریافته‌اند و راه راست در پیش گرفته‌اند در دنیای دیگر و در کنار او زندگی جاویدان و خوش و خرم خواهند داشت^(۱)

از آنجائیکه اسطوره گیلگمش ریشه بسیار قدیمی و همانندی‌های بسیاری در دیگر نقاط خاورمیانه دارد و قسمت‌هایی از آن در حقیقت نوعی فلسفه آفرینش و مرگ را بیان می‌دارد به عنوان یک سنت بین‌النهرینی قسمت‌هایی از آن به تفکرات انسان در رابطه با مرگ و جهان پس از آن مربوط می‌شد در زیر آورده می‌شود.

خدایان تصمیم می‌گیرند انکیدو باید بمیرد. انکیدو در خواب می‌بیند که او را به جهان زیرین می‌برند و نرگال او را به یک شیخ تبدیل می‌کند. رویای انکیدو توصیف ذهنیت سامی از جهان زیرین را در بر می‌گیرد و نقل آن ارزشمند است:

او، خدا، شکل مرا دگرگون کرد،

انسان که دستانم همچون دستان پرندگان بود.

۱- مارگریت دی ون داستانهای مصر باستان جلد اول ترجمه اردشیر نیکپور چاپ دوم بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶، ص. ۶۰-۵۰

بانگاهی به من، مرا به خانه تاریکی بود، سکونتگاه ایرکال لا به خانه‌ای که برای آن کس که وارد می‌شود بیرون‌شدنی نیست،

در راهی که از آن بازگشتی نیست.

به خانه‌ای که نور از ساکنان دریغ می‌شود،

آنجا که خورشتشان غبار است، و غذایشان خاک

چون پرندگان پوشیده‌اند، بال به جای لباس

و نوری نمی‌بیند، با سکونت در تاریکی

آنگاه انکیدو بیمار می‌شود و می‌میرد، و شرح روشنی از اندوه گیلگمش و آئین سوگواری که

به خاطر دوستش برگزار می‌کند داده می‌شود. این آئین یادآور مراسم سوگواری آشیل برای

پاتروکلوس است در این بخش اسطوره اشاره‌ای دارد به این که مرگ تجربه‌ای تازه و هولناک است.

حماسه گیلگمش پاتروکلوس را در حالی تصویر می‌کند که از همانند انکیدو شدن می‌هراسد.

به همین جهت به جستجوی بی‌مرگی بر می‌آید که بی‌حاصل است^(۱)

لطیف‌ترین قسمت حماسه و برجسته‌ترین قسمت ادبی آن کوششی است که اوتوما پیش دیم

برای توضیح مرگ برای گیلگمش می‌دهد:

هیچ کس مرگ را نمی‌بیند.

هیچ کس چهره مرگ را نمی‌بیند.

هیچ کس صدای مرگ را نمی‌شنود

مرگ وحشی فقط انسان را بر زمین فرو می‌کوبد

گاهی خانه‌ای می‌سازیم، گاهی آشیانه‌ای برپا می‌کنیم

سپس برادران آنرا به ارث می‌برند و میان خود قسمت میکنند گاهی خصومت بر زمین حاکم میشود.

سپس رودها طغیان می‌کنند و سیل جاری می‌شود.

سناجک‌ها دستخوش جریان آب رودخانه می‌شوند.

و چهره آن‌ها به چهره خورشید مانده است.

۱- ساموئل هنری هوک، اساطیر خاورمیانه، مترجمان علی‌اصغر بهرامی، فرنگیس مزداپور چاپ دوم تهران ۱۳۷۲ ص ۶۸۶۹

سپس ناگهان هیچ چیز وجود ندارد.

خوابیدن و مرگ درست مانند یکدیگرند.

تصویر مرگ را نمی‌توان کشید^(۱)

اصل اعتقاد به ارواح و زندگی پس از مرگ در کلیه اقوام بشری در ملل مختلف دنیا وجود دارد برای استحکام بحث جنبه آئینی در پایان نمونه‌های دیگری ذکر می‌شود. اسپنسر می‌گوید "نخستین درک اقوام اولیه از وجود مافوق طبیعی، درک نفوس مردگان است که انسان ابتدایی بر حسب این فکر از آنچه در عالم رؤیا دیده است، اشباح نفوس را می‌سازد. اقوام ابتدایی در مقابل این نفوس عباداتی بجا می‌آورند و بدین ترتیب پرستش نیاکان بوجود می‌آید که خود منشاء کشیهای دیگری خواهد بود"^(۲) به نظر موافقین این نظریه منشاء اعتقاد به فتیش و پرستش جانوران و گیاهان را نیز باید در مانسیم جستجو کرد. زیرا فتیشها در بدو امر قسمتهایی از جسد مومیایی شده مرده بودند که مانند اشیاء مقدس نگهداری می‌شده‌اند و حیواناتی که در مقابر و پهلوی جسد مرده‌ها دیده می‌شوند. به مثابه ارواح تغییر شکل یافته روان مرده محسوب می‌شود^(۳)

به نظر ویل‌ورانت انسان ابتدایی از اینکه اشباحی در خواب بنظرش رسید و مخصوصاً کسانی که به یقین می‌دانسته است که مرده و از دنیا رفته‌اند، در خواب بر او تجلی می‌کرده‌اند، سخت در اندیشه و شگفتی فرو می‌رفته و دچار ترس و وحشت می‌شده است. او مردگان را با دست خود در خاک می‌گذاشت پس از بازگشت او در امان بماند و مخصوصاً همراه مرده غذا و مایحتاج دیگر وی را در داخل گور می‌کرد که نیازی به بازگشت نداشته باشد و زندگان از شر او در امان بمانند. درست است که این نظر ویل‌ورانت قابل تردید است و در دور آن نوسنگی شخص مرده جزئی از خانواده به شمار می‌رفته است ولی تقابل دو جریان گفته شده را می‌رساند.

بابلیها اعتقاد داشتند که ارواح همه مردگان به زیر می‌روند در آنجا گرفتار عذابند یعنی

۱- هرتا مک‌کال اسطوره‌های بین‌النهرین ترجمه عباس مخبر چاپ اول تهران ۱۳۷۳ ص ۶۵

۲- نصرالله باب‌الحوایجی روح در قلمرو دین و فلسفه تهران، دریا، ۱۳۴۵ ص ۱۳

۳- همان، ص ۱۴

می‌گفتند روح انسان در قبر نیز همراه اوست و این روح را ادمو می‌خواندند به همین سبب مردگان خود را در گور روی حصیر می‌گذاشتند و کنار او خوراکی و پوشاکی قرار می‌دادند به این امید که پس از مرگ ارواح، حفاظت گور و تن مرده را بعهدہ گرفته تا مرده زندگی زیرزمینی خود را آغاز کند آنگاه از خوراکیها بخورد و از پوشاکیها بپوشد و روی حصیر بخسبد.^(۱)

۱- همان، ص ۲۰-۱۴

۲-۷. بررسی جنبه‌های عملکردی در تدفین

۱-۲-۷. گل‌اخرا

اخرا یک کلمه یونانی است^(۱) و یک نوع خاک رس است که با املاح آهن آمیخته شده و در نتیجه به رنگ زرد، نارنجی، قرمز، قهوه‌یی درآمده باشد. در بعضی از سواحل و در جزایر جنوبی ایران از قبیل جزیره هرمز به فراوانی موجود است. و آنرا استخراج می‌کنند. و در نقاشی و رنگ‌کاری به کار می‌برند سابقاً نوعی از آنرا برای بندآوردن خون استعمال می‌کردند. گل مختوم نوعی از آن است به نامهای گوناگون دیده می‌شود: ارتکال، ارتکین، گلک، فاده گل‌اخرا^(۲)

در مناطق مختلف ایران دارای نامهای مختلفی است و جهت مقاصد مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تنها نمونه‌های بدست آمده از تپه حاجی فیروز تجزیه و تحلیل شیمیایی شده است و خلاصه آزمایش یک نمونه از آن در این تپه به شرح زیر است:

نمونه‌های آزمایش شده برای این بوده است که آیا نمونه‌ها حاوی اخرای قرمز هستند یعنی حاوی هماتیت یا اکسید آهن $F_{e_2} O_3$ می‌باشند؟

کلوخه‌ای از ماده قرمز از F_{11} تدفین 3

این نمونه گل‌اخرای قرمز رنگ است که حاوی ۵۸/۴ درصد اکسید آهن

۲۲/۵ درصد مواد محلول در اسید کلریدریک احتمالاً سیلیس یا سیلیکات هیچ مقداری از اکسید آلومینیوم وجود ندارد و مقدار کمی اکسید کلسیم^(۳) استفاده از گل‌اخرا در تدفین پیش از تاریخ در سرتاسر بین‌النهرین و ایران سابقه دارد و از نظر زمانی و مکانی در محوطه جغرافیایی بسیار وسیع و به مدت زمان بسیار طولانی مورد استفاده قرار گرفته است همین نکته یکی از دلایل وجود جنبه عملکردی برای گل‌اخرا در تدفین است دلیل دیگر وجود تجارب مستقیم حاصل از مشاهده برای

۱- علی اکبر دهخدا لغت‌نامه دهخدا شماره مسلسل شش چاپخانه مجلس ۱۳۲۸ ص ۱۵۰۸

۲- محمد معین فرهنگ فارسی جلد اول، تهران، امیرکبیر ۱۳۴۲، ص ۱۷۱

3. Mary Voigt, Ibid, p. 339

گل‌اخرا در چندین منظور مختلف و مهم‌تر از همه دلایل بهداشتی و حفاظتی آن است. قدیمترین نمونه استفاده از گل‌اخرا در منطقه خاورمیانه مربوط به عین ملاحه در دوره ناتوفیان و به صورت رنگ‌آمیزی روی اندود احتمالاً آهکی با تاریخی بیش از ۹۰۰۰ پیش از میلاد است^(۱)

در نمونه‌های متعددی در دوره ناتوفیان گل‌اخرا قرمز بر روی استخوانها در عین ملاحه و وادی فلاح ظاهر می‌شود. در شنیدار و زاوی‌اش و کریم شهیر نیز وجود گل‌اخرا هم در میان بقایا و هم در بعضی قبور گزارش شده است^(۲) تعدادی قبور گل‌اخرای قرمز او هر دو جنس زن و مرد در چاتال هویوک یافت شده‌اند.^(۳)

در اکثر مکانهای پیش از تاریخی ایران تا ۵۰۰۰ پیش از میلاد گل‌اخرا مورد استفاده بوده است. این استفاده هم در روستا و هم در قبور گزارش شده است بعلت محدودیت حفاری نمی‌توان استفاده از گل‌اخرا را در مکانی متفی دانست.

غار کمر بند: احتمالاً قدیمترین آثار مربوط به استفاده از گل‌اخرا در تدفین از این غار بدست آمده است. پنج کلوخه مناسب برای رنگ‌آمیزی از گل‌اخرا و از طبقات مختلف همچنین دو بزک‌ساب که بقایای از گل‌اخرا در آنها موجود بوده است از این غار یافت گردیده است^(۴)

تپه آسیاب: از این تپه دو تدفین گزارش گردیده است که یکی از آنها دارای گل‌اخرای قرمز می‌باشد این تدفین بصورت درازکش و کاملاً آغشته با اخرا بود این دو تدفین در رابطه با گودال بیضی بزرگ نیمه زیرزمینی قرار داشتند و به عنوان شاخص استقرار و فعالیت فرهنگی جالب توجه هستند از نظر حفار آسیاب یک اردوگاه در فضای باز و متعلق به ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌باشد^(۵)

از نظر وجود گل‌اخرا در سایت‌های پیش از تاریخی این دوران تقسیم‌بندی زیر را می‌توان ارائه کرد:

-
1. James Mellaart, Ibid, P. 36
 2. James Mellaart, Ibid, P. 72-75
 3. James Mellaart, Ibid, P. 102
 4. S. Carlton coon, Ibid, P. 117
 5. R - J BRAID WOOD , Ibid, pp 115 - 117

الف - تپه‌هایی که در آنها تمامی تدفین‌ها یا حداقل تدفین‌های بزرگسالان دارای اثراتی از گل‌اخرای قرمز رنگ می‌باشد.

ب - تپه‌هایی که اثرات گل‌اخرا در معماری یافت می‌شود احتمالاً تدفین‌هایی با این معماری در ارتباط باشند.

یکی از این نمونه‌ها مربوط است به تپه گوران، در این تپه یک حیاط باز با کف فلدسپار وجود داشت که در گلی که با اخرای قرمز رنگ شده بود قرار داده شده بودند این کف از ترانسه G_1 طبقه J یافت شد.

مادام که حفاری این تپه‌ها کامل نشده است نمی‌توان نسبت به عدم کاربرد اخرای قرمز اظهار نظر کرد.

نتایج آماری نشان می‌دهد که بیش از ۳۶/۶ درصد کل قبور مطالعه شده در چهارده سایت مربوط به دوره‌های متفاوت زمانی تا ۵۰۰۰ پ.م دارای اثرات گل‌اخرا می‌باشد.

بجز گنج دره و چغامیش و غار هوتو تقریباً در تمامی سایت‌ها آثاری از گل‌اخرا بدست می‌آید که نشاندهنده عملکردی بودن گل‌اخرا می‌باشد.

از نظر اثرات گل‌اخرا در قبور نیز می‌توان تقسیم‌بندی را انجام داد

الف قبوری که در محوطه یا نزدیک محوطه‌ای قرار دارند که با گل‌اخرای قرمز رنگ آمیزی شده‌اند.

۱- قبوری که اثرات گل‌اخرا در داخل قبر و نزدیک جسد دیده می‌شود.

۲- قبوری که اثرات گل‌اخرای قرمز بر روی بقایای جسد دیده می‌شود و از نظر کمیت به دو

گروه کم و کاملاً آغشته تقسیم می‌شوند و از نظر قسمت‌هایی از اسکلت که دارای اثرات گل‌اخرا می‌باشد به دو گروه نسبی سر و قسمت‌های فوقانی و کلیه بدن تقسیم می‌شوند.

از طبقات I, II سیلک تعداد یازده تدفین بزرگسال بدست آمده است که همگی به گل‌اخرای

قرمز آغشته بودند. بنا به اظهار نظر حفار استفاده از گل‌اخرا و نشانه‌های آن بر روی مجموعه‌ها در

دوره II سیلک کمتر از دوره I می‌باشد (۱)

اسکلت کودکان نیز در این تپه دارای آثاری از گل‌اخرا می‌باشد. آثار معماری پوشیده شده از گل‌اخرا در این تپه دیده می‌شود. (۱)

زاغه: در تقریباً تمامی اسکلت‌های افراد بزرگسال و نوجوان اثراتی از گل‌اخرای قرمز رنگ موجود است. (۲)

تپه علی‌کش:

یک تدفین احتمالاً ثانوی در تپه علی‌کش یافت گردید که حداقل سه فرد بزرگسال دارای اثراتی از گل‌اخرا بودند (۳)

در فاز محمدجعفر تدفین شماره ۸ قرار داشت که یک توده از گل‌اخرای قرمز رنگ زمین را از نزدیک شانه راست رنگی کرده بود.

چغاسفید فاز سفید و سرخ: تدفین‌های یافت شده همگی دارای اثراتی از گل‌اخرا هستند. (۴)

تپه حاجی فیروز: گل‌اخرای قرمز در تدفین‌های صندوقه‌ای بجز یک مورد در حاجی فیروز یافت شده‌اند. در بعضی نواحی آثار این ماده رنگی ناچیز و در بعضی قسمت‌های صندوقه کاملاً آغشته به این مواد بوده‌اند. بیشتر قسمت‌های فوقانی و سر دارای این اثر بوده است. (۵)

برای انواع استفاده از گل‌اخرا در مناطق روستایی ایران شواهد و مثالها و منابع مختلفی وجود دارد. یکی از این منابع مربوط به منطقه طالش ایران است. در این منطقه اسکلت دیوارها را از چوب می‌سازند. در نزدیکی جنگل دیوارهایی که از تنه درخت ساخته شده‌اند، دورگون یا دارگون، در دشت و دره‌هایی که در توده کوهستانی نفوذ نکرده‌اند، اکثریت دارند. قسمت فوقانی تنه‌ها را به نحوی می‌کنند که تیرهای عمودی در آنها فرو برند. اگر ایوان وجود دارد آن را یک متر تا یک متری در

1. R. GHIRSHMAN, Ibid, 1938, P. 11

۲- صادق ملک شهیرزادی، پیشین، ص ۲

3. F. Hole ~~et al.~~, Ibid, P. 248

4. F. Hole, Ibid, PP. 91- 93

5. Mary Voigt, Ibid, PP. 79-94

جلوی این دیوارها و گاهی در هر چهارطرف خانه درست می‌کنند که این حالت معمولاً در دره‌های جنوبی مانند کشت رودخان قلعه رودخان و سیاه مزگی دیده می‌شود.

تلار از جایگزین کردن دیواری که با تنه درختان ساخته شده توسط یک ردیف ستون حاصل می‌شود. این اسکلت‌های چوبی رابا کاهگل پر می‌کنند. که از مخلوط گل و کاه برنج خرد شده بدست می‌آید از روی این کاهگل اولیه زمخت روکش دیگری نیز از گلی و پوسته برنج می‌کشند و آن را به وسیله یک ماله و یا جارو صاف می‌کنند. به این مخلوط گل‌اخرای زرد و یا قرمز نیز مخلوط می‌کنند تا به نمای ساختمان رنگ زرد و یا مایل به قرمز بدهد. بعضی اوقات نقش و نگاری نیز با انگشتان بر روی روکش گلی روی نماهای ساختمان و یا داخل اطاقها رسم می‌کنند. همچنین روکشهایی را نیز می‌توان یافت که با اضافه کردن آهک رنگ سفید به نمای ساختمان داده‌اند ولی تعدادشان چندان زیاد نیست^(۱)

در کتاب شعر استاد شهریار شاعر فقیه آذربایجانی نسبت به استفاده از گل‌اخرای قرمز در روستای خشک‌ناب آذربایجان اشاره شده است.

در این روستا هر نوروز ایوانها را با اخرای قرمز رنگ‌آمیزی می‌کرده‌اند تعدادی از ابیات حیدربابا که در یکی از آنها به این موضوع اشاره می‌شود چنین است:

بایرامیدی، گچه‌قوشی اوخوردی

آداخلی قز، بیک جورابین توخوردی

هرکس شالین بیر باجاوان سوخوردی

آی نه گوزل قایدادی شال سالامان بیک شالنا بایراملغین باغلاماق شال ایستدیم منده او ده

آغلادیم

بیرشال آلوب‌تر بلیمه باغلادیم

غلام گله قاشدیم شالی سالادیم

۱- مارسل بازن طالش منطقه‌ای قومی در شمال ایران ترجمه مظفر امین فرشچیان جلد اول، آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۷ هـ. ۲۵۲

فاطمه خالا منه جوراب باغلادی خان ننه می‌یاد اسالوپه آغلاوی

حیدر بابا میرزمدین باخجاسی

باخچالارین ترشاشیرین آکچاسی

گلینلرین دوزمه‌لری طاخجاسی

هی دوزولر گوزلریمین رفته خیمه دورار خاطرهلر صفنده

بایرام اولوپ قزیل پالچیق از لدر

ناقیش دوروب اطاقلاری بزلالر

طاخچی لار دا دوزمه‌لری دوز لدر

قزگلینین فندیقچاسی، حناسی هوسلتر آناسی، قایناناسی^(۱)

برای گل‌اخرا و دیگر گل‌های معدنی رنگی کاربردهای فراوانی در نقاط مختلف ایران وجود دارد برای نقاشی ساختمان، برای پوشش خارجی ساختمانها، برای قسمت‌های داخلی طویله‌ها، برای سطح داخلی تنور، برای درمان زخم، بصورت مخلوط با فضولات یک نوع گل رنگی سبز مایل به خاکستری به نام ارتورپاق برای پوشش کندوهای عسل سستی در روستاهای ایران استفاده می‌شده است در نقاط مختلف ایران به اسامی مختلف و دارای استفاده‌های گوناگون است در کبوترخان‌ها گل‌اخرای قرمز برای دور نگهداشتن مار و موش استفاده می‌شود. با عنایت به قبور موجود در تپه زاغه که اکثریت آنها سالم مانده دلیلی جز وجود گل‌اخرا برای این سالم ماندگی نمی‌توان تصور کرد در مناطق مختلف آذربایجان استفاده از گل‌های معدنی رنگی برای دور نگهداشتن حشرات و جوندگان و مار و دیگر حیوانات موذی است مردم محل بنا به تجربه پی به خاصیت این مواد بوده‌اند استفاده از اخرای قرمز بیشتر و در ابتدا برای این جنبه عملکردی بوده و جنبه آئینی در درجه دوم اهمیت قرار داشته است در بخش هزار جریب چهاردانگه شهرستان نکای مازندران در مسیر جاده روستاهای گل‌یستان، زران‌دین علیا، چلمردی، خیرآباد قرار دارند با اینکه توسعه، مناطق قدیمی روستایی را از بین برده ولی در روستای زران‌دین علیا تعدادی خانه‌های سستی باقی مانده که به طور استثنایی مصرف چهار نوع گل رنگی رانشان

۱- محمدحسین شهریار، حیدربابا به سلام چاپ سوم تبریز حقیقت ۱۳۴۷ ص ۳۸-۳۷

می‌دهند اولی گل‌اخرای قرمز رنگ و بقیه به رنگهای سفیدک‌شیری یا کرم‌رنگ و قهوه‌ای می‌باشند در پرس‌وجو از اهالی متوجه شدم که جنبه نظافتی و بهداشتی این مواد مورد توجه است این گل‌های رنگی در سطوح خارجی بناها اغلب به صورت دو رنگ مورد استفاده قرار می‌گیرند. معدن‌های این چهارگل معدنی در کوهستان و در نزدیکی روستاهای در مزار و لموند قرار دارند این منطقه به خط مستقیم چیزی حدود ۳۰ الی ۴۰ کیلومتر بیشتر با غار کمربند که سابقاً سر راه بهشهر نکا قرار داشته است، ندارد.

از آنجا که کمربند قدیمترین نمونه‌های استفاده از گل‌اخرای قرمز را نشان می‌دهد. استفاده از این مواد یک سنت چندین و چندین هزارساله را بی‌وقفه نشان می‌دهد و باز یکی از دلایل عملکرد این مواد را نشان می‌دهد.

در منطقه ارونق و انزاب آذربایجان شرقی و در نزدیکی شهر شبستر استفاده از گل‌اخرای زرد نارنجی در طویله‌ها مرسوم است و نوعی دیگری از گل رنگی به نام ارتوپراق را برای نقاشی اتاقها و نمای خارجی ساختمانها بکار می‌برند طریقه تهیه ارتوپراق چنین است که کلوخه سفت و سنگی را به مدت یک الی دو شبانه‌روز در آب می‌خیسانند سپس این مواد ورقه‌ورقه شده و تبدیل به نوعی خمیر با قوام رنگی می‌شود که خاصیت بسیار خوب چسباندگی دارد و برای دور نگهداشتن حشرات نیز بسیار موثر است. در روستاهای نزدیک صوفیان در مسیر الینجه، روستاهای امند - مزرعه - زین‌آباد - سار - کلان‌کش - ایونو - ترب - کهل - النیجه قرار دارند. در کوه‌های این مناطق انواع خاک‌های معدنی رنگی و انواع اخرا با چشم قابل رویت است و از نظر تنوع بسیار حائز اهمیت‌اند امروز، در این منطقه فقط نوع قهوه‌ای اخرا مورد مصرف قرار می‌گیرد هم در ساخت تنور هم در رنگ‌آمیزی قسمتهای داخل ساختمان این رنگ به صورت کلوخه نرم است و رنگ آن به قرمز متمایل است در توپ دو الی سه خانه دارای این رنگ باقیمانده است.

در پیرایوند که بقعه‌ای با پلان چهارگوش است و سقف مسطحی دارد و داخل آن متاسفانه در اثر حفاری قاچاق از بین رفته است و بقعه‌ای نسبتاً قدیمی این اندودها در طی مدت‌های زمانی طولانی مورد مصرف قرار گرفته‌اند.

۲-۲-۷- بررسی امکان وجود دیگر مواد معدنی رنگی

ما بکارگیری این مواد را به طور مستقیم بر روی اجساد از مکان پیش از تاریخی چاتال هویوک در آسیای صغیر می‌شناسیم:

بنابر گزارش ملارد از میان حدوداً ۴۰۰ اسکلت یافت شده از چاتال هویوک یازده تدفین منفرد یافت می‌شود که با اثراتی از گل‌اخرای قرمز یا سینابر^۱ که اکسید جیوه است و روی مجموعه‌وسایر قسمتهای بدن دیده می‌شود.

این اشاره از طرف ملارد دلیل بر استفاده از اکسید جیوه در تدفین است اثرات رنگ سبز در سه تدفین از طبقات VI و VII دیده شده است در یک نمونه استخوانها یک فرد مذکر را پوشانده در مورد دیگر اثراتی این رنگ در قسمت ابروهای یک مجموعه مونث یافت شده است این رنگ دانه احتمالاً ملاشیت گرین^(۲) است همچنین در محدوده گردن ده اسکلت مذکر و مونث در طبقات VI و VII آثاری از لاجورد آبی^(۳) یافت شده است^(۴)

هنوز کاملاً مشخص نیست استفاده از این مواد دارای جنبه‌های عملکردی یا آئینی است ظاهراً جنبه آئینی استفاده از این مواد قوی‌تر است بهرحال این موضوع را می‌توان از دیدگاه زیباشناسی نیز مورد توجه قرار داد مدارکی وجود دارد که استفاده از این مواد را در ایران ثابت می‌کند. علت عدم وجود گزارش‌های صریحی از استفاده از این مواد این است که محدوده استفاده از این مواد در روی استخوانها کوچک است و یا حفار نمی‌تواند تمایزی ما بین رنگ این مواد و خاک قایل می‌شود. بهرحال استفاده از چنین موادی و در رنگهای مختلف در معماری نیز گزارش شده است تعدادی از این مدارک که بر بکارگیری این مواد در ایران دلالت می‌کند چنین است:

تپه حاجی فیروز: تمام دیوارهای درونی صندوقه ۱ در F₁₀ تدفین 1 آغشته به یک لایه نازک‌اندود آهکی سفید عالی است. نشانه‌هایی از رنگدانه‌های سیاه روی سطح‌اندود آهک

1. Cinnaber

2. malachite green

3. blue azurite

4. James Mellard, Ibid, pp. 207-208

نشان‌دهنده رنگ‌شدن این محل است اندود تزئینی تا نمای دیوار خانه پشت صندوقه ادامه می‌یافت تجزیه و تحلیل اندودهای بکار برده شده و قطر آن توسط گروه حفاری حاجی فیروز انجام پذیرفته است اندود دیوار D در سمت غرب ساختمان II شامل پنج قطعه بزرگ و تعدادی قطعه کوچک از مواد خاکستری نخودی است. بر روی سطح قطعات متعدد یک لایه سفیدرنگ وجود داشت. احتمالاً مواد و رنگدانه‌های سیاه یافت شده تشکیل یک تزئین جناغی را داده‌اند.^(۱)

تپه گنج دره: در داخل یک تابوت خشتی که از گنج دره بدست آمد اجساد سه اسکلت قرار داشتند که بر روی یک لایه ضخیم از ماده پودرمانند خاکستری رنگ قرار گرفته بودند گزارشی از تجزیه این ماده دیده نشده است و اسمیت احتمال وجود آهک سوخته را می‌دهد.^(۲)

تپه زاغه: در گور شماره ۲ که فقط قسمتی از مجسمه آن باقی مانده بود و بر بالای آن یک بزک‌ساب مرمری بدست آمد که چانه کوچکی از رنگ لاجورد در آن باقی بود با گور شماره ۱ نیز یک بزک‌ساب مرمری که هنوز بقایای رنگ آبی لاجوردی در داخلش قابل تشخیص بود بدست آمد با اینکه اثر رنگ بر روی اسکلت‌ها بدست نیامد اما وجود اثرات رنگ در بزک‌ساب‌ها نشان‌دهنده استفاده از رنگ آبی لاجوردی است.^(۳)

همچنین کاربرد این مواد نامعلوم است و فعلاً به علت فقدان مدارک هیچ اظهار نظری نمی‌توان کرد.

۳-۷- بررسی جنبه‌های ساختاری در تدفین

منظور از جنبه‌های ساختاری، پدیده‌هایی که در اثر خاصیت مواد و ذرات تشکیل‌دهنده اجسام حاصل می‌شود. خاصیت‌های فیزیکی و شیمیایی اجسام سبب ایجاد حالاتی می‌شود که ما نباید آنرا در جنبه‌های دیگر داخل و وارد کنیم. هنوز این خاصیت‌ها به طور کامل شناسایی و مشخص

1. Mary M. Voigt, Ibid, Appendix A

2. Philip E. L. SMITH, Ibid, p. 167

۳- صادق ملک‌شهمیرزادی، پیشین، ص ۷-۹

نشده است و ما در این مبحث هرگز وارد نخواهیم شد زیرا این مسئله نیازمند تحقیقات مفصل و کامل است. یک نمونه قابل ذکر رنگی شدن استخوانهاست. در اثر تجزیه گوشت اجساد و همینطور پایداربودن مواد رنگی بخصوص گل اخرای قرمز استخوانهای اجساد قرمز می‌شود که حفاران بعضاً آنرا دلیلی برای تدفین ثانوی می‌دانند که این مسئله با توجه به دلایلی که در پایان‌نامه تاکنون آورده شده است صحیح نیست برای مثال در غار کمر بند اثرات گل اخرای قرمز بر روی استخوان از طرف حفار دلیلی بر تدفین ثانوی عنوان شده است^(۱)

نمونه دگر فقدان قطعاتی از استخوانهاست که تدفین ثانوی قلمداد شده است در حالیکه جزء جنبه‌های ساختاری در تدفین است.

۴-۷. رابطه جنبه‌های ذکر شده با یکدیگر

این جنبه‌ها را نمی‌توان بطور کامل از یکدیگر متمایز کرد در حقیقت این تقسیم‌بندی جهت شناخت و درک بهتر مسایل مطروحه در تدفین انجام شده است. در رابطه با جنبه‌های عملکردی و آئینی رابطه مستقیمی وجود دارد منتها در هر دوره‌ای یکی از آنها بارزتر و مشخص‌تر بوده است. اصولاً اعتقاد بر این است که آداب و رسوم متداول در میان جوامع اولیه دارای جنبه‌های عملکردی بوده و پس از مدت زمانی طولانی آن جنبه‌ها فراموش شده یا تغییر شکل یافته و به عنوان یک سنت صرف در طول تاریخ تکرار شده است چنانچه در عشایر و روستاهای ابتدایی در ایران استفاده از حنا و یا دیگر رنگهای طبیعی در تدفین برای جلوگیری از فساد مرسوم است و در بعضی روستاهای ایران در قدیم چهره زنان محترم ربا رنگ پس از مرگ می‌پوشاندند تا به حالت خوش وارد بهشت شوند این اعمال دنباله استفاده از گل اخرا در تدفین است که هم دارای جنبه آئینی و هم دارای جنبه عملکردی است درباره هر یک از این جنبه‌ها قبلاً به اندازه کافی بحث شده است.

جنبه‌های ضروری را به عنوان استثناء می‌توان مطالعه کرد و جنبه‌های ساختاری جهت شناسایی ماهیت تدفین موثر است بنابراین این طرز تفکر که هر چه قابل توجه نیست مربوط به آئین و مذهب می‌شود در پدیده تدفین مردود است.

1. S.C. Coon, Ibid, p. 37

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

کوشش همه جانبه جهت شناخت وضعیت تدفین در این دوره یعنی از آغاز تا ۵۰۰۰ پ.م انجام گردیده است. علاوه بر روشهای مردم باستانشناسی از روشهای دیگر علوم نیز برای استحکام فرضیه‌ها استفاده شده است.

ناقص بودن حفاری‌ها و گزارشات منتشر شده و نبودن گزارشاتی متکی بر آزمایش‌های علمی نتیجه‌گیری منطقی را بسیار مشکل کرده است. اما ادعای ما این است که ماهیت کلی پدیده‌های موجود در تدفین را آشکار کرده‌ایم بدین ترتیب روش نوینی در مطالعه قبور در این دوران و حتی دوره‌های بعدی بدست آمده است. آینده صحت و سقم ادعا را به اثبات خواهد رسانید.

آنچه از بررسی انواع تدفین نتیجه‌گیری می‌شود این نکته است که تدفین در دوره‌های زمانی مختلف با بافت و ساختمان استقرار هماهنگی دارد.

در ابتدای این دوره تدفین گودالی دیده می‌شود که هماهنگ با وضعیت استقرار یعنی گودالهای نیمه مدور زیرزمینی است که در تپه آسیاب نیز دیده می‌شود.

در دوره‌روستانشینی انواع تدفین‌های زیرکف دیده می‌شود از آنجائیکه احتمالاً می‌توان بین آئین‌های روزمره زندگی و آئین‌های مرگ تفاوت‌هایی قایل شد بنابراین ممکن است مناطق روستا نیز به این دو دسته تقسیم شده باشند

بنابراین احتمال وجود تدفین‌های زیرکف در محوطه‌های مخصوص را نباید از نظر دور نگهداشت. در بررسی قبور برای صحت وجود قبرستان نباید به آمارهای انسانی رجوع کرد زیرا بعلت عدم وسعت محدوده‌های حفاری شده نتیجه‌گیری منطقی مقدور نیست. بنابراین با اینکه قبرستان در دوره‌های بعدی و احتمالاً از آغاز شهرنشینی به بعد در ایران رایج شده است مع‌الوصف از این محوطه‌ها احتمالاً برای افراد بخصوص استفاده شده است. هنوز مدارک برای بررسی این نظریه کافی نیست بنابراین در هنگام حفاری اطراف محل یافت تدفین‌ها باید بدقت مورد مطالعه قرار گیرد در این مورد توجه به وجوه زمینه‌ای در تدفین مهم است یعنی محل تدفین در ارتباط با آثار دیگر مورد بررسی قرار گیرد و ارتباط قبور با آنها روشن شود. تدفین‌های خمره‌ای احتمالاً بیشتر جنبه‌های عملکردی

را مطرح می‌کنند تا جنبه‌های آئینی که از فلسفه زادن و دوباره زادن ناشی می‌شوند. باید توجه داشت این نوع تدفین بیشتر در محدوده فلات مرکزی ایران گزارش شده‌اند. تدفین‌های صندوقه‌ای تابوت خشتی و تدفین‌های تپه زاغه موارد نادری هستند که محلی بودن خصوصیات فرهنگی تدفین را در ایران و در این دوره مورد تاکید می‌سازند. زیرا این گونه تدفین‌ها از مناطق دیگری تاکنون گزارش نشده‌اند. علاوه بر این تدفین‌های صندوقه‌ای، تدفین ثانوی و وجود جنبه‌های آئینی ویژه‌ای را نشان می‌دهند. وضعیت تدفین در رابطه با سن و جنس پدیده خاصی را نشان نمی‌دهد بجز این نکته که احتمالاً در تدفین‌های جمعی اعضاء و افراد یک خانواده بخاک سپرده شده‌اند.

این مسئله گویای این نکته است که به اجساد به عنوان جزیی از اعضاء یک خانواده توجه شده است. نوزادان و خردسالان این امتیاز را داشته‌اند که در نقاط بخصوص احتمالاً در قسمت‌های مسکونی بخاک سپرده شوند.

در رابطه با طرز قرارگیری اجساد گوناگون حالات موجود باید توجه شود این احتمالاً به این دلیل است که متغیرهای بسیاری شاید جنبه‌های ضروری در این مسئله دخیل هستند. حالات مشخص و اهداف آئین خاصی از قرارگیری بعضی از اندامها در نظر بوده است اما هنوز مدارک برای اظهارنظر صریح کافی نیست برای مطالعه طرز قرارگیری اجساد در قبور ابتدا شناسایی حالات قرارگیری اجساد توصیه می‌شود. حفاران اغلب برای یک مورد مشخص اسامی متعددی پیشنهاد کرده‌اند در صورتیکه به عنوان نمونه در حالت جمع شده به نظر می‌رسد سه حالت فرعی وجود داشته باشد که این سه حالت عبارتند از کمی جمع شده، نیمه جمع شده و کاملاً جمع شده که در بسیاری موارد به حالات دیگر تعبیر می‌شوند.

بنابراین برای رسیدن به یک نتیجه معقول استفاده از آمار و یک زبان واحد برای طرز قرارگیری اجساد ضروری به نظر می‌رسد. از ضرورت‌های خاص که در این مورد وجود دارد که بگذریم بعضی جنبه‌های آئینی نیز برای طرز قرارگیری اجساد مورد تصور است. بعلاوه خاص نمی‌توان از اثر عوامل جغرافیایی که در طرز قرارگیری اجساد متصور است صرفنظر کرد با اینکه اعتقاد ما بر این است که مدارک کافی برای طرح این نظریه در دسترس نمی‌باشد. تقسیم‌بندی مواد و آثاری که از قبور و در ارتباط با آن بدست می‌آید در سه دسته ذکر شده تقریباً قطعی و مشخص به نظر می‌رسد. اساس این

تقسیم‌بندی مطالعه طرز عملکرد اشیاء و احتمال آئینی بودن آنهاست. بدین ترتیب آن گونه از اشیایی که جنبه آئینی صرف دارند از بقیه اشیاء جدا گشته‌اند. این اشیاء همان هدایای قبور هستند بنابراین برای مطالعه این دسته از آثار یافتن عملکرد برای آنها بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

وجود هدایای غنی یا تزئینات شخص غنی در بعضی از قبور بدست آمده از این دوران بخصوص در تپه علی‌کش یا سراب نشانه وجود اشخاص از طبقه فرهنگی یا اجتماعی برتر است. بنابراین وجود سازمان‌های اجتماعی هرچند بصورت بسیار ابتدایی در این گونه جوامع اولیه روشن می‌شود. بنابراین یکبار دیگر اهمیت مطالعه قبور برای شناخت جوامع پیش از تاریخ روشن می‌شود. وجود سنگهای صیقلی و غیرصیقلی در کنار تدفین‌های این دوره نشانه وجود آئین‌ها و رسم‌های آئینی است. تدفین‌های ثانوی یادآور جنبه‌های آئینی در این دوران است تنها موردی که تدفین ثانویه را می‌توان اثبات کرد تپه حاجی فیروز است.

بنابراین مطالعه استخوان‌شناسی و علوم دیگری که به نوعی با باستانشناسی در ارتباط است سبب روشن شدن هر چه بیشتر قضایا و خارج شدن آن از جنبه نظری و تبدیل آن به جنبه علمی می‌گردد.

به طور بسیار ساده آنچه سبب بوجود آمدن آئین و رسوم تدفین می‌شود وجود روابط بین انسانها و پدیده مرگ می‌باشد درجات این رفتار بین احترام و ترس متفاوت است مهمترین جنبه عملکردی در تدفین مربوط به کاربرد گل‌اخراست شناسایی این جنبه از این جهت برای ما اهمیت دارد که آن مواردی که بصورت آئین‌های دوران پیش از تاریخ معرفی شده اند اصلاح شده و در نهایت این مسئله سبب اصلاح پیش‌ساخته‌های ذهنی در میان حفاران شود. جنبه‌های ساختاری در تدفین جنبه‌هایی است که در ارتباط با ساختمان تشکیل‌دهنده مواد می‌باشند به عبارت دیگر خاصیت مواد سبب ایجاد آنها می‌شود. به این ترتیب که خاصیت ذاتی مواد معدنی موجود در استخوان در بعضی موارد سبب پوسیدن و از میان رفتن آنها می‌شود ولی در ذهن حفاران به سبب ناقص بودن استخوانها این امر تداعی می‌گردد که تدفین ثانوی بوقوع پیوسته است این مسئله را در مورد قرمز شدن استخوانها در اثر نفوذ گل‌اخرای قرمز نیز می‌توان مشاهده کرد. به طور کلی شناسایی جنبه‌های آئینی یا عملکردی و ساختاری در تدفین سبب شناسایی مسایل و ابعاد موجود در تدفین می‌گردد.

آنچه که سبب قوت مدارک مردم باستانشناسی می‌شود این امر است که بعضی پدیده‌های عملکردی و آئینی مستقل از زمان و مکان خاصی است یعنی در تمام مکانها و زمانها دیده می‌شود مانند آنچه که در مورد سنگهای صیقلی گفته شد.

احتمالاً آداب و رسوم متداول در میان جوامع اولیه بعضاً دارای جنبه‌های عملکردی بوده و پس از مدت زمانی طولانی آن جنبه‌ها فراموش شده یا تغییر شکل یافته و به عنوان یک سنت صرف در طول تاریخ تکرار شده است.

و در آخر این طرز فکر را که هر چه در تدفین عجیب و غیرقابل توجیه به نظر می‌رسد به مذهب و آیین مردم مربوط سازیم باید به دور افکنیم.

ملاحظات	تعداد	اشیاء تدفین	نوع تدفین	طرز قرارگیری	سن و جنس	تپه و دوره
گل اخرا از دوره‌های متفاوت زمانی	۳	—	گودالی؛ گل اخرا	جمع شده	دختر ۱۲ ساله بزرگسال مذکر بزرگسال مذکر	کمر بند ۱۹-۲۱ میان سنگی
گل اخرا از دوره‌های متفاوت زمانی	۲	بعضی اشیاء عالی	گودالی اولیه؟ گودالی اولیه؟	؟ ؟	مذکر بزرگسال مذکر بزرگسال	کمر بند B نوسنگی
گل اخرا از دوره‌های متفاوت زمانی	۴	چنگال زیبای استخوانی	گودالی اولیه؟	—	مؤنث مؤنث ؟ ؟	کمر بند نوسنگی بدون سفال و با سفال
	۳	؟	بصورت بسته و توده ثانوی؟ گودالی اولیه	؟	مذکر بزرگسال مذکر بزرگسال مؤنث میانسال قطعاتی از افراد چهارم؟	هوتو تراشیده D لایه چهارم

۱۲

مجموع

۱-۱- وضعیت تدفین در منطقه شمال ایران از آغاز تا ۵۰۰۰ پ.م

ملاحظات	تعداد	اشیاء تدفین	نوع تدفین	طرز قرارگیری	سن و جنس	تپه و دوره
بدون استخوان بزرگسالان	۷	بر بالای یک مؤنث سفال	؟	جمع شده؟	سه مؤنث و کودکان آنها ۱ مؤنث	سنگ چخماق شرقی لایه I ؟
بدون استخوان بزرگسالان	۱۴	—	یکی در داخل خمره بصورت تابوت زیر محل سکونت	جمع شده؟	چهارده اسکلت جمع شده خردسالان	سنگ چخماق شرقی لایه‌های ۲ و ۵ ؟
تدفین یک اسکلت بره زیر کف نزدیک دیوار فازی در طبقه چهارم تپه غربی	۲۱	—	زیر کف نزدیک دیوار	جمع شده؟	۲۱ اسکلت خردسالان	سنگ چخماق غربی
تدفین زیر کف	+۳	ظروف سفال بر بالای سر؟	کودک درخمره بزرگسال زیر کف	جمع شده پهلوی راست و چپ دستهای روی سینه؟	بزرگسال و خردسال	اسماعیل آباد
نشانه‌های اخرا روی اجساد	+۲۶	انواع سفال مهره بزرگسالان	گودالی؟ زیر کف زیر توده‌های خشتی نامنظم	انواع خمیده از پاها	بزرگسالان و کودکان	زاغه اکثراً طبقه II
نشانه‌های اخرا روی اجساد	۵	—	زیر کف زیر خشت فرش مجموع؟	جمع شده	بزرگسالان	سیلک II
نشانه‌های اخرا روی اجساد	۱۲	یک استثناء بقیه بدون اشیاء	خردسالان در ظروف سفالی با زیر کف	بزرگسالان جمع شده	خردسالان، نوزادان کودکان	سیلک I
					مجموع +۸۸	

۷-۱- جدول وضعیت تدفین در منطقه فلات مرکزی ایران تا ۵۰۰۰ پ.م

ملاحظات	اشیاء تدفین	نوع تدفین	طرز قرارگیری	سن: ۰-۱	۱-۱۴	۱۵+	تپه و دوره
گل اخرا	متنوع	سندوقهای زیر کف و خمره ثانوی	کاملاً جمع شده بر پهلوی چپ	(۸-۱۰)+	+۶	+۳	حاجی فیروز فاز C
	؟	گودالی اولیه؟	؟	؟	؟	؟	حاجی فیروز فاز B
	سفال (سنگ ساب)؟	سندوقهای ثانوی	؟	۴	۱	۰	حاجی فیروز فاز C
حاری استخوانهای حیوانی	مخروط گلی؟	تدفین در کف ثانوی	استخوانها ناقص ؟	۱	۳	۰	حاجی فیروز فاز D
	متنوع	تدفین صندوقهای ثانوی	؟	؟	؟	؟	حاجی فیروز فاز E
	متنوع	تدفین صندوقهای ثانوی	جمع شده ؟	۵	۱	؟	حاجی فیروز فاز F _۱
	ظروف سفال در قسمت شمالی متنوع	تدفین صندوقهای ثانوی	پراکنده بعضی جمع شده بر پهلوی چپ	۱۰	۱	؟	حاجی فیروز فاز F-G
	ظروف سفالی نزدیک تدفین	گودالی اولیه	جمع شده دست زیر سر	۰	۲	۰	حاجی فیروز فاز G-H
	---	گودالی ثانویه؟	بر پهلوی راست؟	۱	۰	۰	حاجی فیروز فاز L
	---	گودالهای کم عمق در داخل مناطق مسکونی	؟	+۲۴			یاقوت تپه نوسنگی جدید

مجموع: متجاوز از ۵۲+

۳-۱- جدول وضعیت تدفین در منطقه شمالغرب ایران تا ۵۰۰۰ پ.م

ملاحظات	تعداد	اشیاء تدفین	نوع تدفین	طرز قرارگیری	سن:	تپه و دوره
	۴۱	—	اولیه	جمع شده	بزرگسال	گنج دره C(۴)
قبور کلسینه در آتش؟	۴۴	—	سوخته در محوطه مسکونی		۳ کودک ۱ بزرگسال	گنج دره دهکده سوخته (D)
	۲۳	—	اطاقکها و مخفظه‌های زیر کف بعضی ثانویه؟	جمع شده و درازکش	۲۳ بیشتر خردسال	گنج دره D؟
اجساد روی مله خاکستری آهک سوخته؟	۳	یک آویز صیقلی سنگی	تابوت خشتی با سقف گلی	درازکش	بزرگسال نوجوان کودک	گنج دره D؟
	۱	—	ثانویه؟	—	فک و دست	گنج دره برش غربی D
یکی برای ترات پارچه احتمالاً کفن	۱۴	یکی گردنبند با ۷۱ صدف	اولیه چین‌ها در گودی‌ها و طاقچه‌های زیر کف	اکثراً جمع شده	جین تا بزرگسال	گنج دره D
	۲+۲	دو میکرولیت تعدادی مهره	زیر کف مسقف	جمع شده	؟	گوران C-V
مهره از دندانهای سوراخ شده جانوران		تعدادی مهره از جنس صدف			؟	گوران R
	۲	—	ثانویه در گودال			گوران A-C (بدون سفال)
	۲	—	در پیرامون گودال نیمه زیر زمینی در آوار	جمع شده درازکش با گل اخرا		آسیاب نوسنگی بدون سفال (کمپ در فضای باز)

مجموع ۵۴+

۴.۱ جدول وضعیت تدفین در منطقه غرب تا ۵۰۰۰ پ.م

ملاحظات	تعداد	اشیاء تدفین	نوع تدفین	طرز قرارگیری	سن	تپه و دوره
اشیاء فقط یک آویز سنگی و در نزدیکی ۲ سرزگرز مرغوب سنگی	۵	هیچ	؟	؟	؟	چغامیش سوزانای عتیق III
اخرا؟	۱	-	آشفته	-	کودک	چغاسفید (فاز سرخ)
گل اخرا	۳	هیچ - اخرا	حصیر آشفته	- درازکش	کودک بزرگسال	چغاسفید (فاز سفید)
	۵	دست بندها، آویزها، لاپرت‌ها	؟	نیمه جمع شده	بزرگسال	علی کش (فاز محمد جعفر)
احتمالاً یک تدفین ثانوی سبزه تدفین اولیه	۱ ۱ ۲ ۱ ۱ ۶	- - - - گردنبند با یک مهره	زیر کف در حصیر زیر کف در حصیر زیر کف در حصیر زیر کف در حصیر زیر کف در حصیر	درازکش درازکش درازکش کاملاً جمع شده و نشسته	طفل کودک بزرگسال چنین کودک بزرگسال	علی کش (فاز علی کش)

مجموع ۲۸

۵.۱. جدول وضعیت تدفین در منطقه جنوب غربی تا ۵۰۰۰ پ.م.

ملاحظات	طرز تدفین	سن تقریبی	جنسیت		اثر گل اخرا	شماره بررسی جمجمه	شماره قبر	لایه	دوره	ردیف
			مونث	مذکر						
نزدیک دستانچو دو آواره گوسفند روبروی سر (قبر مسنگی)	جمع شده	زیر ۲۵	+	-	+	۱۰۶	۵	۳	I	۱
قبر مجتمع، ۱۰۴ (مشترک)	جمع شده	۴۰	+	-	+	۱۰۳	۳	۴	I	۲
قبر مشترک با ۱۰۳	جمع شده	۲۰-۳۰	-	-	+	۱۰۴	۳	۴	I	۳
—	جمع شده	۳۰-۴۰	-	+	+	۱۰۵	۴	۴	I	۴
—	جمع شده	۳۰	+	-	+	۱۰۲	۲	۴	I	۵
—	جمع شده	۳۰-۴۰	-	+	+	۱۰۱	۱	۵	I	۶
—	جمع شده	۱۵-۱۸	+	-	+	۱۱۰	۵	۱	II	۷
—	جمع شده	۲۰-۲۵	+	-	+	۱۱۱	۶	۱	II	۸
—	جمع شده	۵۰	-	+	+	۱۰۹	۱	۲	II	۹
—	جمع شده	۲۵-۳۰	-	+	+	۱۰۸	۲	۲	II	۱۰
—	جمع شده	۴۰-۵۰	+	-	+	۱۰۷	حفاری ۳	۳	II	۱۱

جدول مشخصات قبور و اجساد دوره‌های I و II سیلک (بزرگسالان)

۱-۶. جدول وضیعت تدفین در تپه سیلک تا ۵۰۰۰ پ.م

انواع تدفین						مکانهای بیش از تاریخی تا ۵۰۰۰ پ.م	منطقه
متفرقه	تابوت‌های خشتی	صندوقه‌ای	خمره‌ای	زیرکف	گودالی		
-	-	-	-	-	+	غار کمر بند	شمال
؟	-	-	-	-	+	غار هوتو	شمال
-	-	-	+	+	+	سیلک	فلات مرکزی
-	-	-	+	+	+	سنگ چخماق	فلات مرکزی
+	-	-	؟	+	+	زاغه	فلات مرکزی
-	-	-	+	+	+	اسماعیل آباد	فلات مرکزی
-	-	-	-	+	-	یانیق تپه	شمال غربی
-	-	+	+	+	+	حاجی فیروز	شمال غربی
؟	؟	؟	؟	؟	+	چغامیش	جنوب غربی
؟	-	-	-	+	+	علی کش (علی کش محمد جعفر)	جنوب غربی
؟	-	-	-	؟	+	چغاسفید	جنوب غربی
-	-	-	-	+	+	گوران	غرب
-	+	-	-	+	+	گنج دره	غرب
-	-	-	-	-	+	آسیاب	غرب

۱-۲- جدول وضعیت تدفین‌ها در ایران تا ۵۰۰۰ پ.م

جدول ۲.۲. خلاصه انواع تدفین‌های حاجی فیروز

مجموع	کف	خمرهای	صندوقی	گودالی	تعداد قبور
۱۵	۳	۱	۷	۴	تعداد قبور
۵۳	۶	۲	۴۱	۴	حداقل تعداد افراد
۵۶۶	۰	۰	۳۶۴۶	۲	حداقل تعداد تدفین اولیه
۳۹۴۱	۴	۲	۳۸۳۵	۰	حداقل تعداد تدفین ثانوی
۴۳۴۴	۳	۲	۳۷۳۸	۱۶	تعداد بزرگسالان
۱۷	۳	۲	۱۰	۲	تعداد خردسالان
۴	۲	۰	۱	۱	سن تشخیص داده نشده
۴	۰	۰	۴	۰	قبور با گل لغوی
۷	۲	۰	۵	۰	اشیاء قبور

جدول ۳-۲ خلاصه: مشخصات تدفین‌های حاجی فیروز

مجموع	شکل تدفین کمترین تعداد افراد (و سن) +۱۵ ۱-۲۴	اولیه؟ و ثانوی	تدفین صندوق‌های حاجی فیروز	شماره تدفین F _۱ , B _۱	شماره ساختمان II _۱	فاز A _۲
۱۱-۱۳	۶۸	اولیه؟ و ثانوی	تدفین صندوق‌های	F _{۱۱} , B _۲	II _۱	A _۲
۴	۲	اولیه؟ و ثانوی	تدفین در کف	B _۲ , V	III	A _۲
۴	۴	ثانوی؛ سوخته	تدفین در خمره	F _{۱۲} , B _۲	I _۱	A _۲
۲	۴	اولیه؟	گودال	H _{۱۲} , B _۲	IV	B
۵	۴	ثانوی	تدفین صندوق‌های	J _{۱۲} , B _۱	حفاری نشده	C
۲	۱	ثانوی	تدفین در کف	H _{۱۲} , B _۲	VI _۲	D
۴	۴	ثانوی	تدفین صندوق‌های	B _۲ , CV صندوقه ۲-۳	X _۲	E
+۶	۵	ثانوی	تدفین صندوق‌های	IVB _۲	X _۳	F _۱
+۱۱	۱۰	ثانوی	تدفین صندوق‌های	IVB _۲	XI _{۱,۲}	F-G
۱	۰	اولیه	گودال	B _۴ , V	XII _{۱,۲}	G-H _۱
۱	۰	اولیه	گودال	B _۵ , V	XII _{۱,۲}	G-H _۱
۱	۱	ثانوی	گودال	B _۳ , IV	XV _۲	J

* ساختمان ۳-۲ یک بنای منفرد با دو طبقه کف است که هر کدام در ارتباط با یک تدفین صندوق‌های می‌باشد.

ادامه جدول ۲.۳

گل اخری	استخوان حیوان	غیره	سنگ	سفال	سر شرق شمالغرب	محور شرقی غربی شمالغربی جنوب غربی	پهلوی چپ	وضعیت بدن جمع شده	شماره قبر F _{۱۱} B _۱
X	X	۲	۵	۲	شمالشرقی	جنوب شرقی	چپ	جمع شده	F _{۱۱} B _۲
X	X	۰	۰	۱۱	-	-	-	-	B _۲ V
•	•	•	•	•	شمالشرقی	جنوب غربی	-	-	F _{۱۱} B _۲
•	•	•	•	•	•	•	•	•	F _{۱۱} B _۲
•	•	•	•	•	•	•	•	•	F _{۱۱} B _۲
•	•	•	•	•	•	•	•	•	J _۱ B _۱
•	X	۵	•	•	-	-	-	-	H _{۱۱} B _۲
•	•	•	•	•	-	-	-	-	B _۲ A V
X	X	•	۱	۷	شمالشرقی	شمالشرقی جنوب غربی	چپ	جمع شده	B _۲ IV
X	X	•	۱	۱۸	شمالشرقی	شمالشرقی جنوب غربی	چپ	جمع شده	B _۲ IV
•	•	•	•	•	جنوب	شمال - جنوب	راست	جمع شده	B _۲ V
•	•	•	•	•	شمال	شمال - جنوب	چپ	جمع شده	B _۲ V
•	•	•	•	•	شمالشرقی	شمالغربی جنوبغربی	•	•	B _۲ IV
X	X	•	•	•	اطلاعات ناقص	مربوط نیست	•	•	X حاضر

(جدول ۱-۶) قطعات اسکلت‌های انسانی از محل‌های غیر مستقر از تپه حاجی‌فیروز

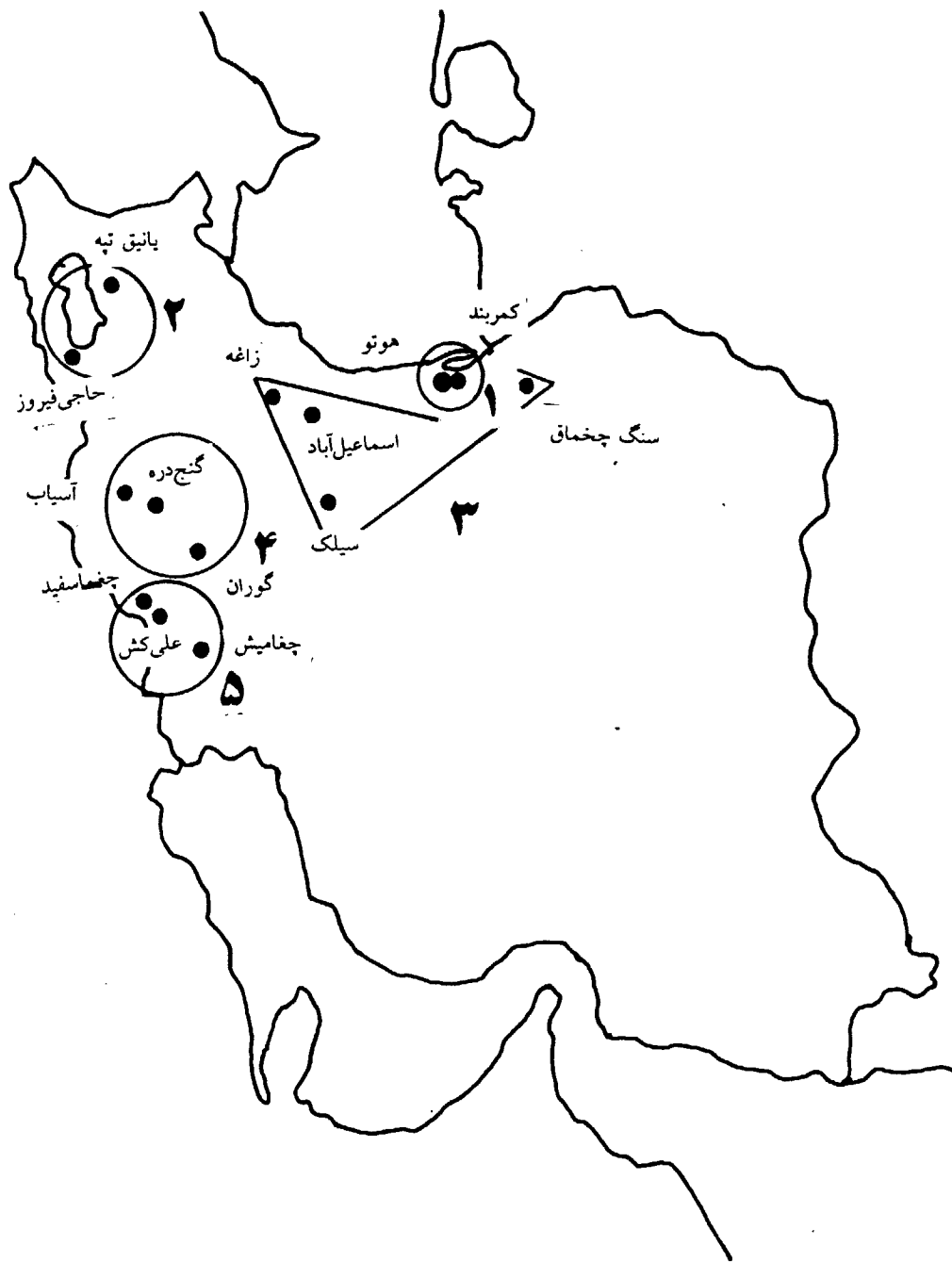
محل	فاز	وضعیت و نوع استخوان
A _۱	F _{۱۰}	سرهومورس - جدا - لبه‌های شکسته و فرسوده در اثر قدمت
B	G _{۱۱} شمال ساختمان II _۲	قطعات مجمله: لبه‌ها و سطح داخل فرسوده، صدمه اخیر در یک لبه
C	J _{۱۱} جنوب ساختمان ۳۳-حیاط	دنده: قطعاتی شامل سر، گردن و قسمتی از استخوان میله‌ای لبه‌های شکسته در اثر قدمت اما سطح سالم باندۀ قطعه‌ای از کتف راست قسمت لاتریال شامل گلوئید حفره قسمتهای از آکرومیون پروسه آکروکوتید - بطور بری شکسته و فرسوده در اثر قدمت صدمه اخیر فمور: قطعه‌ای از دیستان قسمت استخوان میله‌ای، شکسته فرسایش آب و هوا به طور بدی و بعضی صدمات اخیر
D	H _{۱۲} نزدیک دیوار شرقی ساختمان VI _۲	فمور: قطعه قسمت دیستان استخوان میله‌ای: صدمه دیده، بطور جدی فرسوده در اثر قدمت فقدان سطح بیشتر قسمت خارجی
استخوان پشانی - قطعه‌ای شامل یک حلقه: وضعیت گزارش نشده		

- ترانسه 2/3

ردیف	مکان‌ها	گل اخرا در کل تدفین بزرگسال	گل اخرا در تدفین	گل اخرا در معماری یا در آثار دیگر	نسبت به کل تدفین	ملاحظات	
۱	کمر بند	—	+	+	1:9 1/9		
۲	هوتو	-	-	-	0:3 0/3		
۳	زاغه	+	+	+	26:26 26/26		
۴	اسماعیل آباد	-	-	+	6:3 +0/3		
۵	سیلک	+	+	+	17:17 17/17	سیلک I و II خردسالان	
۶	سنگ چخماق	-	-	+	0: 42 0/42		
۷	بانیق تپه	-	-	+	0:2 0/+2		
۸	حاجی فیروز	-	+	+	32:50 32/+50		
۹	آسیاب	-	+	-	1:2 +1/2		
۱۰	گوران	-	-	+	0:6 +1		
۱۱	گنج دره	-	-	-	0:46?+? 0/46		
۱۲	علی کش	-	+	-	4:17 4/17		
۱۳	چغما سفید	+	+	-	4:4 4/4	فاز سرخ و سفید	
۱۴	چغما میش	-	-	-	0:5 0/5		
		نسبت در مجموع				85:232 85/232	

۳۶/۶ درصد کل قبور مطالعه شده در چهارده سایت مربوط به دوره‌های متفاوت زمانی تا ۵۰۰ دارای اثرات گل اخری می‌باشد.

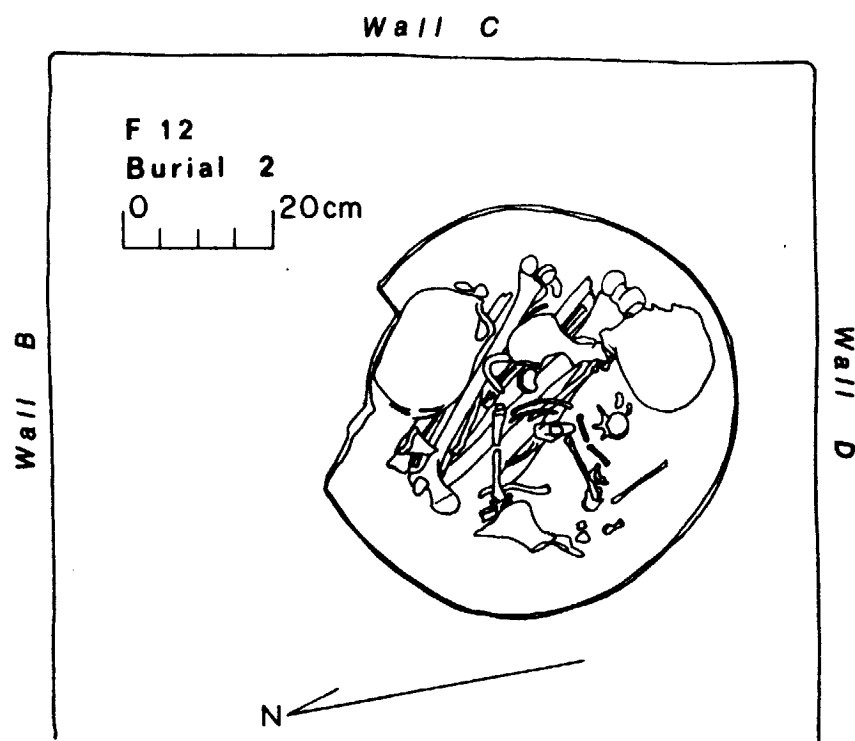
۱۷- جدول بررسی استفاده از گل اخرا و نسبت‌های آن در تدفین و در مکان‌های پیش از تاریخی مورد مطالعه



ت-۱-۱- نقشه منطقه پنج گانه و مکان‌های پیش از تاریخی مورد مطالعه



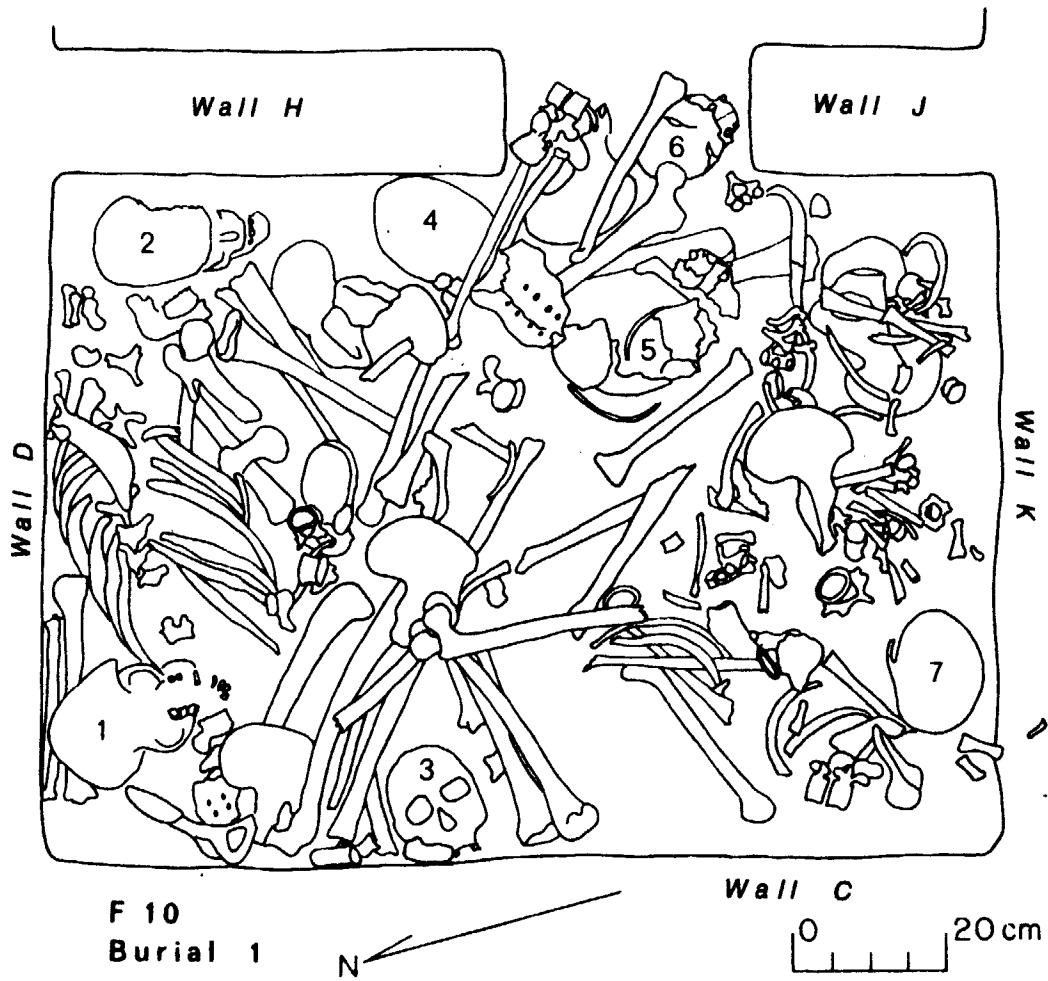
ت-۲-۲- تدفین گودالی در تپه گوران



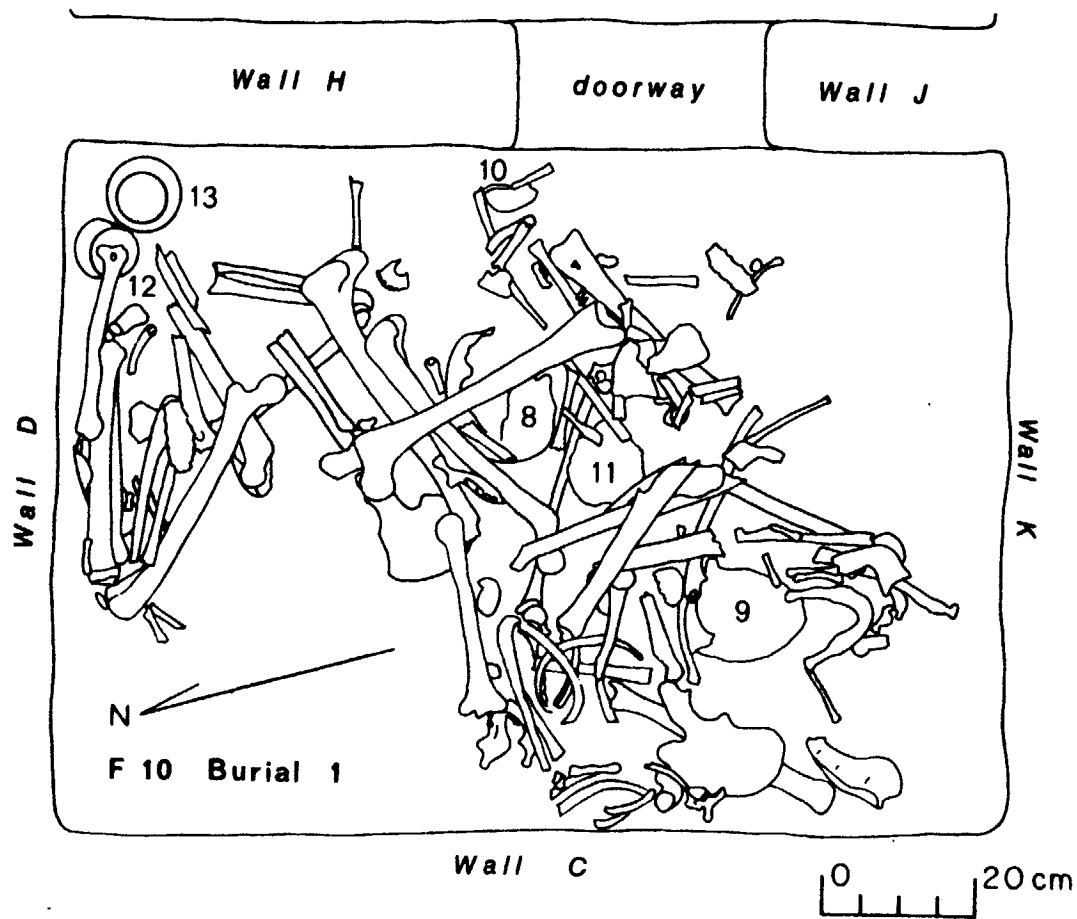
ت-۲-۳- تدفین خمره‌ای در تپه حاجی فیروز



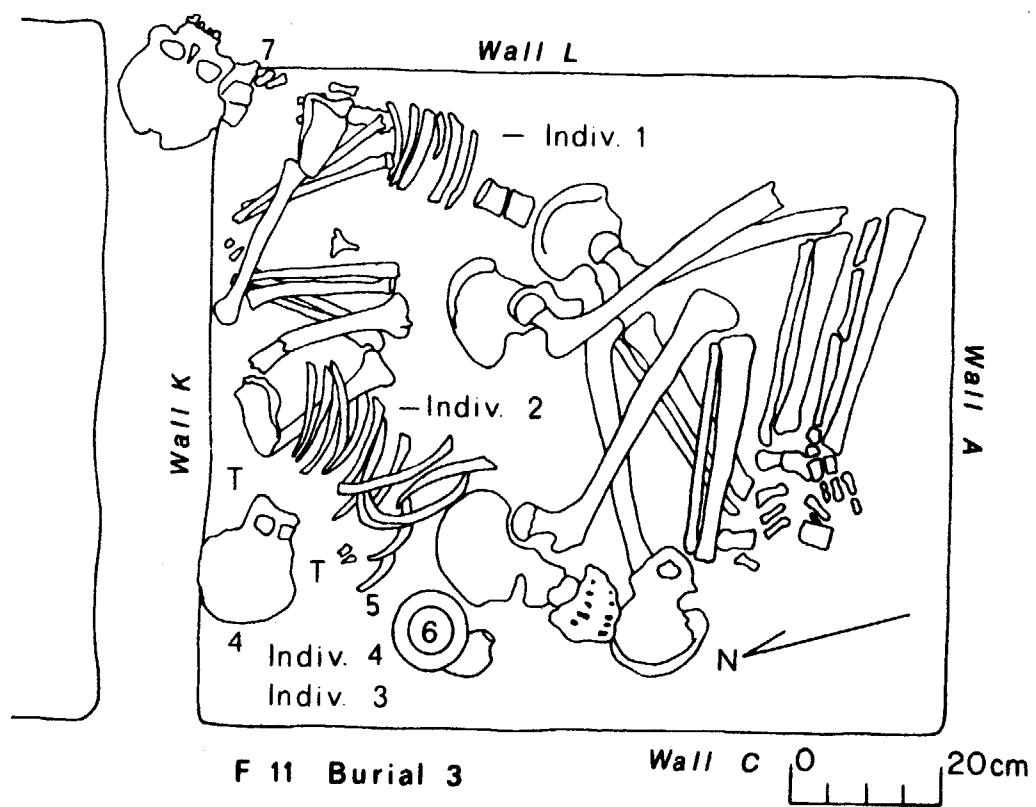
ت-۲-۴- تدفین‌های خشتی نامنظم از تپه زاغه



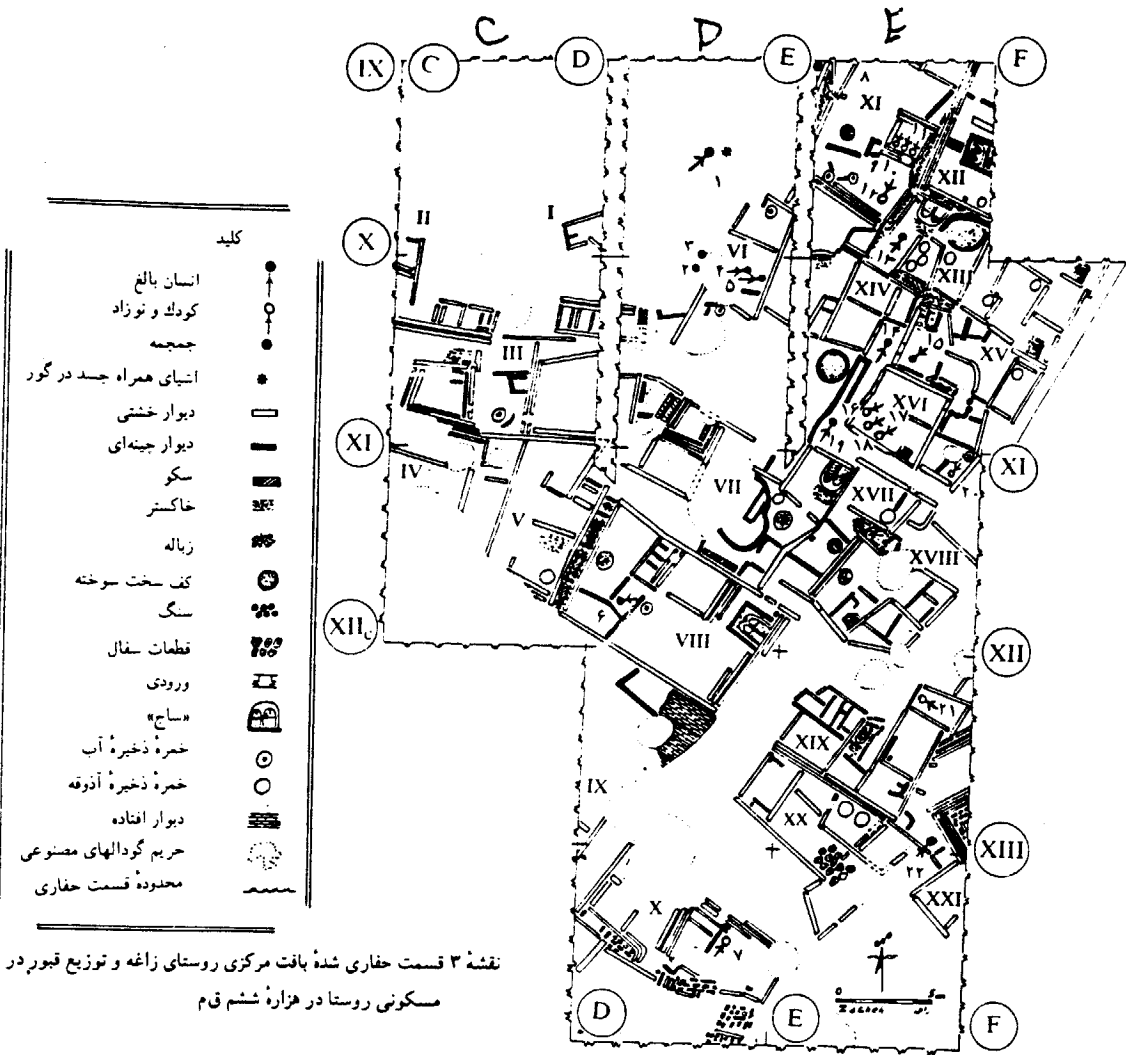
ت-۲-۵- تدفین صندوقه ای F10 تدفین ۱ از تپه حاجی فیروز



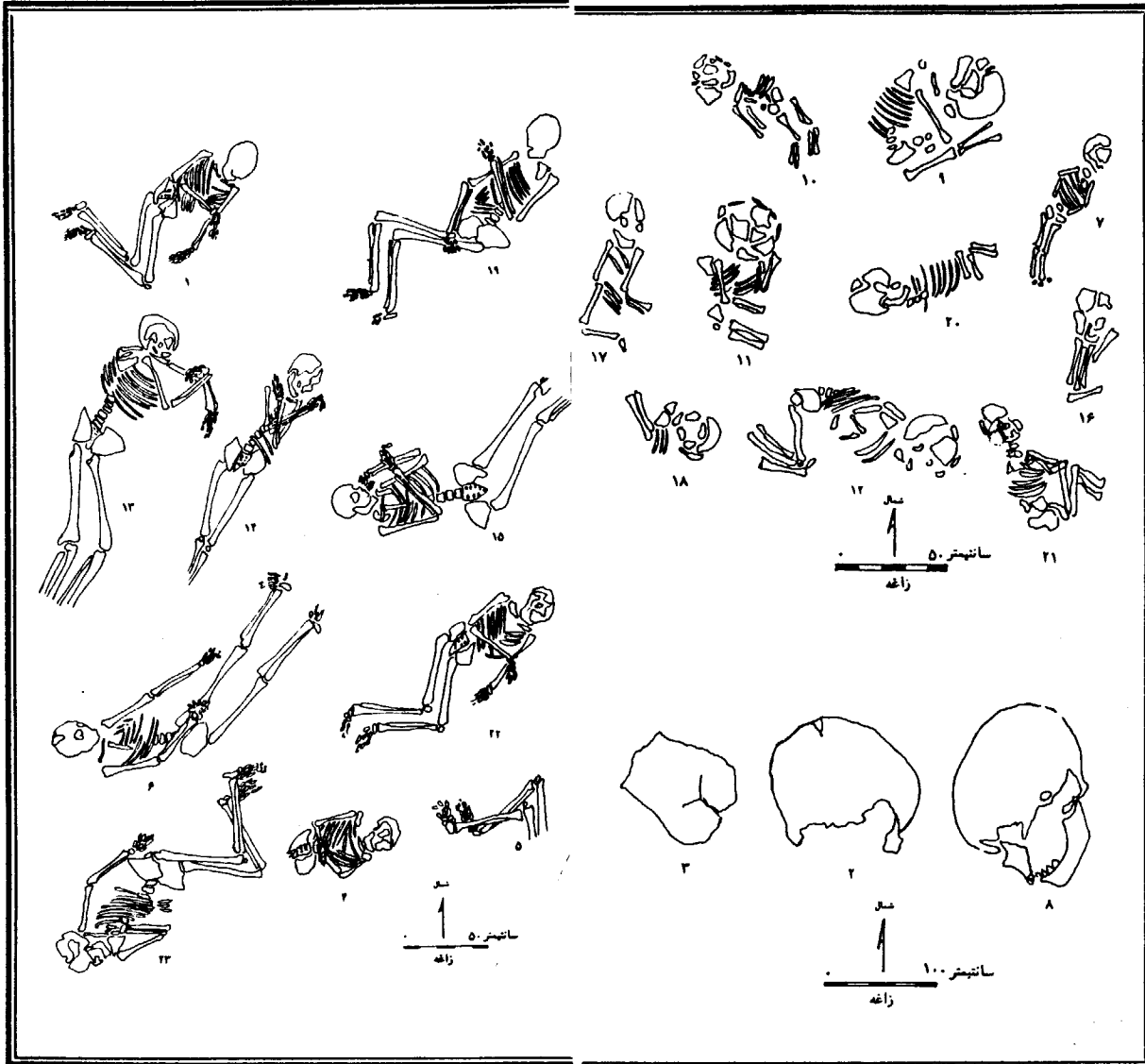
ت-۲-۶- تدفین صندوقه ای F10 تدفین ۱ لایه زیرین از تپه حاجی فیروز



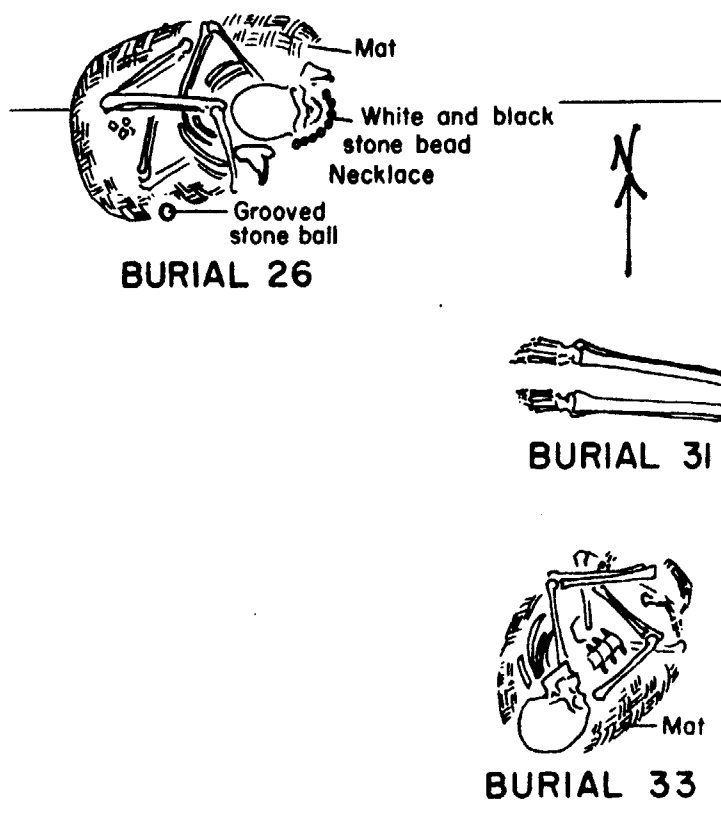
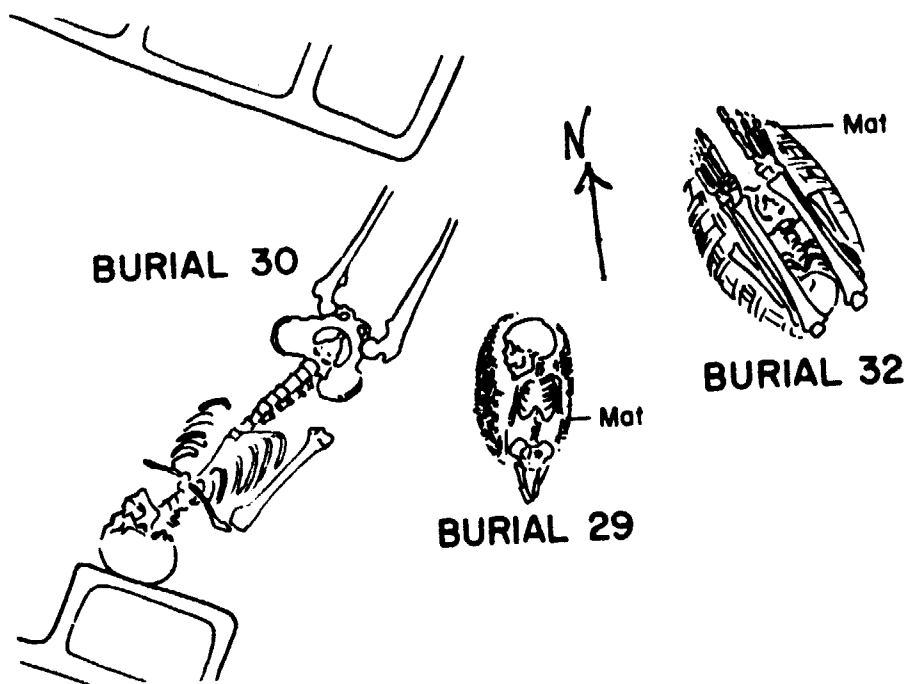
ت-۲-۷- تدفین صندوقه‌ای F11 تدفین ۳ تپه حاجی فیروز



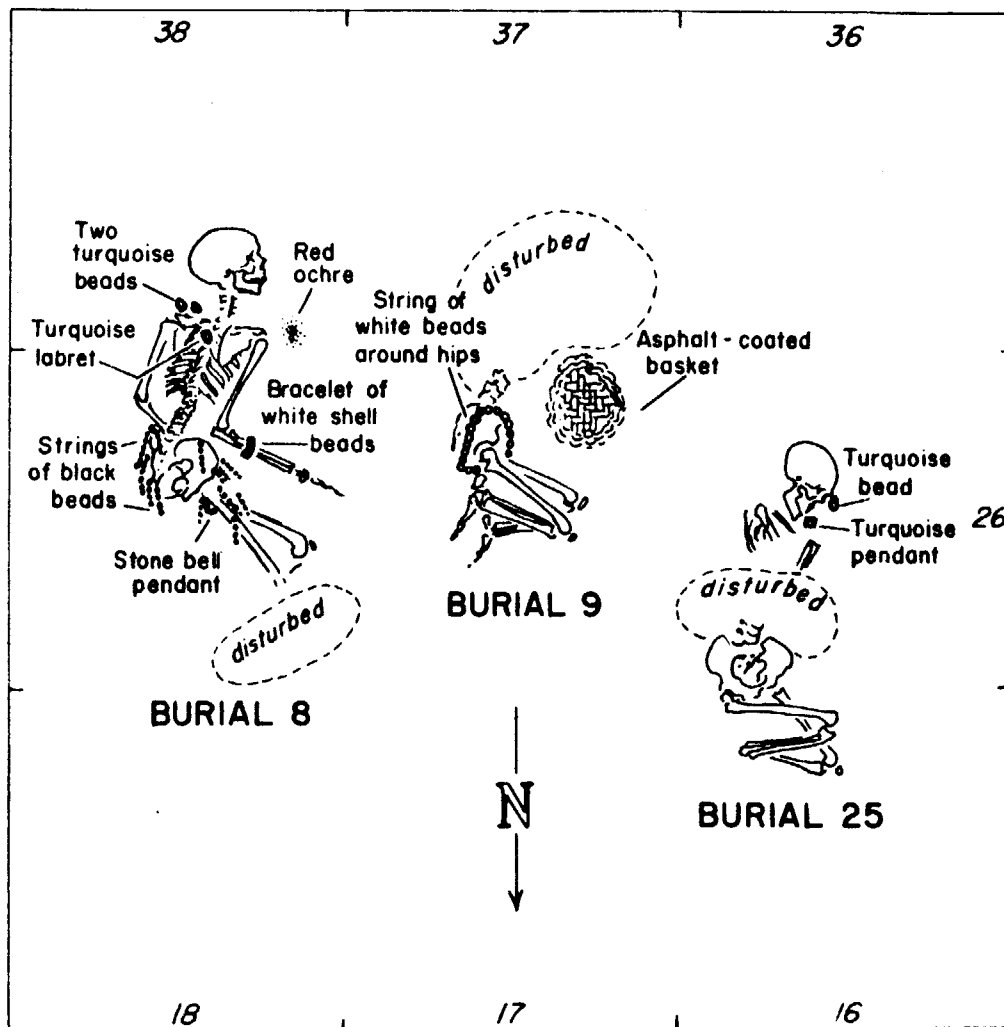
ت-۱-۳- طرح حفاری تپه زاغه و موقعیت تدفین‌های خردسالان و بزرگسالان در آن



ت-۴-۱- وضعیت قرارگیری اجساد در تپه زاغه



ت-۴-۲- وضعیت طرز قرارگیری اجساد در تپه علی کش فاز علی کش



ت-۱-۵- تزئینات شخصی در ارتباط با تپه علی کش فاز محمد جعفر

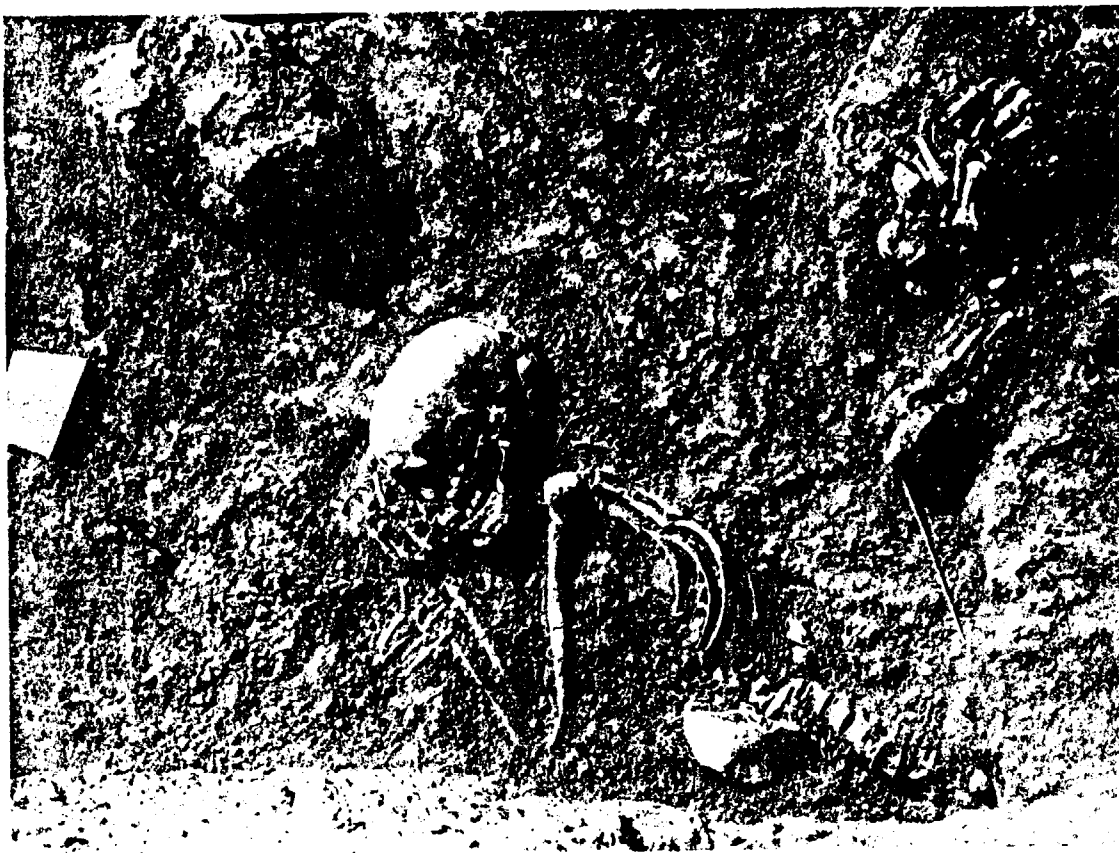


2- Child burial in Level D, with stone and shell beads.

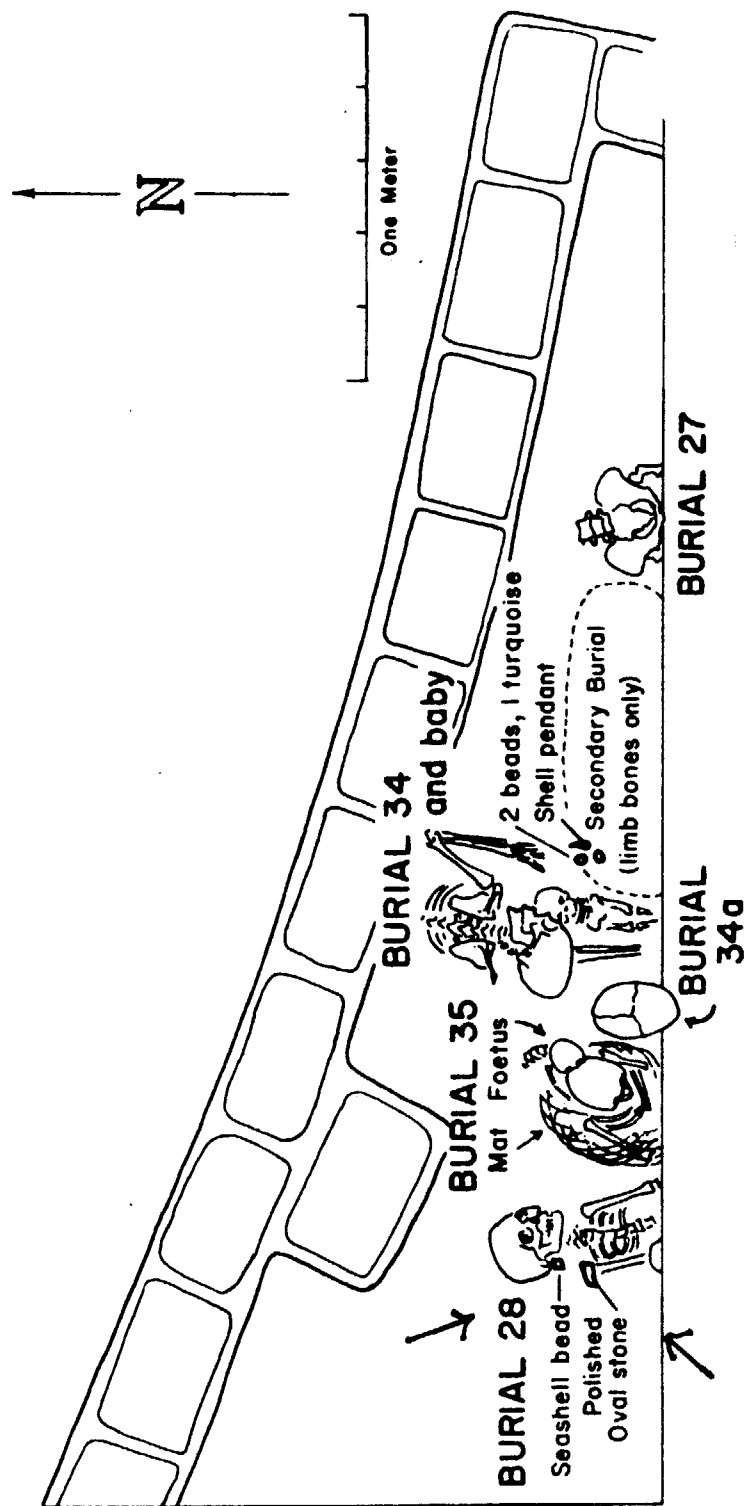
209

ت-۵-۲- تزئینات شخصی در یکی از قبور گنج دره

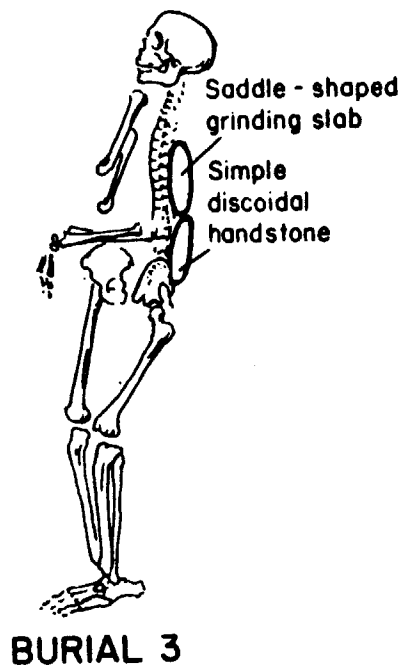
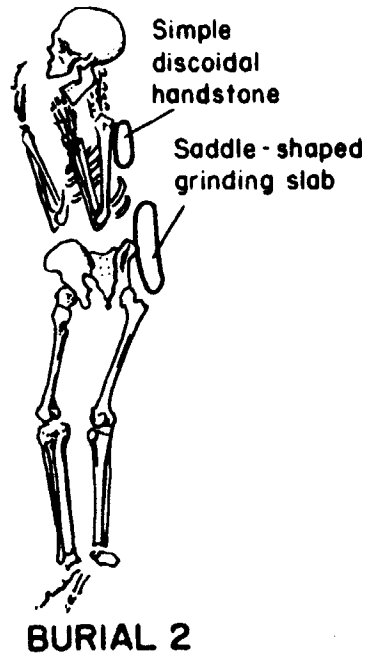
۱۹۰



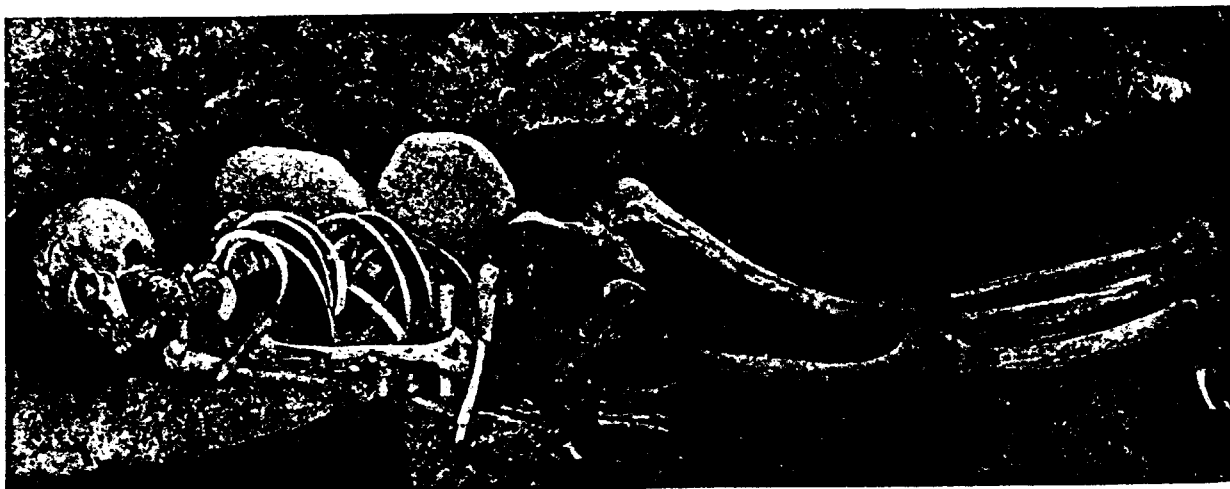
ت-۵-۳- وضعیت قرارگیری سنگهای صیقلی در تپه زاغه



ت-۴-۵- وضعیت قرارگیری سنگها در تدفین ۲۸ تپه علی کش فاز علی کش



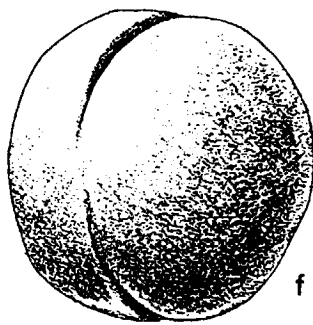
ت-۵-۵- وضعیت قرارگیری مصنوعات سنگی در رابطه با قبور فاز بیات در تپه سبز (طرح)



C

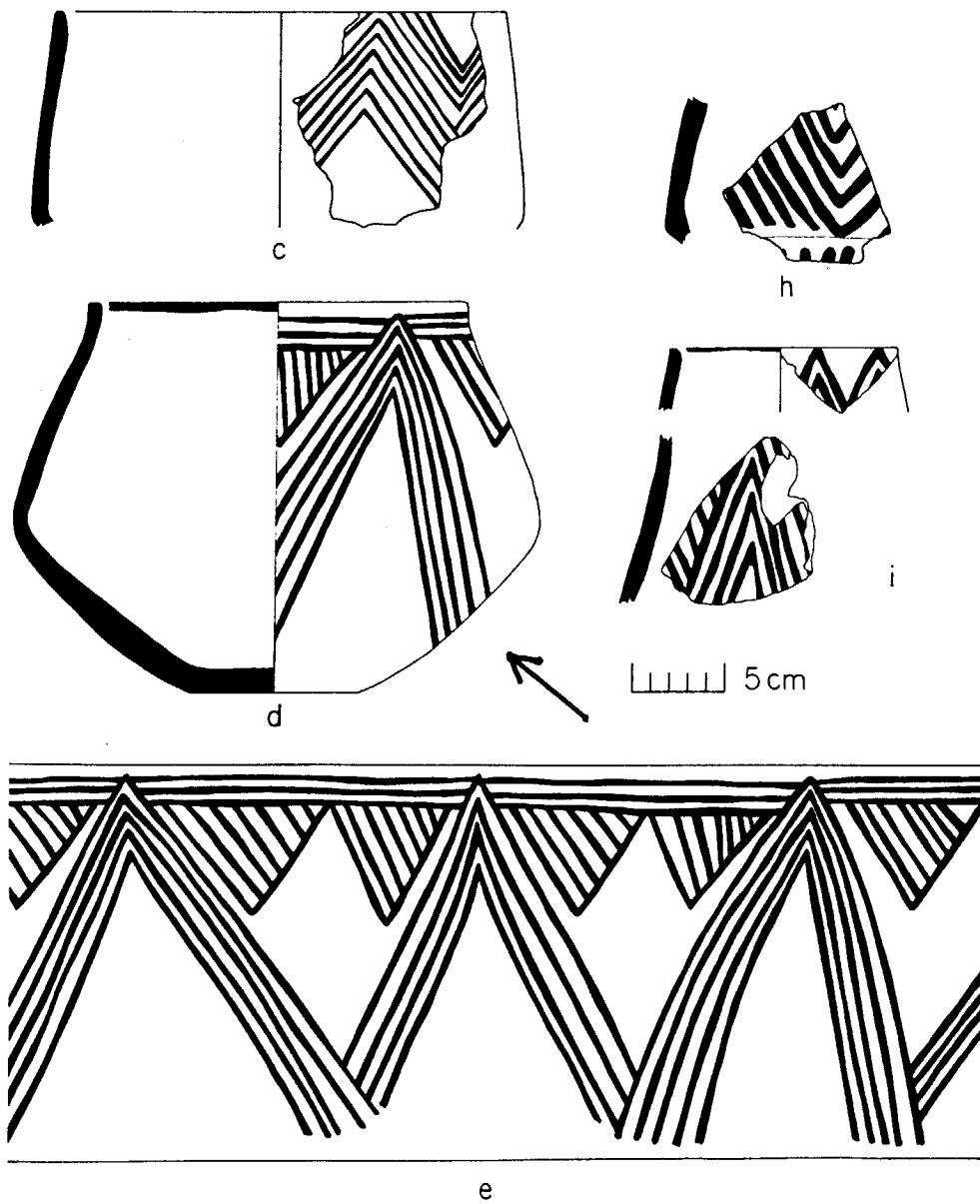
Bayat phase burials at Tepe Sabz: *a*, Burial 5, adult; *b*, Burial 4, infant; *c*, Burial 3, adult female, accompanied by saddle-shaped grinding slab and large discoidal handstone.

ت-۵-۶- عکس فاز بیات در تپه سبز وضعیت قرارگیری مصنوعات سنگی

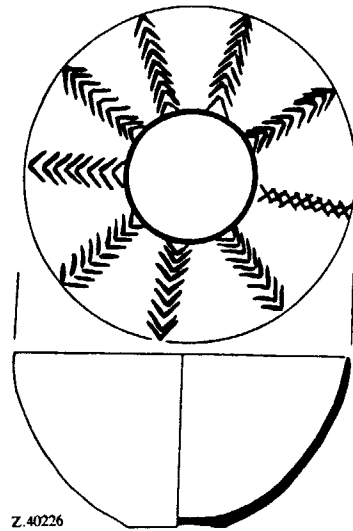
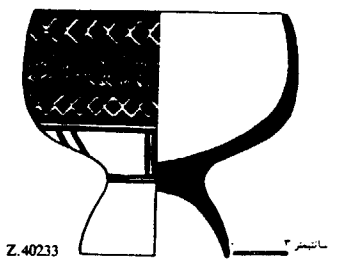
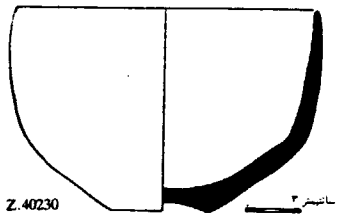
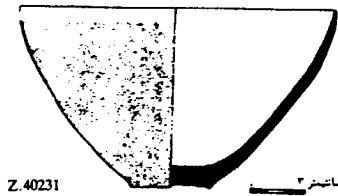
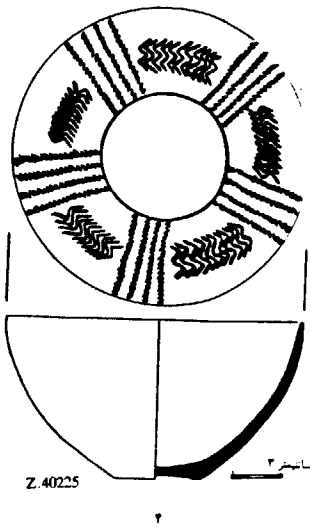
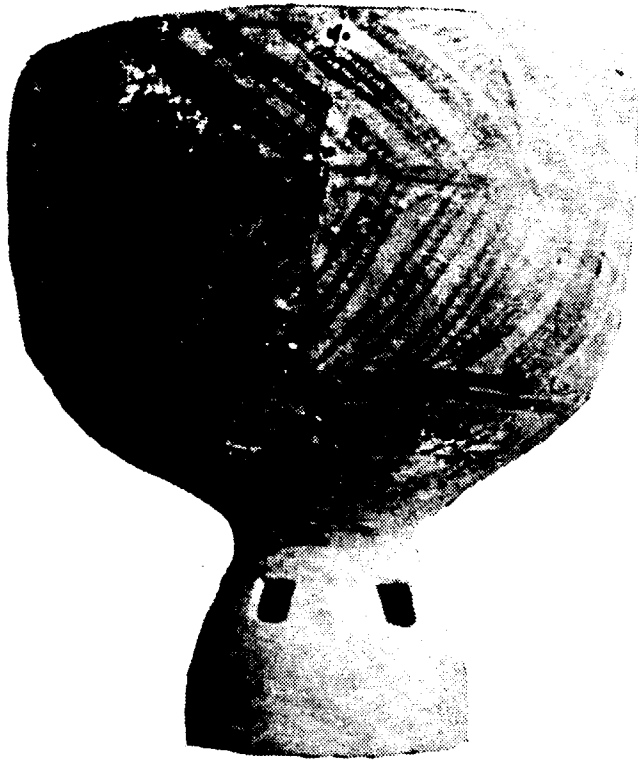


f, pecked stone ball with encircling groove, found with Burial 26, zone B₂, Ali Kosh phase.

ت-۵-۷- تصویر سنگ یافته شده در ارتباط با تدفین ۲۶ فاز علی کش تپه علی کش



ت-۵-۸- تصویر سفال منقوش یافت شده از یکی از قبور حاجی فیروز



ت-۵-۹- تصویر سفال‌های یافت شده از تدفین‌های تپه زاغه

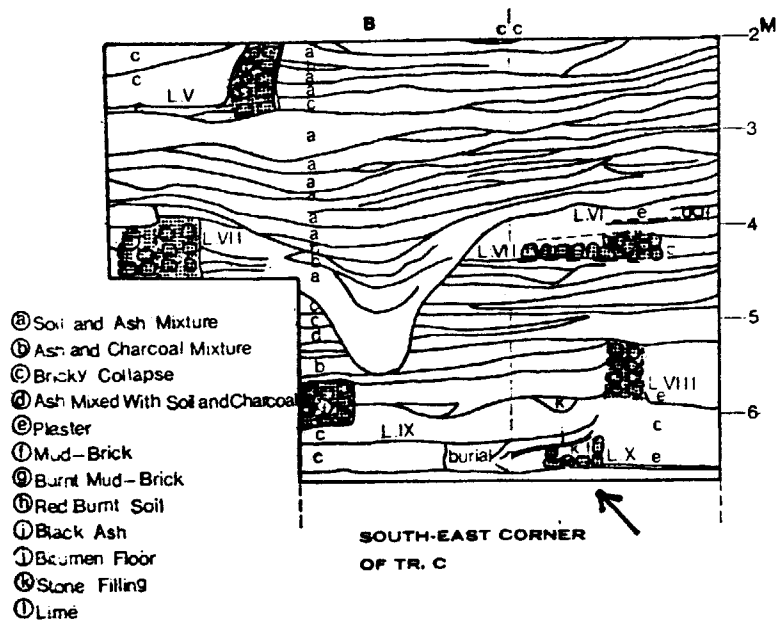


Fig. 3. Sections A and B showing architectural evidence of levels I, II, III, IV, V, VI, VII, VIII, IX & X.

ت-۵-۱۰- تصویر آثار ا جاق در تپه اسماعیل آباد

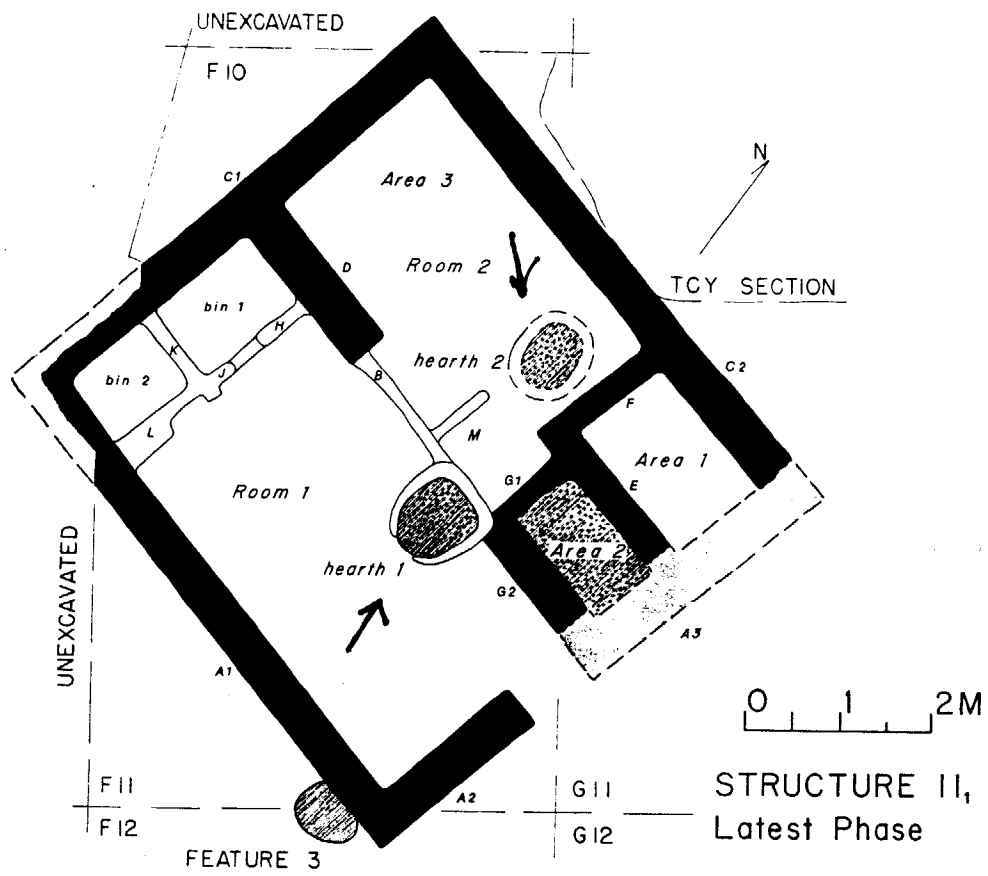
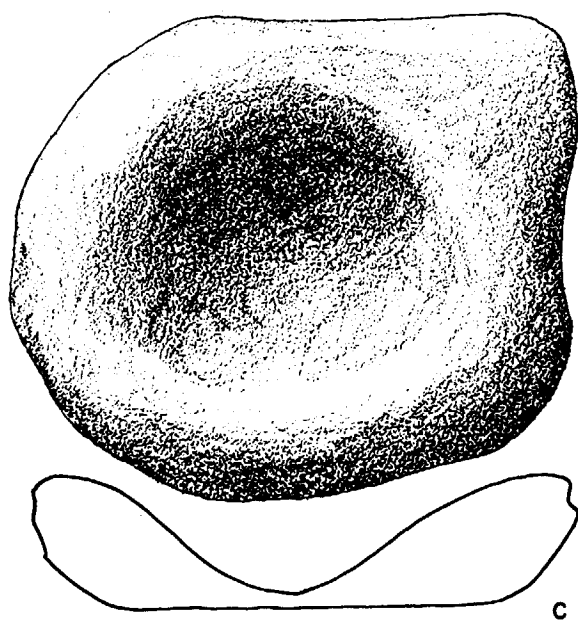


Figure 30.

ت-۵-۱۱- تصویر آثار اجاق در تپه حاجی فیروز

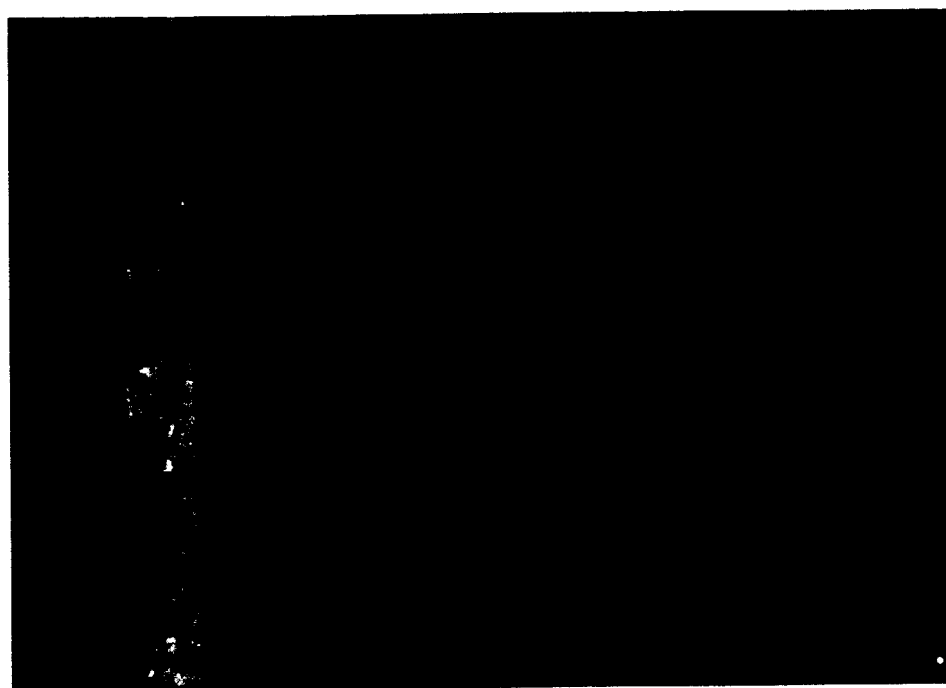
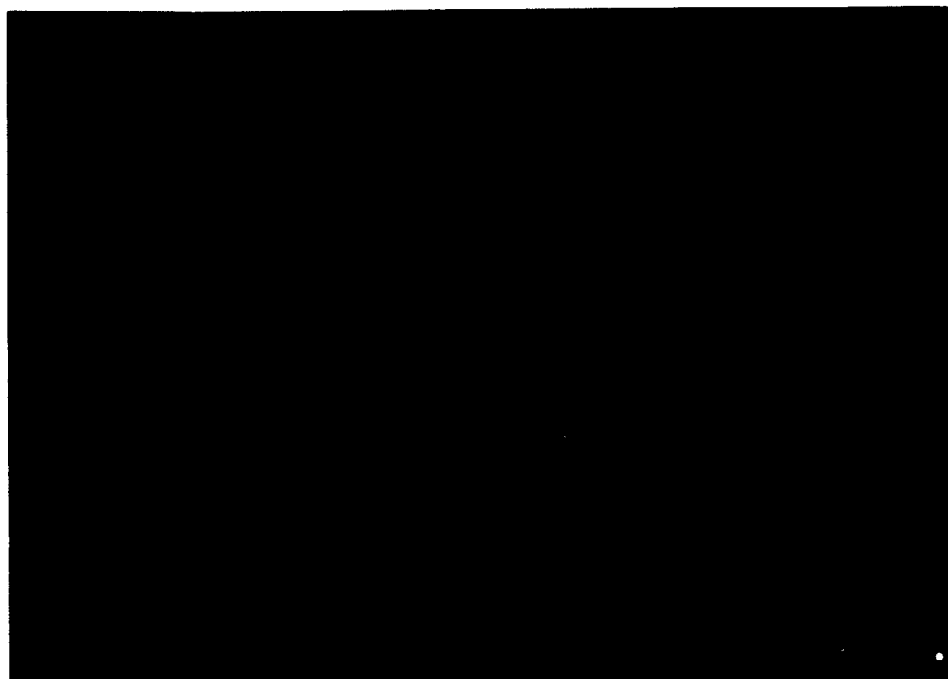


0 5 10cm

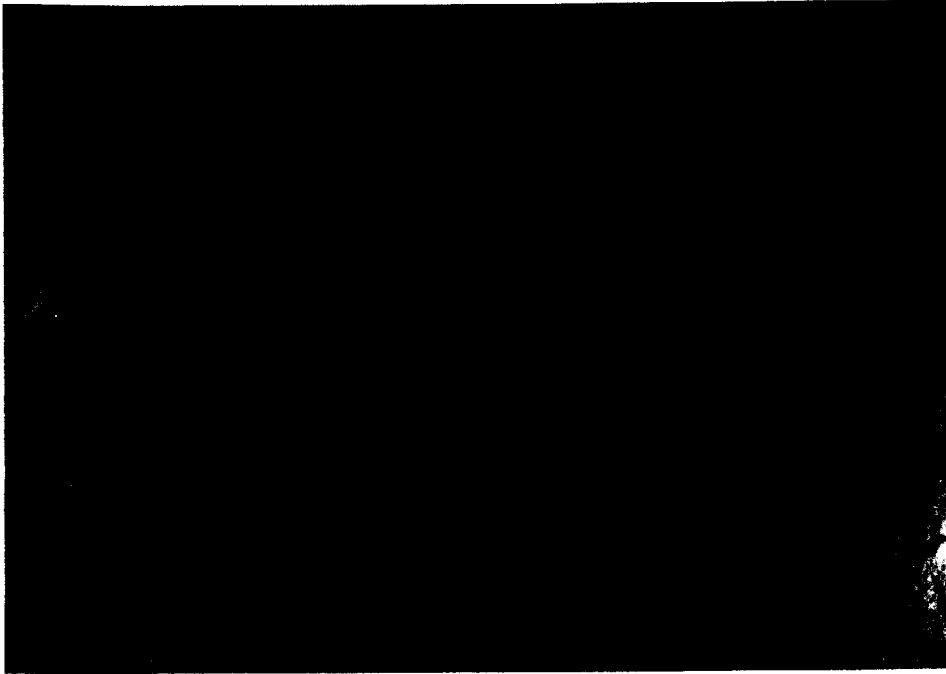
ت-۵-۱۲- نمونه‌ای از بزرگسالها یا هاون‌هایی با اثر رنگ



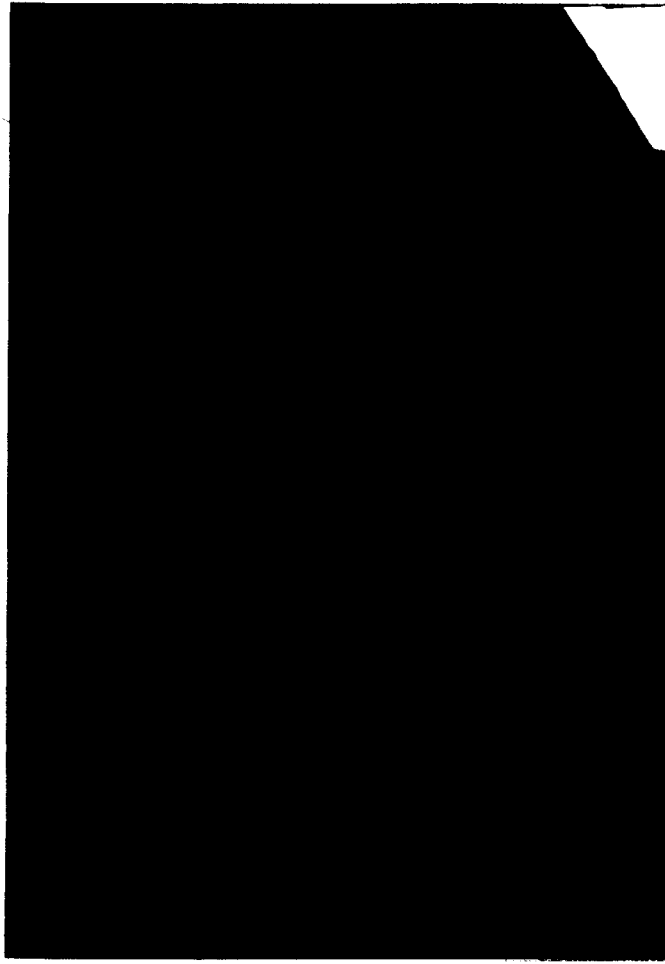
ت-۷-۱- تصویر نمایی عمومی از روستای زراندین علیا



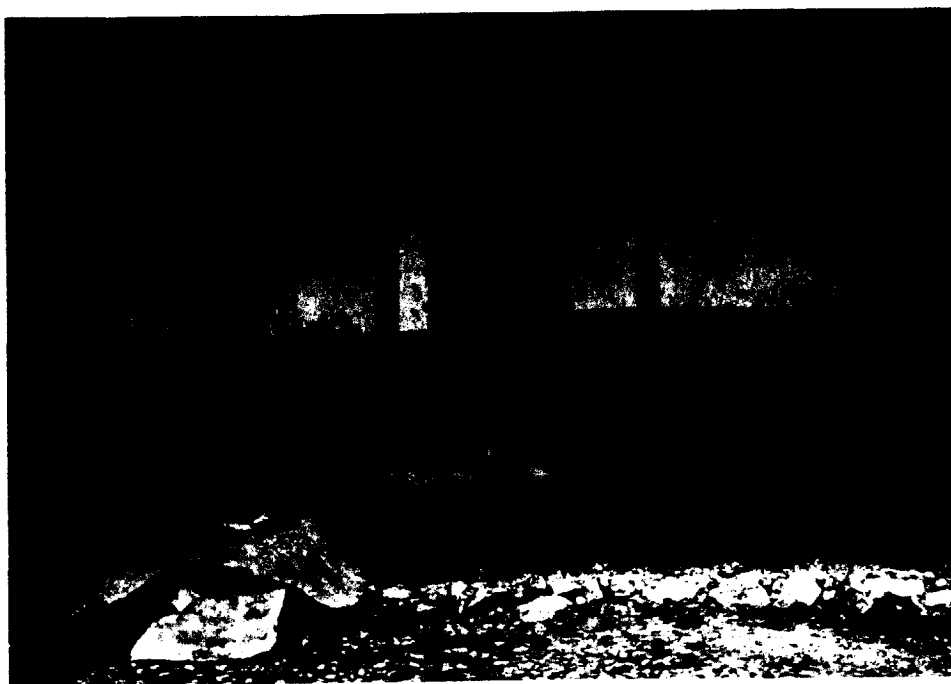
ت-۷-۲- کاربرد گل اخرای قرمز در یکی از خانه‌های زران‌دین علیا



ت-۷-۳- یکی از خانه‌های قدیمی روستای زراندین علیا



ت-۴-۷- تصویر کاربرد گل افرا و مواد معدنی رنگی در روستای زراندين عليا



ت-۷-۵- تصویر کاربرد گل افرا و مواد معدنی رنگی در روستای زرانندین علیا

فهرست منابع

- ۱- آزادگان جمشید، ادیان ابتدای تحقیق در توتسمیم، انتشارات علمی و فرهنگی تهران ۱۳۷۲
- ۲- الیاد میرچه، آیین‌ها و نمادهای آشناسازی رازهای زادن و دوباره زادن ترجمه نصرالله زنگویی، تهران، آگاه، ۱۳۶۸
- ۳- باب الحوایجی نصرالله، روح در قلمرو دین و فلسفه تهران، دریا، ۱۳۴۵
- ۴- بازن مارسل، طالش منطقه‌ای قومی در شمال ایران جلد اول ترجمه مظفر امین فرشچیان، آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۷
- ۵- حاکمی اسماعیل، حفاری در تپه موشه‌لان اسماعیل آباد ساوجبلاغ آثار و اشیاء چهار هزار سال قبل از میلاد، سالنامه کشور ایران چهاردهم ۱۳۳۸
- ۶- دهخدا علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، شماره مسلسل شش، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸
- ۷- دی ون مارگریت، داستانهای مصر باستان، جلد اول ترجمه اردشیر نیکپور چاپ دوم، ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۶
- ۸- شهریار محمد حسین، حیدر بابایه سلام چاپ سوم، تبریز، حقیقت ۱۳۴۷
- ۹- فروید زیگموند، توتم و تابو ترجمه دکتر محمد علی خنجی چاپ دوم طهوری تهران ۱۳۵۱
- ۱۰- قضایی صمد، پزشکی قانونی، دانشگاه تهران ۱۳۶۸
- ۱۱- ملک شه میرزادی صادق، بررسی طبقه اجتماعی در دوران استقرار در روستا براساس روش تدفین در زاغه، باستان‌شناسی و تاریخ سال دوم شماره دوم ص ۱۲-۲ بهار و تابستان ۱۳۶۷
- ۱۲- ملک شه میرزادی صادق "تپه زاغه: تحلیلی از عملکرد منازل مسکونی" مجله باستان‌شناسی و تاریخ سال ششم شماره اول و دوم ص ۱۲-۲ آبان ۱۳۷۱
- ۱۳- ملک شه میرزادی صادق، مبانی باستان‌شناسی ایران بین‌النهرین مصر چاپ اول تهران، محیا، ۱۳۷۳
- ۱۴- مک کال هنریتا، اسطوره‌های بین‌النهرین ترجمه عباس مخبر چاپ اول تهران ۱۳۷۳
- ۱۵- معین محمد فرهنگ فارسی جلد اول تهران، امیر کبیر، ۱۳۴۲
- ۱۶- نگهبان عزت‌الله، گزارش مقدماتی دو ماهه عملیات حفاری در دشت قزوین منطقه سگزآباد، مارلیک

۱. شماره ۱، ص ۲۳-۱۶، ۱۳۵۱

۱۷- ورجاوند پرویز، سرزمین قزوین: سابقه تاریخی و بناهای تاریخی سرزمین قزوین، تهران، انجمن آثار

ملی، ۱۳۴۹

۱۸- هنری هوک ساموئل، اساطیر خاورمیانه، مترجمان علی اصغر بهرامی فرنگیس مزداپور چاپ دوم

تهران ۱۳۷۲

19- Burney C. A "Excavations at yanik tepe North west Iran", IRAQ, Vol XX III, PP 138, 1967

20- Burney C. A "the Excavations at yanik tepe Azer baijan, 1962", IRAQ, Vol XXVI PP54, 1964

21- Braid wood, Robert J, Prehistoric Archeology along the Zagros Flanks, the oriental institute of chicago, 1983

22- Braid wood robert J. "the origin and Growth of a research, Focus: Agricultural Beginnings" EXPEDITION, volume 28, 1986

23- Coon, carleton, S., "Cave Explorations in Iran 1949" , university of pennsylvania 1951

24- Coon, carleton, S. "university Museum in Iran, 1949" ARCHAEOLOGY, vol IV, PP 116-118, 1957

25- Coon, carleton, S. "Excavations in Hotocave, Iran, 1957, a preliminary report" Proceeding of American Philosophical societies, vol 96, No.3 PP. 231-249, 1952

26- Coon, carleton, S., Seven Caves, Jana than Cape London, 1957

27- Delougaz P.P "chogha Mish", IRAN, Vol. V, PP 147-149, 1967

28- Delougaz P.P and Kantor H. J. "the 1973-1974 Excavations at GOQAMIS

"Proceedings of the IIIrd Annual symposium on Archaeological research in Iran
tehran, PP. 93-94, 1975

29- GHIRSHMAN, R. FOUILLE DE SIALK PRES DE KASHAN, VOLUME I , PARIS, 1938

30- GHIRSHMAN R. FOUILLES DE SIALK PRES DE KASHAN VOLUME II, PARIS, 1939

31- Hole, F. , Flannery kent V. and Neely J. A, Ecology of the Dehloran plain
And Earlyvillage Sequences From Khuzistan, Iran, memoire of the Museum of
anthropology, university of michigan, NO. 1, Ann Arbor 1969.

32- Hole F. studies in the Archaeological history of the Dehloran plain the
Excavation of chogha sefid. Memoire No. 9 uniresity of Michigan Ann Arbor 1977.

33- Hole F. , the Archeology of western Iran washington D.C 1987

34- Masuda S. "Excavation at tappe sang Gagmag" in Proceeding of the II nd
Annual symposium on Archaeological research in Iran 1974

35- Masuda S-I, "report of the Archaeological investigations at sahrud, 1975"
Proceeding of the IV the Annual Symposium Archaeological research in Iran,
1976.

36- Matney tim "Re-excavating chesmeh Ali" EXPEDITION, Volume 37, No. 2,
Pennsylvania PP 26-38, 1995

37- Mellaart James Catal, a Neolithic town in Anatolia, london, 1967

38- Mellaart James, The Neolithic of the Near east, london, thames and Hudson,
1975.

39- Mortensen Peder "Excavation at tepe Guran Luristan: II. Early village
Farming occupation" ACTA ARCHAEOLOGICA, Vol 34, COPENHAGEN 1964

40- NEGHAHBAN, E. O "Preliminary report of the Excvation of SAGZABAD" VI th
international cong ress Iranian Art and Archeology oxford 1976

- 41- Smith P.E.L. "Ganj Dareh tepe" IRAN, VOL XIII, PP 178-180, 1970
- 42- Smith P. E. L. "Ganj Dareh tepe" IRAN, VOLX, PP 165-168, 1972.
- 43- Smith P. E. L. "Ganj Dareh tepe, Iran" PALEORIENT, VOL. 2, PP 207-209, 1974.
- 44- Smith P. E. L "Ganj Dareh Tepe" , IRAN VOL XII, PP 179-180, 1975
- 45- Smith P. E. L, reflections on four seasons of excavations at Ganj Dareh, The Memorial volume, OXFORD , 1976.
- 46- TALA'I HASAN "Stratigraphical Sequence and Architectural remains at ismailabad" AMI , BAND 16, 1983
- 47- Voigt Mary M. , HAJI Firuz tepe, Iran: the Neolithic settlement; hasanlu Excavation reports Volume I, university of Pennsylvania, 1983

Abstract

This period begins with pit burials which first occurs in temporal habitations. Floor burials have been found in Early villages. Pithos burials were used for fetus, Newborn and infants specially in central plateau of Iran. Bin ossuaries are found only in Haji Firuz tepe and were never seen in other Sites in Neareast. These burials also indicate secondary burials in Iran. considering shape as mentioned there are other forms of burials such as brick sarcofage in Ganj dareh and irregular brick graves in tepe zaghe. it seems that sex has no influence on situation of graves although for non adults an especial behaviour is understood. generally, interment near and beneath the residential areas of early villages is a characteristic of this period. at the beginning of this period Flexed position has great percentage. but this changes to extend and other forms in early and middle village periods. For the first time grave affairs are classified as: a) ornaments b) grave objects and other remains c) offerings. group (b) indicates Functional and ritual shapes where (c) is only ritual. secondary burials are easily proved from Haji Firuz. disarticulated bones in other sites probably indicate structural shapes. Functional shapes are known with red ochre perhaps other minerals. Form of habifation sometimes necessitate especial forms of burials. for the first time Ethno Archaeological methods has been used to prove functional shapes of burials.

University of TARBIAT Modarress
(Lecturer Trainig)

Faculty of human sciences

M.A. Thesis for prehistoric Archaeology
Burial in Iran from beginning to 5000 B.C

Ahmad chaychi Amirkiz

Consultant

Hasan TALA'I P H. D

Advisor

A.A. SARFARAZ

SUMMER 1996

V V V V